

بسم الله الرحمن الرحيم

تقديم به روان مطهر آن روح الهی
پیرعارف، پیرشهادت و پیرحماسه و تقديم
به رهروان راه او که از خرمشهر تا
خونین شهر و از خونین شهر تا
خرمشهر، از میدان های شهادت و
حماسه سرافراز بیرون آمدند.

<http://www.ciw8.net>

سیری در جنگ ایران و عراق - جلد اول

خونین شهر تاخرمشهر

بررسی وقایع سیاسی - نظامی جنگ از زمینه سازی تهاجم عراق به ایران

تا آزادسازی خرمشهر (از شهریور ۱۳۵۹ تا خرداد ۱۳۶۱)

چونده جلد از اول

نخستین معاونت فرهنگی - هنری، سازمان خرمشهر



مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ

مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

سیری در جنگ ایران و عراق - جلد اول

خونین شهر تا خرمشهر

نویسنده : محمد درودیان

ویرایش محتوایی : بهاءالدین شیخ الاسلامی

ویرایش برای چاپ چهارم : مهدی انصاری

گروه طراحی و ترسیم نقشه : محسن رشید ، اسدالله احمدی

حسن دری ، علی محمد تقیئی

طراحی جلد : حشمت‌الله شمس ، حمیدرضا دانشفر

آماده‌سازی (حروفچینی ، صفحه‌آرایی ، استخراج و تنظیم فهرست راهنمای موضوعی) :

مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ - مدیریت بهره‌دهی

تعداد : ۳۰۰۰ نسخه

چاپ چهارم : ۱۳۷۷

چاپ : پژمان

لیتوگرافی : الوان

ISBN : 964-6315-24-0

شابک ۰-۲۴-۶۳۱۵-۹۶۴

قیمت : ۶۰۰ تومان

استفاده از مطالب کتاب در نشریات و کتب فقط با ذکر مأخذ مجاز و در سایر

موارد منوط به اجازه مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ است .

ستاد مشترک سپاه پاسداران انقلاب اسلامی - اداره عملیات -

مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۱	مقدمه

فصل اول

از اشغال تا آزادسازی

۱۹	زمینه‌های شکل‌گیری تهاجم
۲۳	اهداف عراق از تهاجم سراسری
۲۵	تهاجم در جبهه جنوبی و زمین‌گیر شدن دشمن
۲۶	محور دزفول
۲۷	محور چزابه سوسنگرد اهواز
۲۹	محور نشوه جفیر اهواز
۳۰	محور شلمچه خرمشهر آبادان

نبرد در خرمشهر	۳۱
مقاومت رزمندگان و ناکامی دشمن در اشغال سریع شهر	۳۱
عبور از کارون و تشدید نبرد	۴۳
ورود به شهر	۴۵
تغییر خرمشهر به خونین شهر	۴۶
سقوط خرمشهر	۴۸
توقف سراسری دشمن	۵۰
الف: فرصیات و محاسبات غلط در ارزیابی اوضاع داخلی ایران	۵۲
ب: عدم تطابق اهداف سیاسی با توان نظامی	۵۴
آخرین مواضع اشغالی	۵۵
بررسی وضعیت سیاسی نظامی کشور	۵۸
وضعیت سیاسی	۵۹
وضعیت نظامی	۶۱
آزادسازی مناطق اشغالی و روند شکل گیری آن	۶۶
(۱) تغییر وضعیت داخلی کشور	۶۸
(۲) تحول روحی و معنوی در مردم	۶۸
(۳) گسترش سازمان رزم سپاه	۶۹
(۴) همکاری و هماهنگی ارتش و سپاه	۷۰
(۵) ابتکار و خلاقیت در صحنه های نبرد	۷۱
(۶) عدم درک دشمن از وضعیت جدید	۷۲
سلسله عملیات بزرگ	۷۳
عملیات ثامن الائمه	۷۳
عملیات طریق القدس	۷۵
آثار عملیات طریق القدس	۷۸

۸۱	 عملیات فتح‌المبین
۸۳	 نتایج داخلی سه عملیات بزرگ
۸۵	 پس از فتح‌المبین
۸۶	 استیصال دشمن
۸۸	 بازتاب پیروزیهای ایران در رسانه‌های خارجی
۹۰	 وضعیت سیاسی منطقه خاورمیانه
۹۳	 فهرست مآخذ فصل اول

فصل دوم

آزادسازی

۹۹	 منطقه عملیاتی بیت‌المقدس
۹۹	 انتخاب منطقه
۱۰۳	 زمین منطقه و آرایش دفاعی دشمن
۱۰۷	 ویژگیها و تفاوتهای مناطق عملیاتی بیت‌المقدس و فتح‌المبین
۱۱۰	 طرحریزی عملیات
۱۱۱	 مأموریت و اهداف
۱۱۲	 طرح مانور
۱۰۹	 ۱ تهاجم به دشمن با اتکا به جاده اهواز خرمشهر
۱۰۹	 ۲ عبور از رودخانه کارون
۱۱۶	 سازمان رزم و مأموریت قرارگاهها
۱۱۹	 بررسی مانور قرارگاهها
۱۲۳	 طراحی عبور از کارون
۱۲۸	 ویژگیهای طرح مانور
۱۲۹	 پشتیبانی عملیات
۱۲۹	 (۱) مهندسی رزمی

- ۱۳۰ (۲) نیروی هوایی و هوانیروز
- ۱۳۱ (۳) توپخانه
- ۱۳۱ (۴) پدافند هوایی
- ۱۳۱ (۵) تک پشتیبانی
- ۱۳۲ در آستانه عملیات بیت المقدس

شرح عملیات

- ۱۳۶ مرحله اول عملیات
- ۱۳۸ گزارش قرارگاههای تابعه
- ۱۴۰ عکس العمل دشمن
- ۱۴۳ دومین شب عملیات
- ۱۴۴ مرحله دوم عملیات
- ۱۴۷ عقب نشینی اساسی دشمن
- ۱۵۳ نتایج مرحله دوم عملیات
- ۱۵۱ مرحله سوم عملیات
- ۱۴۸ عکس العمل دشمن
- ۱۵۳ نتایج مرحله سوم عملیات
- ۱۵۵ مرحله چهارم عملیات
- ۱۵۹ نتایج و دست آوردهای عملیات

فصل سوم

بازتاب پیروزی

- ۱۶۵ اشاره
- ۱۶۷ تغییر توان سیاسی نظامی به سود ایران
- ۱۷۰ برتری سیاسی و نظامی ایران
- ۱۷۱ شکست سیاسی و نظامی عراق

تغییر ماهیت جنگ	۱۷۱.....
نگرانیها و اقدامات امریکا	۱۷۸.....
تشکیل جبهه میانه‌رو عرب	۱۸۲.....
تلاش برای حفظ صدام و تقویت عراق	۱۸۴.....
تلاش برای تحمیل صلح به ایران	۱۸۶.....
فهرست ماخذ فصل سوم	۱۹۱.....
فهرست راهنمای موضوعی	۱۸۳.....

نقشه‌ها

عملیات ثامن‌الائمه	۷۳.....
عملیات طریق‌القدس	۷۷.....
عملیات فتح‌المبین	۸۳.....
منطقه اشغال شده توسط دشمن	۱۹۸.....
عملیات بیت‌المقدس منطقه آزاد شده در مرحله اول	۲۰۰.....
عملیات بیت‌المقدس منطقه آزاد شده در مرحله دوم	۲۰۲.....
عملیات بیت‌المقدس منطقه آزاد شده در مرحله سوم و چهارم	۲۰۴.....

<http://www.ciw8.net>

http://www.ciw8.net

<http://www.ciw8.net>

مقدمه

مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، اندکی بعد از آغاز جنگ تحمیلی به امر تحقیقات جنگ اهتمام ورزیده و همپای گسترش جنگ، کار تحقیقات را توسعه بخشید. پس از پایان جنگ تحمیلی نیز به تنظیم مدارک و اسناد و تکمیل و تدوین تحقیقات انجام شده پرداخت.

این مرکز، در نظر دارد که بخشی از تحقیقات انجام شده درباره جنگ ۸ ساله ایران و عراق را جهت استفاده عموم، به صورت کتابهای مرجع تاریخ جنگ، که در آن روند جنگ به صورتی تفصیلی و مستند دنبال شده است، منتشر کند. این کار، در مراحل مقدماتی است، که ان شاء الله ارائه آن تا جایی که فاصله آغاز تا پایان جنگ را کاملاً پر کند، به تدریج انجام خواهد شد. البته مرکز ضمن پیگیری آنچه گفته شد، تاکنون به انتشار کتابهایی که خارج از چارچوب یادشده قرار داشته و هر کدام بنابه ضرورتی خاص و با مضمون و محتوایی مشخص تدوین و ارائه گردیده، نیز پرداخته است. از جمله کتابهای یاد شده، می توان به کتاب "خرمشهر تا فاو" که در اسفند ۱۳۶۶ منتشر شده، اشاره کرد. کتاب

مربور ، در واقع یک سیر تحلیلی و فشرده سیاسی - نظامی از چهار سال جنگ (تیرماه ۱۳۶۱ تا مرداد ۱۳۶۵) می باشد که در آن با شیوه و روشی خاص ، اهم مقولات مطروحه در جنگ ، با هم ترکیب و ارائه شده اند ، به نحوی که خواننده می تواند در اندک فرصتی رویدادهای بسیاری از سال های پر حادثه جنگ تحمیلی را مرور کرده و به مهمترین حوادث و نکات آن ، نگاهی داشته باشد .

از نظر این مرکز ، این گونه آثار می تواند تا زمان تهیه و ارائه متون تفصیلی و کامل جنگ ، نیازهای اهل تحقیق و نیز کسانی را که به پیگیری مسائل و حوادث جنگ تحمیلی علاقه دارند ، هر چند به صورتی اجمالی ، پاسخ گوید . همین ویژگی باعث شد که مرکز ، ارائه تاریخچه ای از ابتدا تا انتهای جنگ را با همین شیوه ، مناسب بداند و نشر کتاب حاضر نیز در همین راستا می باشد .

این کتاب ، در واقع جلد اول از مجموعه ای سه جلدی * با مشخصات ذکر شده است که جلد دوم آن " خرمشهر تا فاو " قبلاً ارائه گردیده و در نظر است که جلد سوم آن نیز با عنوان " فاو تا حلبچه " (فاصله زمانی تصرف فاو به دست سپاه اسلام تا عملیات والفجر ۱۰ در منطقه حلبچه) در آینده ارائه شود . چنانچه این توفیق به دست آید ، سیری سیاسی - نظامی هر چند اجمالی از آغاز تا پایان جنگ تحمیلی که در ادبیات و تاریخ جنگ ، بسیار ارزشمند خواهد بود ، در اختیار خوانندگان محترم قرار می گیرد .

کتاب حاضر شامل سه فصل است :

در فصل اول ، تحت عنوان " از اشغال تا آزادسازی " ابتدا به زمینه های شکل گیری تهاجم سراسری عراق و اهداف آن اشاره شده ، سپس چگونگی

اشغال خرمشهر مورد بررسی قرار گرفته است. بررسی علل توقف دشمن مبحث دوم است که پس از آن، وضعیت سیاسی - نظامی کشور، در مقطع پرتلاطم دوران اشغال، تحلیل و بررسی می‌شود. مبحث بعدی به چگونگی روند آزادسازی مناطق اشغالی اختصاص یافته و نیز مروری بر چند عملیات سپاه اسلام دارد. آخرین قسمت این فصل با عنوان "پس از فتح‌المبین" حاوی مسائلی درباره موقعیت ضدانقلاب داخلی و نیز دشمن خارجی در برابر توانایی‌های خودی، در فاصله زمانی بین دو عملیات فتح‌المبین و بیت‌المقدس می‌باشد.

در فصل دوم، تحت عنوان "آزادسازی" به چگونگی آزادسازی خرمشهر پرداخته شده است. این فصل که طولانی‌ترین فصل کتاب می‌باشد، در واقع گزارشی است از عملیات بیت‌المقدس، از نخستین مراحل طراحی تا پایان کار. ضمن این گزارش، تجزیه و تحلیل‌هایی مربوط به سطوح مختلف جنگ، از سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی‌های کلان گرفته، تا اجرای مراحل مختلف عملیات، به همراه فشرده‌ای از روند حوادث، ارائه شده است. طی این فصل خواننده در جریان چگونگی انتخاب منطقه عملیاتی بیت‌المقدس قرار گرفته، با ویژگی‌ها و مشخصات این منطقه نیز آشنا می‌گردد. در ادامه فصل دوم مراحل چهارگانه نبرد بزرگ و نسبتاً طولانی بیت‌المقدس توضیح داده‌شده و خواننده از منظری مشرف بر صحنه، در فضای پرتب و تاب ناشی از افتوخیزهای مراحل مختلف این عملیات، قرار می‌گیرد.

فصل سوم کتاب، با عنوان "بازتاب پیروزی"، نتایج حاصله از پیروزی عملیات بیت‌المقدس و آزادی خرمشهر را مورد بحث قرار داده است. در بخشی از این فصل، "تغییر توازن سیاسی - نظامی به سود ایران" و آثار آن توضیح داده می‌شود. در این فصل به مبحث "تغییر ماهیت جنگ" نیز

پرداخته شده و تشریح گردیده است که چگونه این پیروزی باعث شد تا جنگ ایران و عراق ، ماهیت جدیدی پیدا کند .

کتاب حاضر ، در عین اینکه حاوی بررسی جنگ در دو دوره اشغال و آزادسازی خرمشهر می باشد ، اما مسئله خرمشهر در آن یک مسئله محوری است به این ترتیب که فصل اول کتاب خواننده را از شروع جنگ تا آستانه عملیات خرمشهر همراهی می کند و در آستانه عملیات فتح خرمشهر تا حد مطلوبی در جریان وقایع جنگ و تحولات اردوی خودی قرار می گیرد ؛ تحولاتی که ضعف های منجر به سقوط خرمشهر را به قوت های منجر به بازپس گیری تبدیل نموده است . فصل سوم نیز ، حاوی تأثیرات و بازتاب های فتح خرمشهر است . محور بودن " خرمشهر " در کتابی که می خواهد زمانی نسبتاً طولانی و پر حادثه از جنگ را در مجموعه ای فشرده ارائه کند ، امری الزامی است ، زیرا تا پایان دوره اشغال ، خرمشهر ، چه در نزد دشمن و چه در نظر خودی ، مهمترین مسئله جنگ بوده است .

کتاب " خونین شهر تا خرمشهر " در جایی به پایان می رسد که کتاب " خرمشهر تا فاو " شروع شده است . کتاب اخیر ، تبعات پیروزی خرمشهر را به انتقال جنگ در خاک عراق (عملیات رمضان و ...) متصل کرده است .

در این جا لازم است از برادر سردار سرلشکر محسن رضایی ، فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ، که هم با ارائه تحلیل ها و جمع بندی های دقیق و موشکافانه در مصاحبه اختصاصی مربوط به کتاب حاضر و هم با حمایت های متعدد و همه جانبه ، از آغاز شروع کار مرکز تاکنون ، نقش اساسی در تهیه این کتاب و سایر آثار مرکز داشته است ، سپاس گزاری شود . و نیز ضروری است که از همکاری برادران ، سردار

سرتیپ غلامعلی رشید ، معاونت اطلاعات و عملیات ستاد کل نیروهای مسلح ، که در زمینه‌های مختلف مرتبط با مضامین کتاب ، این مرکز را یاری نموده و بهاءالدین شیخ‌الاسلامی ، که ویرایش محتوایی کتاب را به عهده داشته ، قدردانی شود . همچنین لازم است از همکاری مسئولان دفتر سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه و معاونت فرهنگی ستاد کل نیروهای مسلح و نیز از زحمات راویان و مسئولان سابق مرکز ، برادران هادی نخعی و غلامرضا ظریفیان شفيعی تشکر شود .

اما مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ لازم می‌داند که بیش از همه ، از برادر محمد درودیان ، راوی و کارشناس سابق مرکز ، قدردانی نماید که با وجود پیوستن به سنگری دیگر ، در تهیه کتاب " خونین‌شهر تا خرمشهر " همانند کتاب " خرمشهر تا فاو " ، نقش اصلی را ایفا کرده و با انگیزه‌ای قابل ستایش به استخراج ، تنظیم و تدوین تحقیقاتی که توسط خود ایشان و دیگر راویان مرکز انجام شده بود ، پرداخت و موفق به تألیف این دو کتاب شد .

مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ

دی‌ماه ۱۳۷۲

<http://www.ciw8.net>

فصل اول

از اشغال تا آزادسازی

-

زمینه‌های شکل‌گیری تهاجم

انقلاب اسلامی، پس از یک‌سال و اندی که از پیروزی آن می‌گذشت، با توجه به ستیزه‌جویی و معارضة ذاتی با اهداف و منافع استکبار جهانی و نیز نفی هرگونه مصالحه و سازش، به نحوی گسترده و شدید تحت فشارهای داخلی و خارجی قرار داشت. ادامه نگرهداری گروگان‌های آمریکایی نیز بر خصومت آمریکا با انقلاب اسلامی می‌افزود. به ویژه اینکه سیاست خارجی آمریکا و موقعیت دمکرات‌های این کشور برای پیروزی مجدد در انتخابات ریاست جمهوری، عمیقاً تحت تأثیر ماجرای گروگانگیری قرار داشت و عامل زمان برای کارتر، رئیس جمهور وقت آمریکا، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود.

بدین ترتیب، با فرا رسیدن سال ۱۳۵۹، روند تحولات داخلی و خارجی وضعیتی جدید به خود گرفت. تشنج در مرز ایران و عراق به طور چشمگیری تشدید شد و در تاریخ ۱۳۵۹/۱/۱۸، تنها یک روز قبل از اعلام قطع رابطه آمریکا با ایران، صدام، رئیس‌جمهور عراق، اعلام کرد که ایران باید از سه جزیره تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی خارج گردد. ✕
وی همچنین اظهار داشت:

«عراق آماده‌است با زور، تمام اختلافات خود با ایران را حل کند.»

یکی از مقامات کاخ سفید نیز در همین ایام گفت:

«آمریکا به بررسی عملیات احتمالی نظامی از قبیل محاصره دریایی و

هوایی ایران و جنگ در بیابان پرداخته است.» (۱)

عملیات طبس در ۵ اردیبهشت ۱۳۵۹، بخشی از تلاش‌های آمریکا برای آزاد کردن گروگان‌ها بود که با شکست آمریکا و به ویژه کارتر همراه شد. برژینسکی، بعد از این واقعه اظهار داشت:

«آمریکا قادر است تمام کوشش‌های لازم را به عمل آورد و تمام وسائل لازم

را نیز در اختیار دارد تا ایران را به قبول نظریات آمریکا وادار سازد.» (۲)

در همین ایام، عراق علاوه بر ادامه و تشدید درگیری مرزی با ایران، در برخی از شهرهای مرزی از جمله خرمشهر، توسط عوامل خود مبادرت به بمب‌گذاری و خرابکاری نمود. اوضاع جدید، دو کشور را در آستانه جنگ قرار داد طوری که محافل سیاسی - نظامی جهان به ارائه تحلیل‌های مختلفی در این باره پرداختند. اشیگل در این زمینه گفت:

«دلایل بسیاری وجود دارد که جمهوری اسلامی ایران، در یک جنگ

مسلحانه با عراق شکست خواهد خورد، زیرا عراق دارای یک ارتش مجهز و

تعلیم‌یافته است. به همین دلیل دولت عراق سعی نمی‌کند که از عصبانیت

قبلی بکاهد.» (۳)

هرالد تریبون نیز طی تحلیلی نوشت:

◀ × صدام در آوریل ۱۹۸۰ (فروردین ۱۳۵۹) طی گفتگویی با خبرگزاری‌ها، شرایط پایان یافتن اوضاع جنگی را چنین اعلام کرد:

«۱ - خروج بدون قید و شرط ایران از جزایر تنب و ابوموسی. ۲ - بازگرداندن دنباله شط‌العرب به

حالت قبل از سال ۱۹۷۵. ۳ - به رسمیت شناختن عربی بودن عربستان (خوزستان).»

«... تحلیل‌گران آمریکایی معتقدند که در حال حاضر ارتش ایران قادر نیست از مرزهای کشور علیه هرگونه تهاجم مشخص دفاع نموده و در یک جنگ سخت و سنگین بیش از چند روز و شاید یک یا دو هفته دوام بیاورد.» (۴)

تأثیر جنگ بر اوضاع داخلی و تغییر موقعیت لیبرال‌ها نیز بخش دیگری از تحلیل‌های مرتبط با بحران و مناقشه ایران و عراق را شامل می‌شد. مجله الحوادث در این زمینه نوشت:

«بنی‌صدر می‌داند ارتش وی که اکنون فاقد تسهیلات مناسب است، قادر به رویارویی با ارتش عراق نمی‌باشد و از آن گذشته رهبران ارتش یا اعدام شده و یا فرار کرده‌اند و تکنسین‌ها کنار گذاشته شده‌اند، اما خوب می‌داند که اگر ارتش عراق بخواهد وارد ایران بشود، برای وی فرصتی خواهد بود تا نیروهای ملی و ارتش را به شکل مناسبتری به دور خود گرد آورد.» (۵)

آمریکا پس از عدم حصول نتیجه لازم و مطلوب از تشدید فشارهای داخلی و خارجی به جمهوری اسلامی، به ویژه پس از شکست عملیات طبس، کودتای نوژه را که از مدت‌ها قبل طرح‌ریزی شده بود به اجرا گذارد. بنابه اطلاعات واصله، آمریکایی‌ها پس از مآجرای طبس، طرح کودتا و جنگ را بررسی کرده و بنابه دلایلی، کودتا را در اولویت قرار می‌دهند، لیکن یکی از عناصر کودتا در قسمتی از اعترافاتش می‌نویسد:

«بحث بود که بین جنگ و کودتا، ابتدا کدام یک شروع شود. در صورت شکست کودتا، جو حاکم بر ارتش و بی‌اعتمادی و غیره، زمینه خوبی جهت ایجاد جنگ فراهم می‌نمود.» (۶)

همزمان با کودتا، عراق در ۲۰ منطقه مرزی درگیری ایجاد کرد (۷) و اوضاع را به گونه‌ای متشنج نمود که نظرها از داخل به مسائل مرزی معطوف شود. ضمن اینکه براساس شواهد و قرائن، عراق و برخی دیگر از

کشورهای منطقه ، در کمک و حمایت از عناصر کودتاچی نقش فعال داشتند .

متعاقب شکست کودتا ، صدام مجدداً برای آغاز جنگ اعلام آمادگی کرد . وی در یکی از سخنرانی‌های خود گفت :

« اینک برای استرداد سه جزیره واقع در خلیج (فارس) که توسط شاه اشغال شده است ، توانایی نظامی لازم را داریم . هرگز از زمان اشغال این سه جزیره ، ساکت ننشسته‌ایم و پیوسته از نظر نظامی و اقتصادی برای پس گرفتن سه جزیره مذکور ، آمادگی داشته‌ایم . » (۸)

واگذاری نقش جدید به عراق ، * به منظور وادار کردن ایران به پذیرش خواسته‌ها و نظریات آمریکا ، ** چنان‌که برژینسکی پیش از این مورد اشاره قرار داد و موجب گردید تا عراق بلافاصله پس از شکست کودتا ، مقدمات لازم را با انتقال نیرو به مرز و گسترش درگیری در نوار مرزی ، فراهم سازد .

اهداف عراق از تهاجم سراسری

دولت عراق ، براساس این باور ، که توازن نظامی به نفع این کشور تغییر نموده است و تمامی عوامل از جمله اوضاع ایران ، *** وضعیت منطقه و

* وزیر خارجه آمریکا قبل از شروع جنگ گفت : « عراق ، در آینده نقش مهمی برای غرب و شرق ایفا خواهد کرد . »

** کارتر رئیس‌جمهور آمریکا ، چند روز پس از تهاجم عراق اعلام کرد که امیدوار است جنگ ، ایرانی‌ها را بر سر عقل آورده باشد .

*** طارق عزیز طی مقاله‌ای در مجله الوطن مورخ ۱۵ مه ۱۹۸۰ (اردیبهشت سال ۱۳۵۹) ، اوضاع داخلی ایران را چنین ارزیابی می‌کند :

علائم برجسته اوضاع ایران که در سایه این حکمفرمایان می‌گذرد ، چنین است : ←

مناسبات بین‌المللی، به تحقق اهداف حاکمان بغداد کمک خواهد کرد، در تاریخ ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ - پس از آن‌که صدام قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر را در تاریخ ۱۷ سپتامبر ۱۹۸۰ (۲۶ شهریور ۱۳۵۹) لغو و تسلط کامل عراق بر آبراه اروندر را اعلام کرد - تهاجم سراسری خود را از هوا، دریا و زمین، به خاک جمهوری اسلامی ایران آغاز کرد.

استعداد زمینی عراق در آغاز تهاجم، بالغ بر ۴۸ یگان می‌شد که عبارت بود از ۱۲ (شامل ۵ لشکر پیاده، ۵ لشکر زرهی و ۲ لشکر مکانیزه) و همچنین ۱۵ تیپ مستقل (شامل ۱۰ تیپ پیاده، ۱ تیپ زرهی، ۱ تیپ مکانیزه و ۳ تیپ نیروی مخصوص)، به اضافه تیپ ۱۰ گارد ریاست جمهوری و نیز نیروهای گارد مرزی که شامل ۲۰ تیپ مرزی می‌شد.

ماشین نظامی عراق با بهره‌مندی کامل از تجهیزات نظیر ۸۰۰ قبضه توپ، ۵۴۰۰ دستگاه تانک و نفربر، ۴۰۰ قبضه توپ ضد هوایی، ۳۶۶ فروند هواپیما و ۴۰۰ فروند هلی‌کوپتر، از آمادگی عملیاتی مناسبی برخوردار بود.

اهداف عراق در این تهاجم، با توجه به همسویی منافع این کشور با

۱ - تشتت نیروهای نظامی.

۲ - (تعدد) مراکز تصمیم‌گیری و وجود اختلاف میان رهبران سیاسی و مذهبی که هر کدام از آنها به یکدیگر اتهاماتی نسبت می‌دهند.

۳ - کشمکش‌هایی میان اقلیت‌ها و رهبران حاکم و عدم توانایی حل مشکلات آنها.

۴ - وجود هرج و مرج و ناامنی.

۵ - توقف کارخانه‌های تولیدی، تزلزل اقتصادی، افزایش اشخاص بیکار و نبودن بسیاری از مواد غذایی در بازار.

آشفته‌گی در روابط خود با کشورهای منطقه و جهان.

آمریکا، در مورد مهار کردن و کنترل انقلاب اسلامی، و همچنین تمایلات توسعه طلبانه رژیم بعثی برای بهره برداری از خلأ ناشی از سقوط رژیم شاه، در سه سطح قابل تقسیم بندی است. *

۱ - لغو قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر .

۲ - تجزیه ایران با جدا کردن استان خوزستان .

۳ - براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران .

در این میان، به نظر می رسد لغو قرارداد الجزایر و تسلط کامل عراق بر رودخانه اروندر، نازلترین بخش از اهداف رژیم عراق بود که در صورت تحقق آن، براندازی حکومت و تجزیه ایران نیز عملاً پیگیری می شد.

گرچه لغو قرارداد، بدون حمله سراسری نیز امکان پذیر نبود. قطعاً هدف عراق، همان طور که گفته شد، فراتر از موارد ذکر شده بود، لیکن حاکمان عراق چنین می پنداشتند که پس از تهاجم، دست کم قادر خواهند بود که قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر را لغو کرده و بدین ترتیب، معضل راه یابی عراق به شمال خلیج فارس را حل نمایند.

* ادوارد وود لاک یکی از کارشناسان برجسته مسائل دفاعی آمریکا و استاد دانشگاه جرج تاون واشنگتن، تنها ۴ روز پس از آغاز تجاوز عراق، طی تجزیه و تحلیلی از اهداف عراق از تجاوز به جمهوری اسلامی، که در روزنامه کریستین ساینس مانیتور درج شد، نوشت:

« احتمالاً عراق در جنگ با ایران سه هدف را در نظر داشت:

اولین هدف عراقی ها تسلط بر شط العرب و کنترل این شاهراه آبی دهانه خلیج فارس است.

هدف دوم عراقی ها استان خوزستان، و سومین هدفشان، سرنگونی رژیم (امام) خمینی است.

وی در مورد مکانیزم تحقق اهداف عراق، به صورت مرحله ای می نویسد:

پس از نیل اولین هدف، یعنی برقراری سلطه و برتری عراق بر شط العرب، جنگ را برای رسیدن به دومین هدف، یعنی خوزستان ادامه داده و آنگاه برای نیل به هدف سوم، پافشاری می کند.

(خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش های ویژه"،

۱۳۵۹/۷/۵، به نقل از رادیو آمریکا، ۱۳۵۹/۷/۴)

تهاجم در جبهه جنوبی و زمین گیر شدن دشمن

استان خوزستان ، * از لحاظ ویژگی‌های استراتژیکی خاص خود ، می‌توانست بخش مهمی از اهداف عراق در تهاجم به خاک جمهوری اسلامی ایران را تأمین نماید . چرا که دشمن ، در صورت تسلط بر استان خوزستان و تجزیه آن ، علاوه بر اینکه می‌توانست در مسیر براندازی نظام گام اساسی بردارد ، در صورت عدم موفقیت در ساقط کردن حکومت مرکزی ، قادر بود با تجزیه استان خوزستان ، تسلط خود بر شمال خلیج فارس را اعمال و کاملاً تثبیت نماید .

استراتژی عراق برای تحقق اهداف مورد نظر ، علاوه بر اینکه براساس " عملیات سریع ، برق‌آسا و قاطع " طرح‌ریزی شده بود ، × × عمدتاً معطوف به منطقه جنوبی کشور بود . لذا با توجه به اهداف یاد شده ، فرماندهان نظامی عراق ، نزدیک به دو سوم توان نظامی خود را برای عملیات در مناطق جنوبی کشور سازمان‌دهی کردند . به این ترتیب که منطقه جنوب ، حد فاصل خرمشهر تا دهلران ، به سپاه سوم عراق واگذار گردید . نهایتاً ، با توجه به معابر وصولی منتهی به منطقه و موقعیت زمین ، طرح اشغال خوزستان براساس اهداف از پیش تعیین شده ، به صورت زیر در دستور کار قرار گرفت :

* نظر به اینکه برای تشریح وقایع خرمشهر نیازی به بررسی اوضاع جبهه‌های میانی و شمال غرب نبود ، لذا در این کتاب ، مباحث مربوط به جبهه‌های یاد شده مورد اشاره قرار نگرفته است . در این زمینه به کتاب " گذری به دو سال جنگ " از انتشارات دفتر سیاسی سپاه مراجعه شود .

** بر همین اساس بود که علی‌رغم اشغال برخی از مناطق ایران ، کارشناسان و تحلیل‌گران نظامی ، صدام را در تحقق اهداف خود ناکام قلمداد کردند .

محور دزفول :

نظر به گستردگی منطقه و طولانی بودن فاصله مرز تا اهداف دشمن در این محور ، لشکرهای ۱ مکانیزه و ۱۰ زرهی ارتش عراق مأموریت داشتند تا با استفاده از معابر وصولی منطقه ، شامل دو معبر " فکه - دوسلک - پل نادری - دزفول " و " شهرهانی - عین خوش - پل نادری - دزفول " و با عبور از رودخانه کرخه و قطع جاده اهواز - اندیمشک ، محاصره اهواز (از شمال) و دزفول (از جنوب) را کامل کنند .

بر این اساس ، لشکر ۱۰ زرهی در محور شهرهانی - عین خوش - امامزاده عباس به سمت پل نادری پیشروی کرد و سرانجام در پشت پل نادری و غرب رودخانه کرخه متوقف شد . لشکر ۱ مکانیزه نیز در محور فکه - دوسلک به سمت شوش پیشروی کرد و توانست تا پشت رودخانه کرخه را زیر نفوذ خود قرار دهد .

در این محور ، علاوه بر تیپ ۲ زرهی (از لشکر ۹۲ زرهی اهواز) که بنابه مأموریت سرزمینی در این منطقه استقرار داشت ، نیروهای سپاه پاسداران شوش و دزفول ، و نیز تیپ ۳۷ زرهی ارتش جمهوری اسلامی در برابر تهاجم دشمن صف آرای می نمودند ، لیکن پس از اشغال عین خوش توسط قوای دشمن ، نیروهای خودی به شرق رودخانه کرخه عقب نشینی کردند .

دشمن طی کمتر از یک هفته به ساحل غربی رودخانه کرخه رسید . عدم الحاق کامل لشکرهای ۱ مکانیزه و ۱۰ زرهی و وسعت و عمق زمین منطقه و نیز وجود موانع طبیعی همچون رودخانه کرخه ، موجب زمین گیر شدن دشمن در پشت این رودخانه گردید . * البته پس از الحاق دو لشکر

* علاوه بر این ، عدم موفقیت لشکر ۳ زرهی عراق برای عبور از رودخانه کارون و تصرف آبادان و خرمشهر ←

مذکور ، دشمن توانست کل منطقه شوش و دزفول را پوشش داده و تأمین نماید .

محور چزابه - سوسنگرد - اهواز

لشکر ۹ زرهی ارتش عراق مأموریت داشت تا با عبور از معبر وصولی چزابه ، با تصرف شهرهای بستان ، سوسنگرد و حمیدیه ، به سمت شهر اهواز پیشروی نماید . در واقع محور سوسنگرد - بستان - حمیدیه از یک سو و محور نشوه - طلائیه - جفیر از سوی دیگر ، با هدف تصرف اهواز طراحی شده بود .

لشکر ۹ زرهی ، با حرکت از العماره ، از معبر وصولی چزابه عبور کرد و ضمن اقدام برای تأمین جناح چپ خود و الحاق با لشکر ۱ مکانیزه به سمت اهواز پیشرفت . بدین ترتیب که نخست برای تأمین جناح خود و الحاق با لشکر ۱ مکانیزه ، از سمت شمال کرخه به سوی تپه‌های الله‌اکبر در شمال بستان تک کرده و همزمان با عبور از رودخانه کرخه و با اتکا به جاده اصلی بستان - سوسنگرد - حمیدیه ، حرکت اصلی خود را به سمت اهواز ادامه داد . این لشکر توانست ضمن اشراف و تسلط کامل بر منطقه ، جناح چپ خود را با تصرف ارتفاعات الله‌اکبر ، تأمین نماید . در برابر محور اصلی تهاجم دشمن به سمت اهواز ، علی‌رغم غافلگیری کلی نیروهای خودی ، مقاومت‌هایی در شهر بستان ، پل سابله و سایر محورها صورت گرفت ، لیکن به دلیل سنگینی تهاجم دشمن ، نیروهای خودی ، به تدریج برای استقرار در مواضع مناسبتر ، عقب‌نشینی کردند . در نتیجه ، دشمن با یک خیز بلند ، خود را به دروازه حمیدیه رساند و شهر اهواز را در

← و همچنین ناکامی لشکرهای ۵ مکانیزه و ۹ زرهی در تصرف اهواز ، نقش مهمی در توقف دشمن داشت .

معرض تهدید قرار داد . * در این وضعیت ۲۸ تن از برادران پاسدار و بسیجی به فرماندهی شهید " غیور اصلی " از برادران سپاه اهواز - در حالی که فقط چند قبضه آرپی جی ۷ در اختیار داشتند - شبانه ، آماده یورش به دشمن شده ، پس از خروج از شهر ، در چند کیلومتری آن ، در کنار جاده حمیدیه - اهواز به کمین دشمن نشستند . ساعت ۴ بامداد ۱۳۵۹/۷/۹ شلیک هماهنگ به سوی تانکهای عراقی آغاز شد . نیروهای عراقی که در طول این مسیر تا آن هنگام ، با موانع و مقاومتی اساسی روبه رو نشده بودند ، بلافاصله پس از تهاجم غافلگیرانه رزمندگان اسلام ، با وحشت و نگرانی فراوان اقدام به عقب نشینی کردند . برخی از تانکهای دشمن در زمینهای مزروعی اطراف حمیدیه به گل نشسته و برخی منهدم شدند . بعد از این حادثه ، دشمن چند بار اقدام به پیشروی در این محور کرد و سرانجام ، در حوالی دیوارهای غربی شهر سوسنگرد ، در غرب رود نیسان ، زمین گیر شد .

محور نشوه - جفیر - اهواز

مأموریت عملیات در این محور بر عهده لشکر ۵ مکانیزه ارتش عراق بود که باید ضمن پاکسازی منطقه ، جاده اهواز - خرمشهر را قطع می کرد و پس از محاصره خرمشهر از قسمت شمال ، با حرکت به سمت اهواز ، محاصره این شهر را نیز کامل می نمود و بعد از آن نیز به لشکر ۹ زرهی - که قرار بود در محور چزابه ، با هدف تصرف بستان و سوسنگرد ، به سمت

* متعاقب این وضعیت و اطلاع حضرت امام از احتمال سقوط قریب الوقوع اهواز ، ایشان چنین فرمودند که : « مگر جوانان اهواز مرده اند ؟! » رسیدن این خبر به سپاه خوزستان موجب تحول و اقدامات شجاعانه جوانان رزمنده علیه دشمن و نهایتاً نجات اهواز از خطر سقوط گردید .

(سند شماره ۷۸۵۲۸ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ)

اهواز حرکت کند - در شهر اهواز ملحق می‌شد .

لشکر ۱۵ ارتش عراق ، با تصرف پاسگاه‌های طلایه و کوشک ، به سمت اهواز پیشروی کرد . در محور کوشک ، تیپ ۱ از لشکر ۹۲ زرهی اهواز به همراه برادران سپاه ، در برابر دشمن مقاومت نموده و برای مدت کوتاهی پاسگاه کوشک را آزاد کردند . سرانجام ، لشکر ۵ مکانیزه عراق ، در ۱۵ کیلومتری اهواز ، در منطقه " نورد " ، با مقاومت مردمی مواجه شد که موجب توقف دشمن در آن منطقه گردید . از سوی دیگر ، به علت عدم موفقیت لشکر ۹ زرهی عراق در تصرف سوسنگرد و حمیدیه ، دشمن از پیشروی بیشتر به سمت اهواز عاجز ماند . لشکر ۵ مکانیزه نیز پس از این ، با عبور از محور طلایه ، با یک فلش به سمت جاده اهواز - خرمشهر و با یک فلش به سمت جفیر حرکت کرد و پس از عبور از جفیر ، در جنوب رودخانه کرخه متوقف شد . بعدها با ملحق شدن لشکرهای ۹ زرهی و ۵ مکانیزه در منطقه هویزه ، بین نیروهای بخش شمالی و بخش جنوبی دشمن در جبهه جنوب ، الحاق حاصل شد .

محور شلمچه - خرمشهر - آبادان

لشکر ۳ زرهی و تیپ ۳۳ نیروی مخصوص ارتش عراق ، مأموریت داشتند ضمن محاصره و تصرف خرمشهر ، با عبور از رودخانه کارون ، شهر آبادان را محاصره و سپس اشغال نمایند . لشکر ۳ زرهی ، به همین منظور با عبور از ۱۵ کیلومتری شمال خرمشهر ، به سمت رودخانه کارون حرکت کرد و همزمان نیز تیپ ۳۳ نیروی مخصوص ، برای تصرف خرمشهر ، پیشروی خود را آغاز نمود .

مقاومت در خرمشهر موجب شد تا حرکت لشکر ۳ با تأخیر و در نتیجه با شکست روبه‌رو شود . * این لشکر ، در ۱۹ مهر ۱۳۵۹ از کارون عبور کرد

و پس از قطع جاده اهواز - آبادان ، توانست آبادان را محاصره کرده و با عبور از رودخانه بهمن شیر ، وارد کوی ذوالفقاری آبادان شود ، لیکن به دلیل مقاومت مردمی در کوی ذوالفقاری ، سرانجام مجبور به عقب‌نشینی شد و در شمال رودخانه بهمن شیر استقرار یافت .

نبرد در خرمشهر

مقاومت رزمندگان و ناکامی دشمن در اشغال سریع شهر

خرمشهر ، ماه‌ها قبل از آغاز رسمی تجاوز عراق ، دستخوش بحران سیاسی - امنیتی شده بود . عراقی‌ها از مدت‌ها قبل اقدام به سازمان‌دهی نیروهای وابسته به خود در داخل خرمشهر نموده و با توزیع سلاح و مهمات و تشدید تبلیغات سیاسی - روانی ، زمینه را برای بهره‌برداری از نیروهای موسوم به " خلق عرب " آماده کردند . **

درگیری‌های مرزی که در گذشته نیز کم و بیش رخ می‌داد ، در شش ماهه اول سال ۱۳۵۹ شکل جدیدی به خود گرفت و در حجم و فواصل آن تغییرات محسوسی به وجود آمد و همین امر سبب اعزام بخشی از نیروهای سپاه به مرز خرمشهر شد .

در پی طرح‌ریزی تهاجم نظامی عراق به جمهوری اسلامی ، لشکر تقویت شده ۳ زرهی عراق ، پس از آنکه تیپ ۳۳ نیروی مخصوص نیز

← * نظر به اینکه موضوع کتاب ، " خرمشهر " و حوادث مربوط به آن می‌باشد و از آنجا که نحوه اشغال خرمشهر و مقاومت مدافعان آن فصل درخشان و برجسته‌ای در تاریخ انقلاب اسلامی و دفاع مقدس می‌باشد ، لذا این موضوع ، به صورت مفصل‌تری در ادامه کتاب ، مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت .

** برای مطالعه اوضاع خرمشهر بعد از پیروزی انقلاب ، بحران‌های قومی و جنگ انفجارات قبل از هجوم سراسری عراق و حماسه مقاومت خرمشهر و چگونگی اشغال خرمشهر به کتاب " خرمشهر در جنگ طولانی " از انتشارات مرکز مطالعات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مراجعه نمایید .

تحت امر آن قرار گرفت ، در تاریخ ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ ، به دنبال ۱۰ روز درگیری در مرز خرمشهر و همزمان با حمله سراسری عراق ، حمله خود به خرمشهر را آغاز کرد .

مأموریت تصرف و پاکسازی خرمشهر به گردان‌های هشتم و نهم از تیپ ۳۳ نیروی مخصوص واگذار شده بود . این نیروها بر مبنای توجیهات فرماندهی سپاه سوم ، مدافعان شهر را اندک و فاقد روحیه پنداشته و تصور می‌کردند که مأموریت پاکسازی را حداکثر طی چند ساعت و با موفقیت به پایان خواهند رساند . گردان هشتم نیروی مخصوص ، در خط مقدم درگیری و به دنبال آن گردان نهم ، پس از چند روز درگیری در منطقه مرزی ، در تاریخ ۱۳۵۹/۷/۷ به پانصد متری پل نو رسیدند . اولین مقاومت‌های شدید رزمندگان اسلام در این منطقه ، ضایعات و خسارات قابل توجهی به نیروهای دشمن وارد ساخت . ایجاد موانع متعدد و به دنبال آن کندی در پیشروی ، موجب شد تا دشمن توسط گردان هشتم را مأمور تثبیت منطقه نموده و ادامه پیشروی در خرمشهر را به گردان نهم محوّل کند . علاوه بر این ، به منظور تصرف پل نو و تسهیل در پیشروی به سمت خرمشهر ، گردان تانک الحسن ، وابسته به تیپ ۶ زرهی از لشکر ۵ مکانیزه عراق ، به منطقه اعزام شد و به پیشروی به سمت پل نو و درگیری در حوالی " سوله‌ها " اقدام کرد . اما تلاش جدید دشمن نیز نتیجه مطلوبی در پی نداشت .

یکی از فرماندهان تیپ ۳۳ ، پس از عبور از پل نو می‌گوید :

« ما تصور کردیم که مقاومتها از بین رفته و دیگر شهر در چنگال ماست

و لذا این موقعیت را به لشکر گزارش کردیم که مأموریت ما به درستی پایان

یافت . » (۹)

لشکر ۳ عراق ، برای عبور از رودخانه کارون ، در انتظار پیشروی

تیپ ۳۳ نیروی مخصوص و گردان تانک الحسن به سمت خرمشهر و تأمین جناح چپ لشکر بود. عدم موفقیت تیپ ۳۳ در انجام مأموریت خویش از یک سو و ضرورت پیشروی سریعتر به سمت خرمشهر از سوی دیگر، وضعیت جدیدی را برای دشمن به وجود آورد. لذا فرماندهان تیپ ۳۳ در تاریخ ۱۳۵۹/۷/۸ قبل از طلوع آفتاب، به تشکیل جلسه مبادرت کردند. در این جلسه، عدم آشنایی با شهر، عدم برآورد صحیح از استعداد نیروهای موجود و همچنین مقاومت رزمندگان اسلام به عنوان عوامل مؤثر در عدم تحقق اهداف تیپ ۳۳ مورد اشاره قرار گرفت. مهمترین نتیجه این بررسی، بروز ابهام و تردید نسبت به موفقیت تیپ ۳۳ در اجرای مأموریت محوله بود. سرانجام پس از بررسی راهکارهای مناسب، بندر خرمشهر به عنوان محور پیشروی در دستور کار قرار گرفت. یکی از فرماندهان عراقی در این مورد می گوید:

«محور بندر (خرمشهر) به دلایل زیر انتخاب شد:

- ۱ - تأمین جناح راست یگانهای خودی.
- ۲ - با توجه به منتهی شدن بندر به مصب رود کارون، دسترسی به پل حتمی خواهد بود.
- ۳ - خودداری از ورود به مرکز شهر، چرا که این کار سختیها و مشکلاتی را به دنبال خواهد داشت.
- ۴ - تأمین اصل غافلگیری. «(۱۰)

جمع بندی نیروهای مهاجم در اولین مرحله از تهاجم و مواجهه شدنشان با مقاومت نیروهای خودی در مرز خرمشهر و در حد فاصل مرز تا پل نو و نیز در پل نو، نشان دهنده تغییر ذهنیت نیروهای دشمن است که در ابتدا، دستیابی به شهر را سهل پنداشته و مقاومت را بسیار ناچیز و اندک برآورد می کردند.

بدین ترتیب ، گردان هشتم ، حمله خود را به سوی بندر خرمشهر آغاز کرد . عدم حضور مدافعین خرمشهر در بندر ، موجب سهولت پیشروی نیروهای دشمن در ابتدای حمله در این محور گردید . فرماندهی لشکر ۳ - که در این زمان ضمن پیشروی در شمال سیل بند خرمشهر ، در انتظار گشودن دروازه های شهر بود - با دریافت گزارش پیشروی در بندر ، ضمن استقبال از وضعیت به وجود آمده ، دستور ادامه پیشروی در همین محور را صادر کرد . همچنین مقرر گردید که درگیری های محدودی در جاده شلمچه به سمت خرمشهر انجام شود تا نیروهای داخل بندر بتوانند به سهولت به حرکت خود ادامه دهند .

مدافعین خرمشهر نیز ، بلافاصله پس از اطلاع از ابعاد و گسترش تحرکات جدید دشمن ، بخشی از نیروهای خود را به داخل بندر اعزام و به حمله و مقاومت در برابر دشمن مبادرت کردند . در این هنگام ، عملاً درگیری با نیروهای دشمن به تناسب محورهای تهاجم ، در سه منطقه زیر متمرکز شده بود :

۱ - روی جاده شلمچه در شرق پل نو ، در برابر گردان تانک الحسن و گردان نهم تیپ ۳۳ نیروی مخصوص .

۲ - در داخل بندر خرمشهر ، در برابر گردان هشتم تیپ ۳۳ .

۳ - روی سیل بند خرمشهر ، در شمال ساختمان های پیش ساخته واقع در شمال شهر ، در برابر لشکر ۳ .

فرمانده قوای دشمن که پس از مواجهه با مقاومت شدید رزمندگان اسلام ، امید قبلی خود به پیشروی در بندر خرمشهر را از دست رفته می دید ، وضعیت خود را چنین گزارش کرد :

«در آغاز کار ، مقاومت چندان شدید نبود . همچنین ستون ما در

محور بندر ، سعی در پیشروی داشت که به دلیل مقاومت بسیار شدید

نیروهای ایرانی ، تنها در مسافت بسیار ناچیزی موفق به پیشروی شد . « (۱۱)

رزمندگان اسلام در بندر خرمشهر ، با حمله به نیروهای دشمن ، موجب عقبنشینی آنها تا پل نو شدند و در نتیجه این یورش دلیرانه ، رعب و وحشت شدیدی بر دشمن مستولی شد . در این وضعیت ، فرمانده نیروهای دشمن در خرمشهر ، ضمن تقاضای کمک از لشکر ۳ ، عدم توانایی در انجام مأموریت خود را اظهار نمود . لشکر ۳ ، ضمن قبول مساعدت مبنی بر اعزام نیروی کمکی ، بر لزوم حفظ موقعیت مذکور تأکید نمود و دستور پیشروی به داخل شهر را به نیرویی مرکب از گردان تانک الحسن و گردان ۳ مکانیزه از تیپ ۱۵ مکانیزه و گردان ۱ از تیپ ۴۹ ابلاغ کرد .

بدین ترتیب ، نیروهای تقویت شده دشمن ، در حالی که در پیشاپیش آنها گردان تانک الحسن حرکت می کرد و پشت سر آن نیز گردان مکانیزه و به دنبال آنها نیروی پیاده در حرکت بود ، موفق به ورود در مدخل شهر شدند . در همین زمان ، نیروی دشمن در داخل بندر نیز همچنان به تلاش برای پیشروی ادامه می داد .

ورود دشمن به دروازه خرمشهر ، سبب تغییر محورهای مقاومت شد . طوری که بخشی از نیروها در کشتارگاه و بخشی دیگر در ساختمان های کوی طالقانی و بخشی نیز در راه آهن درگیر شدند . تصور دشمن تا این زمان ، این بود که با ورود به دروازه خرمشهر ، مقاومت مدافعان شهر در هم شکسته و شهر سقوط خواهد کرد . یکی از فرماندهان عراقی در این مورد می گوید :

« ما در این گمان بودیم که شهر به دست نیروهای عراقی سقوط کرده است ،

در حالی که عکس این قضیه به وقوع پیوست . به گونه ای که مدافعین به

نیروهای ما اجازه دادند تا داخل شهر شوند ، سپس آنها را به محاصره خود

در آوردند و با تمامی سلاح‌های در دسترس خود ، بیش از دو سوم تانک‌های گردان الحسن و بیش از نیمی از خودروهای گردان مکانیزه را منهدم ساخته و ضمن کشتن تعدادی از نیروهای گردان پیاده ، بعضی از آنان را نیز به اسارت خود درآوردند . « (۱۲)

این فرمانده عراقی ، در توصیف وضعیت نیروهای مهاجم چنین می‌گوید :

« در ساعت ۱۶:۱۵ همان روز (۱۳۵۹/۷/۱۰) با چشمان خود مشاهده کردم که نیروهایی که به وسیله تانک و خودرو در محور اصلی شهر پیشروی کرده‌بودند ، با وضعیتی تأسفبار و حزن‌انگیز و با روحیه‌ای بسیار متزلزل که به هیچ‌وجه قابل کنترل نبودند ، شکست خورده و در حال عقب‌نشینی بودند ... تلفات و ضایعات سنگین بود ، طوری که گردان تانک الحسن ، بیش از ۲۳ تانک خود را از دست داده بود : ۱۷ دستگاه خودرو از نوع اسکات ساخت چکسلواکی ، متعلق به گردان مکانیزه نیز منهدم شد و ده‌ها نفر کشته و اسیر شده و باقی شکست خورده‌بودند ... » (۱۳)

روز دهم مهر ، برای مدافعین خرمشهر علی‌رغم سختی و دشواری فراوان ، روز موفقی محسوب می‌شود . در این روز ، جنگ تن و تانک در آستانه خرمشهر در گرفت . در میدان راه‌آهن ، مدافعین شهر ، چون صاعقه بر تانک‌های دشمن فرود آمده و با پرتاب نارنجک و کوکتل مولوتف ، آنها را یکی پس از دیگری منهدم کردند و دشمن که با تقویت نیروهایش ، در نظر داشت با یک خیز بلند ، شهر را تصرف نماید ، علی‌رغم تصرف کشتارگاه و ورود به میدان راه‌آهن ، مجدداً متحمل شکست شد و اقدام به عقب‌نشینی کرد .

یکی از حماسه‌سازان و مدافعین غیور خرمشهری ، در این مورد چنین اظهار داشت :

« روز ۱۰ مهر ، روزی خونین برای خرمشهر بود . آن روز عراقی‌ها از کشتارگاه به داخل شهر آمدند و وقتی راه‌آهن را گرفتند ، بچه‌ها یکی از حماسه‌های عظیم را در فلکه راه‌آهن به وجود آوردند . » (۱۴)

شدت و سرعت عمل رزمندگان اسلام ، کنترل نیروهای شکست خورده و متوحش دشمن را از دست فرمایندهان آنها خارج کرده بود . برخی از عناصر دشمن تا حوالی پل نو فرار کرده بودند . هر چند شهامت رزمندگان اسلام در تمام دوران مقاومت در خرمشهر ستودنی و غیرقابل توصیف بود ، اما روز ۱۰ مهر جلوه دیگری داشت . در این روز شکستی تلخ و ناگوار به نیروهای دشمن تحمیل و در جمع رزمندگان جشن و سروری معنوی حاکم شد .

در پی پیدایش وضعیت جدید ، فرمانده قوای دشمن به منظور تقویت روحیه فرمانده و نیروهای تیپ ۳۳ و تسهیل در ادامه پیشروی به داخل شهر ، به اقدامات زیر دست زد :

۱ - با توجه به انهدام تعداد زیادی از تانک‌های دو گردان " الحسن " و " ۳ مکانیزه " ، تانک‌های باقی‌مانده به استعداد یک گردان را تحت امر تیپ ۳۳ قرار داد .

۲ - گردان ۳ تیپ ۱۵ مکانیزه را نیز برای بازسازی به سازمان اصلی خود در خارج از منطقه منتقل کرد .

۳ - چهار گردان کماندویی را از طریق فرماندهی نیروهای کماندویی خالد (کماندوهای لشکر ۲) ، وارد منطقه کرد تا در محور بندر مستقر شوند .

۴ - گردان ۱ تیپ ۴۲۹ نیز مأمور به استقرار در سمت چپ منطقه بندر شد .

پس از سازمان‌دهی و استقرار نیروها در مواضع جدید ، تلاش اصلی دشمن بر ممانعت از توقف به هر شکل ممکن ، متمرکز شده بود .

بدین منظور دشمن مصمم بود پیشروی را هر چند در قالب خیزهای کوتاه، ادامه دهد. * لذا، براساس طرح‌ریزی جدید، در سپیده‌دم ۱۳۵۹/۷/۱۳ تهاجم سنگینی را آغاز کرد و پس از تلاش فراوان، تنها موفق به ۵۰ متر پیشروی در داخل بندر شد و این بار نیز، تحمل ضایعات فراوان از یک‌سو و یورش رزمندگان اسلام به قرارگاه تیپ ۳۳ از سوی دیگر، دشمن را از پیشروی بازداشت.

با این وضعیت، دشمن مجدداً اقدام به تقویت نیروهای خود کرد. بدین ترتیب که گردان ۲ ** نیروی مخصوص تیپ ۳۱ و گردان ۲ از تیپ ۲ لشکر ۲ پیاده را همراه با ۴ گروهان کماندویی دیگر، تحت امر تیپ ۳۳ قرار داد. تعجیل لشکر ۳ برای اشغال شهر و پیوستگی این اقدام با عبور نیروهایش از رودخانه کارون و تصرف آبادان، موجب شد تا فرماندهان این لشکر، در پایان روز ۱۳ مهر با تشکیل یک جلسه فوری، بر ضرورت پیشروی سریع و اشغال شهر تأکید نمایند. یکی از فرماندهان دشمن، طرح مجدد اشغال شهر را که در همین جلسه مورد بحث و بررسی و تصویب قرار گرفت، چنین تشریح می‌کند:

« الف) استقرار گردان ۲ نیروی مخصوص تیپ ۳۱ در سمت چپ جاده اصلی و آمادگی برای پیشروی پس از صدور دستور .

ب) استقرار گردان ۲ تیپ ۲ در سمت راست جاده اصلی و گسترش و

* شاید بتوان یکی از دلایل عدم پیشروی دشمن با خیزهای بلند را، علاوه بر تأثیرات ناشی از مقاومت

مدافعین خرمشهر، نگرانی و هراس دشمن از غافلگیری و دور خوردن نیروهایش ارزیابی کرد.

** این گردان قبلاً مأموریت داشت که طی عملیاتی وارد اهواز شود، لیکن موفق نشد و پس از بازسازی

استعداد خود، در مأموریت جدید، به خرمشهر اعزام گردید و تحت امر تیپ ۳۳ نیروی مخصوص قرار گرفت.

آمادگی برای ادامه پیشروی .

ج (استقرار گردان ۸ نیروی مخصوص در سمت راست گردان ۲ از تیپ ۲ و گسترش و آمادگی برای ادامه پیشروی .

د (استقرار گردان ۱ تیپ ۴۹ در سمت راست گردان ۸ نیروی مخصوص ، به اضافه ۶ گروهان کماندویی و آمادگی برای ادامه پیشروی .

ه (استقرار یک گروهان از گردان ۹ نیروی مخصوص ، به اضافه ۶ گروهان کماندویی در بندر و استقرار ۲ گروهان نیروی مخصوص و ۲ گروهان کماندویی در نزدیکی ورودی بندر ، به عنوان احتیاط برای مواقع ضروری . علاوه بر اینها ، کلیه توپهای لشکر ۳ در پشتیبانی این عملیات قرار گرفت . همچنین توافق شد که عملیات ، در سپیده دم روز ۱۳۵۹/۷/۱۵ آغاز گردد . » (۱۵)

حمله نیروهای عراقی برابر طرح فوق آغاز گردید ، اما مقاومت رزمندگان بار دیگر دشمن را متوقف کرد ، و عراقی ها به میزان بسیار محدودی نسبت به مواضع قبلی خود پیشروی کردند .

در پی این وضعیت ، سرلشکر ستاد اسماعیل تاب به النعیمی ، فرمانده سپاه سوم ارتش عراق ، به منظور بررسی علل توقف مجدد یگان هایش ، قرارگاه اصلی تیپ ۳۳ را مورد بازدید قرار داد . همچنین ، سرلشکر ستاد عبدالرحمن عبدالواحد (معروف به عبدالرحمن سیاوه) به عنوان مشاور یگان ها و به منظور ترسیم وضعیت و گزارش آن به قرارگاه سپاه ، وارد منطقه شد .

مشکلات اصلی دشمن در این مرحله برای ورود به داخل خرمشهر ، چند علت اساسی داشت :

۱ - عدم شناخت دقیق از اوضاع داخل شهر .

۲ - حضور رزمندگان اسلام در داخل شهر و مشکلات ناشی از

مقاومت آنان و نیز هراس دشمن از جنگ شهری .

۳ - خالی شدن پشت‌سر یگان‌ها ، در صورت ورود به داخل شهر و امکان دور خوردن و محاصره نیروها در داخل شهر و نیز احتمال تفرقه یگان‌ها از یکدیگر .

با توجه به مشکلات فوق وضعیت موجود ، سرلشکر عبدالرحمن پیشنهاد کرد نیروهایی از جیش‌الشعبی برای کنترل مناطق اشغالی در نظر گرفته شود و تیپ ۲۶ زرهی نیز تحت امر او قرار گیرد . این طرح پس از بررسی مجدد و تجدید نظر ، به صورت زیر مورد تصویب قرار گرفت :

۱ - محور بندر : ستونی مرکب از کماندوها و ۲ گروهان نیروی مخصوص .

۲ - محور سمت چپ بندر : ستونی از گردان ۱ تیپ ۴۹ پیاده .

۳ - محور سمت راست جاده اصلی : گردان هشتم نیروی مخصوص از تیپ ۳۳ .

۴ - محور مرکزی روی جاده اصلی : گردان ۲ از تیپ ۲ پیاده .

۵ - محور سمت چپ جاده اصلی واقع در سمت چپ گردان دوم از تیپ ۲ : گردان ۲ نیروی مخصوص از تیپ ۳۱ .

۶ - محور سمت چپ شهر : یک گردان از تیپ ۲۳ با پشتیبانی تیپ ۲۶ زرهی .

ویژگی اصلی این مرحله از تهاجم ، استفاده دشمن از آتش پشتیبانی پرحجم ، همزمان با آغاز حمله در ۱۶/۷/۱۳۵۹ ، بود . اجرای آتش سنگین ، خسارات فراوانی را بر خرمشهر وارد کرد و ستون‌های عظیم دود حاصل از آتش‌سوزی‌های متعدد ، آسمان شهر را سیاه نمودند .

طی این مرحله ، نیروهای دشمن ضمن پیشروی در داخل بندر ، به مرکز شهر نیز نزدیک شده و ساختمان‌های پیش ساخته را به تصرف

درآوردند ؛ اما جاده خرمشهر - اهواز ، همچنان در تصرف نیروهای خودی قرار داشت .

به دنبال پیشروی نیروهای عراقی در ساختمانهای پیش ساخته ، در شمال و در فاصله حدود یک کیلومتری پلیس راه خرمشهر ، تدریجاً مقاومت در خرمشهر ابعاد تازه‌ای به خود گرفت ، چرا که ساختمانهای پیش ساخته که در حد فاصل سیل بند خرمشهر و پلیس راه واقع شده بود ، از یک سو مانع رسیدن نیروهای عراقی به پادگان دژ و اشغال آن و همچنین دستیابی عراقی ها به پلیس راه و جاده کمربندی خرمشهر بود و از سوی دیگر می توانست نیروهای عراقی (تیپ های ۶ و ۲۶ زرهی) که از شمال سیل بند خرمشهر به قصد عبور از رودخانه کارون در حال پیشروی بودند را مورد تهدید قرار داده و ضربه پذیر نماید .

در ابتدای امر ، کمتر از ۱۰ نفر از مدافعین خرمشهر در ساختمانهای پیش ساخته علیه دشمن مقاومت می کردند ، * ولی با آغاز پیشروی عراقی ها در این محور ، نیروهای تکاور ارتش و افراد بومی خرمشهر به همراه سایر نیروها روانه منطقه شدند . فشار سنگین دشمن در این محور که از اهمیتش برای عراق ناشی می شد ، موجب گردید تا مدافعین خرمشهر ، سرانجام اقدام به عقب نشینی کرده و در حوالی پلیس راه خرمشهر استقرار یابند .

* شهید جمشید برون که یکی از حماسه آفرینان مقاومت خرمشهر بود ، در خصوص وضعیت نیروها در این محور و امکانات دفاعی آنها چنین می گوید : « شب ، در آن هوای سرد پائیزی ، بدن آدمی می لرزید . ما ، روی آسفالت طرف پلیس راه می خوابیدیم . یک گونی کثیف که بوی لجن می داد و آدم دلش نمی آمد به آن دست بزنند را شبها ، هنگام استراحت ، می انداختیم روی خودمان . در جایی می خوابیدیم که هر لحظه امکان حمله عراقی ها به آنجا وجود داشت . » (مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ . سند شماره ۵۶۵۳ / پ . ن)

دشمن ، بین روزهای ۱۴ تا ۱۶ مهر ، پس از تقویت نیرو و سازمان‌دهی جدید ، توانست به داخل شهر نفوذ کند ، ولی مسجد جامع شهر به صورت پایگاه مقاومت و سازمان‌دهی نیروها ، همچنان در اختیار رزمندگان اسلام بود . پل خرمشهر نیز به عنوان محل اتصال بخش‌های غربی و شرقی شهر جهت تأمین عقبه نیروهای خودی ، در تسلط مدافعین شهر قرار داشت .

پیشروی دشمن با خیزهای کوتاه ، با وجود تحمل خسارت و ضایعات سنگین ، ادامه داشت و مدافعین شهر علی‌رغم تغییر مواضع ، همچنان مقاومت می‌کردند .

دشمن نیز به دلیل عدم موفقیت قابل توجه و چشمگیر نیروهایش در سایر محورهای تهاجم در جبهه جنوب ، و از طرفی نیاز حاکمان بغداد به دستاوردی که بتواند بر مبنای آن ، تهاجم به جمهوری اسلامی را توجیه نماید ، همچنان برای تصرف خرمشهر و تعجیل داشت و اصرار می‌ورزید .

عبور از کارون و تشدید نبرد :

عراقی‌ها تا ۱۹ مهر ، همچنان در مدخل خرمشهر و حوالی آن درگیر بودند . تا این زمان در برابر دشمن جبهه‌ای به امتداد بندر ، میدان راه‌آهن تا کشتارگاه و پلیس‌راه و کمی بالاتر از آن ، به وجود آمده بود . عقبه نیروهای خودی نیز با استفاده از پل خرمشهر ، همچنان باز و کماکان تردد در آن صورت می‌گرفت . نیروهای دشمن ، تدریجاً پیشروی نموده و با ایجاد درگیری در ساختمان‌های پیش‌ساخته ، در واقع جناح راست تیپ‌های ۲۶ و ۶ زرهی را تأمین کردند تا پس از قطع جاده اهواز - خرمشهر ، به سمت کارون پیشروی و با قطع جاده اهواز - آبادان ، محاصره خرمشهر را از شمال کامل نمایند .

گرچه مقاومت در داخل خرمشهر ، نیروهای عراقی را با تلفات زیاد و

کندی در پیشروی روبه‌رو ساخت ، ولی در عین حال ، عدم تقویت نیروهای خودی و نبودن آتش پشتیبانی و ... موجب گردید که دشمن به هنگام عبور از رودخانه کارون ، خود را از تهدید قوای جمهوری اسلامی در امان دانسته و با اطمینان کامل از رودخانه عبور کند . * رادیو بی‌بی‌سی در تاریخ ۱۳۵۹/۷/۱۹ به نقل از اطلاعیه فرماندهی ارتش عراق ، خبر عبور نیروهای عراقی از رودخانه کارون را با تردید منتشر ساخت . دیگر منابع خارجی ، از جمله روزنامه واشنگتن پست نیز در تاریخ ۱۳۵۹/۷/۲۲ ، عبور نیروهای عراقی از رودخانه کارون را دلیل ضعف این کشور در تصرف خرمشهر ذکر کردند :

«عراقی‌ها که پس از سه هفته محاصره خرمشهر ، هنوز نتوانسته‌اند تمام

قسمت‌های آن را در اختیار بگیرند ، اکنون می‌کوشند با عبور از کارون ،

شهر را دور زده و آن را با قطع ارتباط ، در محاصره بگیرند و همچنین آبادان

را به محاصره اندازند . »

دشمن از این پس برای ورود به مرکز شهر ، به تقویت نیرو مبادرت

* یکی از فرماندهان ارتش عراق که در درگیری‌های خرمشهر نیز حضور داشته ، درباره علل سقوط خرمشهر چنین می‌نویسد :

این امکان برای نیروهای ایرانی وجود داشت که در خرمشهر مقاومت کرده و مانع اشغال آن به وسیله واحدهای عراقی شوند . این ، در صورتی بود که تقویت واحدهای عمل کننده در داخل شهر ، هر چند وقت یک‌بار صورت می‌گرفت و عکس‌العمل خیلی کند و سست برابر پیشروی نیروهای عراقی که حدود ۲۶ روز به طول انجامید ، روی نمی‌داد و اگر فرماندهی ایران در طول جنگ فقط هزار رزمنده در شهر مستقر می‌کرد ، واحدهای عراقی تار و مار شده و بیشتر آنها به اسارت در می‌آمدند . من بخاطر حضورم در طول عملیات ، این حرف را با اطمینان کامل می‌گویم . »

(سند شماره ۵۱۰۹۷/۱۰ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ : "تحلیل

نبردهای بین ایران اسلامی و بعثیان عراقی " ، اطلاعات ستاد کل سپاه)

ورزید در حالی که برای ورود به شهر ، خود را با مشکلات عدیده‌ای مواجه می‌دید . استقرار رزمندگان اسلام در محورهای مختلف ، امکان غافلگیری یا محاصره توسط نیروی موجود دشمن - که به علت عدم آشنایی کافی با شهر ، نیروی خود را از دست داده و متحمل تلفات زیادی گردیدند - را از بین برد . لذا دشمن به منظور تقویت بیشتر نیروهایش ، دو واحد جیش‌الشعبی از سپاه سوم ارتش عراق ، برای استقرار در مواضع تصرف شده ، در اختیار فرماندهی جبهه خرمشهر قرار گرفت و گردان سوم نیروی مخصوص گارد ریاست جمهوری نیز برای انجام عملیات به منطقه اعزام شد .

علاوه بر موانع یادشده که بر سر راه دشمن قرار داشت ، پیمودن مسافت کشتارگاه (در ابتدای جاده شلمچه) تا ساختمان‌های بلند کوی طالقانی که میدان نسبتاً وسیعی را در برمی‌گرفت و در اختیار مدافعین خرمشهر قرار داشت ، برای دشمن نگران‌کننده بود .

ورود به شهر :

در ۲۱ مهر ۱۳۵۹ ، توان اصلی دشمن معطوف به تصرف ساختمان‌های کوی طالقانی گردید ، چرا که در صورت تصرف این ساختمان‌ها ، این امکان برای آنها فراهم می‌شد که در ابتدای شهر ، با برخورداری از یک موقعیت مناسب ، جاده کمربندی و منطقه پلیس‌راه را در کنترل خود قرار دهند .

یکی از فرماندهان ارتش عراق در مورد این اقدام و نتایج آن می‌گوید :

« بدین وسیله نیروهای ما توانستند در ورودی شهر ، برای خود جای پایی باز

کرده و موقعیت خود را تثبیت کنند ، به طوری که این محل ، نقطه تحولی

در روند عملیات به حساب می‌آمد . » (۱۶)

دشمن در نظر داشت که با تقویت نیرو به منظور حفظ مناطق اشغالی و آزادشدن نیروهای تکور ، خود را برای ورود به داخل خرمشهر مهیا کند .

روز ۲۲ مهر ، به عبارتی ، روز سرنوشت‌ساز برای خرمشهر به شمار می‌رود ، زیرا موقعیت دشمن ، بیانگر سقوط قریبالوقوع شهر بود . دشمن با تسلط بر ساختمان‌های کوی طالقانی و استقرار در ابتدای خیابان چهل متری ، مسافتی زیاد از خیابانی که به مرکز شهر ختم می‌شد را در تیررس خود داشت . نیروهای دشمن ، امکان تحت کنترل درآوردن جاده کمربندی را نیز داشتند و علی‌رغم آنکه مقاومت در تمامی محورها ، از جمله بندر و پلیس‌راه ، همچنان ادامه داشت ، ارتباط نیروهای مستقر در پلیس‌راه با توجه به حضور دشمن در ساختمان‌های بلند کوی طالقانی دشوار شده و حضور نیروهای خودی رو به کاهش گذارده بود .

با آغاز پیشروی نیروهای عراقی به داخل شهر در ۲۳ مهر ماه ۱۳۵۹ ، از مقاومت بندر و پلیس‌راه کاسته شد و پادگان دژ نیز به طور کامل سقوط کرد . این ، در واقع مقدمه کنترل کامل دشمن بر منطقه شمال پلیس‌راه و جاده کمربندی بود .

تغییر خرمشهر به " خونین شهر "

نیروهای دشمن با پیشروی در عمق شهر و نفوذ در داخل خیابان فرودسی ، به مسجد جامع نزدیک شدند . قلب شهر در معرض تهاجم و یورش دشمن قرار گرفت . تاکنون همه مسائل در مسجد جامع حل‌وفصل می‌شد . عقبه نیروها و محل تدارک ، سازمان‌دهی ، استراحت و مداوای مجروحین در مسجد جامع واقع شده بود . به عبارت دیگر ، مسجد جامع با قدرتمندی ، نقش ستاد عملیات و فرماندهی و مرکز پشتیبانی و تغذیه‌کننده روحی و معنوی رزمندگان اسلام را ایفا می‌کرد . از این پس ،

مدافعین شهر برای مقاومت ، با دشواری‌های بسیاری مواجه بودند . به نیروهای داخل شهر نه تنها افزوده نمی‌شد ، بلکه تدریجاً با شهادت و مجروح شدن نیروهای موجود ، هر لحظه از تعداد آنها کاسته می‌شد . در این وضعیت ، هر چند ادامه مقاومت بسیار دشوار بود ، اما ترک شهر برای حماسه‌آفرینانش دشوارتر به نظر می‌رسید ، به همین خاطر مقاومت قدم به قدم سلحشوران مسلمان ادامه یافت تا روز بیست و چهارم مهرماه ، که خرمشهر ، شهر خون شد و " خونین شهر " نام گرفت . * اخباری که از داخل به خارج شهر منتقل می‌شد ، همگی حکایت از وضعیت بحرانی و سقوط قریب‌الوقوع شهر داشت .

فرماندهان دشمن ، طی جلسهای در تاریخ ۱۳۵۹/۷/۲۷ ، تصمیم گرفتند هرچه سریعتر پل خرمشهر را ضروری دانسته و طی گزارشی به مقرر لشکر ۳ ، چنین اعلام کردند :

« با توجه به سقوط پادگان دژ به دست یگان‌های ما و با توجه به اینکه تدارکات نیروهای ایرانی از طریق پلی که خرمشهر را به آبادان متصل می‌کند

* آکس افنای ، خبرنگار آسوشیتدپرس درباره آزادی خونین شهر می‌گوید :

« مدافعان ایرانی چنان مقاومت سرسختانه‌ای در اکتبر ۱۹۸۰ از خود نشان دادند که پس از سقوط شهر ، ایران نام خرمشهر را به خونین‌شهر تغییر داد . بلافاصله پس از سقوط خرمشهر ، سرفرماندهی عراق برنامه‌ای برای بازدید خبرنگاران غربی ترتیب داد . خبرنگاران شدت و حدت نبردی را که صورت گرفته بود احساس کردند . در شهر یک‌صد و پنجاه هزار نفری ، به سختی می‌توان خانه‌ای را یافت که آثار خمپاره و گلوله بر دیوارهای اتاقهای آن نباشد ، و این شواهد ، حاکی بود که مدافعان ایرانی چگونه خانه به خانه ، از این شهر دفاع کرده‌اند . یک فرمانده ارشد عراقی در آن زمان اذعان کرد که ایرانی‌ها که اغلب آنها جوانان عضو سپاه پاسداران و فاقد تجربه هستند ، تا پای جان برای دفاع از خرمشهر پایداری کردند . »

(خبرگزاری جمهوری اسلامی ، گزارش‌های ویژه ، ۱۳۶۱/۲/۴)

به شهر می‌رسد ، تسلط بر پل مذکور و محاصره نیروها در داخل شهر باید

از مهمترین اهداف ما باشد . « (۱۷)

از این پس پیشروی دشمن در مرکز شهر به سمت قلب شهر ، یعنی مسجد جامع و روی جاده کمربندی به سمت پل خرمشهر ادامه یافت . یکی از فرماندهان دشمن در این باره می‌گوید :

« دلیل اجرا و ادامه این طرح ، همان‌طور که گفتیم ، ابتدا جلوگیری از رسیدن تدارکات به نیروهای ایرانی و نیز غافلگیر کردن آنها بود ، چون اکثر مقاومت‌های آنها در حوالی مسجد جامع انجام می‌گرفت . « (۱۸)

دشمن تاریخ ۲۹ مهر را به عنوان زمان اجرای طرح تعیین کرد و برای رعایت اصل غافلگیری ، به یگان‌ها ابلاغ کرد که از بی‌سیم‌های خود استفاده نکنند .

با آغاز تهاجم دشمن و پیشروی آنها به سمت پل خرمشهر ، درگیری به حوالی فرمانداری ، روبه‌روی پل ، کشیده شد . از این پس پل خرمشهر که عقبه تدارکاتی نیروهای خودی بود ، مورد تهدید قرار گرفت . نیروهای دشمن از شروع اجرای مانور خود ، با مقاومت شدید مدافعین مظلوم خرمشهر مواجه شده و موفق به تأمین اهداف خود نشدند . تحمل چنین وضعیتی برای فرماندهان دشمن بسیار دشوار بود ، به همین علت ، لشکر ۳ به منظور تحقق اهداف تعیین‌شده‌اش ، برای نیروهای تحت امر خود ضرب‌العجل ۴۸ ساعته‌ای را معین کرد .

سقوط خرمشهر

در دوم آبان ۱۳۵۹ ، دشمن با قوای بسیاری اقدام به پیشروی کرد و علی‌رغم خالی‌شدن مسجد جامع از مدافعین خرمشهر ، عظمت و نقش بی‌نظیر این میعادگاه در مقاومت و دفاع طولانی خرمشهر مانع نزدیکی دشمن به

آن می‌گردید. پل خرمشهر نیز متعاقب وضعیت جدید، به طور کامل مسدود گردید. از این پس، نه تنها ورود به داخل شهر امکان‌پذیر نبود، بلکه راه خروج از شهر نیز مسدود شده بود. در این اوضاع، نیروها با استفاده از بلم و با عبور از زیر جداره‌های پل خرمشهر، تردد می‌کردند. با مسدود شدن پل، فرماندهی دشمن، روز دوم آبان را روز اشغال خرمشهر اعلام کرد و این در حالی بود که هنوز مقاومت نیروها ادامه داشت و دشمن نتوانسته بود بر تمامی شهر تسلط یابد. سقوط پل خرمشهر حتمی و قریب‌الوقوع بود. بر این اساس، دستور عقب‌نشینی به نیروهای خودی صادر شد و مجروحین برای انتقال به منطقه امن و دور از دسترس دشمن، به ساحل رودخانه کارون منتقل شدند.

بدین ترتیب، مدافعین خرمشهر تا آخرین لحظات با دشمن جنگیدند و با مقاومت، ایثار و جانفشانی خود، حدیثی حماسی و انقلابی و در عین حال غم‌انگیز و مظلومانه‌ای را رقم زدند و تاریخی پر افتخار و درخشان از خود بر جای نهادند.

دشمن بعثی که در ابتدا تصرف خرمشهر را بسیار ساده و در دسترس پنداشته و بر همین اساس تنها دو گردان از نیروی مخصوص را جهت اجرای مأموریت و تصرف خرمشهر اختصاص داده بود، عملاً مجبور شد که به منظور مقابله با مدافعین سلحشور و مظلوم خرمشهر، بیش از ۲ لشکر را به کار گیرد. بخشی از نیروهای دشمن که در طی ۳۴ روز جنگ، برای اجرای مأموریت به خرمشهر اعزام شدند، طبق اسناد و مدارک موجود به شرح زیر می‌باشد:

۱ - لشکر ۳ زرهی

۲ - گردان هشتم و نهم از تیپ ۳۳ نیروی مخصوص

۳ - گردان تانک الحسن وابسته به تیپ ۲۶ زرهی از لشکر ۵ مکانیزه

- ۴ - گردان ۳ مکانیزه از تیپ ۱۵ مکانیزه
- ۵ - گردان یکم از تیپ ۴۹
- ۶ - گردان کماندو از فرماندهی نیروهای کماندویی خالد از لشکر ۲
- ۷ - گردان یکم از تیپ ۴۲۹
- ۸ - گردانهای دوم و سوم از تیپ ۳۱ نیروی مخصوص
- ۹ - گردانهای دوم و سوم تیپ ۲ پیاده از لشکر ۲
- ۱۰ - ۲ واحد از نیروهای جیش‌الشعبی
- ۱۱ - گردان سوم نیروی مخصوص گارد ریاست جمهوری
- ۱۲ - گردان یکم از تیپ ۲۳.

توقف سراسری دشمن

به دنبال تهاجم سراسری عراق، به تناسب درک انقلابی اقشار مختلف مردم از ابعاد تهاجم و نتایج ذلت‌بار آن، مقاومت مردمی، به ویژه در شهرهای مرزی ایران شکل گرفت. نیروهای نظامی، علی‌رغم ضعف‌ها و کاستی‌های موجود، با اندک امکاناتی که در اختیار داشتند، به مقاومت پرداختند.

نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی، تنها چند روز پس از تهاجم سراسری عراق، دو سکوی نفتی العمیه و البکر را مورد تهاجم قرار داد و منهدم کرد. بدین ترتیب، صادرات نفتی عراق از خلیج فارس با معضل اساسی روبه‌رو شد.

نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی، بلافاصله پس از آغاز جنگ، با به پرواز درآوردن ۱۴۰ فروند هواپیما، مراکز حساس و استراتژیک عراق را مورد تهاجم قرار داد.

تهاجم سراسری عراق پس از گذشت یک هفته، با رکود چشمگیری

مواجه شد. در بیشتر مناطق، نیروهای عراقی موفق به تصرف اهداف و اجرای کامل مأموریت خود نشده بودند. مدافعان شجاع خرمشهر نیز همچنان خرمشهر را در اختیار داشتند و در حفظ آن پافشاری می کردند. لذا صدام بلافاصله پس از جمع بندی اوضاع جنگ، در تاریخ ۱۳۵۹/۷/۷ طی سخنانی خطاب به ملت عراق اعلام کرد:

«عراق به مقاصد ارضی خود نائل شده و کشورش مایل است خصومت ها را کنار گذاشته و به مذاکره بپردازد.»

تفسیرهایی که کارشناسان و تحلیل گران نظامی تنها یک هفته پس از شروع جنگ ارائه کردند، علی رغم آنکه عراق در اکثر محورهای هجوم در حال پیشروی بود، گویای شکست استراتژی عراق در تهاجم به جمهوری اسلامی بود. * اعلام آتش بس یک جانبه از سوی صدام نیز مبین همین موضوع بود.

در عین حال، عدم تناسب توانایی عراق با اهداف زمان بندی شده جنگ، یکی دیگر از عواملی است که در ناکامی اهداف عراق ** نقش تعیین کننده ای داشته است؛ در نتیجه، عراق علی رغم بهره گیری از استراتژی پرتحرک و محدودی که همراه با سرعت و قاطعیت و غافلگیری بود، نتوانست به اهداف خود نائل شود، و برای همین ناخواسته به استقرار در مواضع دفاعی نامناسبی مجبور شد. عواملی که در زمین گیر شدن و

* رادیو لندن، به نقل از روزنامه گاردین در تاریخ ۱۳۵۹/۷/۵، گفت: «نیروهای مسلح عراق هفته خوبی را پشت سر گذاشتند. عراق، نه به پیروزی های قابل توجهی دست یافته و نه به پیروزی های سطحی.»

** روزنامه انقلاب اسلامی، به نقل از رادیو آلمان در این زمینه می نویسد:

«عراق در جنگ بی حاصل فعلی که هدف آن سرنگوی رژیم (امام) خمینی بود، به هیچ وجه به نتیجه نرسیده است. این جنگ برعکس تصور عراق، وضع ایران را بشدت تحکیم بخشیده است.»

(روزنامه انقلاب اسلامی - ۱۳۵۹/۷/۲۴)

شکست دشمن نقش داشته‌اند عبارتند از :

الف) فرضیات و محاسبات غلط در ارزیابی اوضاع داخلی ایران

دستگاههای اطلاعاتی عراق با مساعدت کشورهای مرتجع منطقه ، آمریکا و غرب ، اطلاعات وسیعی از اوضاع داخلی ایران جمع‌آوری کرده بودند . یکی از فرماندهان دشمن درباره اخبار و اطلاعات رسیده به عراق می‌نویسد :

« به عراق اطلاعات بسیار دقیقی از اوضاع اقتصادی ، سیاسی و مشکلات داخلی و درگیری‌های سیاسی گروه‌های مخالف داده شده بود . همچنین عراق به دقیق‌ترین جزئیات وضعیت نظامی (حجم نیروهای نظامی) و از هم گسیختگی بدنه ارتش در اثر انفصال از خدمت هزاران نظامی ، اعم از افسر و درجه‌دار ، دست یافته بود و از عدم انضباط و آشفتگی در داخل یگان‌های نظامی اطلاع کامل داشت . همچنین عربستان سعودی از آغاز پیروزی انقلاب ایران ، رژیم عراق را از توان نظامی ایران قدم به قدم آگاه ساخته بود . سعودی‌ها این اطلاعات را از طریق سازمان اطلاعات آمریکا گرفته بودند ، چرا که تعداد بسیاری از مزدوران و اعضای ساواک را در اختیار داشتند و همچنین در مورد وضعیت نیروهای مسلح ایران ، اطلاعاتی از طریق بعضی از سفارتخانه‌های خارجی و از طریق افراد سیاسی و نظامی که به عراق فرار کرده بودند ، به دست آمده بود . بدین شکل ، رهبران عراق وضعیت نظامی ایران و تحولات آن را پیگیری می‌کردند . » (۱۹)

در این میان ، تنها مسئله‌ای که مورد توجه فرماندهان عراق قرار نگرفت ، روحیه و توانی بود که از پیروزی انقلاب اسلامی حاصل شده بود . × در حقیقت ، مبنای تصمیم‌گیری حاکمان عراق برای حمله نظامی علیه جمهوری اسلامی ، ارزیابی دستگاه اطلاعاتی عراق و

اطلاعات واصله به آن کشور بود ، بدون اینکه میزان مقاومت مردمی و تبعات عدم دستیابی به اهداف تعیین شده مورد توجه آنها قرار گرفته باشد .

یکی از فرماندهان عراقی ضمن تجزیه و تحلیل عدم موفقیت ارتش عراق ، با تأکید بر عدم دسترسی آنها به اطلاعات صحیح ، در مورد مقاومت مردمی چنین می گوید :

« اگر فرماندهی می خواست تصمیمی مبنی بر حمله به ایران بگیرد ، لازم بود که اطلاعات خیلی دقیقی به واحدهای حمله کننده رسیده باشد ، اطلاعات داده شده از مقاومت های احتمالی ، درست نبود . » (۲۰)

فرمانده یکی از یگان های مأمور در خرمشهر نیز در این باره می گوید :

« اطلاعاتی که به تیپ ما داده شد ، اطلاعاتی شفاهی و سریع بود و خلاصه آن ، این بود که در شهر (خرمشهر) نیروی اندکی با روحیه ای بسیار ضعیف وجود دارد و اجرای مأموریت فقط چند ساعت به طول خواهد انجامید . » (۲۱)

در هر صورت ، عراق با این تهاجم خود ، بهای سنگینی را برای نادیده انگاشتن روحیه انقلابی ملت مسلمان ایران پرداخت کرد .

ب) عدم تطابق اهداف سیاسی با توان نظامی

توان نظامی عراق در تهاجم به جمهوری اسلامی به دلیل مقاومت انقلابی

← * رادیو لندن ، به نقل از تایمز مالی در تاریخ ۱۳۵۹/۷/۹ گفت :

« آنچه را که رهبران عراق از نظر دور داشتند ، ظرفیت و آمادگی مردم ایران و جمع شدنشان به دور مظاهر انقلابشان بود که هنوز در شور و هیجان یک رستاخیز مذهبی و سیاسی به سر می بردند . »

مردم ، موقعیت زمین و عمق خاک جمهوری اسلامی و سایر موانع طبیعی ، با اهداف مورد نظر دشمن مطابقت نداشت . لذا ماشین جنگی عراق از نخستین هفته‌های آغاز جنگ در سرزمین وسیع خوزستان پراکنده شد و از این‌رو ، توان لازم را برای ادامه مؤثر تهاجم از دست داد .

ارتش عراق که تمرکز قوای خود را از دست داده و با کمبود نیروی احتیاط روبه‌رو بود ، نتوانست جبهه جنوب را تقویت نماید و لشکر ۳ ، هرگز توانایی و فرصت لازم را برای عبور از بهمن‌شیر به دست نیاورد و این پراکندگی قوا ، کمبود نیرو ، و گرفتاری در جبهه‌ای گسترده - که مشکل عمومی و فراگیری قوای دشمن محسوب می‌شد - مانع هرگونه پیشروی مؤثر شد و آنها را با فرو بردن در لاک دفاعی ، به احداث استحکامات و تحکیم مواضع دفاعی خود وادار کرد .

به دنبال درخواست آتش‌بس از سوی صدام * و عدم انعطاف جمهوری اسلامی ، دشمن بین دو راه حل مخیر گشت :

۱ - عقب‌نشینی از مواضع و ادعاهای اولیه ، به ویژه لغو قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر :

با توجه به تمهیدات گسترده سیاسی - نظامی که عراق با اجرای آن

* یکی از فرماندهان عراقی در این باره گفت :

« صدام ، وقتی درخواست آتش‌بس را در روز ۱۹۸۰/۹/۲۸ (۱۳۵۹/۷/۶) ابراز نمود ، کاملاً

متقاعد شده بود که ارتش عراق توانایی انجام وظیفه را ندارد . »

(واحد اطلاعات ستاد کل سپاه پاسداران ، " تحلیل نبردهای بین ایران و عراق " ، ص ۸)

روزنامه تایمز مالی نیز در تاریخ ۱۳۵۹/۷/۲۶ ، در این مورد نوشت :

« جنگ ایران و عراق ، چه از نقطه نظر تاکتیکی و چه از نظر استراتژیکی به بن‌بست رسیده

است ، به همین دلیل ، عراق به هر دری می‌زند تا بلکه کشوری واسطه آتش‌بس بین دو طرف

مخاصمه شود . »

مبادرت کرد ، عقب‌نشینی از مناطقی که در پیشروی‌های اولیه به عنوان اهرم فشار در تصرف خود داشت ، در واقع برای صدام به منزله خودکشی تلقی می‌شد و دور از منطق و غیرقابل قبول به نظر می‌رسید .

۲ - حفظ وضع موجود ، به منظور وادار کردن جمهوری اسلامی به مذاکره سیاسی :

رژیم عراق چنین ارزیابی می‌کرد که جمهوری اسلامی علی‌رغم مقاومت در برابر تهاجمات عراق ، فاقد توان لازم برای آزادسازی مناطق اشغالی می‌باشد و لذا امیدوار بود که با استقرار در مواضع اشغالی و تحکیم و تثبیت آن در آینده ، جمهوری اسلامی را به دادن امتیاز (لغو قرارداد ۱۹۷۵) وادار کند .

عراق راه دوم را برگزید و بدین ترتیب با استقرار نیروهای مهاجم در مواضع پدافندی ناقص ، مرتکب دومین اشتباه استراتژیکی خود شد و با توجه به فرا رسیدن فصل بارندگی و سرما ، این نیروها بدون اینکه در مواضع مناسبی استقرار یابند یا ضربه اساسی به نیروها و ظرفیت نظامی جمهوری اسلامی بزنند ، زمان و فرصت مطلوبی را در اختیار جمهوری اسلامی قرار دادند تا به موازات حل مشکلات در داخل ، مہیای آزادسازی مناطق اشغالی شود . *

* مجله اشپیگل چاپ آلمان ، در مورد شکست عراق و کسب زمان برای آمادگی بیشتر و بهتر رزمندگان اسلام ، می‌نویسد :

« جنگ ، آن‌طور که صدام امیدوار بود ، نه باعث سقوط رژیم ایران شد و نه طغیان اعراب خوزستان به جانبداری از بغداد علیه حکومت ایران را سبب گردید . نیروهای عراق ماه‌هاست که در مناطق مرزی عملیاتی ، بدون هدف مشغولند ... بی‌برنامه بودن عراقی‌ها ، فرصت لازم را در اختیار ایرانی‌ها گذاشت تا بر اوضاع درهم و برهم زمان انقلاب مسلط شده و تدارکات لازم را به جبهه‌ها برسانند ... »

آخرین مواضع اشغالی

عراق علی‌رغم شکست اهداف نظامی و عدم موفقیت در وادار کردن جمهوری اسلامی به پذیرش آتش‌بس تحمیلی، بنا به دلایل زیر اقدام به تحکیم مواضع در مناطق اشغالی کرد:

۱ - اوضاع بی‌ثبات داخلی کشور و افزایش تلاش گروه‌های ضدانقلاب در معارضة مسلحانه با نظام جمهوری اسلامی.

۲ - ارزیابی توانایی نظامی ایران و مشاهده عدم تحرک اساسی از طرف نیروهای مسلح.

۳ - مناسبات جهانی، که علی‌رغم شکست استراتژی نظامی عراق در حمله به جمهوری اسلامی، تقریباً به‌طور یکپارچه از این کشور حمایت (نظامی و سیاسی) می‌کردند.

بنابراین، یکی از علل عمده حضور نیروهای عراقی در مناطق اشغالی را باید تجزیه و تحلیل آنها از اوضاع داخلی کشور دانست. در این خصوص یکی از فرماندهان عراقی می‌گوید:

«رهبری عراق نظریات خود را روی اوضاع آشفته داخل ایران و اختلاف

شدید بین سیاستمداران ایران (یعنی جریان بنی‌صدر از یک طرف و جریان

اصیل اسلامی از طرف دیگر) بنا نهاده بود و به این خاطر تصور می‌کرد که

تأمین نیروهای لازم برای بیرون راندن نیروهای عراقی در سایه این پراکندگی

داخلی، برای ایران دشوار خواهد بود.» (۲۲)

همچنین ویلیام اف هیکمن از فرماندهان نیروی دریایی آمریکا و عضو هیئت مدیره فدرال برنامه مطالعات خارجی بروکینگز در این باره می‌گوید:

«در مرحله دوم (جنگ) که اول ماه نوامبر تا، تابستان ۱۹۸۱ (آبان ۱۳۶۰

تا ، تابستان ۱۳۶۱) را در بر می گیرد ، از سویی جنگ در بن بست قرار داشته و در طول آن ، نیروهای عراقی در مواضع دفاعی مستقر شدند و از سوی دیگر ، تلاش های ایران برای تنظیم امور کارهای جبهه ها ، به دلیل وجود جنگ قدرت در تهران ناکام ماند . »

پیدایش چنین وضعیتی ، یعنی ناتوانی عراق برای تحمیل خواسته های خود و عدم توانایی جمهوری اسلامی در باز پس گیری مناطق اشغالی ، به لحاظ مشکلات سیاسی در داخل ، جنگ را با بن بست جدی روبه رو ساخت و بدین علت ، تصمیم گیری عراق در این وضعیت ، به تداوم استقرار در مناطق اشغالی منجر شد .

بررسی وضعیت سیاسی - نظامی کشور

جمهوری اسلامی ایران ، به دلیل اوضاع خاص سیاسی - نظامی حاکم بر کشور در آستانه تهاجم عراق ، به هیچ وجه از آمادگی و قابلیت لازم برای رویارویی و در هم کوبیدن ماشین نظامی دشمن برخوردار نبود . در عین حال ، درک مردم از ماهیت تجاوز دشمن و تبعات آن بر سرنوشت انقلاب و کشور ، موجب شد تا مقاومت نیروهای مردمی ، دشمن را از تحقق کامل اهداف سیاسی و نظامی اش باز دارد . در این مرحله ، علی رغم فراز و نشیب های بسیاری که وجود داشت در هر صورت دشمن به امید دستیابی به امتیازات مورد نظر ، یا تحمیل صلح به جمهوری اسلامی ، در مواضع پدافندی ناقص مستقر شد و به تحکیم مواضع خود مبادرت ورزید .

نظر به اوضاع بی ثبات سیاسی و وضعیت خاص جبهه های نبرد ، سؤال اساسی این است که جمهوری اسلامی ، در حد فاصل آغاز تهاجم دشمن تا شکل گیری روند آزادسازی مناطق اشغالی ، در چه وضعیتی قرار داشت ؟

به عبارت دیگر ، اوضاع سیاسی - نظامی کشور از چه مشخصه و ویژگی‌هایی برخوردار بود و به دنبال آن ، تلقی و باور دشمن از این اوضاع چه بود ؟ این اوضاع چه تأثیری بر مواضع و عملکرد آنها در تداوم حضورشان در مناطق اشغالی داشت ؟ برای پاسخ به سؤالات ذکر شده ، بررسی اوضاع و روند تحولات سیاسی - نظامی کشور در حد فاصل زمین‌گیر شدن دشمن تا آغاز آزادسازی مناطق اشغالی - که نزدیک به یکسال و اندی به طول انجامید - ضروری است .

الف (وضعیت سیاسی

اوضاع سیاسی داخل کشور و تحولات آن ، اساساً معطوف به تلاش‌های سازمان‌دهی شده داخلی یا حمایت‌های خارجی به منظور حذف نیروهای انقلابی و جابه‌جایی در قدرت سیاسی کشور بود . بدین شکل که روند تحولات انقلاب طی سال ۱۳۵۸ ، به ویژه تسخیر لانه جاسوسی آمریکا ، ضمن افشای ماهیت سیاست‌های آمریکا در داخل کشور و منطقه ، ماهیت جریان‌های وابسته به آمریکا را نیز آشکار ساخت . بخشی از نتایج این تحول شگرف و عمیق ، تضعیف بیش از پیش نیروهای مخالف انقلاب اسلامی بود .

بدین ترتیب کلیه عناصر و جریان‌هایی که بقا و حیات سیاسی خود را در صحنه داخل کشور در معرض تهدید تلقی می‌کردند ، کوشش مضاعفی را در معارضة هماهنگ و سازمان‌یافته با نیروهای انقلابی آغاز کردند . ماهیت این جریان‌ها و اهداف سیاسی - نظامی‌ای که دنبال می‌کردند ، به گونه‌ای غیرقابل انکار ، منجر به همسویی آنها با تلاش و سیاست‌های آمریکا در داخل ایران شد .

در روند تحولات داخل کشور ، انتخاب بنی‌صدر به مقام ریاست

جمهوری، نقطه عطفی در شکل‌گیری حوادث بعدی و انسجام و سازمان‌دهی عناصر و جریان‌های معارض با انقلاب اسلامی محسوب می‌شود. با فرا رسیدن سال ۱۳۵۹، به ویژه حوادث و رخداد‌های نیمه اول این سال، * تنش سیاسی در داخل کشور نیز تشدید شد.

با آغاز تجاوز دشمن و پیدایش وضعیت جدید در کشور، اوضاع داخلی تا اندازه‌ای بهبود یافت و کلیه نظر‌ها به مقابله با دشمن معطوف شد. لیکن اهداف سیاسی بنی‌صدر و تلاش‌های وی برای بهره‌گیری از اوضاع بحرانی به منظور حذف نیروهای انقلابی، موجب گردید که پس از زمین‌گیر شدن دشمن، مجدداً درگیریهایی داخلی تشدید شده و در شکل و ابعاد جدیدی ظهور نماید.

بنی‌صدر تا پیش از این در صدد حذف نیروهای انقلابی‌ای بود که پس از اشغال لانه جاسوسی آمریکا، تحت عنوان نیروهای خط امام متشکل شده بودند. لیکن تحولات جنگ و موقعیت جدید نیروهای خط امام در داخل کشور و جبهه‌های نبرد، موقعیت را برای بنی‌صدر و تحقق اهداف سیاسی او دشوار کرد. در وضعیت جدید، بنی‌صدر بهبود موقعیت سیاسی - نظامی خود را وابسته به خاتمه جنگ و حصول صلح می‌دانست و در این زمینه نیز مورد حمایت کشورهای غربی قرار داشت. وی همچنین با بهره‌گیری از اهرم‌های مختلف، سعی می‌کرد که حمایت مردم را نیز به عنوان یک عامل تعیین‌کننده به همراه داشته باشد. علی‌رغم تلاش‌های وی در سازمان‌دهی ارتش و اجرای عملیات نظامی به منظور کسب پیروزی سیاسی - نظامی، این اقدامات با شکست و ناکامی همراه شد. به عبارت دیگر، خاتمه بخشیدن به جنگ از طریق مذاکره سیاسی، ضمن اینکه تنها

* در مبحث شکل‌گیری زمینه تهاجم، به حوادث برجسته آن اشاره شد.

راه‌حلی بود که وی در پیش رو داشت ، می‌توانست در صورت تحقق ، تا اندازه‌ای به ارتقاء موقعیت رو به تنزل سیاسی - نظامی او منجر شود . لیکن ناکامی وی ، برنامه دیگری را پیش روی نیروهای شناخته‌شده مخالف بنی‌صدر قرار داد . در این روند ، حادثه ۱۴ اسفند در دانشگاه تهران ، نشانه سرفصل جدیدی از تلاش‌های ضدانقلاب در داخل کشور محسوب می‌شد . به عبارت دیگر ، این حادثه منجر به وقوع حوادث و رخدادهایی شد که سرانجام منتهی به درگیری مسلحانه در داخل کشور و در نهایت شکست و هزیمت ضدانقلاب و حذف آنها از صحنه سیاسی شد .

ب (وضعیت نظامی

تغییر و اصلاحات اساسی در ساختار سیاسی - نظامی کشور ، پس از پیروزی انقلاب و بازتاب طبیعی آن ، موجب گردید تا در کنار بی‌ثباتی سیاسی ، وضعیت نامساعدی بر نیروهای نظامی مستولی شود . ایجاد تردید و ابهام در مورد فلسفه وجودی ارتش و تلاش‌هایی که در خصوص تعلیق خریدهای نظامی صورت گرفت و به ویژه ، عناصر ضدانقلاب با سر دادن شعار انحلال ارتش ، موقعیت نیروهای نظامی را به شدت تضعیف کرد .

به موازات این نابسامانی‌ها در عین حال ، ضرورت برخورد با حرکت‌های ضدانقلاب در داخل کشور و برخی از مناطق به ویژه گنبد ، کردستان ، خوزستان ، بلوچستان و غیره ، محسوس بود . بنابراین ، تدریجاً هسته اصلی نیروهای سپاه ، با ویژگی انقلابی ، شکل گرفت و در اردیبهشت ۱۳۵۸ در پی تصویب شورای انقلاب ، رسمیت یافت . نیروهای انقلابی سپاه ، با مأموریت حفظ انقلاب و دستاوردهای آن ، در صحنه‌های مختلف کشور حضور یافته و به مبارزه با ضدانقلاب پرداختند .

در این روند ، امام خمینی با دوراندیشی و درک ضرورت حفظ ارتش ،

ضمن حمایت‌های همه‌جانبه از این نیرو ، نمایندگان ویژه‌ای را به منظور بررسی وضع ارتش و اصلاح آن اعزام نمودند . در کنار این اقدام ، نظر به برخورد احتمالی آمریکا با ایران و دورنمای ستیز با استکبار جهانی که از جوهره انقلاب اسلامی ناشی می‌شد ، رهبر کبیر انقلاب ، علاوه بر تقویت و حمایت همه‌جانبه از سپاه ، در آذر سال ۱۳۵۸ فرمودند :

« هر چه فریاد دارید بر سر آمریکا بکشید . هر چه تظاهرات دارید بر ضد آمریکا بکنید . قوای خودتان را مجهز کنید و تعلیمات نظامی پیدا کنید و به دوستان تعلیم دهید ... مملکت اسلامی باید همه‌اش نظامی باشد و تعلیمات نظامی داشته باشند . » (۲۳)

بیانات امام به شکل‌گیری بسیج و تعلیم آموزش نظامی مردم توسط نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی انجامید . حضرت آیت‌الله خامنه‌ای نماینده وقت حضرت امام در سپاه ، طی مصاحبه‌ای چنین اظهار نمودند :

« آموزش نظامی همگانی به برادران و خواهران ، در مراکزی که سپاه پاسداران معین خواهد نمود و آن را از طریق مطبوعات و رسانه‌های گروهی به مردم ابلاغ خواهد کرد ، عملی خواهد شد . » (۲۴)

بدین ترتیب ، ساختار نیروهای نظامی جمهوری اسلامی در آستانه تهاجم عراق ، بدین شکل بود که از یک‌سو ، ارتش به عنوان نیروی کلاسیک و منظم کشور ، همچنان درگیر مسائل داخلی خود به ویژه تأثیرات روحی - روانی ناشی از کودتای نوژه در تیر ۱۳۵۹ (تنها چهل روز قبل از آغاز تهاجم رسمی عراق) قرار داشت و از سوی دیگر ، نیروهای انقلابی سپاه و نیروهای مردمی بسیج بودند که با توجه به استعداد و امکانات موجود خود و عدم برخورداری از موقعیت‌های مناسب ، تا تقبل و پذیرش مسئولیت دفاع همه‌جانبه از کشور ، فاصله زیادی داشتند .

در عین حال ، ترکیب نیروی دفاعی کشور از نیروهای کلاسیک و نیروهای انقلابی و مردمی ، در برخی از بحران‌ها ، به ویژه در کردستان ، بازدهی نسبتاً خوبی را از خود نشان داد . لیکن ، اوضاع ناشی از تلاش‌های مزورانه بنی‌صدر ، مانع از همکاری همه‌جانبه این نیروها بود ، ضمن اینکه در رده‌های مختلف ارتش ، عناصر مومن و معتقد در بسیاری از مواقع ، حمایت‌های مناسبی را در تسلیح و آموزش نیروهای انقلابی و مردمی به عمل می‌آوردند . در عین حال ، تهاجم همه‌جانبه دشمن در ۳۱ شهریور و بسیج ملی در کشور به منظور مقابله با متجاوزین ، موجب گردید تا عملاً هرگونه ضعف و کاستی که در نیروهای مسلح کشور وجود داشت ، در مقابل پیدایش وضعیت جدید ، تا حدودی ، جبران شود . طی این روند ، به دلیل فقدان کارآیی سیستم کلاسیک نظامی کشور و نیز فقدان فرماندهی متمرکز و توانا در به‌کارگیری نیروها ، مقاومت اساسی در برابر متجاوزین ، بیشتر در شهرها و با اتکا بر نیروهای مردمی و انقلابی شکل گرفت . در سایر مناطق ، تلاش عمده‌ای که منتهی به توقف دشمن بشود ، صورت نپذیرفت .

گذر از این دوران پر تلاطم و بحرانی ، با اتکا به مقاومت نیروهای مردمی صورت گرفت و سرانجام دشمن ضمن اینکه دیگر توانایی لازم را برای پیشروی نداشت ، به امید دستیابی به صلح ، در مناطق اشغالی مستقر گردید . به مدت یک‌ماه و اندی پس از زمین‌گیر شدن دشمن ، دو طرف درگیری تحرک قابل توجهی از خود نشان نداده و تنها آتش توپخانه و حملات هوایی محدود ، آتش جنگ را شعله‌ور نگاه می‌داشت و در بعضی مواقع ، عراق سعی می‌کرد که موقعیت خود را گسترش داده و مناطق متصرفه را تأمین نماید . در این روند ، ارتش جمهوری اسلامی به تدریج اقدام به تحرکات کرد که ذیلاً به آنها اشاره می‌شود :

در تاریخ ۱۳۵۹/۷/۲۳، در محور دزفول، ارتش جمهوری اسلامی با اجرای یک عملیات کلاسیک، تلاش کرد تا دشمن را از کل منطقه غرب رودخانه کرخه عقب براند و با بهره‌برداری از موفقیت، ضمن تعاقب دشمن به سمت فکه و العماره پیشروی کرده، عراقی‌ها را تا مرز تعقیب کند، لیکن نتایج مطلوب از این عملیات حاصل نشد.

در فاصله بین ماه‌های مهر تا دی سال ۱۳۵۹، یعنی قریب به سه ماه، جمهوری اسلامی هیچ‌گونه اقدامی به عمل نیاورد و رکود کاملی بر جبهه حاکم گردید. در این مدت، درگیری‌های سیاسی در داخل کشور نیز به طور نامطلوبی تشدید شده بود. ارتش جمهوری اسلامی ایران با طراحی دومین عملیات کلاسیک خود، آن را در تاریخ ۱۳۵۹/۱۰/۱۵، از محور هویزه، تحت عنوان «عملیات نصر» به اجرا درآورد. این عملیات با شرکت نیروهای ارتش، نیروهای مردمی و سپاه، با هدف شکست دشمن در جنوب اهواز، آزادی خرمشهر و پدافند در ساحل شط‌العرب انجام شد. گرچه در مرحله اول عملیات، نیرو و تجهیزات قابل توجهی از دشمن منهدم و غنایمی نیز به دست آمد، لیکن با پاتک دشمن، نیروهای خودی عقب رانده شدند و از نظر تجهیزات و نیرو متحمل تلفاتی گردیدند.

سومین عملیات در تاریخ ۱۳۵۹/۱۰/۲۰ تنها ۵ روز پس از عملیات هویزه، از سوی ارتش جمهوری اسلامی ایران تحت عنوان «عملیات توکل»، روی جاده ماهشهر - آبادان، به منظور شکستن حصر آبادان طراحی و انجام شد. اما این عملیات نیز سرانجام مطلوبی نداشت و جاده، همچنان در دست عراقی‌ها باقی ماند.

عدم حصول نتیجه موفقیت‌آمیز در اقدامات نظامی که طی این مدت انجام گرفت، برای دشمن این باور را به همراه داشت که جمهوری اسلامی فاقد قابلیت و توانایی لازم برای طراحی و اجرای عملیات اساسی می‌باشد.

در این خصوص یکی از فرماندهان عراقی می گوید :

« ما تصور می کردیم که نیروهای ایرانی از اجرای یک عملیات دقیق و

برنامه ریزی شده در سطحی گسترده ، ناتوان هستند ، لذا بر موضع خود

کاملاً اصرار داشتیم ... ما این ذهنیت را از شکست نیروهای ایرانی در

تاریخ ۱۹۸۱/۱/۵ (۱۳۵۹/۱۰/۱۶) در هویزه به دست آوردیم . » (۲۵)

پیدایش این وضعیت و عدم موفقیت در بیرون راندن نیروهای اشغالگر از سرزمین های اشغالی ، زمزمه هایی مبنی بر صلح با دشمن را نیز به همراه داشت . با توجه به مجموع اوضاع و احوالی که وجود داشت ، به نظر نمی رسید که تحول عمده ای در جنگ صورت پذیرفته و منتهی به شکسته شدن بن بست جنگ و تغییر موازنه به سود جمهوری اسلامی شود .

در چنین موقعیتی و حدود دو ماه پس از آخرین عملیات ناموفق ارتش در هویزه ، نیروهای سپاه در محور سوسنگرد ، عملیات محدودی را با نام مبارک حضرت مهدی (عج) طرح ریزی و اجرا کردند . طی این عملیات ، موفقیت قابل توجهی حاصل شد که بیش از نتایج مادی آن ، عواقب و نتایج روحی و معنوی آن مورد نظر می باشد . در این عملیات ، نیروهای تکاور قریب به ۲۰۰ نفر سپاهی و بسیجی بوده و برابر هماهنگی های پیشین ، مقرر گردید که توپخانه ارتش به مدت ۱۰ دقیقه اجرای آتش تهیه نماید . عملیات در ساعت ۷:۳۰ صبح آغاز شد غافلگیری دشمن و در نتیجه ، پیشروی سریع نیروها ، منجر به انهدام بخشی از نیروهای زرهی و مکانیزه دشمن و کشته شدن قریب ۱۰۰ نفر و نیز اسارت ۶۸ نفر از آنان گردید . گرچه پس از عملیات نیروهای تکاور برابر طرح قبلی به مواضع خود بازگشتند ، ولی آنچه که در این عملیات و در آن وضعیت خاص سیاسی - نظامی کشور و جبهه ها اهمیت داشت ، پیدایش باور و اعتقاد برای شکستن بن بست سیاسی و نظامی جنگ بود .

خلاقیت و ابتکار نیروهای مردمی ، به طرح تاکتیک جدیدی از پیکار و جنگ با دشمن منجر گردید . در واقع ، نتایج این عملیات بیانگر آن بود که حل معضلات انقلاب تنها با ابزار انقلابی و خارج از روش‌های مرسوم امکان‌پذیر است .

بدین ترتیب ، مرحله جدیدی آغاز گردید که طی آن عمدتاً نیروهای مردمی و سپاه با استفاده از روش و تاکتیک‌های مبتنی بر روحیه انقلابی و با امکانات محدود ، مجموعه عملیات‌های جدیدی را سازمان‌دهی و تدارک دیدند ، بر این اساس پس از عملیات امام مهدی (عج) در ۲۶ اسفند ۱۳۵۹ ، تا عملیات شکسته شدن حصر آبادان در تاریخ ۱۳۶۰/۷/۵ طی ۷ ماه ، چندین عملیات محدود و موفق و اغلب در مناطق عملیاتی خوزستان ، انجام گرفت .

آزادسازی مناطق اشغالی و روند شکل‌گیری آن

از زمان تجاوز و سرانجام زمین‌گیر شدن دشمن در مناطق اشغالی ، تا آغاز تهاجم گسترده رزمندگان اسلام که به آزادسازی مناطق اشغالی منتهی شد ، یک سال‌ونیم طول کشید . طی این مدت ، اساساً تداوم حضور نیروهای اشغالگر در مناطق اشغالی بر این فرض قرار داشت که نیروهای نظامی جمهوری اسلامی فاقد قابلیت و توانایی لازم برای انهدام و بیرون راندن آنها از مناطق متصرفه می‌باشند . ضمن اینکه طی این مدت ، تحرک چشمگیری که منجر به آزادسازی این مناطق بشود ، صورت نگرفت و همین امر در شکل‌گیری ذهنیت دشمن مؤثر بود . در این زمینه ، سردار سرتیپ غلامعلی رشید ، مسئول معاونت اطلاعات و عملیات ستاد کل نیروهای مسلح ، طی توضیحاتی اظهارداشت :

« دشمن ، یک‌سال در خاک ما به سر می‌برد بدون اینکه ما حرکت آفندی

گسترده و موفقی علیه او انجام دهیم . این مسئله ، دشمن را به این نتیجه رساند که ما فاقد توان آفندی بوده و قادر نیستیم که زمینهای اشغالی را از دشمن بازپس بگیریم . « (۲۶)

علاوه بر مسئله فوق ، امیدواری دشمن به تحولاتی که در جبهه داخلی صورت می گرفت ، * منجر به این باور و تلقی شده بود که تأثیرات ناشی از بی ثباتی داخلی ، به هیچ وجه امکان سازمان دهی مناسب نظامی را برای جمهوری اسلامی ، فراهم نخواهد کرد . ضمن اینکه عراقی ها تمایل به همکاری با گروههای ضدانقلاب داخلی را رسماً اعلام داشتند . در آذر ۱۳۶۰ ، نیویورک تایمز نوشت :

« صدام حسین رئیس جمهور عراق ، پیشنهاد کرده است که در کوشش برای سرنگونی آیت الله خمینی ، همکاری بدون قید و شرطی را با هریک از گروههای ایرانی مخالف رژیم ، آغاز کند . »

بنابراین ، تحولاتی که منجر به آزادسازی مناطق اشغالی شد ، از یک سو باورها و امیدهای دشمن را که اساساً با تکیه بر آنها بر تداوم حضور در مناطق اشغالی تأکید داشت ، درهم ریخت و از سوی دیگر ، وضعیتی را به وجود آورد که دشمن می بایست در مورد تداوم حضور در مناطق اشغالی و یا عقب نشینی از این مواضع ، تصمیم مقتضی را اتخاذ می کرد .

نکته اساسی که در این بحث باید بدان پرداخت ، این است که جمهوری اسلامی چگونه و تحت چه شرایطی ، وضعیت حاکم بر جبهه های نبرد را دگرگون ساخت و چگونه با بیرون راندن دشمن از مناطق اشغالی ، توازن سیاسی - نظامی را به سود خود به چرخش در آورد . لازمه روشن شدن این موضوع ، تجزیه و تحلیل عوامل تعیین کننده در روند

آزادسازی مناطق اشغالی می‌باشد که به پاره‌ای از موارد آن اشاره می‌شود :

(۱) تغییر وضعیت داخلی کشور

پیش از این ، در تجزیه و تحلیل اوضاع سیاسی و نظامی کشور ، مفصلاً به این موضوع اشاره شده‌است . *

(۲) تحول روحی و معنوی در مردم

فضای ناشی از تشنج و منازعات سیاسی در جامعه امکان توجه و پرداختن به امور معنوی را ضعیف و کم رنگ کرده بود لذا با پیدایش اوضاع جدید و به موازات حذف منافقین با ترور مسئولان نظام و مردم آغاز کردند ، زمینه حضور مجدد مردم در صحنه سیاسی کشور فراهم شد .

آغاز روند تأمین ثبات سیاسی در کشور و معنویت برخاسته از اوضاع جدید ، در عمل امکان افزایش حضور نیروهای مردمی در جبهه‌های جنگ را فراهم ساخت و فرهنگ معنوی موجود در جبهه‌های جنگ و پیروزی‌های نظامی ، برگسترش دامنه تحولات روحی در مردم افزود . بر همین اساس و در پی تأثیرات حضور فراگیر مردم و کسب پیروزی‌های نظامی ، امام خمینی به منشأ این تحول اشاره و از آن به عنوان " فتح‌الفتوح " یاد کردند :

« آنچه برای این‌جانب غرور انگیز و افتخار آفرین است ، روحیه بزرگ و قلوب سرشار از ایمان و اخلاص و روح شهادت‌طلبی این عزیزان ، که سربازان حقیقی ولی‌الله‌الاعظم ارواحنا فدا هستند ، می‌باشند . این است

" فتح‌الفتوح " . » (۲۷)

امام خمینی همچنین فرمودند :

« در دنیا شاید بی نظیر باشد و شاید در طول تاریخ هم نظیری برایش نتوانیم پیدا کنیم که بچه‌های کوچک و جوان‌های نیمسال و زن‌ها ، پیرزن‌ها ، عروس‌ها و دامادها همه با هم در جبهه حاضرند و صحنه جنگ صحنه‌ای است که ملت در آن حاضر هستند . » (۲۸)

۳) گسترش سازمان رزم سپاه

تأثیرات ناشی از تحول روحی در مردم به افزایش حضور آنها در جبهه‌های جنگ انجامید و وضعیت جدیدی را در میدان‌های رزم به وجود آورد . پیش از این ، در زمان فرماندهی بنی‌صدر بر قوای مسلح ، سپاه پاسداران از تجهیزات و امکانات و توجه اندکی برخوردار بود و مورد بی‌مهری بسیار قرار داشت ، لیکن با تغییر اوضاع ، سپاه پاسداران توانست توان خود را افزایش داده و ظرفیت به کارگیری متمرکز نیروهای مردمی را ایجاد کرده و از این عامل اساسی در جهت پیشبرد اهداف نظامی استفاده کند ، به نحوی که ظرف مدت کوتاهی ، سپاه توانست چهار تیپ سازمانی تشکیل دهد که هر کدام دارای ۸ تا ۱۲ گردان عملیاتی بودند .

۴) همکاری و هماهنگی ارتش و سپاه

در پی حذف بنی‌صدر ، مقدمات همکاری جدی نیروهای نظامی (ارتش و سپاه) فراهم شد و عملیات ثامن‌الائمه که در نتیجه این همکاری و با تلاش شهیدان کلاهدوز و نامجو طراحی شد ، پس از تصویب رئیس شورای عالی دفاع به اجرا درآمد . در پی نتایج حاصله از این عملیات ، همکاری این دو سازمان (ارتش و سپاه) به همراه ترکیب جدیدی از تلفیق نیروها و اتخاذ استراتژی عملیاتی و تاکتیک‌های رزمی نوین ، آغاز شد . همکاری‌های متقابل سپاه و ارتش در جوی سرشار از تفاهم ، به رفع بسیاری از توهّمات و تبلیغات سوء گذشته انجامید .

شهادت فرماندهان * بلندپایه سپاه و ارتش ، × علی‌رغم سنگینی سایه فقدان آنان بر سپاه و ارتش ، موجب پیوند عمیق معنوی در میان نیروهای مسلح گردید .

همچنین ، با اتخاذ استراتژی هجوم و با استعانت از روحیه شهادت‌طلبی نیروهای انقلابی و توان سازمان‌دهی مردمی آنها ، روند جدید از شتاب بیشتری برخوردار گردید . در این مرحله ، خلاقیت و ابتکار عمل مبتنی بر واقعیات موجود ، در کنار تخصص و تجهیزات ارتش جمهوری اسلامی ، تأثیر ویژه‌ای در تغییر سریع وضعیت صحنه‌های جنگ داشته است .

۵) ابتکار و خلاقیت در صحنه‌های نبرد

فضای بسیار مناسبی که در این برهه از انقلاب اسلامی و در پی تحول روحی - معنوی مردم حاصل شد ، به گسترش ابتکار و خلاقیت در صحنه‌های جنگ منجر گردید . در واقع ، تا پیش از این ، همه نوع امکانات و تجهیزات لازم در صحنه جنگ وجود داشت ، لیکن هیچ‌کدام عاملی جهت حصول موفقیت در بیرون راندن دشمن از مناطق اشغالی نگردید . ولی با تغییر اوضاع حاکم بر کشور ، بار دیگر روح ابتکار و خلاقیت بر فضای جبهه‌ها حاکم شد که یکی از دستاوردهای بزرگ آن را باید تغییر توازن نظامی به سود جمهوری اسلامی دانست .

سردار سرلشکر محسن رضائی ، فرمانده کل سپاه پاسداران ، در این باره می‌گوید :

* به هنگام بازگشت فرماندهان ارشد نظامی ارتش و سپاه از منطقه عملیاتی ثامن‌الائمه ، بر اثر سانحه هوایی که در تاریخ ۱۳۶۰/۷/۸ رخ داد ، کلیه سرنشینان از جمله : سرلشکر فلاحی ، سرتیپ فکوری ، سرتیپ نامجو و برادران کلاهدوز و جهان‌آرا به شهادت رسیدند .

« یکی از اشکال ظهور و حضور نیروهای مردمی و سپاه که از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است ، مسئله ابتکار و تاکتیک‌های جدید است . حضور نیروی مردمی در جنگ ، پاسخی بود که در صحنه و عمل ، به ناتوانی روشهای کلاسیکی که تاکنون به نتیجه نرسیده بودند ، داده شد . اولین اقدام آنها ، با ابتکاراتشان صورت گرفت . » (۲۹)

همان‌طور که در مباحث پیشین اشاره شد ، عملیات امام مهدی (عج) که در اسفند ۱۳۵۹ طراحی و اجراء شد ، به عنوان سرآغاز مرحله جدیدی از تاکتیک‌های ابتکاری نیروهای مردمی به شمار می‌رود . بعدها این ابتکارات در مقیاس وسیعتری مورد بهره‌برداری قرار گرفت ، چنان‌که به هنگام طراحی عملیات " بیت‌المقدس " ، با عنایت به تفکر کلاسیک نظامی ، مسئله عبور از رودخانه کارون ، با شک و تردید نگریسته می‌شد .

در همین زمینه سردار سرلشکر محسن رضائی می‌گوید :

« اتفاقاً ، همین مسئله (ابتکار و خلاقیت) در خرمشهر خیلی بارز شد . برای اینکه همه به حمله از روی جاده آسفالت اهواز - خرمشهر معتقد بودند . می‌گفتیم چرا ، گفته می‌شد که عرف کلاسیک این‌گونه دیکته می‌کند . اصلاً قانون جنگ این است ، شما مگر می‌توانید این همه تجهیزات زرهی و سایر امکانات را از روی رودخانه عبور بدهید ! این امکان‌پذیر نیست . پل‌ها را هواپیما مورد هدف قرار می‌دهد و ... اما فرماندهی ، این مسئله را قبول نکرده و همچنان معتقد به عبور از رودخانه بود . چرا فرماندهی این‌گونه فکر می‌کرد ؟ روشن است ، چرا که " فرماندهی متأثر از یک روحیه و تحرک مردمی " بود و به این خاطر یک ایده مردمی را ارائه می‌کرد و گرنه از نظر کلاسیک ، حصول این نتیجه امکان‌پذیر نبود . این‌جا ، در حقیقت عبور از رودخانه یک ابداع و خلاقیت مردمی بود و پیروزی ما در عملیات نیز درست به همین مسئله مربوط بود . » (۳۰)

۶) عدم درک دشمن از وضعیت جدید

دشمن از روند شکل‌گیری تحولات جدید - که اساساً بر حضور مردم در صحنه متکی بود و به حذف جبهه ضدانقلاب از صحنه سیاسی کشور انجامید - درک صحیحی نداشته و همین مسئله موجب شد تا عراق ، علی‌رغم اطلاع از عملیات ثامن‌الائمه ، به لحاظ باور و ذهنیت غلط گذشته در مورد توانایی بالقوه رزمندگان اسلام از نظر تاکتیک ، غافلگیر شده و به ناچار به اسارت نیروها و انهدام تجهیزات تن دهد . این عملیات را می‌توان اولین و بزرگترین ضربه روانی به دشمن ، پس از آغاز مرحله جدید جنگ ، به شمار آورد .

<http://www.cim3.net>

سلسله عملیات بزرگ

در این مبحث ، به طور اجمال به سلسله عملیاتی که منجر به آزادسازی مناطق اشغالی کشور شد ، اشاره می شود :

عملیات ثامن الائمه

تحرک اصلی رزمندگان در این مقطع ، عمدتاً معطوف به دو عملیات گردید که هر دو ، در محور آبادان طراحی و انجام شد .

" عملیات ولایت فقیه " از مدتها پیش طراحی و بلافاصله پس از حذف بنی صدر ، با رمز " فرمانده کل قوا - خمینی روح خدا " ، در ۲۳ خرداد ۱۳۶۰ در جبهه آبادان و از محور دارخوین به اجرا درآمد .

طراحی و پیشنهاد شکستن حصر آبادان ، با تأکید حضرت امام که فرمودند : " حصر آبادان باید شکسته شود " ، از مدتها پیش مورد نظر طراحان جنگ و فرماندهان سپاه بود ، لیکن کارشکنی بنی صدر مانع از تحقق آن می گردید . پس از حذف بنی صدر ، زمینه عملی شدن این طرح با نام " عملیات ثامن الائمه " به وجود آمد و در تاریخ ۱۳۶۰/۷/۵ اجرا شد . بدین ترتیب اولین همکاری سپاه و ارتش در این عملیات و در مقیاس وسیع ، به منصفه ظهور رسیده و تحقق یافت .

انهدام و پاکسازی شرق رودخانه کارون از نیروهای دشمن و شکستن محاصره آبادان ، بخشی از نتایج و دستاوردهای عملیات ثامن الائمه به شمار می رود . تداوم محاصره آبادان ، برای دشمن از ارزش سیاسی بالایی برخوردار بود و از مقاصد عمده رژیم عراق برای به تسلیم کشاندن جمهوری اسلامی محسوب می شد . با این عملیات ، دشمن علاوه بر اینکه یک امتیاز با ارزش سیاسی را از دست داد ، از نظر روحی و روانی و

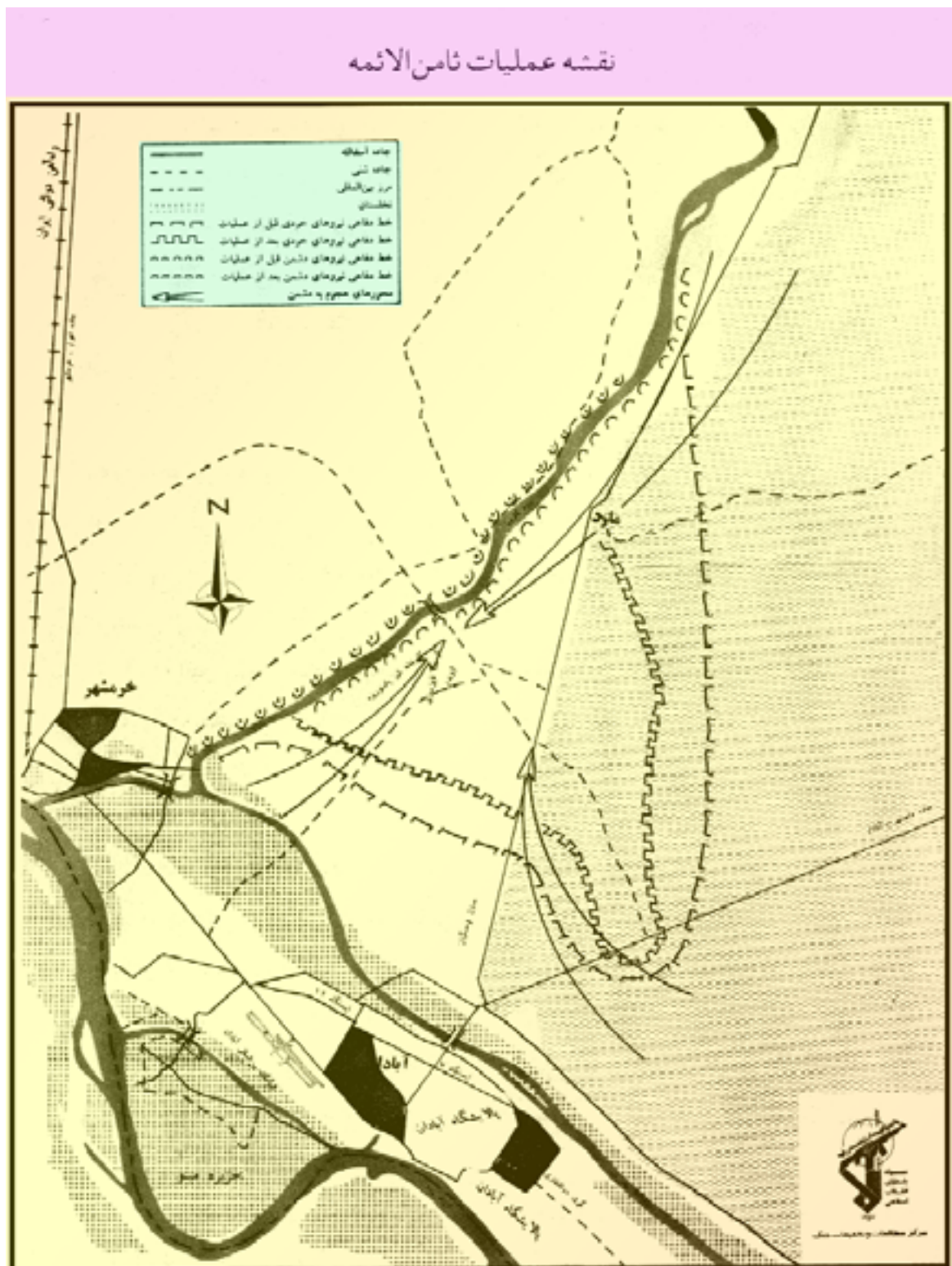
همچنین نیروی انسانی و تجهیزات متحمل خسارات بسیاری شد .

حضور ناقص دشمن در شرق رودخانه کارون ، همان‌طور که اشاره شد ، عمدتاً ناشی از باورهای ذهنی غلط دشمن در مورد توانایی رزمندگان از یک‌سو ، و رجحان اهداف سیاسی بر اهداف نظامی ، از سوی دیگر بود . اطلاعاتی که پس از عملیات " فرماندهی کل قوا " از اسرای دشمن به دست آمد ، حاکی از آن بود که تعدادی از فرماندهان عراقی نیز استقرار در شرق رودخانه کارون را از لحاظ نظامی ، غیر اصولی ارزیابی کرده بودند . لیکن فرماندهی کل ارتش عراق ، با توجه به اهداف سیاسی رژیم عراق ، بر تداون حضور نیروهایش در شرق رودخانه کارون تأکید داشت .

نتایج حاصله از عملیات " فرماندهی کل قوا " و " ثامن‌الائمه (ع) " ، باورهای غلط دشمن درباره توان رزمندگان اسلام را درهم ریخت و امنیت دشمن را که مدت‌ها بدون دغدغه اساسی در قسمت بزرگی از مناطق اشغالی مستقر شده بود ، سلب کرد ، ضمن اینکه موجب نمایان شدن هرچه بیشتر آسیب‌پذیری دشمن نیز گردید . علاوه بر این ، اعتماد رزمندگان اسلام به اتخاذ تاکتیک‌های ابتکاری در جنگ و همچنین شکل‌گیری همکاری ارتش و سپاه و باور و اعتقاد نیروهای نظامی کلاسیک به نیروهای انقلابی ، بخشی از نتایج آن بود که تحقق یافت .

بر این اساس ، برادران سپاه و ارتش به منظور اتخاذ استراتژی عملیاتی جلساتی به صورت جداگانه تشکیل دادند و حاصل این جلسات در نشست‌های مشترک مورد بحث و بررسی قرار گرفت . در جمع‌بندی این جلسات ، ۱۲ طرح عملیاتی ، به عنوان طرح‌های کربلای ۱ تا کربلای ۱۲ تدوین و به شورای عالی دفاع ارائه شد و ضمن آن بر موارد ذیل تأکید گردید :

- بهره‌گیری از همه امکانات و ابتکارات در جنگ (اصل تمرکز قوا)



نقشه عملیات ثامن الائمه

- انهدام نیروهای دشمن و بیرون راندن آنها از میهن اسلامی

- صرفه جویی در قوا و آزادسازی نیروهای خودی

- آماده شدن برای حمله های تعیین کننده و نهایی

طرح های عملیاتی مورد نظر ، به گونه ای طراحی شده بود که براساس اصل صرفه جویی ، در قوا ، بلافاصله پس از هر عملیات ، خط پدافندی خودی احتیاج به نیروی کمتری برای تأمین داشته باشد .

عملیات طریق القدس

عملیات طریق القدس ، دو ماه پس از عملیات ثامن الائمه طراحی شد و در تاریخ ۱۳۶۰/۹/۸ به اجرا درآمد . ویژگی های مهم این عملیات عبارت بودند از :

۱ - افزایش وسعت منطقه عملیات : اعتماد به نفس رزمندگان و درک صحیح از نقاط ضعف و ناتوانی دشمن ، همراه با افزایش ظرفیت به کارگیری تمامی امکانات موجود ، که به انتخاب منطقه عملیاتی طریق القدس با وسعتی بیش از دو برابر منطقه عملیاتی ثامن الائمه انجامید .

۲ - گسترش اهداف عملیاتی : رسیدن به مرزهای بین المللی ، قطع کردن ارتباط بخش شمالی دشمن با بخش جنوبی آن (در منطقه اشغالی جنوب) ، آزادسازی شهر مرزی بستان ، انهدام دشمن و پاکسازی مناطق ، آزادسازی نیروهای خودی و ... بخشی از اهداف و نتایج عملیات را تشکیل می داد . افزایش سطح اهداف عملیاتی ، نشان دهنده ظرفیت ، دقت برنامه ریزی در تدبیر و طراحی عملیات و همچنین حاکی از افزایش توان عملیاتی رزمندگان اسلام بود .

۳ - افزایش ظرفیت سازمان دهی نیروهای مردمی : سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ، به طور مشخص در عملیات طریق القدس و به دنبال

افزایش جذب نیروهای مردمی ، سازمان رزم خود را گسترش داد . یکی از فرماندهان سپاه پاسداران ، گسترش سازمان رزم سپاه را نتیجه تغییر وضعیت و فضای کار دانسته ، و می گوید :

« به خوبی توانستیم با تجدید نظر و سازمان دهی نیروهایمان ، بخش وسیعی

از نیروهای مردمی که عامل موثری در این عملیات بودند را وارد صحنه کرده

و تجارب با ارزشی به دست آوریم . (۳۱)

به عبارت دیگر ، عملیات طریق القدس ، تجلی گاه بارز حضور نیروهای مردمی در جبهه های جنگ بود که به دنبال پاکسازی جبهه انقلاب از عناصر آلوده و خائن ، به منصف ظهور رسید .

۴ - اتخاذ تاکتیک ویژه : طراحی عبور از رمل ، به عنوان محور شمالی عملیات ، یکی از ویژگی های عملیات و ناشی از خلاقیت و ابتکار متأثر از گسترش حضور نیروهای مردمی در جنگ بود که موجب دور خوردن دشمن و تضمین کننده پیروزی عملیات گردید . این طرح به قدری دور از انتظار دشمن بود که حتی اسرای دشمن همواره تأکید داشتند که رزمندگان اسلام به صورت " هلی برد " ، در این محور وارد عمل شده اند - چرا که رمل به طور طبیعی ، مانعی اساسی و غیرقابل عبور است - و این در حالی بود که رزمندگان جهت رسیدن به اهداف مورد نظر ، هیچ استفاده ای از هلی کوپتر نکرده بودند .

" افرایم کارش " یکی از کارشناسان برجسته نظامی ، در ارزیابی عملیات طریق القدس ضمن تأکید بر شکل گیری تاکتیک جدید رزمندگان اسلام ، می نویسد :

« عملیات طریق القدس ، نتایج مهم عملیاتی را در برداشت . با این تلاش

وسیع ایرانی ها در جنگ ، تا این مرحله ، قدرت برنامه ریزی عملیاتی و

مهارت های فرماندهی و کنترلشان تا حدود زیادی افزایش یافت . در واقع ،

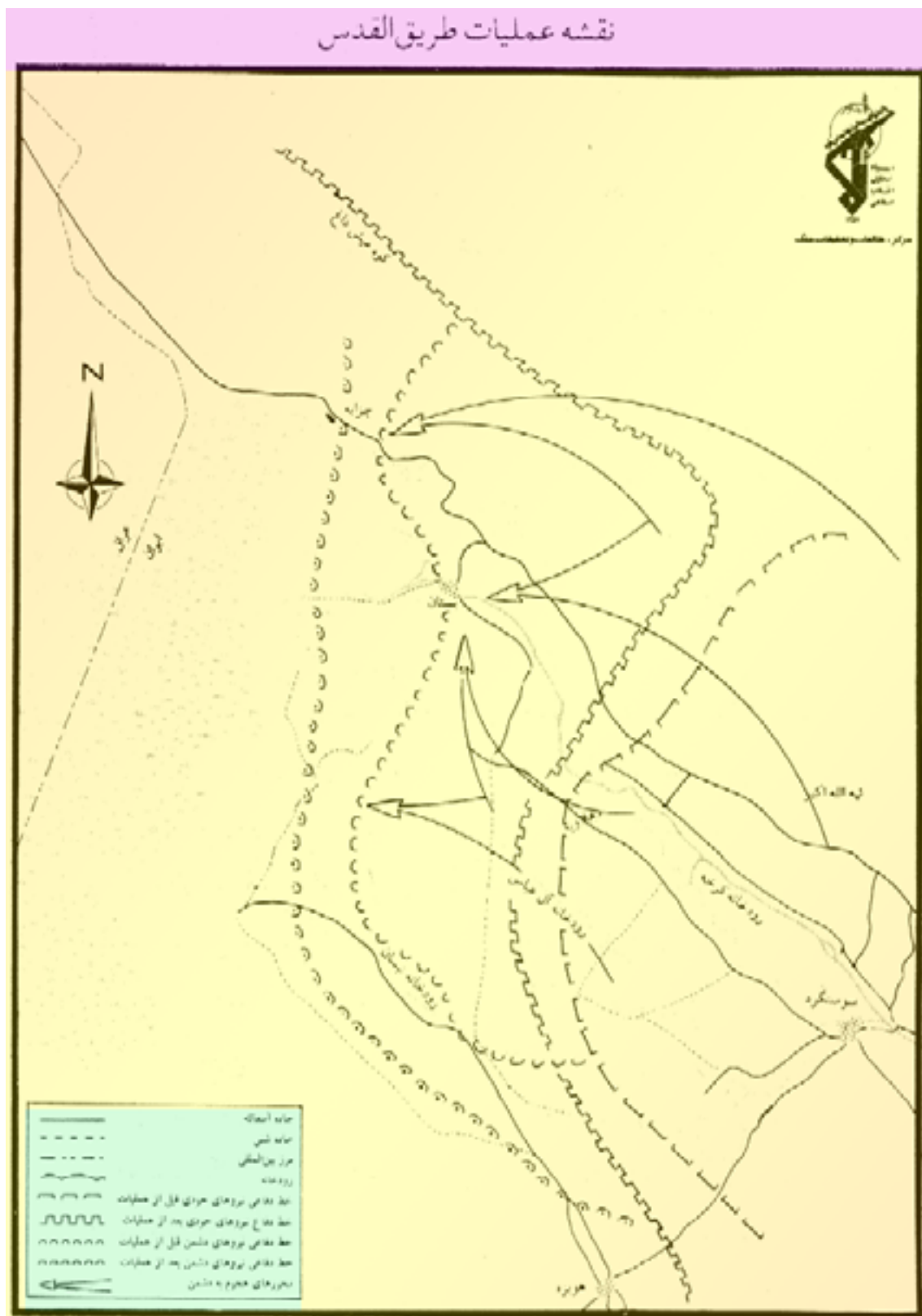
این عملیات، بیانگر لیافت ایرانی‌ها در ایجاد و کنترل عملیات نظامی مختلف در سطح وسیع بود. ثانیاً، پاتک بستان، ایران را قادر ساخت که برای اولین بار با موفقیتی چشمگیر، تاکتیک‌های موج انسانی* را که بعدها تاکتیک حاکم بر جبهه‌های جنگ شد، به مرحله آزمایش بگذارد. « (۳۲)

آثار عملیات طریق القدس

دشمن اگر چه شکست نیروهایش در عملیات ثامن الائمه را ناشی از " نحوه استقرار ناقص نیروها " و " محدود بودن عقبه آنها به دو پل روی رودخانه کارون "، عنوان کرد، لیکن در عملیات طریق القدس، نظر به اینکه از لحاظ نظامی توجیهی برای شکست خود نداشت، مجبور به پذیرش واقعیات جدید گردید.

بنابراین، از یک سو شکل‌گیری تاکتیک جدید عملیاتی و از سوی دیگر تغییر ذهنیت غلط دشمن و باور کردن توانایی رزمی رزمندگان از عواملی بود که تأثیرات خود را در صحنه‌های نبردهای آتی، باقی گذاشت. دشمن، از این پس با شک و تردید به ادامه حضور خود در مناطق اشغالی می‌نگریست، زیرا استقرار ناقص نیروهای عراقی آنان را در برابر توانایی جدید رزمندگان و حمله‌های احتمالی آنان، در معرض انهدام و آسیب‌پذیری جدی قرار داده بود. به اعتقاد صاحب نظران جنگ، حمله دشمن به پل سابله پس از گذشت چند روز از عملیات طریق القدس

* نظر به اینکه غربی‌ها، از درک حضور نیروی مردمی در سطح وسیع و روحیه شهادت‌طلبی آنها عاجز بوده‌اند، بر این حضور گسترده مردم در جبهه‌های نبرد حق علیه باطل، عنوان " تاکتیک امواج انسانی " نهاده‌اند.



نقشه عملیات طریق القدس

و سپس عقب‌نشینی آنها از شمال رودخانه نیسان ، اولین تحول در باور و نگرش دشمن بود ، چرا که از این پس نیروهای عراقی برای ادامه حضور در مناطق اشغالی ، نیاز به تصمیم‌گیری تازه‌ای داشتند .

از این پس " تهاجم " و " ابتکار عمل " در صحنه نبود ، در اختیار رزمندگان اسلام قرار گرفت . " تداوم عملیات " و " سرعت عمل " در اجرا ، مهمترین عامل در مختل کردن سیستم تصمیم‌گیری دشمن بود . از نظر دشمن ، صحنه داخل کشور که یکی از مبانی و فرضیات اساسی عراق در ارزیابی ضعف‌های جمهوری اسلامی محسوب می‌شد ، دگرگون شده و جبهه‌های جنگ نیز شاهد حماسه‌آفرینی رزمندگان و بیرون راندن متجاوزین بود . دشمن از این پس نیاز به " زمان " و " حفظ وضع موجود " ، برای اتخاذ تصمیم نهایی در مورد ادامه استقرار در مناطق اشغالی یا فرار و عقب‌نشینی داشت ، لذا اقدامات مشروحه زیر را انجام داد :

۱ - حمایت از نیروهای ضدانقلاب داخلی : جبهه متحد ضدانقلاب که در حال تلاشی و هزیمت بود ، در تحلیل‌های خود ، ادامه پیروزی‌های رزمندگان اسلام را به منزله تثبیت جمهوری اسلامی محسوب می‌کرد . از سوی دیگر ، دشمن نیز واگذاری مناطق اشغالی را قبل از کسب امتیاز سیاسی ، نوعی شکست فاحش سیاسی - نظامی برای خود می‌دانست ، در نتیجه بقا و حیات " ضدانقلاب داخلی " و " نیروهای متجاوز " از سوی رزمندگان اسلام ، در معرض تهدید قرار گرفته بود . بر این اساس ، پیوند میان ضدانقلاب و رژیم عراق ، از وجه اشتراک بنیادی‌تری برخوردار شده بود . لذا تجدید نظر در مورد بهره‌برداری از اهرم ضدانقلاب داخلی به نحوی جدی‌تر ، از همین زمان آغاز شد و بعدها با ورود سرکرده فراری منافقین به بغداد ، شکل جدیدی به خود گرفت .

۲ - تلاش برای ایجاد تأخیر و تعویق عملیات آتی رزمندگان اسلام : با تجاربی که

دشمن از دو عملیات " ثامن الائمه " و " طریق القدس " اندوخته بود ، زمان اجرای عملیات آتی رزمندگان اسلام را در نزدیک " ۲۲ بهمن " پیش‌بینی کرده و با توجه به تجمع رزمندگان اسلام در منطقه شوش ، در مورد اجرای عملیات در این محور حساس شده بود . یکی از فرماندهان دشمن ، در مورد نگرانی آنها از تجمع رزمندگان اسلام در محور شوش - دزفول ، گفت :

« تجمع نیروهای ایرانی در محور شوش ، ذهن فرماندهی کل نیروهای مسلح عراق را به طور عمده‌ای به خود مشغول کرده بود ، چرا که شکست فاحش عراق در شرق کارون و بستان ، هنوز در مقابل چشم‌هایشان جلوه‌گر بود و از این خوف داشتند که چنین شکست‌هایی مجدداً تکرار شود . » (۳۳)

دشمن ، براساس درک جدید از تحرکات رزمندگان اسلام ، تهاجم به تنگه چزابه را با اهداف ذیل انجام داد :

- انهدام نیروهای اسلام
- بر هم زدن سازمان‌دهی نیروها
- تأخیر در اجرای عملیات آتی رزمندگان
- تقویت روحیه نیروهای خود که در اثر عملیات رزمندگان اسلام ، تضعیف شده بود .

برادر غلامعلی رشید ، فرمانده عملیات طریق‌القدس که پس از عملیات همچنان در منطقه حضور داشت ، در مورد تحرکات دشمن ، اظهارداشت :

« ما نسبت به تهاجم دشمن در تنگه چزابه ، قدری ابهام داشتیم ، به این معنی

که وقتی دشمن توان پیشروی به سمت بستان را دارد ، چرا توقف می‌کند . »

بحث و بررسی‌های متعددی در زمینه اهداف احتمالی دشمن انجام

گرفت . فرمانده کل سپاه طی تحلیلی در همین زمینه ، هدف دشمن را

ایجاد تأخیر در عملیات بعدی (فتح‌المبین) دانسته و بر فعالیت بی‌وقفه در این منطقه ، تأکید کرد . بدین ترتیب ، پس از آشکار شدن اهداف دشمن در حمله به تنگه چزابه ، بار دیگر در جبهه خودی ، ضرورت اجرای عملیات فتح‌المبین مطرح شد .

۳ - ارائه پیشنهاد صلح : نظر به اینکه طرح‌های صلحی که پس از تهاجم و زمین‌گیر شدن دشمن به جمهوری اسلامی ایران پیشنهاد شد ، هیچ‌کدام متضمن حقوق واقعی جمهوری اسلامی نبود و اغلب ضمن شباهت‌های عمده با هم ، آتش‌بس را بر عقب‌نشینی دشمن از مناطق اشغالی مقدم داشته و تعیین متجاوز را نادیده می‌گرفتند ، از سوی دیگر جمهوری اسلامی اعلام کرد که اگر هیئت‌های صلح ، طرح جدیدی برای ارائه ندارند ، ضرورتی برای مذاکره و ورود آنها به ایران وجود ندارد . با موضع‌گیری و نیز اظهارات رئیس جمهور شهید رجایی مبنی بر اینکه " ما سرنوشت جنگ را در میدان جنگ تعیین می‌کنیم " ، عملاً تلاش‌های صلحی که با هدف به تسلیم کشاندن جمهوری اسلامی انجام می‌شد ، عقیم و متوقف گردید .

با پیدایش شرایط جدید ، بر نگرانی دشمن نیز افزوده شد ، لذا در پیشنهاد های جدید خود که به صورت مخفیانه ارائه می‌کرد ، در خصوص عقب‌نشینی با شرط حذف تعیین متجاوز ، موافقت کرد . در این مورد نشریه واشنگتن پست به نقل از نشریه لویل میل چاپ بریتانیا در تاریخ ۱۳۶۰/۱۲/۲۷ نوشت :

« عراق ، مخفیانه پیشنهاد کرده است که نیروهای خود را از ایران خارج ساخته و غرامت مالی نیز بپردازد ، به شرط آنکه ایران حاضر به اعطای امتیازاتی ، از جمله لغو درخواست خود جهت تشکیل هیئتی به منظور

تعیین مسئول شروع جنگ باشد . »

عملیات فتح‌المبین

تعیین و شتاب در طراحی و اجرای عملیات فتح‌المبین، اساساً مبتنی بر این تحلیل انجام گرفت که فرصت لازم برای "تصمیم‌گیری" و "تجدید سازمان" همچنین "تقویت مواضع پدافندی" از دشمن گرفته شود، لذا نیروها پس از بازسازی فراخوانی شده، براساس مأموریت‌های جدید توجیه و سازمان‌دهی گردیدند.

افزایش حضور نیروهای مردمی، گسترش همکاری ارتش و سپاه، تجارب مناسب نظامی بر پایه تاکتیک‌های جدید و... موجب گردید تا عملیات فتح‌المبین در تاریخ ۱۳۶۱/۱/۲ آغاز شود. دشمن که پیش از این برای تأخیر در اجرای عملیات تلاش‌های گوناگونی را انجام داده بود، در برابر وسعت تهاجم رزمندگان تسلیم شده، تن به شکست داد و با فرار از صحنه نبرد، بخشی از نیروهای خود را از مهلکه نجات داد.

تعداد اسرای دشمن و غنائمی که به دست آمد، نشان‌دهنده میزان موفقیت عملیات، استیصال و انهدام دشمن و برتری نظامی جمهوری اسلامی بود. در این میان، "ویلیام اف. هیکمن"، از فرماندهان نیروی دریایی آمریکا و عضو هیئت مدیره فدرال برنامه مطالعات خارجی بروکینگز، می‌گوید:

«پیروزی‌های ایران، نشان‌دهنده تجدید قوای نیروهای مسلح، نیروی

انسانی بیشتر و هماهنگی بهتری بین ارتش و سپاه پاسداران انقلاب بود.»

"افرایم کارش"، یکی دیگر از کارشناسان نظامی، با نگاهی عمیق به عملیات فتح‌المبین، اقدامات بعدی دشمن یعنی عقب‌نشینی و فرار به پشت مرزهایش را متأثر از همین عملیات دانسته و می‌نویسد:

«عملیات فتح‌المبین، خفت‌بارترین شکست را از آغاز جنگ تا کنون

نصیب عراق نمود. این تهاجم، به عقب‌نشینی عراق در سرتاسر خط جبهه،

در طول مرز ایران و عراق و نابودی سه لشکر عراق منجر شد. « (۳۴)

نتایج داخلی سه عملیات بزرگ

به موازات کسب پیروزی نظامی در جبهه‌های نبرد که از نیمه دوم سال ۱۳۶۰ آغاز و با عملیات فتح‌المبین به اوج رسید، موقعیت سیاسی - نظامی کشور در سال ۱۳۶۱، در وضعیت نوینی قرار گرفت. تدریجاً موج گسترده ترور از سوی منافقین فروکش کرده و متقابلاً تلاش‌هایی به منظور انهدام بقایای ضدانقلاب در داخل کشور طرح‌ریزی و اجراء شد که نقش مهمی در شکست قطعی منافقین در این مرحله داشت.

تلاش سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برای برقراری امنیت شهری در تهران، سبب شکسته شدن جو رعبی گردید که منافقین با انجام ترورهای متعدد، قصد ایجاد آن را داشتند، اقدام یادشده، عملکرد ضدانقلاب را در داخل با بن‌بست جدی مواجه ساخت، ضمن اینکه با اجرای طرح جمع‌آوری اطلاعات مردمی، خانه‌های تیمی منافقین نیز در معرض شناسائی قرار گرفت. علاوه بر این، اجرای عملیات بر روی خانه‌های تیمی که طی چند نوبت در اسفند سال ۱۳۶۰ و فروردین و اردیبهشت سال ۱۳۶۱ انجام گرفت، به کشته شدن برخی از کادرهای اصلی منافقین، از جمله موسی خیابانی، (نفر دوم سازمان) به همراه اشرف ربیعی، (همسر رجوی و از اعضای موثر سازمان) منتهی شد. بدین ترتیب، سازمان که در توجیه نیروهایش، جمهوری اسلامی را ناتوان و فاقد سیستم اطلاعات و توانایی عملیاتی ارزیابی می‌کرد، در مواجهه با روند وسیع عملیات روی خانه‌های تیمی در تهران و سایر شهرستانها غافلگیر شده و بلافاصله اقدام به خروج کادرهای خود از کشور کرد.

هزیمت و شکست جبهه متحد ضدانقلاب در داخل کشور ، امیدهای آمریکا در مورد جابه‌جایی قدرت در داخل کشور و اجرای عملیات براندازی را با ناکامی و شکست همراه ساخت . در این حال پیروزی‌های رو به گسترش نظامی - سیاسی نیز منجر به افزایش نگرانی آمریکا و غرب از دورنمای روند تحولات گردید . بنابراین ، آمریکایی‌ها با استفاده از زمینه‌های متعدد در داخل کشور ، مجدداً جبهه جدیدی را که از صبغه ملی - مذهبی برخوردار بود ، گشودند . رهبری و هدایت جبهه جدید به شریعتمداری واگذار گردید . رادیوهای بیگانه به منظور موجه جلوه‌دادن جبهه جدید ضدانقلاب ، تعداد طرفداران شریعتمداری را بالغ بر ۱۰ میلیون نفر ذکر کردند .

پس از کشف و خنثی شدن کودتا ، مشخص گردید که جریان مزبور فاقد هرگونه پایگاه مردمی بوده است و بدین ترتیب ، مجدداً خط آمریکا در داخل کشور ، با شکست و بن‌بست مواجه شد .

با شکست توطئه‌های مختلف ، ضدانقلاب خارج‌نشین یک جمع‌بندی زیر تحت عنوان " اپوزیسیون از نفس افتاده " ، ارائه کرد که به نحوی مبین اضمحلال و هزیمت آنها در چنین اوضاعی است :

« در موقعیت کنونی ، هیچ نشانه‌ای از نرمش یا انعطاف در برابر مخالفان ، از سوی حکومت به چشم نمی‌خورد . رژیم تا حد زیادی در سرکوب مخالفان فعال خود موفق می‌شود و مقاومت‌های مسلحانه پراکنده و بی‌هدف را مهار می‌کند . در عمل می‌بینیم که شبکه تروریستی مجاهدین خلق و دیگر گروه‌های مارکسیست - تروریست ، تقریباً منهدم شده است و هر روز ضرباتی مرگبارتر و نابودکننده‌تر بر آنان وارد می‌شود . در چنین شرایطی ، مخالفان و مبارزان با رژیم جمهوری اسلامی ، ناگزیر باید در روش‌های مبارزه و راه‌های مناسب برای برانداختن چنین رژیمی تجدیدنظر کنند .

فراموش نکنیم که بسیاری از اقدامات اپوزیسیون در این سه سال اخیر، نه تنها خللی در ارکان حکومت پدید نیاورده، که به آن فرصت داده تا سنگرهای خود را مستحکم نماید. در یک نتیجه‌گیری واقع‌بینانه در می‌یابیم که وسائل و امکانات اپوزیسیون خارج از کشور و تاکتیک‌هایی که آنان برای مقابله با رژیم جمهوری اسلامی برگزیده‌اند...، اکنون کاملاً بی‌اثر شده است. به هر حال، نخستین گام در یافتن و پیمودن این راه‌ها، پذیرش ناتوانی و ناکارایی ترکیب کنونی اپوزیسیون است، و این حقیقتی است که در هر حال، هر روز آشکارتر و ملموس‌تر جلوه می‌کند، چه بهتر که چشم بر آن نبندیم. « (۳۵)

پس از فتح‌المبین

عملیات فتح‌المبین که از آغاز تا پایان، یک هفته طول کشید، * همراه با دستاوردها و نتایج فراوان و چشمگیر، موقعیت برتر سیاسی را نیز برای جمهوری اسلامی در پی داشت. مروری بر رخدادها و وقایع سیاسی داخلی و منطقه‌ای، وضعیت و موقعیت دشمن پس از عملیات فتح‌المبین و انعکاس پیروزی رزمندگان اسلام، تا آغاز عملیات بیت‌المقدس در تاریخ ۱۳۶۱/۲/۱۰، در رسانه‌های خارجی تصویر مناسب‌تری از اوضاع عمومی در آستانه عملیات بزرگ رزمندگان اسلام را ترسیم خواهد کرد.

استیصال دشمن :

نیروهای دشمن پس از یک‌سال و اندی استقرار در مواضع دفاعی، در برابر تحقق "استراتژی بزرگ نظامی جمهوری اسلامی" که در مناطق مختلف

* عملیات فتح‌المبین، ۱۳۶۱/۱/۲ آغاز شد و ۱۳۶۱/۱/۹، با پاکسازی منطقه به اتمام رسید.

به مرحله اجراء گذارده می‌شد ، " سازمان و کنترل فرماندهی " خود را از دست دادند ، در نتیجه ، علی‌رغم داشتن نیرو ، تجهیزات و امکانات مناسب در مناطق مختلف عملیاتی ، به علت استیصال روحی قادر به بهره‌گیری از استعداد موجود خود نبودند . در این میان ، ضعف روحی و درماندگی نیروهای دشمن به گونه‌ای افزایش یافته بود که آنها حتی در مواقع پاتک ، بلافاصله پس از مواجهه با عکس‌العمل رزمندگان اسلام ، به فرار و عقب‌نشینی و یا تسلیم مبادرت می‌کردند .

از مشکلات دیگر دشمن در این مرحله از جنگ ، نداشتن نیروی احتیاط بود . دشمن به خاطر انتخاب اهداف وسیع و نیز تعیین مأموریت برای کلیه یگان‌های خود ، پس از ناکامی و شکست ، می‌بایست تمامی توان و استعداد خود را در مواضع پدافندی به صورت ناکافی گسترش دهد . این امر ، موجب گردید که دشمن ، فاقد نیروی احتیاط کارآمده بوده و در مواقع ضروری عکس‌العمل مناسبی را در برابر حملات رزمندگان اسلام از خود بروز ندهد .

سردار غلامعلی رشید ، در این مورد می‌گوید :

« وضعیت دشمن به گونه‌ای بود که تقریباً مکانی را که در تصرف داشت ، به دلیل حیاتی بودن آن ، بخشی از نیروهایش را در آن منطقه مستقر کرده‌بود . در نتیجه ، وقتی ما ، فرضاً در منطقه عملیاتی ثامن‌الائمه با دشمن می‌جنگیدیم ، یقین داشتیم که لشکر ۱۰ زرهی و لشکر ۱ مکانیزه در آن منطقه با ما نخواهند جنگید . »

سازمان رزم دشمن ، متعاقب سلسله عملیات رزمندگان اسلام ، از هم گسیخت ، تا آنجا که در عملیات ثامن‌الائمه ، لشکر ۳ زرهی و یگان‌های تحت امر آن ، که پس از اشغال خرمشهر و محاصره آبادان ، در منطقه استقرار داشتند ، در معرض تهاجم و انهدام قرار گرفتند . در عملیات

طریق القدس ، باقی مانده لشکر ۹ زرهی از بین رفت و همچنین ، تیپ ۲۶ زرهی و چندین یگان دیگر ، منهدم شدند . در عملیات فتح المبین ، علاوه بر لشکرهای ۱۰ زرهی و ۱ مکانیزه ، نیروهای موجود در منطقه ، به همراه سایر نیروهایی که دشمن از سایر مناطق جمع کرده و به منطقه اعزام نموده بود ، منهدم شدند . در مجموع ، تا قبل از عملیات بیت المقدس ، انهدام وسیعی از نیروها و تجهیزات دشمن صورت گرفت و تعداد بسیاری از نیروهایش اسیر شدند و امکانات زیادی به غنیمت گرفته شد .

بنابراین ، دشمن در آستانه عملیات بیت المقدس در معرض از هم گسیختگی کامل قرار داشت . این مسئله ، علاوه بر اینکه موجبات نگرانی حاکمان بغداد را فراهم کرده بود ، از دید حامیان منطقه ای و جهانی عراق نیز پنهان نبود و سبب تشویش خاطر آنها شده بود .

ضعف و استیصال دشمن و روند رو به تغییر توازن نظامی به سود جمهوری اسلامی ، در رسانه های خارجی نیز منعکس شد . به عنوان مثال ، رابرت فیکس خبرنگار روزنامه تایمز در بیروت نوشت :

« تنها نتیجه گیری ممکن از وقایع اخیر ، که عراق نیز شدیداً از آن بیم دارد ، این است که با توجه به عدم توازن در نیروهای دو طرف ، شاید ایران در آینده نزدیک در جنگ پیروز شود ... اکنون صدام بر حاکمیت شط العرب اصرار نمی ورزد و احتمالاً حاضر است که در صورت آغاز مذاکره با ایران ، نیروهایش را در چند مرحله از خاک ایران بیرون بکشد . »

تقاضای برقراری صلح (!) که رژیم بعث از مدت ها قبل برای نجات خود ابراز کرده بود ، با شروع عملیات فتح المبین و بروز آثار پیروزی رزمندگان ، مجدداً مطرح شد . * متعاقب آن ، برای نجات صدام و توقف

* خبرگزاری رویتر به نقل از خبرگزاری عراق ، خبر زیر را در تاریخ ۱۳۶۱/۱/۷ مخابره کرد : ←

جنگ ، تلاش‌های وسیعی از سوی کمیته منتخب کنفرانس کشورهای غیر متعهد ، کمیته حسن‌نیت کنفرانس اسلامی ، کمیته کنفرانس اسلامی جهان‌اسلام و نیز تنی چند از شخصیت‌های سیاسی - مذهبی جهان اسلام صورت گرفت .

بازتاب پیروزی‌های ایران در رسانه‌های خارجی :

فقدان برخورداری ایران از امکانات و تجهیزات نظامی پیشرفته و همچنین ناتوانی نیروهای نظامی ایران ، از مسائل عمده‌ای بود که همواره از سوی رسانه‌های خارجی و کارشناسان و تحلیل‌گران امور نظامی ، همواره در بررسی جنگ ایران و عراق و مقایسه وضعیت دو کشور مورد اشاره و تأکید قرار می‌دارند . براساس این تحلیل‌ها ، طبعاً نه تنها برای حاکمان عراق امکان درکی درست از تحولاتی که منتهی به پیدایش وضعیت جدید در مرحله آزادسازی شده بود ، وجود نداشت ، بلکه غفلت رسانه‌های خارجی و کارشناسان نظامی آنها را نیز موجب گردید ، اما با وجود این ، سلسله عملیات رزمندگان اسلام توانست به طور قطع ، باور و ذهنیت عراقی‌ها و کارشناسان رسانه‌های خارجی را مورد سؤال قرار دهد . زیرا صحنه عمل و نتایج حاصل از تحرکات نظامی رزمندگان اسلام ، گویاتر از همه چیز خودنمایی می‌کرد . رادیو بی‌بی‌سی ، به دنبال آزادسازی کامل منطقه عملیاتی فتح‌المبین ، چنین گفت :

« نظر متخصصان امور اطلاعاتی غرب روشن است که ایران در درگیری‌های

اخیر با عراق (فتح‌المبین) ، دست برنده را دارد . متخصصان نظامی در غرب

« صدام حسین ، امروز خواستار آتش‌بس و حل و فصل مناقشه با ایران ، از راه‌های صلح‌آمیز که

حقوق عادلانه تاریخی و قانونی را تضمین نماید ، شد . »

این عملیات را پیروزی بزرگ ایران می‌دانند. نیروهای مسلح ایران، نفرت

بیشتری در اختیار داشته و از روحیه بسیار خوبی برخوردارند.»

رادیو بی‌بی‌سی، طی دو روز متوالی با تأکید بر پیروزی رزمندگان اسلام، نتایج و ابعاد رو به گسترش آن را در منطقه مورد اشاره و تأیید قرار می‌دهد.

«چشم‌انداز پیروزی نهائی ایران و سرانجام سقوط رژیم صدام حسین را باید زنگ خطری برای بسیاری از کشورهای منطقه تلقی کرد. چنین شکستی برای صدام، می‌تواند ملاحظات صرفاً نظامی را بر تمامی منطقه‌ای حاکم کند که اهمیت سیاسی و استراتژیک آن بسیار قابل توجه است.» (۳۶)

نگرانی در مورد تأثیرات ناشی از پیروزی‌های رو به گسترش ایران در منطقه، به‌ویژه در صورت سقوط رژیم صدام و تأثیرات فزاینده آن بر تهدید منافع آمریکا و غرب، مهمترین مسئله‌ای است که در رسانه‌ها به آن اشاره می‌شد و محور تلاش‌های دیپلماتیک کشورهای منطقه، آمریکا و غرب محسوب می‌شدند؛ لذا، علاوه بر حمایت سیاسی - تبلیغاتی از رژیم صدام، تدابیری برای کمک به این کشور اتخاذ شد که از جمله آنها، اعزام نیرو از مصر و اردن برای یاری رساندن به صدام بود.

به موازات این اقدامات، تلاش برای بازگرداندن مصر به جهان عرب و ایجاد تشکل عربی در حمایت از صدام به همراه آمادگی برای رویارویی با تحولات غیرمنتظره در عراق و منطقه، در دستور کار حامیان عراق قرار گرفت. ابوغزاله وزیر دفاع مصر، از آمریکا درخواست کرد تا برای خنثی کردن نتایج احتمالی پیروزی‌های اخیر ایران در جبهه جنگ با عراق، اقدامات لازم را به عمل آورد. (۳۷) حبیب شطی دبیر کل سازمان کنفرانس اسلامی نیز اظهار داشت:

«اوضاع خاورمیانه به مرحله بسیار جدی و خطرناکی رسیده است.»

وضعیت سیاسی منطقه خاورمیانه

به موازات روند تغییر و تحولات جنگ ایران و عراق در منطقه خلیج فارس ، مناسبات اعراب و اسرائیل اشغالگر نیز با اتخاذ سیاستهای تهاجمی رژیم صهیونیستی ، وارد مرحله جدیدی شد ؛ بدین شکل که در برابر تعهدات پیشین رژیم نامشروع اسرائیل می‌بایست ، در ادامه قرارداد کمپ دیوید و در پاداش به سفر سادات خائن به فلسطین اشغالی ، زمینهای مصر در صحرای سینا را که به اشغال رژیم اسرائیل در آمده بود ، تدریجاً به مصر واگذار شود . برابر این قرارداد ، در تاریخ ۲۵ آوریل ۱۹۸۲ (۱۳۶۱/۲/۵) ، زمان اجرای مرحله سوم خروج نیروهای رژیم صهیونیستی از صحرای سینا فرا می‌رسید .

نظر به اینکه قرارداد کمپ دیوید ، در پایان دهه ۱۹۷۰ و پیش از پیروزی انقلاب اسلامی و تغییر توازن موجود در منطقه امضاء شده بود ، این طور به نظر می‌رسید که رژیم صهیونیستی در حالی که به اجرای مرحله سوم خروج ، موظف بود ، با عنایت به تحولات موجود در منطقه همچنان به اجرای طرحهای توسعه طلبانه خویش چشم دوخته و مترصد بهانه مناسب بوده است . در همین راستا ، اوضاع منطقه نیز با توجه به پیروزیهای ایران که عمیقاً آمریکا و غرب و نیز کشورهای عرب منطقه را نگران ساخته و ایران را در کانون توجهات قرار داده بود ، توانست مورد بهره‌برداری رژیم غاصب اسرائیل قرار بگیرد . البته در این ضمن صهیونیستها ، با نگرانی تحولات انقلاب اسلامی و جنگ ایران و عراق را دنبال نموده و همواره از فروپاشی دیوار شرقی اعراب - که همانند قلعه‌ای ، رژیم صهیونیستی را در مرکز خود قرار داده بود - بیم داشتند . بر این اساس ، از آغاز سال جدید میلادی ، اظهارات و تحرکاتی از سوی مقامات رژیم اشغالگر صورت

گرفت که جای احساس خطر و نگرانی داشت. تا آنجا که یاسر عرفات در ارزیابی خود اظهار داشت:

«قبل از تحویل صحرای سینا، حمله اسرائیل به جنوب لبنان آغاز خواهد

شد.»

متن سخنرانی آریل شارون وزیر دفاع رژیم صهیونیستی، در مؤسسه بررسی‌های استراتژیک وابسته به دانشگاه تل‌آویو، تحت عنوان «مشکلات استراتژیکی اسرائیل در دهه ۸۰» که البته به شکل سخنرانی ایراد نشد و بعدها در روزنامه صهیونیستی المعاریو به چاپ رسید، حاوی برنامه و تفکر رژیم صهیونیستی طی دهه ۸۰ (۱۹۹۰ - ۱۹۸۰) می‌باشد. در این مقاله آمده است:

«منافع استراتژیکی اسرائیل در دهه ۸۰، چنین اقتضاء می‌کند که این کشور

از رویارویی‌های تقلیدی در آمده و به جغرافیای جدیدی دست یابد. از

آن به بعد، جهان نباید اقدامات و اعمال اسرائیل را که تحت عنوان حفظ

امنیت و آرامش اسرائیل انجام خواهد گرفت، شوخی بیندارد.»

در یک ارزیابی کلی، همان‌طور که اشاره شد، رژیم صهیونیستی روند تحولات در دهه ۸۰ را به زیان خود ارزیابی می‌کرد. (۳۸) چرا که از یک‌سو رژیم سلطنتی ایران به عنوان متحد استراتژیک اسرائیل، با پیروزی انقلاب اسلامی سرنگون شد و از سوی دیگر، انقلابی جدید، مبارزه با اسرائیل را به عنوان شعار استراتژیک و محوری خود تعیین کرده بود. طبعاً تأثیرات ناشی از این پیروزی، در صحنه سیاسی منطقه، به ویژه لبنان، از دید صهیونیست‌ها پنهان نبود. به این خاطر نگرانی اسرائیل و اقدامات احتمالی این کشور به ویژه در صحنه لبنان، قابل پیش‌بینی بود. به نظر می‌رسد که بخشی از اهداف اسرائیل برای تهاجم به لبنان، موارد زیر باشد:

- انهدام پایگاه‌های نظامی و سیاسی سازمان آزادی‌بخش فلسطین تا

حد امکان ، تضعیف و کاستن از قدرت فلسطینی‌ها در جنوب لبنان .

- انهدام پایگاه‌های موشکی سوریه در داخل سرزمین لبنان و به‌دنبال آن تضعیف ارتش سوریه که نزدیک به چهل‌هزار نفر از سربازانش در لبنان استقرار داشتند .

بدین وسیله ، رژیم صهیونیستی امیدوار بود که بخشی از امنیت خود در مرزهای شمالی را با انهدام پایگاه‌های سیاسی - نظامی سازمان آزادی‌بخش فلسطین در لبنان و تضعیف نقش سوریه در این کشور تأمین نماید .

فهرست مآخذ فصل اول

- ۱- ...
- ۲- ...
- ۳- ...
- ۴- ...
- ۵- ...
- ۶- ...
- ۷- ...
- ۸- ...
- ۹- ...
- ۱۰- ...
- ۱۱- ...
- ۱۲- ...
- ۱۳- ...
- ۱۴- ...
- ۱۵- ...
- ۱۶- ...
- ۱۷- ...
- ۱۸- ...
- ۱۹- ...
- ۲۰- ...
- ۲۱- ...
- ۲۲- ...
- ۲۳- ...
- ۲۴- ...
- ۲۵- ...
- ۲۶- ...
- ۲۷- ...
- ۲۸- ...
- ۲۹- ...
- ۳۰- ...
- ۳۱- ...
- ۳۲- ...
- ۳۳- ...
- ۳۴- ...
- ۳۵- ...
- ۳۶- ...
- ۳۷- ...
- ۳۸- ...
- ۳۹- ...
- ۴۰- ...
- ۴۱- ...
- ۴۲- ...
- ۴۳- ...
- ۴۴- ...
- ۴۵- ...
- ۴۶- ...
- ۴۷- ...
- ۴۸- ...
- ۴۹- ...
- ۵۰- ...
- ۵۱- ...
- ۵۲- ...
- ۵۳- ...
- ۵۴- ...
- ۵۵- ...
- ۵۶- ...
- ۵۷- ...
- ۵۸- ...
- ۵۹- ...
- ۶۰- ...
- ۶۱- ...
- ۶۲- ...
- ۶۳- ...
- ۶۴- ...
- ۶۵- ...
- ۶۶- ...
- ۶۷- ...
- ۶۸- ...
- ۶۹- ...
- ۷۰- ...
- ۷۱- ...
- ۷۲- ...
- ۷۳- ...
- ۷۴- ...
- ۷۵- ...
- ۷۶- ...
- ۷۷- ...
- ۷۸- ...
- ۷۹- ...
- ۸۰- ...
- ۸۱- ...
- ۸۲- ...
- ۸۳- ...
- ۸۴- ...
- ۸۵- ...
- ۸۶- ...
- ۸۷- ...
- ۸۸- ...
- ۸۹- ...
- ۹۰- ...
- ۹۱- ...
- ۹۲- ...
- ۹۳- ...
- ۹۴- ...
- ۹۵- ...
- ۹۶- ...
- ۹۷- ...
- ۹۸- ...
- ۹۹- ...
- ۱۰۰- ...

... // (... ”

... - ... ”

... / - ... -

... -

... -

... ” ... ”

... -

... -

...)

... ()

... //

... // -

... -

... ” ” “ ”

... ()

... ” ”

... // ... /

... -

... -

... (//)

...)

<http://www.ciw88.net>

<http://www.ciw8.net>

فصل دوم

آزادسازی

<http://www.ciw8.net>

منطقه عملیاتی بیت المقدس

انتخاب منطقه

پس از عملیات ثامن الائمه و به هنگام " تبیین استراتژی هجوم " ، برای نخستین بار بحث های گسترده * و قابل توجهی بین طراحان نظامی جنگ در مورد انتخاب منطقه عملیاتی و اولویت بندی آنها صورت گرفت . محتوای مباحث و آنچه که در صحنه عمل طی مراحل آزادسازی مناطق اشغالی انجام گرفت ، همگی دلالت بر آن دارند که چند عامل اساسی در بررسی های عملیاتی و انتخاب مناطق مختلف برای عملیات نقش داشته اند ، از جمله :

۱ - نحوه استقرار و استعداد دشمن و وسعت منطقه

۲ - ارزش سوق الجیشی منطقه

۳ - توان و استعداد نیروهای خودی

۴ - ابتکار و خلاقیت نظامی .

* این مباحث ، منجر به تهیه دو طرح عملیاتی براساس معیارهای متفاوتی شد که سرانجام در اثر جلسات مشترک بین نیروها و حسن نظر فرماندهان سپاه و ارتش ، طرح نهایی به تصویب رسید .

طراحان نظامی ، در تجزیه و تحلیل کلی از نحوه استقرار دشمن در منطقه جنوب ، چنین ارزیابی می کردند که ارتش عراق بر دو منطقه اساسی در جنوب چنگ انداخته است که آزادسازی آنها به فروپاشی مواضع دفاعی دشمن منتهی خواهد شد . این دو منطقه عبارت بودند از : ” جفیر ” (در جنوب غربی اهواز) و ” چنانه ” (در جنوب غربی دزفول) بدین صورت که ” جفیر ” مرکز قوای دشمن محسوب شده و تمام جاده های مواصلاتی و عقبه قوای عراقی به این منطقه منتهی می گردید و ” چنانه ” نیز مرکزیت دشمن در منطقه عمومی عملیات فتح المبین را شامل می شد .

بنابراین اگر چه دو منطقه یادشده دارای ارزش حیاتی بودند و ضرورتاً می بایست مورد تهاجم رزمندگان اسلام قرار می گرفتند ، لیکن محدودیت توان در مقایسه با وسعت منطقه عملیاتی ثامن الائمه ، مانع انتخاب این منطقه شد . منطقه عملیاتی ثامن الائمه که اولین تجربه نظامی رزمندگان اسلام بود ، بیش از ۲۰۰ کیلومتر مربع وسعت نداشت . استعداد دشمن را نیرویی کمتر از یک لشکر که در شرق رودخانه کارون مستقر بود ، تشکیل می داد ، ضمن اینکه نیروهای دشمن به دلیل وجود عارضه رودخانه کارون دچار محدودیت در مانور بودند ، در صورتی که مناطق عملیاتی فتح المبین و بیت المقدس ، حدود ۲۵ برابر منطقه عملیاتی ثامن الائمه وسعت داشتند . با این وصف به طور طبیعی می بایست در انتخاب منطقه عملیاتی معیارهایی نظیر وسعت منطقه ، استعداد دشمن ، استعداد خودی و توان طرح ریزی و فرماندهی عملیات را در نظر گرفت . به همین منظور ، جلسات مشترکی بین ارتش و سپاه تشکیل شد و برای انتخاب منطقه عملیاتی تبادل نظر به عمل آمد . برادر غلامعلی رشید در این زمینه اظهار داشت :

« بعد از کسب پیروزی در عملیات ثامن الائمه ، بحثی جدی بین فرماندهان

ارتش و سپاه به وجود آمد که آیا عملیات بعدی در منطقه غرب کارون و خرمشهر باشد یا جای دیگر. بعضی از فرماندهان ما که خیلی کلاسیک فکر می کردند و انعطافی نداشتند، اظهار می کردند عملیات در این منطقه صورت بگیرد و ما باید تا از اهواز حمله کرده و به سمت خرمشهر برویم و آن منطقه را آزاد کنیم. وقتی برادران سپاه بحث عملیات طریق القدس را مطرح کردند، برخی از برادران ارتشی می گفتند که چگونه ممکن است دشمن را که در ۲۵ کیلومتری غرب اهواز موضع گرفته و تا هویزه آرایش دارد، در این جناح طولانی رها کرده و به عمق منطقه تا مرزها پیشروی کنیم، چه تضمینی وجود دارد که این ریسک را بپذیریم که دشمن به ما حمله نکرده و مجدداً با پیشروی به سمت اهواز تمام یگان هایی که در منطقه غرب اهواز و سوسنگرد حضور دارند، محاصره نکند. برادران سپاه، استدلال می کردند که ما باید با تمام توانمان بی وقفه با دشمن بجنگیم. ما الان قادر نیستیم در این زمین بزرگ (منطقه غرب کارون) وارد بشویم، دشمن هم جرأت نمی کند که در شرایطی که ابتکار عمل آفندی در اختیار ماست، به این سادگی از مواضع پدافندی خودش که مانند دژهای بسیار قوی و مستحکمی است، خارج شده و به ما حمله کند.»

پس از اتمام عملیات طریق القدس، مجدداً منطقه عملیاتی غرب کارون مورد توجه واقع شد، لیکن بنا به دلایلی از اجرای عملیات در منطقه مورد نظر خودداری شده و نظرها به منطقه عمومی فتح المبین - که زمین آن دارای عوارض طبیعی و ناهمواری بود - معطوف گشت. این تصمیم، با قابلیت های نیروی پیاده که بخش اعظم توان رزمندگان اسلام را تشکیل می داد، هماهنگی و تطابق داشت.

اجرای سلسله عملیات آفندی علیه دشمن که شامل "ثامن الائمه"، در منطقه شرق رودخانه کارون "طریق القدس"، در غرب منطقه اهواز و

”فتح‌المبین“ در منطقه عمومی شوش در غرب جاده اندیمشک - اهواز می‌شد، نتایج مهمی به بار آورد. این نتایج که عملاً زمینه انتخاب منطقه عملیاتی غرب کارون را برای آزادسازی خرمشهر فراهم کرد، عبارت است از:

۱ - انهدام بخش قابل توجهی از نیروی زمینی دشمن.

۲ - آزادسازی بخش مهمی از مناطق اشغالی در جنوب کشور.

۳ - آزادسازی نیروهای پدافندی خودی در مناطق اشغالی.

۴ - افزایش توانایی طرح‌ریزی و عملیاتی رزمندگان اسلام.

بر این اساس، انتخاب منطقه عمومی غرب رودخانه کارون برای آزادسازی خرمشهر و مراکز مهم و حیاتی آن، طی یک روند تکاملی صورت پذیرفت. در این مرحله، دشمن تدریجاً منهدم شده و به ویژه از نظر روحی در وضعیتی به شدت بحرانی قرار داشت، اما در مقابل، رزمندگان اسلام ضمن برخورداری از هماهنگی فوق‌العاده‌ای در طراحی و فرماندهی، دارای روحیه‌ای بالا و معنویتی چشمگیر بودند.

زمین منطقه و آرایش دفاعی دشمن:

منطقه عمومی جنوب غربی اهواز و غرب رودخانه کارون، در میان چهار مانع طبیعی محصور است، که به ترتیب، از شمال به رودخانه کرخه‌کور، از جنوب به رودخانه اروندر، از شرق به رودخانه کارون و از غرب به هورالهویزه و شط‌العرب منتهی می‌شود. در واقع، گذشته از وجود علائم اعتباری مرزی که از کوشک تا طلائیه و از آنجا تا شلمچه ترسیم شده است، زمین منطقه به خاطر برخورداری از موانع طبیعی از چهار جهت، زمینی به هم پیوسته و مستطیل شکل می‌باشد، که به لحاظ اهمیت حیاتی آن برای دو کشور ایران و عراق، همواره از ارزش

استراتژیکی برخوردار بوده است .

این مهم ، موجب گردید تا پدافند منطقه عمیقاً مورد توجه فرماندهان نظامی عراق قرار بگیرد . زیرا پدافند از این منطقه برای دشمن ، در مقایسه با سایر مناطق اشغالی از اهمیت بیشتری برخوردار بوده و علاوه بر اینکه ادامه اشغال خرمشهر ، دشمن را از یک موضع قوی در روند مذاکرات صلح برخوردار می کرد ، متقابلاً از دست دادن خرمشهر نیز در واقع به مثابه شکسته شدن تنه‌ها سد دفاعی بصره ، دومین شهر مهم عراق پس از بغداد و در معرض تهدید جدی قرار گرفتن آن شهر بود و لذا این دو مسئله با یکدیگر پیوند خورده بودند .

با عنایت به وضعیت ذکر شده ، دشمن مصمم بود که با چنگ و دندان و به هر شکل ممکن منطقه را در اشغال خود نگه دارد ، بدین سبب برای احداث استحکامات دفاعی به ویژه در شهر خرمشهر ، با استفاده از تجارب حاصله از جنگ اقدام به سرمایه گذاری اساسی نمود .

آرایش دشمن در منطقه ، تحت دو عنوان " آرایش عمومی در کل منطقه " و " تدابیر پدافندی ویژه در داخل خرمشهر " قابل بررسی می باشد . آرایش عمومی دشمن ، به شکل هلال و متکی به عوارض طبیعی منطقه بود ، بدین ترتیب که از شمال و شرق به رودخانه کرخه کور * و هورالهویزه محدود می شد . اقدامات مهندسی بسیار گسترده‌ای که دشمن در جنوب رودخانه کرخه کور ، پس از عملیات فتح‌المبین ، انجام داد ** نشان‌دهنده

* این رودخانه بعدها در میان رزمندگان اسلام به کرخه‌نور مشهور گردید .

** فعالیت مهندسی دشمن با بیش از ۵۰ دستگاه لودر و بلدوزر شکل گسترده‌ای داشت . احداث خاکریزهای چند جداره و نصب سیم‌های خاردار ، میدان‌های مین متعدد ، از جمله این فعالیت‌ها می باشد . به عنوان نمونه ، در نزدیکی هویزه اقدام به احداث هفت ردیف سیم‌خاردار با هفت میدان مین نمود . تخریب پادگان حمید نیز در همین راستا صورت گرفت .

این است که عملیات رزمندگان اسلام علیه خود را صرفاً در همین منطقه و از شمال به جنوب پیش‌بینی می‌کرد زیرا در این محور، علاوه بر عامل مهمی چون جاده اهواز - خرمشهر، داشتن عقبه‌ای چون شهر اهواز از امتیازاتی بود که رزمندگان اسلام در سایر محورها فاقد آن بودند. منطقه جفیر نیز که به مثابه مرکزیت قوای دشمن در غرب کارون بود، به علت فاصله اندک تا خط پدافندی کرخه‌کور، به سهولت می‌توانست با یک خیز بلند در دسترس رزمندگان اسلام قرار گیرد. بدین علت، دشمن برای حفظ آن نیز تدابیر پدافندی خاصی را اتخاذ کرده بود. عواملی نظیر وجود منطقه آبگرفته در جنوب غربی اهواز، که از رودخانه کرخه منشعب شده و به رودخانه کارون می‌ریخت، تحلیل دشمن از عدم توانایی رزمندگان اسلام برای عبور از رودخانه کارون و محدودیت نیروهای پیاده برای عملیات در عمق و نیز عمق منطقه، از رودخانه کارون تا جاده اهواز - خرمشهر و از آنجا تا مرز بین‌المللی، همگی موجب غفلت دشمن از منطقه کارون گردید، تا جایی که دشمن - که جناح خود را به رودخانه کارون داده بود - تنها به احداث مواضع پدافندی اقدام کرد تا در صورت لزوم با استقرار نیرو در آن مواضع، از خود دفاع نماید.

اما در جنوب که مواضع دشمن به شهر خرمشهر و بخشی از رودخانه‌های کارون و اروندر محدود می‌شد، نظر به ارزش حیاتی و استراتژیک خرمشهر برای دشمن، اقدامات مهندسی ویژه‌ای در این منطقه طراحی و اجرا شد. (شهید) معینیان مسئول اطلاعات قرارگاه نصر، در این زمینه اظهار داشت:

«عراق برای پدافند خرمشهر، یک طرح شبیه طرحی که اسرائیل برای کانال

سوئز داده بود، ایجاد کرد، بدین شکل که مقابل خرمشهر را از طرف

رودخانه، کاملاً از لحاظ پدافندی تقویت کرد تا از عبور رزمندگان اسلام

از آن رود به داخل خرمشهر ممانعت به عمل آورد .»

دشمن پس از عملیات فتح‌المبین ، بلافاصله تخریب مناطق مسکونی خرمشهر را به طور جدی آغاز کرد ، به گونه‌ای که صدای انفجارهای مهیب به طور مکرر در شرق رودخانه کارون شنیده می‌شد . احداث استحکامات در داخل شهر و نحوه تخریب و مین‌گذاری آن ، عمدتاً به منظور ممانعت از ورود نیروهای اسلام به داخل شهر از شمال و شرق ، به طور جدی دنبال شد . همچنین ، برای مقابله با هلی‌برد نیروهای اسلام و اجتناب از جنگ شهری ، دشمن تلاش‌های مهندسی ویژه‌ای انجام داد . بنابراین ، ارتش عراق در نظر داشت با ایجاد استحکامات و میدان‌های دید و تیر عالی و میدان‌های مین و سایر موانع ، خرمشهر را به دژ مستحکم و غیرقابل نفوذی تبدیل نموده و به هر نحو ممکن از باز پس گیری آن جلوگیری کند .

استعداد نیروهای دشمن در منطقه ، تا قبل از آغاز عملیات بیت‌المقدس ، به ترتیب زیر بود :

- لشکر ۶ زرهی از جنوب رودخانه کرخه تا هویزه
- لشکر ۵ مکانیزه از غرب اهواز تا روستای سیدعبود
- لشکر ۱۱ پیاده از سیدعبود تا خرمشهر . تیپ‌های ۲۲ ، ۴۸ و ۴۴ از لشکر ۱۱ پیاده ، مأمور حفاظت از خرمشهر بودند .
- لشکر ۳ زرهی در شمال خرمشهر .

کلیه این نیروها ، بعد از عملیات تحت کنترل عملیاتی لشکر ۳ قرار داشتند ، ضمن اینکه تیپ ۱۰ زرهی در شرق بصره نیز در احتیاط این نیروها بود .

براساس اسناد و مدارک قرارگاه مرکزی کربلا ، برآورد کلی استعداد دشمن در این منطقه ، قبل از عملیات بیت‌المقدس ، به شرح زیر بود :

- نیروی پیاده بالغ : ۳۶۰۰۰ نفر .

- نیروی زرهی : ۴۱ گردان تانک (۱۴۳۵ دستگاه تانک)

- نیروی مکانیزه : ۳۸ گردان (۱۳۳۰ دستگاه نفربر)

- توپخانه : ۵۳۰ قبضه توپ .

کیفیت و استعداد دشمن در منطقه ، مشخص کننده دو نکته می باشد :
یکی محدودیت دشمن از بعد نیروی انسانی و دیگر اتکای دشمن در
پدافند و مقابله با تهاجم رزمندگان اسلام به نیروی زرهی و مکانیزه ، علاوه
بر اتکا به استحکامات . چرا که عمق و عرض زمین منطقه و فقدان
ناهمواری و ارتفاعات ، موقعیت مناسبی را برای مانور زرهی و مکانیزه
دشمن فراهم کرده بود . در هر صورت ، دشمن با توجه به درک و تحلیلی
که از سمت هجوم رزمندگان اسلام داشت و نیز استحکامات و مواضع
پدافندی که احداث کرده بود ، به حفظ و تأمین مناطق تحت تصرف خود
امیدوار بود .

دشمن با وجود برخورداری از امتیاز زمین هموار و وسیع نیز
استحکامات و مواضع برتر در برابر رزمندگان اسلام ، در عین حال با
دشواری ها و محدودیت های مختلفی روبه رو بود ، از جمله :

- دفاع از سرزمین وسیع و عریض

- کمبود نیروی انسانی برای پدافند از منطقه

- وجود موانع طبیعی و مصنوعی در درون منطقه برای مانور .

تمرکز قوای دشمن ، متناسب با نقاط استراتژیک و حیاتی منطقه در
خرمشهر و جفیر ، عمدتاً متوجه عمق و جنوب منطقه بود . در عین حال
دشمن به موازات تلاش برای حفظ خرمشهر ، در تدبیر کلی خود عملاً
حفظ بصره را نیز مد نظر داشت . محور نشوه - جفیر و شلمچه - تنومه ،
علاوه بر تأمین عقبه نیروهای دشمن در منطقه به عنوان محورهای پاتک

دشمن نیز تلقی می‌شد. از این رو، به هنگام طراحی مانور عملیات بیت‌المقدس، علاوه بر تجزیه و تحلیل کلی از دشمن و استعدادش در منطقه، محورهای احتمالی پاتک دشمن نیز مورد توجه قرار گرفت.

ویژگی‌ها و تفاوت‌های مناطق عملیاتی بیت‌المقدس و فتح‌المبین

منطقه عملیاتی بیت‌المقدس در روند آزادسازی مناطق اشغالی، در واقع آخرین منطقه‌ای بود که کماکان در اشغال دشمن قرار داشت. همچنین در جریان تکاملی جنگ، رزمندگان اسلام در اوج قله پیروزی و به کارگیری تجارب حاصله از سایر عملیات‌ها قرار داشتند. دشمن نیز، متقابلاً نسبت به تاکتیک جدید رزمندگان اسلام هوشیار شده و تدریجاً تغییراتی را در خطوط دفاعی، نحوه استقرار نیرو در خط و به کارگیری نیروی احتیاط، ایجاد کرده بود.

منطقه عملیاتی بیت‌المقدس در مقایسه با منطقه عملیاتی فتح‌المبین، از ویژگی‌ها و تفاوت‌های آشکاری برخوردار بود که عبارتند از:

۱- فقدان عارضه و ناهمواری در زمین منطقه: عوارض طبیعی موجود در منطقه عملیاتی فتح‌المبین موجب گردید تا قوای نظامی ایران - که اساساً با اتکا بر نیروی پیاده عمل می‌کردند - با استفاده از این عوارض، از قدرت مانور بیشتری در برابر دشمن برخوردار باشند. در صورتی که فقدان عوارض طبیعی در منطقه عملیاتی بیت‌المقدس، مشکلات فزاینده‌ای را فراروی رزمندگان اسلام قرار می‌داد و متقابلاً دشمن برای مانور زرهی از برتری قابل توجهی نسبت به منطقه عملیاتی فتح‌المبین برخوردار بود.

۲- افزایش وسعت منطقه: منطقه عملیاتی بیت‌المقدس از نظر وسعت، تقریباً سه برابر منطقه عملیاتی فتح‌المبین بود. بنابراین، افزایش نیروی عملیاتی، سازمان‌دهی مناسب و همچنین دقت و ظرافت در طرح‌ریزی و

فرماندهی و هدایت عملیات ضرورت داشت . البته دشمن نیز از لحاظ کمبود نیروی انسانی با معضلات بسیاری دست به گریبان بود .

۳ - بهره‌گیری دشمن از موانع طبیعی در ایجاد استحکامات : منطقه عملیاتی فتح‌المبین و نحوه استقرار دشمن در آن ، امکان تهدید و دستیابی به عقبه دشمن را برای نیروهای خودی فراهم می‌کرد که این مسئله در فروپاشی خط مقدم دشمن نقش ویژه‌ای داشت . در صورتی که استحکامات دشمن در منطقه عملیاتی بیت‌المقدس ، با اتکا به موانع طبیعی همچون رودخانه‌های کرخه‌کور در شمال ، کارون در شرق و اروندر در جنوب و هورالهویزه در غرب ، عملاً رزمندگان اسلام را برای رخنه به مواضع دشمن ، در وضعیت دشواری قرار می‌داد .

۴ - سرعت عمل رزمندگان اسلام در کسب آمادگی لازم : فاصله زمان اجرای عملیات طریق‌القدس تا عملیات فتح‌المبین دوماه و نیم بود ، * در حالی که زمان آمادگی رزمندگان اسلام در عملیات بیت‌المقدس به ۴۰ روز تقلیل یافت و این موضوع یکی از عوامل مؤثر در غافلگیری دشمن محسوب می‌شد .

۵ - عملیات عبور از رودخانه : طراحی عملیات عبور از رودخانه کارون ** علاوه بر اینکه یکی از ویژگی‌های عملیات بیت‌المقدس به شمار می‌آید ، در واقع از تفاوت‌های بارز رزمندگان اسلام با نیروهای دشمن و توان کیفی فوق‌العاده آنان در این مرحله حکایت می‌کند . ضمن اینکه ، " عملیات

* قابل ذکر است که تهاجم دشمن به تنگه چزابه در تاریخ ۱۳ بهمن ۱۳۶۰ موجب تأخیر در اجرای عملیات فتح‌المبین گردید ، این عملیات قرار بود در اسفند ۱۳۶۰ انجام شود .

** موضوع عبور از رودخانه کارون ، از لحاظ ویژگی‌ها و تأثیر آن در پیروزی عملیات ، در مبحث " طرح‌ریزی عملیات " مورد بررسی قرار خواهد گرفت .

سرپل گیری " در عمق ۱۴ تا ۲۵ و عرض ۳۵ کیلومتری همزمان با توسعه سرپل که در طراحی عملیات منظور شده ، از تفاوت های ویژه این عملیات محسوب می شود .

طرح ریزی عملیات

بلافاصله پس از اتمام عملیات فتح المبین ، در تاریخ ۱۳۶۱/۱/۱۰ جلسه مشترکی با حضور فرماندهان سپاه و ارتش تشکیل شد و به کلیه یگان ها ابلاغ گردید که طی دو هفته ، " بازسازی یگان ها " و " طرح ریزی عملیات " را انجام داده و نتیجه را اعلام نمایند . همچنین فرمانده کل سپاه مقرر کرد که تا روز دوشنبه ۱۳۶۱/۱/۲۳ اقدامات زیر انجام شود :

۱ - مشخص کردن مانور کلی عملیات

۲ - مشخص کردن محل های سرپل

۳ - تعیین و استقرار قرارگاه های لشکری و تعیین محل های تیپ ها و برقراری سیستم ارتباط " قرارگاه مرکزی کربلا " با قرارگاه های تابعه تا رده لشکر

۴ - حل مشکلات و نارسایی های مهندسی قرارگاه ها از طریق قرارگاه مرکزی کربلا

۵ - مشخص کردن نحوه اعزام نیرو و نیروهای احتیاط

۶ - تکمیل کردن سازمان ستاد قرارگاه های لشکری و همکاری با قرارگاه های ارتش

متعاقب درکی که از ضرورت تعجیل در عملیات وجود داشت ، تلاش برای آمادگی ، شتاب چشمگیری به خود گرفت ، چرا که هرگونه تعلل با فرا رسیدن فصل گرما در منطقه جنوب و هوشیاری دشمن در مورد عملیات همراه بود و می توانست لطمه های جبران ناپذیری را به

دنبال داشته باشد . ضمن اینکه آشفته‌گی روانی نیروهای دشمن ، به دنبال ضربات ناشی از عملیات فتح‌المبین ، وی را در موقعیت بحرانی قرار داده بود و انجام هر چه سریعتر عملیات در این وضعیت ضریب موفقیت عملیات را افزایش می‌داد .

مأموریت و اهداف

به دنبال بحث‌ها و بررسی‌های فراوانی که صورت گرفت ، سرانجام قرارگاه مرکزی کربلا ، مأموریت و اهداف عملیات را به شرح زیر اعلام گردید :

مأموریت :

نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران ، متشکل از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ، مأموریت دارند که در ساعت (س) روز (ر) در منطقه عمومی جنوب رودخانه کرخه و غرب رودخانه کارون تک نموده و ضمن انهدام نیروهای موجود دشمن و آزادسازی شهرهای خرمشهر و هویزه ، خط مرز بین‌المللی را تأمین نموده و از حمله مجدد احتمالی به کشور اسلامی جلوگیری نمایند .

اهداف

۱ - انهدام نیروی دشمن ، حداقل با استعدادی بیش از ۲ لشکر

۲ - آزادسازی شهرهای خرمشهر و هویزه و پادگان حمید

۳ - آزادسازی حدود ۶۰۰۰ کیلومتر مربع از سرزمینهای اسلامی با

بیرون راندن نیروهای دشمن

منظور :

۱ - خارج نمودن شهرهای اهواز ، حمیدیه و سوسنگرد از برد توپخانه

دوربرد دشمن

۲ - ترمیم مرز بین‌المللی کشور اسلامی و رفع اشغال کشور

۳ - آزاد شدن جاده مواصلاتی اهواز - خرمشهر و خارج شدن جاده

اهواز - آبادان از زیر برد توپخانه

علاوه بر اهداف فوق ، اهداف دیگری نیز مورد توجه طراحان عملیات بود که در صورت تأمین آن ، دستیابی جمهوری اسلامی به موضع برتر در برابر دشمن و احقاق حقوق حقه کشور جمهوری اسلامی تسهیل می شد .

طرح مانور

در بررسی‌های اولیه طرح مانور ، عوامل زیر، نقش تعیین‌کننده‌ای داشتند :

- اهداف بسیار مهم در عمق منطقه

- ضرورت سرعت عمل در دستیابی به اهداف

- آرایش نیروها و استقرار قوای دشمن

- تلقی دشمن از سمت حرکت رزمندگان اسلام

گروه‌های طرح‌ریزی برادران ارتش و سپاه ، به طور جداگانه طی بررسی‌های عملیاتی ، به ارائه راهبردهای مورد نظر پرداختند و در جلسات مشترک ، به طرح مسائل عملیات مبادرت می‌ورزیدند . به طور کلی ، دو راه‌کار برای عملیات بیت‌المقدس * پیشنهاد شد و در جلسات مشترک برادران ارتش و سپاه مورد بحث و بررسی قرار گرفت که اجمالاً به آن اشاره می‌شود :

* براساس سلسله طرح‌های عملیاتی که پس از شکسته شدن حصر آبادان در دستور کار قرار گرفت ، عملیات مورد نظر به عنوان کربلای ۳ نامگذاری شد ، لیکن با توجه به اوضاع سیاسی منطقه و سایر عوامل در زمان اجرای عملیات ، نام بیت‌المقدس بر آن نهاده شد .

۱ - تهاجم به دشمن با اتکاء به جاده اهواز - خرمشهر

از جمله محاسن این راه کار پیشنهادی ، استفاده از شبکه های جاده ای که در منطقه وجود داشت ، بود ، ضمن اینکه موجب تأمین جناح منطقه عملیاتی نیز می شد . پیشنهاد مزبور که براساس تفکر کلاسیک برادران ارتش ارائه شده بود ، معایبی نیز به همراه داشت ، از جمله اینکه دشمن براساس این تلقی که سمت تک حرکت رزمندگان از شمال و با اتکا به جاده اهواز - خرمشهر می باشد ، است حکاماتی را در منطقه ایجاد کرده بود و به طور طبیعی عبور از سد دشمن ، بدون تلفات سنگین ممکن نبود ، ضمن اینکه با فرض عبور از خط مستحکم دشمن ، دستیابی به هدف اصلی عملیات یعنی آزادسازی خرمشهر ، بدون انجام مراحل عملیاتی متعدد که نیاز به زمان طولانی داشت ، میسر نمی شد .

۲ - عبور از رودخانه کارون

از جمله معایب این راه کار ، پیچیدگی های مربوط به عملیات عبور از رودخانه کارون و نصب پل بود . همچنین ضرورت سرپل گیری و گسترش سرپل به طور همزمان نیز دشواری های عبور از رودخانه کارون را افزایش می داد . کاهش فاصله تا دستیابی به اهداف در عمق مواضع دشمن و ضعف مقاومت نیروهای عراقی در این منطقه ، از محاسن پیشنهاد دوم محسوب می شود . پیشنهاد نخست دقیقاً براساس تفکر کلاسیک و اصول جنگ طراحی شده بود . * طبعاً راه کار اول با تحلیل دشمن از حرکت آتی

* برادر محسن رضایی در این زمینه می گوید :

« متخصصین آموزش دیده مجرب و متخصصین نظامی بالاتفاق می گفتند نمی شود از ←

رزمندگان تطابق بیشتری داشت ، طرح پیشنهادی طراحان نظامی سپاه با ویژگی عبور از رودخانه کارون ، علی‌رغم معایبی که ذکر گردید ، به دلیل آنکه مبتنی بر خلاقیت و ابداع نیروهای انقلابی و مردمی طراحی شده بود و با تفکر کلاسیک دشمن نیز فاصله بسیار داشت ، ضریب " غافلگیری " دشمن در تاکتیک را به شدت افزایش می‌داد .

رزمندگان اسلام ، در واقع با عملیات عبور از رودخانه برخلاف آرایش دشمن ، وارد زمین منطقه اشغالی شده و از پهلو به دشمن حمله می‌کردند . این اقدام به عنوان وارد ساختن شوک و ایجاد تردید و تزلزل روحی در نیروهای عراقی ارزیابی می‌شد و عکس‌العمل دشمن را به شدت ضعیف می‌کرد .

بر این اساس ، به منظور تحقق اهداف مورد نظر ، با عنایت به توان موجود و درکی که از واکنش احتمالی دشمن وجود داشت ، طرح‌ریزی عملیات با اتکا به دو موضوع بسیار جدی و اساسی صورت گرفت :

۱ - نحوه عبور از رودخانه کارون ، سرپل‌گیری و تأمین و توسعه آن

۲ - مرحله‌بندی عملیات

طراحان نظامی جنگ ، در تعیین سازمان قرارگاه‌ها و مرحله‌بندی عملیات ، عمدتاً به این مسئله توجه داشتند که به هنگام تهاجم و تأمین اهداف کلی عملیات ، علاوه بر سرعت عمل در دستیابی به اهداف ، به طور ویژه باید از جابه‌جایی و تمرکز دشمن نیز ممانعت به عمل آید . بدین ترتیب ، سه قرارگاه اصلی به شرح زیر در نظر گرفته شد :

۱ - قرارگاه قدس در بخش شمالی منطقه عملیات با مأموریت عبور از رودخانه کرخه .

۲ - قرارگاه فتح در بخش میانی منطقه عملیات با مأموریت عبور از رودخانه کارون و پیشروی به سمت جاده اهواز خرمشهر .

۳ - قرارگاه نصر در بخش جنوبی منطقه عملیات با مأموریت عبور از کارون و پیشروی به سمت خرمشهر .

همچنین در جمع‌بندی جلسه ، بر دنبال کردن مانوری که منجر به رسیدن به نقاط استراتژیک یا آزادسازی خرمشهر و تأمین نیروها بشود ، تأکید شد .

ضرورت مرحله‌بندی عملیات نیز موجب گردید تا مراحل عملیات به شکل زیر مورد توجه قرار گیرد :

۱ - عبور از رودخانه رودخانه توسط قرارگاه‌های نصر و فتح و پیشروی تا محور جاده اهواز - خرمشهر .

۲ - شکستن خاکریز اول توسط قرارگاه قدس بدون در نظر گرفتن هدفی جز درگیری و توجه قرارگاه‌های فتح و نصر به طرف غرب و جنوب برای تأمین مرز و آزادسازی خرمشهر .

۳ - حرکت قرارگاه‌های فتح و نصر به طرف ساحل اروند ، پس از تصرف هدفها .

براساس طرح مذکور ، قرارگاه قدس عمدتاً دشمن را مشغول درگیری می‌کند تا قرارگاه‌های فتح و نصر تلاش اصلی برای سرپیل‌گیری و پیشروی به سمت جاده اهواز - خرمشهر را به اجرا در آورند . طی بحثهایی که در جلسات مشترک برادران ارتش و سپاه صورت گرفت ، مرحله‌بندی عملیات براساس فرض‌های مختلف مبتنی بر سه حالت کلی ، مورد بررسی قرار گرفت که عبارت بودند از :

۱ - نخست قرارگاه قدس عمل شود و پس از آنکه دشمن متوجه تلاش محور شمالی عملیات شد ، با توجه به حساسیتی که به این

محور دارد و آن را تلاش اصلی تلقی می‌کند ، قرارگاه‌های فتح و نصر وارد عمل شوند .

۲ - فرض دوم عکس فرض اول بود ، بدین صورت که ابتدا قرارگاه‌های فتح و نصر وارد عمل شوند و سپس قرارگاه قدس عمل نماید .

۳ - در فرض سوم ، همزمانی عملیات هر سه قرارگاه قدس ، فتح و نصر مورد نظر بود .

سرانجام طی بحثهایی که صورت گرفت ، به منظور تجزیه دشمن و جلوگیری از جابه‌جایی و ممانعت از تمرکز قوای دشمن ، مقرر گردید که هر سه قرارگاه همزمان تهاجم خود را آغاز نمایند .

سازمان رزم و مأموریت قرارگاه‌ها

برای فرماندهی و اجرای عملیات بیت‌المقدس و با عنایت به تجارب پیشین ، قرارگاه‌ها به صورت مشترک سازمان‌دهی شد . قرارگاه مرکزی کربلا هدایت عملیات را عهده‌دار شد . قرارگاه‌های تحت امر قرارگاه مرکزی و یگان‌های تحت امر هر یک عبارت بود از :

قرارگاه قدس در محور شمالی عملیات ، متشکل از چهار تیپ مستقل از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و یک لشکر و یک تیپ مستقل از نیروی زمینی ارتش که به صورت زیر ادغام شده بودند :

قرارگاه قدس ۱ : تیپ ۱ از لشکر ۱۶ زرهی ارتش ، با تیپ ۳۱

عاشورا از سپاه .

قرارگاه قدس ۲ : تیپ ۲ از لشکر ۱۶ زرهی ارتش ، با تیپ ۲۱

امام رضا (ع) .

قرارگاه قدس ۳ : تیپ ۳ از لشکر ۱۶ زرهی ارتش ، با تیپ نور از

سپاه .

قرارگاه قدس ۴: تیپ مستقل ۵۸ ذوالفقار از ارتش، با تیپ ۴۱
ثارالله از سپاه.

قرارگاه فتح در محور میانی عملیات، متشکل از سه تیپ مستقل از
سپاه پاسداران و یک لشکر و دو تیپ از نیروی زمینی ارتش که به صورت
زیر ادغام شده بودند:

قرارگاه فتح ۱: تیپ ۱ از لشکر ۹۲ زرهی ارتش، با تیپ ۱۴
امام حسین (ع) از سپاه.

قرارگاه فتح ۲: تیپ ۲ از لشکر ۹۲ زرهی ارتش، به عنوان
نیروی احتیاط قرارگاه فتح.

قرارگاه فتح ۳: تیپ ۳ از لشکر ۹۲ زرهی ارتش، با تیپ ۸
نجف اشرف از سپاه.

قرارگاه فتح ۴: تیپ ۳۷ زرهی و تیپ ۵۵ هوابرد از ارتش، با
تیپ ۲۵ کربلا از سپاه.

قرارگاه نصر در جناح چپ عملیات متشکل از چهار تیپ مستقل از
سپاه پاسداران و یک لشکر و یک تیپ از ارتش که به صورت زیر ادغام
شده بودند:

قرارگاه نصر ۱: تیپ ۱ از لشکر ۲۱ حمزه (س) از ارتش، با تیپ ۷
ولیعصر (عج) از سپاه.

قرارگاه نصر ۲: تیپ ۲ از لشکر ۲۱ حمزه (س) از ارتش، با تیپ ۲۷
محمد رسول الله (ص) از سپاه.

قرارگاه نصر ۳: تیپ ۳ از لشکر ۲۱ حمزه (س) از ارتش، با تیپ ۴۶
فجر از سپاه.

قرارگاه نصر ۴: تیپ ۴ زرهی از لشکر ۲۱ حمزه (س) به عنوان نیروی
احتیاط قرارگاه نصر.

قرارگاه نصر ۵ : تیپ ۲۳ نوهده از ارتش ، با تیپ ۲۲ بدر از سپاه .

در مجموع استعداد نیروها به شرح زیر بود :

- سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با یازده تیپ مستقل پیاده * و یک

لشکرزهری . **

* سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در حد فاصل عملیات فتح المبین تا بیت المقدس در تلاش برای گسترش سازمان رزم ، چند تیپ جدید تشکیل داده و سازمان دهی کرد تا توان جذب نیروی مردمی خود را افزایش دهد . در عملیات بیت المقدس هر یک از تیپ های سپاه ۷ تا ۱۲ گردان نیرو داشتند و هرچند تا این زمان به لشکر تغییر نام نیافته بودند ، ولی هریک استعداد و توانی در حد یک لشکر داشتند . لازم به ذکر است که در مرحله چهارم عملیات بیت المقدس تیپ های المهدی و امام سجاد از سپاه پاسداران و تیپ ۳ لشکر ۷۷ ارتش به یگان های عمل کننده افزوده شدند .

** برادر فتح الله جعفری فرمانده وقت یگان زهری سپاه پاسداران درباره چگونگی شکل گیری این یگان و شرکت آن در عملیات بیت المقدس نوشت :

زمان شکل گیری یگان زهری سپاه را می توان بعد از عملیات شکستن حصر آبادان (عملیات ثامن الائمه) و در آستانه اجرای عملیات طریق القدس ذکر کرد . پس از عملیات ثامن الائمه بنا به دستور مسئول وقت عملیات سپاه (برادر سید رحیم صفوی) با تانک ها و نفربرهایی که در این عملیات از دشمن به غنیمت گرفته شده بود (۱۰ دستگاه تانک و ۳۵ دستگاه نفربر) و با همکاری ۲۰۰ تن از برادران پاسدار ، یک گردان مستقل مکانیزه با مسئولیت اینجانب (فتح الله جعفری) تشکیل گردید . این گردان در عملیات طریق القدس شرکت کرد و پس از این عملیات همگام با گسترش سازمان رزم سپاه پاسداران ، با نظر برادر غلامعلی رشید و شهید بزرگوار سرلشکر حسن باقری با گسترش سازمان به تیپ ۳۰ زهری تبدیل گردید و در عملیات فتح المبین شرکت نمود .

با توجه به غنائم بسیاری که یگان های سپاه در عملیات فتح المبین به دست آوردند ، مجموع دستگاه های زهری غنیمتی سپاه به بیش از ۵۰۰ تانک و نفربر رسید و تعداد ۱۰۰ نفربر بی ام پی ۱ هم از ارتش تحویل گرفته شد و با اقداماتی که در زمینه آموزش نیرو و خدمه تجهیزات زهری صورت گرفت و همچنین تعمیرگاه زهری که ایجاد شد ، این یگان به حد لشکر رسید و در مجموع ۴۰۰ تانک و نفربر برای عملیات فتح خرمشهر (بیت المقدس) آماده و سازماندهی شد .

لشکر ۳۰ زهری سپاه در قالب چهار گروه رزمی و یک یگان پشتیبانی کلی قرارگاه کربلا ، ←

- نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی با دو لشکر زرهی ، یک لشکر پیاده و چهار تیپ مستقل .

آمار نیروهای شرکت کننده ، بر حسب گردان ، نیز به شرح زیر می باشد :

- سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ۸۵ تا ۹۵ گردان پیاده که تا آغاز عملیات به ۱۰۰ گردان رسید و همچنین ۱۲ گردان زرهی و مکانیزه (جمعاً ۱۱۲ گردان)

- نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی با ۲۴ گردان زرهی و مکانیزه و ۲۱ گردان پیاده (جمعاً نزدیک به ۴۵ گردان) .

بنابراین ، استعداد نیروهای جمهوری اسلامی در این عملیات جمعاً ۱۵۷ گردان پیاده ، مکانیزه و زرهی بود .

بررسی مانور قرارگاهها

قرارگاه قدس مأموریت داشت تا با حمله به خاکریزهای مقدم دشمن در جنوب رودخانه کرخه کور و تصرف سرپل مناسب در جنوب این رودخانه ، دشمن را درگیر نگاه دارد تا دو قرارگاه فتح و نصر فارغ از توجه و تمرکز نیروهای دشمن ، به سمت اهداف خود پیشروی کنند . قرارگاه قدس همچنین باید از آمادگی لازم برخوردار باشد تا پس از دریافت دستور ،

← فعالانه در عملیات بیت المقدس شرکت کرد و تا پایان عملیات سازمان خود را گسترش داد و تعداد دیگری دستگاههای زرهی به غنیمت گرفت . این یگان در جریان عملیات ۳۰۰ شهید تقدیم کرد که از جمله آنها جانشین یگان (شهید مجیدی) و چند فرمانده گروهان (شهید غرضی ، شهید حسین نژاد ، شهید چراغی و ...) بودند . فرماندهان محورهای عملیاتی را در این عملیات برادران شهید امانی ، لاوی ، جعفرزاده و حرّی به عهده داشتند .

(سند شماره ۴۱۴۷۶۶ مرکز مطالعات و تحقیقات

جنگ : زرهی سپاه و نحوه شکل گیری آن)

تهاجم را ادامه داده و خط عمومی جفیر - پادگان حمید را تأمین و نیروهای دشمن را در منطقه منهدم کند .

قرارگاه قدس به منظور تأمین اهداف تعیین شده ، نیروهای تحت امر خود را به پنج محور کلی قدس ۱ ، قدس ۲ ، قدس ۳ ، قدس ۴ و قدس ۵ تقسیم کرد .

چنین پیش‌بینی می‌شد که قرارگاه قدس در اجرای مأموریت خود دچار معضلات و مشکلاتی شود که بخشی از آن اساساً به خاطر استحکامات قابل توجه دشمن و نیز موقعیت طبیعی منطقه و موانع موجود بود . دشمن با توجه به نکاتی که ذکر شد ، استحکامات بسیاری را در پشت رودخانه کرخه کور تدارک دیده بود ، و همچنین در تمام محورها رده دوم و سوم ، حتی در بعضی محورها ، چهار رده خاکریز احداث نموده و تا سه رده آن نیز نیرو مستقر کرده بود . در واقع یک خط مقدم و دو رده نیروی احتیاط داشت . در حد فاصل خط مقدم تا رده دوم و رده سوم با توجه به موقعیت زمین ، کانال تعبیه شده بود . در مقابل خط مقدم علاوه بر نصب سیم خاردار به اشکال مختلف ضربدري و حلقوی ، از مین‌های ضدتانک ، ضد خودرو و ضد نفر نیز استفاده شده بود .

وجود نقاط حساس تاکتیکی در منطقه ، مانند : هویزه ، حمیدیه و جفیر ، موجب شده بود تا منطقه علاوه بر استحکامات قابل توجه ، از تجمع و تمرکز نیرو نیز برخوردار گردد (لشکر ۵ مکانیزه و لشکر ۶ زرهی ارتش عراق در این منطقه گسترش داشتند) .

معضل دوم قرارگاه قدس ، محدودیت معابر وصولی در منطقه مأموریت این قرارگاه بود . همان‌طور که ذکر شد ، وجود رودخانه کرخه و استحکامات ایجاد شده ، مانع رخنه و نفوذ به مواضع دشمن بود .

از سوی دیگر ، قرارگاه قدس امیدوار بود که در پی عبور قرارگاه‌های

فتح و نصر از رودخانه کارون و تهدید عقبه لشکر ۵ مکانیزه و لشکر ۶ زرهی ، از فشارهای دشمن در این منطقه کاسته شود و در تأمین مأموریت و اهداف قرارگاه قدس تسهیلاتی فراهم گردد .

قرارگاه فتح در بخش میانی منطقه عملیات مأموریت داشت که با عبور از رودخانه کارون ، سرپلی تصرف کند و در همان خیز اول تا جاده اهواز - خرمشهر پیشروی نماید و در مراحل بعدی به منظور تأمین مرز ، تک را ادامه دهد .

یگانهای تحت امر قرارگاه فتح برای تأمین اهداف تعیین شده ، به چهار محور کلی فتح ۱ ، فتح ۲ ، فتح ۳ و فتح ۴ تقسیم شده بودند .

مأموریت این قرارگاه از لحاظ اهداف مورد نظر ، نقش تعیین کننده‌ای را در موفقیت عملیات بیت‌المقدس ایفا می‌کرد ، زیرا براساس طرح مانور ، تلاش اصلی عملیات پس از عبور از رودخانه کارون * و گسترش سرپل آغاز می‌شد و قرارگاه فتح عهده‌دار این مأموریت خطیر بود . مشکلات قرارگاه فتح برخلاف قرارگاه قدس ، استحقاقات دشمن نبود ، چرا که دشمن در مورد عبور از رودخانه کارون جز به عنوان یک تلاش فرعی ، تصور دیگری نداشتند .

دشمن علی‌رغم حساسیت به منطقه قرارگاه فتح ، هیچ عکس‌العمل قابل توجهی از خود نشان نداد و تنها به احداث برخی استحقاقات جدید نمود و تا زمان شروع عملیات ، این مواضع جدید را اشغال نکرد . گستردگی این منطقه ، کمبود نیرو و نیز وضعیت حاشیه رودخانه کارون ، مانع از حضور جدی و فعال دشمن در حاشیه ساحل رودخانه می‌گردید

* بحث عبور از رودخانه کارون با توجه به حساسیت و ویژگی خاص خود ، به‌طور جداگانه مورد بررسی قرار خواهد گرفت .

که این مسئله خود به عنوان عاملی مثبت در امر سرپل گیری تلقی می شد . البته این نگرانی همچنان وجود داشت که دشمن تدریجاً با افزایش هوشیاری در کناره های ساحل کارون به استقرار نیروی گشت و تأمین اقدام نماید .

وجود آبگرفتگی در جناح شمالی قرارگاه فتح ، به طور طبیعی جناح راست قرارگاه را تأمین می کرد ، همچنین وجود زمین و فضای گسترده در برابر قرارگاه فتح سرپل گیری را تسهیل می کرد و در توسعه آن و پیشروی در عمق بسیار مؤثر بود .

قرارگاه فتح در این عملیات با مشکلات و معضلاتی نیز روبه رو بود که در جای خود می توانست موانعی را در تحقق و تأمین اهداف این قرارگاه به وجود آورد . برخی از این مشکلات عبارت بود :

۱ - فقدان هرگونه عارضه در حد فاصل کارون تا جاده اهواز - خرمشهر ، برای هماهنگی نیرو در پیشروی و همچنین برای پدافند مناسب در صورت اجرای پاتک از سوی دشمن .

۲ - تأمین جاده اهواز - خرمشهر همزمان با سرپل گیری که علی رغم فاصله ۱۵ تا ۲۰ کیلومتری رودخانه کارون تا جاده ، از حساسیت ویژه ای برخوردار بود . محدودیت زمان عبور با توجه به تابش ماه و روشن شدن هوا به صورتی بود که هرگونه تعلل در پیشروی به علت نبودن مواضع پدافندی ، نیروها را قبل از رسیدن به عارضه جاده در معرض تهاجم دشمن قرار می داد .

۳ - عدم امکان عبور وسائل سنگین در مراحل اولیه عملیات برای احداث خاکریز .

۴ - پاتک سنگین دشمن ، با توجه به تمرکز نیروهای احتیاط دشمن در شمال خرمشهر و تهدیدی که دشمن طبعاً بلافاصله پس از روشن شدن

هوا در روز اول عملیات از این جناح احساس خواهد کرد .

قرارگاه فتح ، امید داشت که با توجه به غافلگیری دشمن نسبت به تاکتیک عملیات عبور و حساسیتی که در مورد جبهه شمالی نشان می‌داد ، پس از برداشتن خیز اول در تصرف جاده اهواز - خرمشهر و تثبیت آن ، اهداف خود را تأمین کند .

قرارگاه نصر در جبهه جنوبی مأموریت داشت تا از رودخانه کارون عبور کرده ، سرپل را تأمین کند و بنابه دستور با ادامه پیشروی ، ضمن انهدام دشمن و تأمین شهر خرمشهر و مرز ، جناح چپ عملیات را پوشش دهد . یگان‌های تحت امر این قرارگاه برای تأمین اهداف واگذاری ، به پنج محور کلی نصر ۱ ، نصر ۲ ، نصر ۳ ، نصر ۴ و نصر ۵ تقسیم شده بودند .

قرارگاه نصر نیز همانند قرارگاه فتح می‌بایست از رودخانه عبور می‌کرد ، لذا علاوه بر مشکلات عمومی و ضرورت انجام هماهنگی‌های لازم برای عبور ، به دلیل داشتن مأموریت تأمین خرمشهر و حساسیت دشمن در این منطقه ، با مشکلات ویژه‌ای روبه‌رو بود . این قرارگاه بر خلاف قرارگاه فتح که یگان‌های با کیفیت بالاتری را تحت امر خود داشت ، برای تأمین خرمشهر از نیروی کیفی و مناسبی برخوردار نبود .

قرارگاه نصر در این مأموریت امید داشت که با توجه به پیشروی قرارگاه فتح و تصرف جاده ، مشکلات خاصی را در جناح شمالی خود نداشته و برای رخنه به داخل خرمشهر نیز وجود نیروهای بومی در یگان‌های مأمور به این قرارگاه ، می‌توانست اهداف مورد نظر را بهتر تأمین نماید .

در مجموع ، همان‌گونه که اشاره گردید ، در طراحی مانور ، عبور از رودخانه عامل تعیین‌کننده در پیروزی عملیات محسوب می‌شد و به همین دلیل در ادامه بحث به بررسی دقیق‌تر این موضوع می‌پردازیم .

طراحی عبور از کارون

در مرحله جدید جنگ مشکل اصلی دشمن ، غافلگیری در برابر تاکتیک‌های ابتکاری رزمندگان اسلام بود . دشمن برابر تفکرات کلاسیک خود ، اساساً نیروهای مسلح جمهوری اسلامی را فاقد توانایی برای اجرای عملیات ارزیابی می‌کرد . طرح‌ریزی عبور از رودخانه کارون ، علاوه بر اینکه به کلی در تفکرات کلاسیک دشمن و ارزیابی‌ای که از توان نیروهای مسلح جمهوری اسلامی داشت ، نمی‌گنجید ، بلکه برای رزمندگان اسلام که از دو ترکیب متفاوت برخوردار بودند نیز پذیرش عبور از رودخانه کارون قدری دشوار بود . لذا طی جلسات مشترک برادران ارتش و سپاه ، بحث‌های فراوانی در این زمینه صورت گرفت . برخی از برادران ارتشی همان‌طور که پیش از این ذکر شد ، به تک از جبهه شمالی با اتکا به جاده اهواز - خرمشهر و با عقبه اهواز ، اعتقاد داشتند . در بحث مربوط به عبور ، اساساً برخی بر این عقیده بودند که با توجه به مشکلات عبور و ضرورت همزمانی با پیشروی به عمق و نیز معضلات ناشی از هوشیاری دشمن و کمبود پل و غیره ، ضروری است که ابتدا سرپل کوچکی تصرف شده ، سپس در مرحله بعد گسترش یابد . دلائلی که برای این نظریه مطرح می‌شد عمدتاً حول محورهای زیر بود :

۱ - پیچیدگی و مشکلات عبور از رودخانه در مقایسه با سایر عملیات‌ها .

۲ - فقدان آموزش و تجربه یگان‌های عبورکننده برای عبور از رودخانه .

۳ - محدودیت زمینه امکانات عبور ، به ویژه پل‌های شناور .

۴ - محدودیت در امکانات مهندسی با سرعت عمل لازم برای

احداث سریع پل .

۵ - احتمال هوشیاری دشمن و عقب راندن نیروها .

یکی از فرماندهان سپاه ضمن اشاره به وجود دو نظر در مباحث عبور ، چنین می گوید :

« عده ای از برادران گروه طرح ریزی در نظریات خود می گفتند که ابتدا سرپل کوچکی بگیریم و بعد از توسعه سرپل به سمت جاده اهواز - خرمشهر پیشروی شود . برخی معتقد بودند که سرپل باید بزرگ بوده و بلافاصله پس از عبور در همان مرحله تصرف سرپل ، پیشروی تا جاده اهواز - خرمشهر ادامه یابد . از محاسنی که برای این ذکر می شد ، وجود فضای مانور کافی برای عبور لشکرها بود که موجب می شد تا مراحل بعدی با قدرت کافی انجام پذیرد ، ضمن اینکه خوف نیز وجود داشت که اگر سرپل کوچک باشد ، دشمن با بخش عمده ای از قوایی که در محور شمال (لشکر ۵ عراق) داشت به همراه نیروهای احتیاط مربوطه ، منطقه سرپل را مورد تهاجم قرار دهد . در این صورت امکان عبور مجدد نیز وجود نداشت و عملاً عملیات با شکست مواجه می شد . »

طی بحثهای بسیاری که در این زمینه صورت گرفت سرانجام در میان فرماندهان در مورد سرپل گیری و گسترش آن وحدت نظر حاصل شد که جمع بندی چنین اعلام گردید :

« نتیجه ای که گرفتیم این بود که اگر بخواهیم از رودخانه عبور کنیم باید

خود را تا جاده و راه آهن جلو بکشیم تا به اهداف زیر برسیم :

۱ - دشمن متوجه شده و به گسترده ای حمله پی ببرد .

۲ - دشمن را به دو قسمت شمالی و جنوبی تقسیم کنیم . »

پس از تبادل نظر و تفاهم در مورد عبور از رودخانه کارون ، رکن ۳ قرارگاه مقدم نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران در جنوب ، طی

تجزیه و تحلیلی ضمن ارجح دانستن سرپل بزرگ ، عبور از رودخانه کارون و ویژگی‌های آن را چنین توصیف کرد :

« عبور ما از رودخانه کارون تلفیقی از یک "عبور تعجیلی" و یک "عبور با فرصت" است که البته بیشتر جنبه تعجیلی دارد . مشخصات آن عبارتند از : سرعت ، غافلگیری ، حداقل توقف هنگام رسیدن به ساحل نزدیک رودخانه ، حداقل تمرکز نیرو ، عدم نیاز به پاک کردن ساحل نزدیک از وجود دشمن ، پدافند ضعیف دشمن در ساحل رودخانه ، بالا بودن توان رزمی یگان خودی چه از نظر روحیه و چه از نظر استعداد برای در هم شکستن موقعیت پدافندی دشمن در آن سوی رودخانه ، طرح‌ریزی مشروح و به پای کار آوردن تجهیزات عبور از قبل در حد مقدوراتی که فعلاً موجود است و همچنین یک عبور با فرصت ، به دلیل اینکه رودخانه مانع بزرگی محسوب شده و عملیات آفندی ما در این خط آغاز می‌شود . »

تعیین ابعاد سرپل و وجود فضای کافی برای عبور دو قرارگاه با برخورداری از قابلیت و امکان مانور مناسب برای نیروهای تک‌ور ، بحث عمده‌ای بود که به دنبال توافق بر همزمانی عبور و گسترش سرپل ، مورد بررسی قرار گرفت .

حد شمالی سرپل ، ایستگاه آهو - که به عنوان تنها عارضه در این محور محسوب می‌شد و در حدود کیلومتر ۶۰ جاده اهواز - خرمشهر ، واقع بود - در نظر گرفته شد . عمق سرپل ۱۴ تا ۲۰ کیلومتر و عرض آن ۴۰ کیلومتر منظور شد که در مجموع مساحت سرپل مورد نظر بالغ بر ۷۰۰ کیلومترمربع می‌شد .

" رعایت غافلگیری " و " سرعت عمل در توسعه سرپل " ، موضوعی بود که پیوسته به هنگام طرح‌ریزی مانور عملیات عبور از رودخانه ، مورد تأکید قرار می‌گرفت . براساس شواهد و قرائن موجود ، با اقداماتی که از

سوی دشمن انجام می‌گرفت ، این احتمال وجود داشت که در صورت هوشیاری نیروهای عراقی موضوع عبور از رودخانه منتفی شده و یا به شکست بینجامد . دشمن در غرب کارون (محور میانی) اقدام به احداث یک خط ممتد در فاصله ۷ کیلومتری رودخانه کارون کرده بود . این اقدام ضمن اینکه به عنوان نشانه هوشیاری دشمن در مورد سمت اصلی تک ارزیابی می‌شد ، می‌توانست موجب بروز مشکلاتی به هنگام عبور و پیشروی نیروهای خودی شود . لذا در طرح مانور ، ضمن اصرار بر رعایت غافلگیری ، بر تسریع و تعجیل در اجرای عملیات نیز تأکید شده بود .

ضرورت همزمانی عبور ، گرفتن سرپل و توسعه آن و نیز پیوستگی آنها با یکدیگر ، موجب گردیده بود که در مورد سرعت عمل در عبور و توسعه سرپل توجه خاصی صورت بگیرد . بر این اساس ، قسمت‌هایی از رودخانه که عرض کمتری داشت و از ساحل رودخانه تا جاده اهواز - خرمشهر دارای فاصله کمتری بود ، به عنوان محل نصب پل انتخاب گردید . همچنین در زمینه سرعت عمل برای پیشروی در عمق بر این موضوع نیز تأکید گردید که نیروهای تکور ، هرچه سریع‌تر و با حداکثر توان خود ، به عارضه جاده خرمشهر - اهواز رسیده و آنرا تأمین نمایند تا بدین وسیله گذرگاهها از تیررس دشمن مصون بماند و امکان نصب پل‌های شناور و انتقال سریعتر و بیشتر نیرو و امکانات به آن سوی رودخانه فراهم شود . بنابراین ، سه پل برای نصب در محل‌های مناسب پیش‌بینی گردید و برای زمان‌بندی عبور نیروها با توجه به عمق منطقه ، روشن شدن هوا و رعایت اصل غافلگیری ، مقرر گردید که نفرات پیاده از ساعت ۶ بعدازظهر حرکت کرده و با تاریک شدن هوا ، خودروهای سبک به وسیله شناورها از رودخانه عبور نمایند تا با پیشروی نیروهای پیاده و تأمین منطقه سرپل ، شرایط برای نصب پل و عبور خودروهای سنگین مهیا شود .

ویژگی های طرح مانور عملیات

طرح مانور عملیات ، علی رغم دشواری و پیچیدگی هایی که به لحاظ عبور از رودخانه کارون داشت ، از ویژگی های برجسته و بارزی برخوردار بود که عبارت بودند از :

۱ - غافلگیری در تاکتیک : همان طور که در مباحث پیش اشاره شد ، دشمن براساس تفکر کلاسیک و درکی که از توان رزمندگان اسلام داشت ، عبور از رودخانه را به عنوان تلاش اصلی قوای خودی پیش بینی نمی کرد و همچنین به غافلگیر شدن قوای دشمن در هنگام عملیات کمک شایانی می کرد .

۲ - تهاجم به جناح دشمن : اطلاعات صحیح و جامع رزمندگان اسلام از چگونگی آرایش دشمن و نقاط ضعف و قوت آن باعث شد که نقطه ضعف دشمن به خوبی شناخته شود و برهمین اساس تاکتیک ویژه عملیات تعیین گردد . عبور از کارون هجوم به جناح دشمن بود و به همین خاطر آسیب پذیری او را تشدید می کرد .

۳ - برآورد صحیح از توان و استعداد دشمن : به دنبال تجارب گذشته ، در این مرحله طراحان نظامی جنگ از ضعف های فیزیکی و روحی دشمن آگاه بودند و همین امر از دلائل عمده پافشاری بر عبور از رودخانه کارون محسوب می شد . برادر محسن رضایی در این باره می گوید :

« یکی از عوامل وادارکننده ما به عبور از رودخانه و کسب دل و جرأت

لازمه ، داشتن شناخت و اطلاع کافی از دشمن و اینکه نیروی احتیاط او

بیشتر از یک لشکر نیست و آن نیرویی که برای جاده اهواز - خرمشهر با ما

خواهد جنگید همین یک لشکر است . »

۴ - در نظر گرفتن واقعیات و پذیرش خطرات احتمالی : طرح مانور عملیات با

در نظر گرفتن واقعیات و با علم به کلیه محدودیت‌ها، تهیه شده بود. فرماندهی عملیات، پس از مواجهه با راه‌کارهای مختلف و استماع کلیه نظریات، خطر کردن احتمالی برای موفقیت عملیات را پذیرفته و تصمیم نهایی را اتخاذ کرد.

پشتیبانی عملیات

(۱) مهندسی رزمی

منطقه عملیات بیت‌المقدس از لحاظ موقعیت طبیعی و همچنین پیش‌بینی احداث پل روی رودخانه کارون، نیاز به کار مهندسی گسترده و ویژه‌ای در مقایسه با عملیات فتح‌المبین داشت. جهاد سازندگی که از ابتدای جنگ مجاهدت و تلاش‌های وسیعی را انجام داده بود، در این عملیات نیز حضور گسترده و چشمگیری داشت و محور اصلی در اقدامات مهندسی را به عهده گرفته بود، ضمن اینکه مهندسی سپاه ارتش نیز، به ویژه در زمینه عبور و نصب پل، فعالانه مشارکت داشتند.

ترکیب جهاد سازندگی، ارتش و سپاه در امر مهندسی و ضرورت هماهنگی آنها با فرماندهی قرارگاه‌های سه‌گانه، ترکیب جدیدی از سازمان مهندسی را ایجاد کرده بود که به شرح زیر، تحت امر قرارگاه‌ها فعالیت می‌کردند:

نام قرارگاه	تعداد ماشین آلات مهندسی			جمع
	جهاد	سپاه	ارتش	
قرارگاه فتح	۴۵	۲۲	۱۸	۸۵ دستگاه
قرارگاه نصر	۲۷	۱۸	۳	۴۸ دستگاه
قرارگاه قدس	۲۳	۲۲	۱۴	۵۹ دستگاه
جمع کل:				۱۹۲ دستگاه

۲) نیروی هوایی و هوانیروز ارتش جمهوری اسلامی

نیروی هوایی به منظور انجام مأموریت ، وظایف خود را به سه محور تقسیم و به طرح عملیاتی کربلای ۳ (بیت المقدس) پیوست نمود :

۱ - پوشش هوایی منطقه عملیات با استفاده از دو پایگاه موشکی زمین به هوا و همچنین به کارگیری هواپیماهای اف - ۴ و اف - ۱۴ .

۲ - پشتیبانی نزدیک که به دو بخش ارتفاع بالا و ارتفاع پایین تقسیم شد . همچنین ۲۰ سورتی پرواز برای روز اول عملیات و ۶ سورتی برای روزهای بعد پیش‌بینی گردید .

۳ - به منظور ترابری سنگین برای حمل مجروحین ، ۳ پایگاه در نظر گرفته شد که روزانه ۱۲ تا ۲۰ سورتی پرواز هواپیمای سی - ۱۳۰ در نظر گرفته شده بود .

فرماندهی هوانیروز برای انجام مأموریت محوله ، در طرح پیشنهادی خود توان عملیاتی هوانیروز را به شکل‌های رزمی ، پشتیبانی و مستقیم تقسیم کرد و استعداد زیر را به کار می‌گرفت : ۲۴ فروند هلی‌کوپتر کبری ، ۲۲ فروند هلی‌کوپتر ۲۱۴ ، ۱۶ فروند هلی‌کوپتر شنوک و ۶ فروند هلی‌کوپتر ۲۰۶ .

۳) توپخانه

نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی به منظور تأمین آتش پشتیبانی عملیات ، علاوه بر توپخانه لشکرها ، گروه ۲۲ توپخانه و گروه ۲۳ توپخانه را هم تحت امر گرفت ، ضمن اینکه سلاح‌های نیمه‌سنگین و ضدزره سپاه پاسداران نیز با برخورداری از استعداد بالا در عملیات شرکت داشتند .

۴) پدافند هوایی

با توجه به مشکلات و محدودیت‌هایی که در زمینه پدافند هوایی (به کارگیری سیستم هاگ) وجود داشت ، پس از هماهنگی فرماندهی سپاه با ریاست محترم جمهوری ، مقرر شد که به دستور ایشان موانع موجود مرتفع گردد .

۵) تک پشتیبانی

پس از اتمام عملیات فتح‌المبین و واگذاری مأموریت جدید در منطقه عملیات بیت‌المقدس به قرارگاه‌های قدس ، فتح و نصر ، به علت اینکه دشمن پس از عقب‌نشینی از منطقه فتح‌المبین همچنان با استقرار نیروهایی از لشکر ۱ مکانیزه و لشکر ۱۰ زرهی ، ارتفاعات ۱۸۱ و ۱۸۲ را که مشرف بر منطقه بود در اختیار داشت ، قرارگاه فجر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با استعداد دو تیپ مستقل ، شامل تیپ‌های ۱۷ علی‌بن‌ابی‌طالب (ع) و ۳۳ المهدی (عـج) و نیز دو گردان از نیروهای لشکر ۷۷ ارتش جمهوری اسلامی مأموریت یافت تا در منطقه مستقر شود .

به هنگام طرح‌ریزی عملیات بیت‌المقدس ، به قرارگاه مستقر در منطقه عملیاتی فتح‌المبین مأموریت داده شد تا همزمان با عملیات بیت‌المقدس ، برای انهدام دشمن و تصرف دو ارتفاع ۱۸۱ و ۱۸۲ و درگیر نگاهداشتن قوای دشمن و نیز ممانعت از جابه‌جایی و اعزام آنها به منطقه عملیاتی بیت‌المقدس ، اقدام به تک نماید .

مانور عملیات پشتیبانی با استعداد ۷ گردان از سپاه پاسداران و ۲ گردان از نیروی زمینی ارتش طراحی شد . گردان‌های تلفیقی سپاه و ارتش می‌بایست با تهاجم به نیروهای دشمن از روبه‌رو ، آنها را به خود مشغول نمایند تا نیروهای تیپ ۱۷ علی‌بن‌ابی‌طالب (ع) پس از ۲۵ کیلومتر

پیاده‌روی ، دشمن را دور زده و خود را به جاده آسفالت فکه - چنانه برسانند . از جنوب نیز نیروهای تیپ المهدی (عج) می‌بایست پس از ۲۵ کیلومتر راهپیمایی و عبور از مناطق رملی ، دشمن را دور زده و خود را به جاده فکه - چنانه برسانند و ضمن الحاق با نیروهای تیپ ۱۷ ، به انهدام دشمن بپردازند .

در آستانه عملیات بیت‌المقدس

به دنبال ۲۵ روز تلاش پیگیر و مداوم برای آماده‌سازی مقدمات عملیات بیت‌المقدس ، سرانجام با آغاز اردیبهشت ۱۳۶۱ ، قرارگاه‌ها و یگان‌ها آخرین جلسات بررسی مانور عملیات را برگزار کردند . امکانات مورد نیاز عملیات از جمله پل ، ماشین‌آلات مهندسی ، تانک و نفربر و ... نیز به تدریج با حجم تردد چشمگیری به منطقه سرازیر شد . دشمن که از مدت‌ها قبل ، تهاجم رزمندگان اسلام برای آزادسازی خرمشهر را پیش‌بینی می‌کرد ، به انتظار عملیات این مجاهدان جان برکف نشسته بود . التهاب و شور و نشاط زایدالوصفی سراپای وجود نیروهای رزمنده اسلام را فرا گرفته بود . به ویژه باقی‌مانده رزمندگانی که با تهاجم سبعانه دشمن به خرمشهر ، به مقابله با آن برخاستند و طی ۳۵ روز نبرد و مقاومت مظلومانه ، بسیاری از طرح‌های دشمن را به شکست کشاندند ، اکنون در یگان‌های مأمور به نفوذ در خرمشهر سازمان‌دهی شده و در آرزوی ورود به خرمشهر ، برای آغاز عملیات لحظه شماری می‌کردند .

آخرین جلسه بررسی طرح مانور عملیات در تاریخ ۱۳۶۱/۲/۵ برگزار گردید . سپس فرمانده قرارگاه مرکزی کربلا برای بررسی " میزان آمادگی قرارگاه‌های تابعه " و رفع نواقص طرح مانور و مشکلات مربوطه و همچنین تعیین تاریخ و ساعت شروع عملیات ، از قرارگاه‌های قدس ،

فتح و نصر بازدید کرده و پس از شور و بررسی ، تصمیمات نهایی را اتخاذ نمود .

شهید معینیان مسئول اطلاعات قرارگاه مرکزی کربلا ، ۲۴ ساعت قبل از شروع عملیات ، در تاریخ ۱۳۶۱/۲/۸ طی جلسه‌ای ضمن بررسی آخرین وضعیت دشمن ، چنین اظهار داشت :

« در طول دو هفته ، دو تیپ زرهی و یک تیپ پیاده از پایین آبگرفتگی (در شمال شرقی منطقه عملیات) تا شمال خرمشهر آرایش گرفته‌است (در غرب جاده آسفالت اهواز - خرمشهر ، در حد فاصل ایستگاه حمید تا خرمشهر) .

فعالیت مهندسی دشمن در جنوب کرخه‌کور تا مواضعش در جنوب غرب اهواز ، از جنوب آبگرفتگی تا شمال سیل‌بند خرمشهر در غرب کارون ، چشمگیر بوده است . دشمن پادگان حمید را به کلی منهدم کرده است . »

شهید معینیان در ادامه ، به هوشیاری دشمن در مورد عملیات اشاره کرد و گفت :

« دشمن اطلاع پیدا کرده‌است که ما می‌خواهیم از رودخانه عبور کنیم و به همین خاطر سعی دارد کم کم به ساحل رودخانه بیاید و آن وقت است که می‌تواند همه چیز ما را زیر کنترل داشته باشد . »

برابر اطلاعات واصله ، دشمن نسبت به عبور رزمندگان از کارون حساس شده و پیش‌بینی می‌کرد که منطقه عبور رزمندگان ، روبه‌روی ایستگاه سلمانیه باشد . * این مسئله از جهت اجرای عملیات می‌توانست

* یک خلبان عراقی که در این عملیات اسیر شده بود ، در اظهارات خود گفت :

« ما احتمال پل زدن شما در روبه‌روی سلمانیه را می‌دادیم ، بدین خاطر آنجا بمباران شد . »
ضمناً زرهی دشمن نیز عمدتاً روبه‌روی سلمانیه در غرب رودخانه کارون استقرار یافته بود .

از حساسیت ویژه‌ای برخوردار باشد .

فرماندهی قرارگاه کربلا پس از استماع اطلاعاتی که شهید معینیان ارائه داد و با توجه به سایر شواهد و قرائن اعلام کرد که باید تا ۴۸ ساعت دیگر پل احداث و سرپل تصرف شود . طبعاً در صورت پیشروی دشمن و نزدیکی به ساحل رودخانه ، از لحاظ دید و تیر و تسلطی که بر ساحل رودخانه به دست می‌آورد ، عملیات تصرف سرپل با دشواری روبه‌رو می‌گردید و به عبارت دیگر از هم‌اکنون می‌بایست عملیات منتفی و یا شکست خورده فرض می‌شد . با توجه به وضعیت پیش آمده و پیش‌بینی بروز اوضاع اضطراری در صورت پیشروی دشمن ، فرمانده قرارگاه بر حفظ آمادگی کامل برای آغاز عملیات در شب بعد و یا همان شب تأکید کرد .

قرارگاه مرکزی کربلا ، در این جلسه ضمن ارزیابی دشمن و بررسی احتمالات ، به مسائل مهم دیگری چون پشتیبانی قرارگاه‌های تابعه و افزایش آمادگی آنان پرداخت . در همین زمینه برای واگذاری و مأمور کردن هلی‌کوپتر به قرارگاه‌ها نیز تصمیماتی اتخاذ شد و قرارگاه مرکزی برای رفع کمبود مهمات قرارگاه فتح ، رأساً این مسئله را پیگیری و اقدام نمود .

اعلام آماده‌باش برای اقدام در صورت پیدایش وضعیت اضطراری نیز از نتایج دیگر این جلسه بود . قرارگاه مرکزی در اوج التهاب ناشی از حساسیت عملیات در آستانه شروع آن ، از بررسی مسائل سیاسی غافل نبود . به همین جهت ، اوضاع سیاسی منطقه و اوج‌گیری مسئله فلسطین مورد بحث قرار گرفت . جمع‌بندی اوضاع سیاسی منطقه و نیز تأیید متقابل حرکت رزمندگان اسلام بر مبارزات ضداسرائیلی ، قرارگاه را به این نتیجه رساند که نام " بیت‌المقدس " را برای عملیات برگزیند . انتخاب این نام و پیروزی محتمل رزمندگان اسلام ، برای رژیم صهیونیستی به شدت

شکننده و عکس‌العمل آنان کاملاً قابل پیش‌بینی بود . * اندیشه‌های اعتقادی و فرهنگی حاکم بر فرماندهان عملیاتی موجب شده بود تا سیزدهم ماه رجب ، روز میلاد مولای متقیان علی علیه‌السلام ، به عنوان روز شروع عملیات انتخاب شود . برای همین متناسب با این تصمیم ، رمز مقدس " یا علی بن ابیطالب (ع) " نیز برای عملیات انتخاب گردید . با نزدیکی زمان عملیات ، بزرگانی چون آیت‌الله مشکینی و آیت‌الله شهید صدوقی وارد منطقه شده و در قرارگاه کربلا حضور یافتند .

بدین ترتیب ، با به پایان رسیدن روز و فرا رسیدن تاریکی شب ، لحظات آغاز عملیات بزرگ رزمندگان اسلام ، که قطعاً پیروزی یا شکست آن تأثیرات شگرف و تعیین‌کننده‌ای بر سرنوشت جنگ ، انقلاب و منطقه داشت ، ** نزدیک شد .

* برادر رضایی فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در این باره اظهار داشت : « این احتمال وجود دارد که همزمان با عملیات بیت‌المقدس ، اسرائیل به جنوب لبنان حمله نماید . »

** فرمانده سپاه در واپسین لحظات باقی‌مانده ، به خاطر پیدایش شرایط ویژه و اضطراری اظهار داشت :

« من امروز گفتم حالا که تصمیم قطعی شده است ، ولی هنوز نسبت به دو چیز ابهام دارم . رفتن به سمت خرمشهر و پاتک دشمن به چه صورت خواهد بود . لذا استخاره کردم که چه می‌شود . در آیه ، قصه حضرت موسی ذکر شده بود و انتهایش چنین بود : نترسید ، ما شما را از قوم ظالمین نجات خواهیم داد . »

شرح عملیات

مرحله اول عملیات

نهم اردیبهشت ۱۳۶۱، شب از نیمه گذشته بود، نیروها از ساعت‌ها قبل در محورهای مختلف، پس از استقرار در مواضع مناسب از آمادگی لازم برای درگیر شدن با دشمن برخوردار بودند. شور و نشاط زایدالوصفی در قرارگاه کربلا حاکم بود. شهید صدوقی و آیت‌الله مشکینی نیز در کنار فرماندهان سپاه و ارتش حضور داشتند. در حالی که ساعت، گذشت ۱۵ دقیقه از نیمه شب را نشان می‌داد آیاتی از سوره مبارکه فتح تلاوت شد و سرانجام ۳۰ دقیقه پس از ساعت ۲۴ (۰۰:۳۰)، فرمانده قرارگاه کربلا با قرائت رمز عملیات فرمان آغاز یورش به دشمن را صادر کرد. نیروها که از ساعت‌ها قبل در انتظار فرمان حمله به سر می‌بردند، در تمام محورهای عملیات به دشمن حمله‌ور شدند و بدین ترتیب عملیات سرنوشت‌ساز رزمندگان اسلام شروع گردید.

هدایت عملیات به همراه طنین دعای ملکوتی توسل، معنویت خاصی را بر قرارگاه مرکزی حاکم کرده بود. شهید صدوقی و آیت‌الله مشکینی به طور جداگانه، پیام‌هایی را به وسیله بی‌سیم خطاب به رزمندگان اسلام قرائت کردند.

اولین خبر درگیری، از چهارمین محور قرارگاه فتح به قرارگاه کربلا رسید. تیپ ۲۵ کربلا* در ساعت ۰۰:۵۵ دقیقه بامداد درگیر شده بود. در پی آن، به تدریج اخبار درگیری سایر یگان‌ها با دشمن به قرارگاه مرکزی

* فتح ۴، شامل تیپ ۲۵ کربلا از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و تیپ‌های ۳۷ زرهی و ۵۵ هوابرد از ارتش

می‌رسید . تقریباً ۳ ساعت پس از آغاز عملیات ، کلیه یگان‌ها با دشمن درگیر شده بودند . تا قبل از آغاز عملیات ، میزان هوشیاری دشمن مورد سؤال و ابهام بود . تنها یکی از بی‌سیم‌های دشمن ، در ساعت ۲۱ فعالیت شدیدی را آغاز کرد ، لیکن شبکه ارتباط بی‌سیمی دشمن همچنان عادی بود و دشمن هیچ‌گونه آماده‌باش فوق‌العاده‌ای اعلام نکرد . شواهد و قرائن حاکی از غافلگیری دشمن به ویژه در محور قرارگاه فتح بود . با پیشروی نیروهای قرارگاه فتح ، دستیابی به جاده اهواز - خرمشهر به قدری سریع و غافلگیرانه صورت گرفت که بسیاری از خودروهای دشمن با اعلام ایست و توقف رزمندگان اسلام بلافاصله متوقف می‌شدند !

گزارش قرارگاه‌های تابعه

یگان‌های تابعه قرارگاه قدس ، در ۵ محور مختلف (قدس ۱ ، ۲ ، ۳ ، ۴ و ۵) با دشمن درگیر شدند . اما هوشیاری دشمن در مورد سمت تک رزمندگان و همچنین استحكاماتی که دشمن ایجاد کرده‌بود ، عملاً منجر به کندی و عدم هماهنگی در پیشروی یگان‌های قرارگاه قدس شد . در این بین تنها تیپ بیت‌المقدس (قدس ۵) و تیپ ۴۱ ثارالله (قدس ۴) موفق به عبور از مواضع دشمن و تصرف سرپل در جنوب رودخانه کرخه‌کور شدند . فقدان پوشش جناحین یگان‌های نامبرده ، به علت عدم پیشروی یگان‌های مأمور در سایر محورها موجب گردید تا فشار سنگین و پرحجمی از دشمن متوجه سرپل شود .

یگان‌های قرارگاه فتح ، ضمن درگیری با دشمن و انهدام قوایش در غرب کارون ، خود را به جاده اهواز - خرمشهر رساندند . * تنها معضل

* شهید حسین خرازی ، فرمانده لشکر ۱۴ امام حسین (ع) ، درباره عملیات این لشکر (محور فتح ۱) و انهدام ←

قرارگاه فتح ، عدم الحاق با قرارگاه نصر بود . تیپ ۸ نجف اشرف در جناح چپ قرارگاه فتح ، می‌بایست با تیپ ۷ ولی‌عصر (عج) در جناح راست قرارگاه نصر الحاق می‌کرد . عدم الحاق بین این دو قرارگاه موجب بروز نگرانی جدی در جبهه خودی شده بود .

یگان‌های قرارگاه نصر در ساعت مقرر با دشمن درگیر شدند . تیپ ۴۶ فجر (محور نصر ۲) و تیپ ۲۲ بدر (محور نصر ۵) می‌بایست از سمت شرق ، خرمشهر را محاصره نموده و تیپ ۲۷ محمد رسول‌الله (ص) همراه با تیپ ۲۱ حمزه (محور نصر ۲) در غرب خرمشهر ، از سمت نهر عرایض ، محاصره را تکمیل می‌کرد تا در مرحله بعدی تیپ‌های ۴۶ و ۲۲ بتوانند وارد خرمشهر شوند .

تأخیر در حرکت و پیشروی یگان‌های قرارگاه نصر و نیز وجود باتلاق در کنار جاده اهواز - خرمشهر (در شمال شرقی سیل‌بند احداث‌شده توسط عراقی‌ها) و همچنین تمرکز نیروهای دشمن * در منطقه شمال خرمشهر موجب گردید که اهداف قرارگاه نصر تأمین نگردد و درگیری به روز کشیده شود .

نیروهای محور نصر ۱ شامل تیپ ۱ لشکر ۲۱ حمزه (س) به همراه

← نیروهای دشمن در غرب منطقه کارون گفت :

« در خاکریز اول حدود ۸۰ نفر نیرو و ۳ تانک وجود داشت . به جز یک نفر ، همه کشته شدند و خاکریز به تصرف نیروهای اسلام در آمد . احتیاط رده دوم آنها که قریب به ۲۰۰ نفر بودند در حال فرار و حین درگیری تماماً کشته شدند و صبح بچه‌ها به جاده رسیده و در آنجا پدافند کردند . در شرق جاده ، دشمن یک خاکریز به ارتفاع ۳ متر احداث کرده‌بود که نیروها در پشت آن استقرار یافتند . ما تعداد ۶ توپ ۱۳۰ را منهدم کرده و تعدادی هم به غنیمت گرفتیم . »

* تیپ ۸ مکانیزه دشمن در برابر تیپ ۷ ولی‌عصر (عج) ، و تیپ ۶ زرهی دشمن در مقابل تیپ ۲۷ آرایش گرفته بودند .

تیپ ۷ ولی عصر (عج) ، تا ۳ بعد از ظهر در برابر دشمن مقاومت کردند ولی پس از آن به ناچار تا حدودی عقب‌نشینی کردند . نیروهای نصر ۲ شامل تیپ ۲ از لشکر ۲۱ و تیپ ۲۷ محمدرسول‌الله (ص) نیز علی‌رغم انهدام دشمن ، در ۳ کیلومتری شرق جاده مستقر شدند .

همچنین بین دو تیپ ۲۲ و ۴۶ فاصله وجود داشت و این دو تیپ هنوز به اهدافشان نرسیده بودند . همچنین تیپ‌های ۴۶ و ۲۷ نیز موفق به الحاق نشده بودند و فشار سنگینی از دشمن روی تیپ ۲۷ وارد می‌شد . عدم الحاق بین یگان‌ها و فشار دشمن موجب گردید که کل منطقه متصرفه قرارگاه نصر در معرض تهدید قرار گیرد .

در پایان روز اول ، وضعیت کلی عملیات بدین ترتیب بود که قرارگاه‌های نصر و فتح ، سرپلی به مساحت ۸۰۰ کیلومترمربع در غرب کارون تصرف کرده بودند و نیروهای قرارگاه قدس به غیر از دو محور ، در بقیه محورها موفق به عبور از رودخانه کرخه‌کور نشدند . با این وصف ، به علت اینکه یگان‌های خودی توانستند فراتر از محاسبات و برآوردهای دشمن از نیروی بسیاری در پای کار استفاده نمایند ، در پی وارد کردن اولین ضربه تعادل دشمن بر هم خورد و پس از آن ، دشمن در این عملیات نتوانست در برابر رزمندگان اسلام ، ابتکارعمل را به دست گیرد .

عکس‌العمل دشمن

شواهد و قرائن موجود نشان می‌دهد که دشمن قبل از شروع عملیات در مورد تهاجم رزمندگان اسلام تا حدودی هوشیار شده‌بود ، لیکن در زمینه " زمان " و " تاکتیک عملیات " ، غافلگیر گردید . دشمن در بررسی‌های خود ، تلاش اصلی عملیات رزمندگان را از محور شمالی (محور قرارگاه قدس) پیش‌بینی کرده بود . در محاسبات دشمن عبور از رودخانه کارون

به عنوان تک فرعی و تنها با نصب یک پل پیش‌بینی شده بود .

پس از مرحله اول عملیات ، دشمن بلافاصله با درک جدیدی که از محورهای عملیات رزمندگان اسلام و اهداف آنها پیدا کرده بود ، اقدام به پاتک نمود که به ترتیب قرارگاه‌های خودی به آن اشاره می‌شود :

در محور قرارگاه قدس ، به خاطر حضور ناقص نیروهای خودی در منطقه سرپل ، دشمن بلافاصله نیروهایش را سازمان‌دهی و اقدام به پاتک کرد . اولین پاتک سنگین دشمن از جنوب رودخانه کرخه در منطقه قیصریه شروع شد . تیپ‌های ۱۶ زرهی ، ۴۹ پیاده و نیروهای لشکر ۵ مکانیزه به کمک یک گردان نیروی مخصوص در این پاتک شرکت داشتند . دشمن پس از ۴۸ ساعت فشار ، سرانجام موفق به عقب راندن نیروها و اشغال مجدد منطقه شد .

در محور قرارگاه فتح ، در حالی که نیروهای خودی در حاشیه جاده خرمشهر - اهواز استقرار داشتند ، دشمن با آگاهی از عدم الحاق بین دو قرارگاه فتح و نصر ، در این شکاف رخنه کرد و فشار زیادی به نیروهای خودی وارد نمود طوری که تیپ ۷ ولی‌عصر (عج) مجبور به عقب‌نشینی شد .

در محور قرارگاه نصر ، از یک سو عدم پیشروی و نفوذ در مواضع دشمن (واقع در خرمشهر) و از سوی دیگر عدم الحاق بین یگان‌هایی که موفق به پیشروی شده بودند ، موجب گردید تا دشمن تلاش خود را معطوف به فشار از طریق رخنه‌های موجود کند .

در ادامه درگیری ، دشمن نیروهایش را در غرب جاده اهواز - خرمشهر و در نزدیکی مرز و حوالی شلمچه سازمان داد و باقی‌مانده نیروهای لشکر ۳ و تیپ ۲۶ زرهی را برای پاتک آماده کرد . علاوه بر آن از نیروی مخصوص و واحدهای تکاور نیز با توجه به حضور پر تراکم نیروهای پیاده خود ، بهره

گرفت . تیپ ۱۹ پیاده نیز بعداً برای پاتک ، به نیروهای دشمن ملحق شد .
صدام به نیروهای آماده پاتک چنین پیام داد :

« کلیه نیروهایی که مواضع و استحکامات خود را از دست داده‌اند باید

ظرف امروز و امشب دوباره از دشمن پس بگیرند ، در غیر این صورت

محاكمه انقلابی خواهند شد . »

تلاش دشمن در پاتک ، معطوف به این امر بود که نیروهای خودی را از پشت جاده ، عقب رانده و سپس منطقه سرپل را پاکسازی نماید . جاده تنها موضعی بود که نیروهای خودی می‌توانستند در پشت آن مستقر شده و با پاتک‌های دشمن مقابله نمایند و در صورت عقب‌نشینی ، به علت فقدان هرگونه عارضه دیگر ، به سختی قادر به مقاومت در برابر دشمن بودند .

دشمن با از دست دادن جاده ، دچار تجزیه شده و علاوه بر تهدید عقبه لشکرهای ۵ و ۶ (که در منطقه قرارگاه قدس مستقر بودند) ، نیروهای موجود خود در خرمشهر را نیز در معرض محاصره می‌دید . بنابراین ، جنگ برای بازپس‌گیری منطقه سرپل و جاده اهواز - خرمشهر از سوی دشمن و حفظ و تأمین آن از سوی رزمندگان اسلام به معنای شکست یا پیروزی برای طرفین درگیر در صحنه نبرد محسوب می‌شد .

پاتک دشمن با به کارگیری تیپ ۱۰ زرهی * برای تصرف جاده شروع شد . جنگ سختی درگرفت . رزمندگان اسلام که نه از نیروی زرهی کارآمد و نه از آتش پشتیبانی مناسب برخوردار بودند به نبرد با تانک‌ها پرداختند . در خلال این درگیری ، تانک‌های عراقی توانستند خود را به جاده رسانده و بخشی از آن را تصرف کنند . استقرار تانک‌ها روی جاده می‌توانست به منزله سقوط تنها خط دفاعی رزمندگان اسلام محسوب شود و با فروپاشی

* دشمن در این فاصله ، باقی‌مانده تیپ ۱۰ زرهی را از منطقه دزفول به این منطقه آورده بود .

سازمان یگان‌ها ، عقب‌نشینی را بر آنها تحمیل کند که بدین ترتیب تمام منطقه آزادشده غرب کارون با خطر مواجه می‌شد . اما استقرار دشمن روی جاده دوام نیاورد و مقاومت جانانه قوای سلحشور اسلام ضمن در هم کوبیدن تانک‌های دشمن ، پاتک اساسی او را نیز با شکست مواجه ساخت .

دومین شب عملیات

نیروهای خودی به هنگام استقرار در شرق جاده اهواز - خرمشهر ، از یک‌سو با فشارهای فزاینده دشمن که بعضاً با استفاده از رخنه‌های موجود در نقاط الحاق یگان‌ها صورت می‌گرفت ، مواجه بودند و از سوی دیگر ، عقبه نیروها به دلیل فاصله ۱۵ تا ۲۵ کیلومتری با رودخانه کارون و فقدان جاده تدارکاتی ، به صورت مناسبی تأمین نشده بود ، البته علی‌رغم چنین وضعیتی ، رزمندگان اسلام با مجاهدت‌های بسیار و نثار خون ، از مواضع متصرفه در سرپل حفاظت می‌کردند .

ادامه عملیات در شب دوم ، طی جلسهای مورد بحث و بررسی قرار گرفت . در این زمینه دو نظریه وجود داشت ، عده‌ای معتقد بودند که دشمن بنابه تجربه‌ای که از عملیات گذشته دارد ، در شب دوم منتظر حمله است و لذا نیروهایش را عقب کشیده و صبح مجدداً به مواضع خود باز خواهد گشت . نظریه دیگر این بود که رزمندگان در شب دوم استراحت کنند و صرفاً جهت تثبیت سرپل ، رخنه‌های موجود را بپوشانند . سرانجام پس از بحث و بررسی‌هایی که در این زمینه صورت گرفت ، مقرر شد که در اولویت اول رخنه‌های موجود ترمیم شود . بر این اساس ، به تیپ ۸ نجف‌اشرف (محور فتح ۱) و تیپ ۷ ولی‌عصر (محور نصر ۲) مأموریت داده شد تا با اجرای عملیات ، رخنه‌ای که به طول ده کیلومتر در جاده

اهواز - خرمشهر (از کیلومتر ۸۵ تا ۹۵) به وجود آمده بود را ترمیم کنند . همچنین مقرر گردید که قرارگاه قدس نیز در شب دوم ، برای رسیدن به اهداف مرحله اول عملیات اقدام کند .

در شب دوم با عملیاتی که صورت گرفت ، در برخی محورها رخنه‌های موجود ترمیم شد ، لیکن تا ۴۸ ساعت بعد همچنان برخی از رخنه‌ها باقی بود تا اینکه سرانجام پس از ۵ روز ، خط سرپل از کیلومتر ۶۸ تا کیلومتر ۱۰۳ جاده اهواز - خرمشهر تثبیت و کلیه رخنه‌ها ترمیم شد . عملیات قرارگاه قدس در شب دوم ، قرین موفقیت نشد و سرانجام پس از ۴۸ ساعت مقاومت بر اثر فشارهای دشمن ، نیروها به مواضع پیشین بازگشتند .

مرحله دوم عملیات

پس از آنکه رخنه‌های موجود در منطقه سرپل ترمیم و سرپل تأمین و تثبیت گردید ، در قرارگاه مرکزی کربلا با حضور فرماندهان در مورد ادامه عملیات تبادل نظر صورت گرفت . در همین زمینه ، سرهنگ صیاد شیرازی (فرمانده وقت نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی) در جمع فرماندهان چنین اظهار داشت :

«اهداف مأموریتی که من و برادر رضایی نشستیم و در مورد آن صحبت

کردیم ، عبارتند از :

انهدام قوای دشمن ، بیرون راندن دشمن از مناطق اشغالی ، متمایل شدن به

طرف شلمچه برای محاصره کردن خرمشهر . »

برای محاصره و تصرف خرمشهر سه راه کار وجود داشت :

راه کار اول : عملیات از شرق جاده اهواز - خرمشهر : براساس بررسی‌های به عمل آمده و تجارب مرحله اول عملیات ، استدلال شد که

به خاطر وجود استحکامات زیاد دشمن و عدم توانایی کافی تیپ ۲۲ بدر برای عبور از زمین‌های باتلاقی منطقه ، باید راه‌کار مناسبتری انتخاب گردد .

راه کار دوم : عملیات روی جاده اهواز - خرمشهر : آرایش دشمن به سمت شمال و تمرکز در معبر وصولی خرمشهر و نیز هوشیاری دشمن در مورد سمت تک ، مانع از موفقیت در دستیابی به هدف از این طریق بود .

راه‌کار سوم : تک از غرب جاده اهواز ، محاصره خرمشهر با دور زدن دشمن از نزدیک نهر عرایض و مسدود کردن عقبه دشمن .

پس از بررسی راه‌کارهای مختلف در مورد محاصره و تصرف خرمشهر ، در زمینه هدف عملیات در مرحله دوم ، دو نظر کلی وجود داشت :

الف - پیشروی به سمت مرز و دسترسی بیشتر به عقبه دشمن

ب - پیشروی به سمت خرمشهر از غرب جاده اهواز - خرمشهر

پس از بحث و بررسی‌های بسیاری که صورت گرفت ، سرانجام نظر اول مورد تصویب قرار گرفت . زیرا علاوه بر پیشرو داشتن تجارب ناشی از توقف قرارگاه نصر در مرحله اول ، دشمن تمرکز نیروی شدیدی در محدوده غرب جاده اهواز - خرمشهر و در منطقه عمومی شلمچه داشت . بنابراین ، بدون انهدام دشمن در غرب جاده و تهدید بیشتر عقبه دشمن ، تلاش برای ورود به خرمشهر بی‌نتیجه بود .

بدین ترتیب ، مقرر شد که مرحله دوم عملیات با دو قرارگاه فتح و نصر انجام گیرد . در این مرحله قرارگاه قدس مأموریت داشت که با عملیات ایدایی نیروهای دشمن را درگیر نگه‌دارد .

کانال آب در ۵ کیلومتری زیر جاده گرم‌دشت ، که به صورت شرقی - غربی و در حدود کیلومتر ۶۴ قرار داشت ، به عنوان خط حد قرارگاه فتح و

نصر تعیین شد و مقرر گردید که قرارگاه نصر با تیپ‌های ۷ ولی‌عصر (عج)، ۲۷ حضرت رسول (ص) و قرارگاه فتح با تیپ‌های ۸ نجف‌اشرف و ۱۴ امام حسین (ع) عملیات را آغاز کنند.

مرحله دوم عملیات در ساعت ۲۳:۳۰ روز ۱۶/۲/۱۳۶۱، با هدف رسیدن به مرز بین‌المللی و به محاصره خرمشهر آغاز شد. * نیروهای قرارگاه فتح در همان ساعات‌های اول عملیاتی به جاده مرزی رسیدند. نیروهای قرارگاه نصر در جناح چپ عملیات به شدت تحت فشار دشمن قرار گرفتند. در ساعت ۳ بامداد، برخی از یگان‌ها رسیدن به مرز بین‌المللی را اعلام کردند. به هنگام پیشروی، نیروها ابتدا به خاکریز بزرگی که در حد فاصل جاده تا دژ مرزی وجود داشت رسیده و اعلام کردند به دژ مرزی رسیده‌اند، لیکن به آنها دستور پیشروی داده شد. در جناح راست منطقه عملیات، جاده‌ای قرار داشت که از ایستگاه حسینی تا پاسگاه زید عراق امتداد می‌یافت. در طول شب عملیات نیز یک خاکریز در حاشیه جنوبی این جاده احداث شد و تیپ‌های ۲۵ کربلا و ۵۵ هوآبرد در پشت آن آرایش گرفتند. با روشن شدن هوا درگیری همچنان ادامه یافت. تأخیر برخی از یگان‌ها در رسیدن به مرز و تأمین اهداف و نیز وجود رخنه دشمن موجب شد که با روشن شدن هوا، دشمن فشارهای موضعی را در برخی محورها به نیروهای خودی وارد نماید. در این بین، کانالی که خط حد قرارگاه‌های فتح و نصر را تشکیل می‌داد، موضع مناسبی برای مقابله با پاتک‌های

* همزمان با مرحله دوم عملیات، قرارگاه فجر در محور فکه عملیات خود را روی ارتفاعات ۱۸۱ و ۱۸۲ آغاز کرد و موفق شد که طی چند شب متوالی، یک گردان تانک دشمن را منهدم نموده و غنایمی بدست آورد و نیز ضمن کشتن و مجروح کردن تعداد زیادی از نیروهای دشمن، ۸۰۰ نفر از آنان را به اسارت درآورد.

دشمن بود .

با شروع مرحله دوم عملیات ، نیروهای دشمن در غرب جاده اهواز - خرمشهر که از تأمین عقبه خود احساس نگرانی می کردند ، اقدام به عقب نشینی نمودند . قوای عراقی در حین عقب نشینی به خاطر وجود دژ مرزی و خندق های متعدد دچار مشکل شده و تعدادی از تانک هایشان نیز به داخل خندق افتادند .

عقب نشینی اساسی دشمن

دشمن با شروع مرحله اول عملیات اقدام به اعزام نیرو به منطقه و تقویت نیروهایش در شلمچه و خط مرزی کرد . ضمن اینکه همچنان از مشکلاتی چون کمبود نیروی پیاده ، ضعف ارتباطات ، کمبود مهمات ، ضعف استحکامات در برخی محورها و ... رنج می برد . دشمن ابتدا تلاش کرد با تهاجم ، منطقه سرپل را بازپس گیرد و یا حداقل سازمان دهی نیروهای خودی را بر هم زده و علاوه بر ممانعت از اجرای مرحله دوم عملیات ، مانع از تثبیت منطقه سرپل شود .

تاکتیک رزمندگان اسلام در عبور از رودخانه ، دشمن را کاملاً غافلگیر کرده بود ، به گونه ای که دشمن ابتکار عمل را از دست داده بود و از نظر روحیه در وضعیتی بحرانی به سر می برد . در چنین موقعیتی ، با توجه به تحلیلی که از وضعیت کلی عملیات وجود داشت . * و تأکیدی که بر

* فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ، پس از انجام مرحله اول عملیات ، با توجه به اطلاعات به دست آمده از دشمن اظهار داشت :

« دشمن که روبه روی ما قرار دارد از ضعف های زیادی برخوردار است ، کمبود مهمات در جبهه آنها به شدت دیده می شود ، در ارتباطات ضعف دارند ، استحکامات و اتصالات آنها دچار اشکال است . دشمن هیچ فکر نمی کرد که ما تا جاده بیابیم و حالا فشار می آورد که جاده را پس بگیرد . »

تداوم عملیات صورت می‌گرفت، مرحله دوم عملیات طرح‌ریزی شد و رزمندگان اسلام با موفقیت به مرزهای بین‌المللی رسیدند. دشمن به دنبال پیدایش وضعیت جدید در برابر سمت تک رزمندگان اسلام، در مورد تلاش و هدف اصلی آنان دچار ابهام بود، چرا که با تأمین اهداف مرحله دوم عملیات، دشمن از سه طرف احساس تهدید می‌کرد، بدین ترتیب که عقبه لشکرهای ۵ و ۶ در معرض تهدید جدی قرار داشت. عقبه کلیه نیروهای که در خرمشهر استقرار داشتند، تهدید می‌شد، ضمن اینکه شهر بصره در حالی که هیچ‌گونه مواضع دفاعی مستحکم برای حفظ آن وجود نداشت، در برابر رزمندگان اسلام قرار داشت.

فرماندهی دشمن از این پس در مورد ادامه تلاش برای حفظ منطقه و بازپس‌گیری مناطق متصرفه دچار ابهام شد و بین دو امر یعنی "تلاش برای حفظ منطقه اشغالی و خرمشهر یا حفظ بصره" مردد مانده اگر دشمن تصمیم می‌گرفت منطقه اشغالی و خرمشهر را حفظ کند، با توجه به وضعیتی که داشت، علاوه بر انهدام نیروهایش بصره را نیز از دست می‌داد و اگر تصمیم به حفظ بصره می‌گرفت، می‌بایست سریعاً برای نجات نیروهای خود در مناطق اشغالی، اقدام می‌کرد.

پس از مرحله دوم عملیات، برتری رزمندگان اسلام نسبت به دشمن قطعی شد و ابتکار عمل به طور کامل در اختیار رزمندگان اسلام قرار گرفت از این پس تصمیم‌گیری در جبهه خودی به آسانی صورت می‌گرفت و در جبهه دشمن با سختی و سردرگمی همراه بود. نیروهای ما به راحتی پیشروی می‌کردند و دشمن مردد و مرتب در حال عقب‌نشینی و فرار بود. علی‌رغم این وضعیت، دشمن قبل از تصمیم‌گیری قطعی از صبح روز ۱۳۶۱/۲/۱۸، باتوجه به اینکه در برخی محورها هنوز الحاق به طور کامل صورت نگرفته بود، پاتک شدید و سنگینی را آغاز کرد. فشار

عراق از صبح تا ساعت ۵ بعدازظهر به طول انجامید و دشمن توانست در این پاتک توانست ۶ کیلومتر از مواضع متصرفه را بازپس بگیرد . در این موقعیت تلاش‌های دشمن تا اندازه‌ای مبهم به نظر می‌رسید ، تا اینکه بنا به اخبار واصله از قرارگاه قدس نیروهای دشمن در مقابل این قرارگاه (شامل لشکرهای ۵ مکانیزه و ۶ زرهی) از ساعت ۱۲ نیمه شب تا ساعت ۶ بامداد اقدام به عقب‌نشینی کردند . تعجیل دشمن در عقب‌نشینی به گونه‌ای بود که برخی از نیروهایش به علت خواب بودن به هنگام عقب‌نشینی و نبود فرصت کافی برای اطلاع دادن به آنها ، به اسارت نیروهای خودی درآمدند . دشمن برای ممانعت از انهدام کامل نیروهایش به هنگام فرار ، علاوه بر عقب‌نشینی شبانه ، یک گردان را به عنوان تأمین در مقابل نیروهای خودی قرار داده بود .

نیروهای قرارگاه قدس ، صبح ۱۳۶۱/۲/۱۹ ، بلافاصله پس از اطلاع از عقب‌نشینی دشمن ، اقدام به پیشروی و تعقیب عراقی‌ها کردند . با عقب‌نشینی دشمن در این محور ، قسمت شمالی جاده اهواز - خرمشهر از تصرف دشمن آزاد شد . نیروهای قرارگاه قدس ، پس از حضور در مناطق آزادشده ، بلافاصله بریدگی ایجادشده در جاده اهواز - خرمشهر را ترمیم کردند که در پی آن ، ارتباط بخش شمالی و بخش میانی منطقه عملیات برقرار شد و در حوالی ظهر قرارگاه‌های قدس و فتح به یکدیگر ملحق شدند . دشمن در روز ۱۳۶۱/۲/۱۹ ، تا جفیر عقب‌نشینی کرد و با استقرار در ۲ کیلومتری پاسگاه شهابی در حدفاصل کوشک و طلائیه ، به صورت پراکنده نیروی تأمین گذاشت .

برادر رحیم صفوی (مسئول معاونت عملیات قرارگاه کربلا) در مورد علل عقب‌نشینی دشمن ، طی مصاحبه‌ای در تاریخ ۱۳۶۱/۳/۲۴ ،

اظهار داشت :

« ۱ - ما با یک خیز به جاده خرمشهر - اهواز رسیدیم و با خیز دوم به مرز ،

لذا دشمن پیش‌بینی می‌کرد که با خیز سوم ، عقبه‌اش بسته خواهد شد ،

بدین علت برای نجات نیروهایش عقب‌نشینی کرد .

۲ - دشمن ، جهت تک‌ما را به سمت بصره مشاهده می‌کرد ، لذا حضور

نیروهایش در شمال و جنوب منطقه ، فلسفه حضورش را از دست داد و

به این خاطر نیروهایش را برای پدافند بصره عقب کشید . »

از این پس ، مقاومت نیروهای دشمن در خرمشهر که در محاصره

نیروهای خودی قرار داشتند ، بی‌حاصل بود .

نتایج مرحله دوم عملیات

۱ - رسیدن به مرز بین‌المللی و پایان دادن به ماه‌ها اشغال خاک مقدس

جمهوری اسلامی

۲ - تشدید محاصره خرمشهر و وادار نمودن دشمن به تخلیه تدریجی

نیروهایش از داخل خرمشهر

۳ - عقب‌نشینی لشکرهای ۵ مکانیزه و ۶ زرهی دشمن از هویزه ، پادگان

حمید و حومه اهواز

۴ - آزاد شدن جاده اهواز - خرمشهر

۵ - حل شدن بخشی از مشکلات عقبه نیروهای خودی که متکی به

رودخانه کارون بودند ، با بهره‌برداری از جاده اهواز - خرمشهر

طی مرحله اول و دوم عملیات ، مجموعاً نزدیک به ۵۰۰۰ کیلومتر از

مناطق اشغالی آزاد شد و علاوه بر کشته و زخمی شدن تعداد زیادی از

نیروهای دشمن ، ۹۰۷۵ نفر نیز به اسارت در آمدند .

مرحله سوم عملیات

با پیدایش اوضاع جدید و آگاهی از اضمحلال دشمن ، بلافاصله جلسه فرماندهان در قرارگاه مرکزی کربلا تشکیل شد تا علاوه بر تجزیه و تحلیل و بررسی علل عقبنشینی دشمن و موقعیت جدید ، در مورد ادامه عملیات نیز تدابیر لازم اتخاذ گردد .

در این جلسه شهید حسن باقری فرمانده قرارگاه نصر سپاه پاسداران ، با توجه به اطلاعات دریافت شده ، خبر تخلیه خرمشهر از نیروهای دشمن را ارائه داد . برادر رشید فرمانده قرارگاه فتح سپاه پاسداران نیز نتیجه گیری کرد که تمام تلاش های دشمن در روز گذشته برای جلوگیری از پیشروی نیروهای خودی به سمت شلمچه متمرکز شده بود . بر این اساس ، با توجه به اوضاع جدید و خبرهای واصله از فرار و عقبنشینی دشمن * تصمیم گرفته شد که در اجرای مرحله سوم عملیات تسریع شود . فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی چنین تحلیل کرد که دشمن ، این عقبنشینی را به قصد انجام تبلیغات سیاسی مرتکب شده و باید هر چه سریع تر مرحله سوم عملیات انجام شود .

نیروهای دشمن پس از عقبنشینی و فرار ، در شلمچه مستقر شدند تا علاوه بر حفظ عقبه نیروهای مستقر در خرمشهر از معبر وصولی بصره نیز دفاع نمایند ، لذا ضمن تمرکز شدید ، آرایشی جدید به خود گرفتند .

مرحله سوم عملیات ، با هدف آزادسازی خرمشهر و با دو قرارگاه فتح و نصر به شکل زیر طرح ریزی و سازمان دهی شد :

* در ساعت ۱۲:۳۰ همان روز (۱۳۶۱/۲/۱۹) ، صدام حسین از رادیو بغداد خبر عقبنشینی نیروهایش را اعلام کرد .

قرارگاه فتح : به تیپ‌های ۱۴ امام حسین (ع) و ۸ نجف اشرف مأموریت داده شد ضمن پاکسازی دشمن در داخل خاک عراق تا عمق ۶ کیلومتری مرز بین‌المللی ، نیروهای دشمن را منهدم نمایند .

قرارگاه نصر : به تیپ‌های ۴۶ فجر و ۲۲ بدر مأموریت داده شد که از جاده خرمشهر تا رودخانه عریض را پاکسازی و نیروهای دشمن را منهدم نمایند .

تیپ‌های ۲۵ کربلا و ۵۵ هوابرد از کنترل عملیاتی قرارگاه فتح خارج شدند و تحت امر قرارگاه نصر قرار گرفتند تا به اتفاق هم ، جاده آسفalte شلمچه را تأمین نمایند .

تیپ‌های ۲۷ محمدرسول الله (ص) ، ۷ ولی عصر (عـج) ، ۳۱ عاشورا و لشکر ۲۱ حمزه (س) مأموریت یافتند تا ضمن پاکسازی غرب مرز بین‌المللی ، از سمت چپ قرارگاه فتح به سمت شلمچه در جنوب پیشروی نمایند .

قرارگاه قدس هم مأموریت یافت به پیشروی خود ادامه داده و تا پشت مرز بین‌المللی (کوشک - طلائیه) دشمن را عقب بزند . مرحله سوم عملیات در حالی طرح‌ریزی می‌شد که رزمندگان اسلام پس از چند مرحله پیشروی و جنگ شبانه‌روزی با دشمن در خستگی مفرطی به سر می‌بردند ، لیکن اوضاع جدید و ضرورت‌های گوناگون ایجاب می‌کرد که مرحله سوم عملیات به سرعت طرح‌ریزی و انجام شود .

مرحله سوم عملیات در ساعت ۲۲ مورخه ۱۳۶۱/۲/۱۹ ، آغاز شد . برابر طرح عملیات ، یگان‌ها در محورهای مختلف با دشمن درگیر شدند ، لیکن حضور پرحجم دشمن در منطقه شلمچه از یک‌سو و خستگی شدید رزمندگان اسلام از سوی دیگر ، مانع از پیشروی در این منطقه بود . مجدداً در تاریخ ۱۳۶۱/۲/۲۰ ، رزمندگان اسلام برای آزادی خرمشهر به

دشمن حمله‌ور شدند ، اما نتایج مطلوب حاصل نشد . در عین حال نیروها پس از پیشروی ، در ۳ کیلومتری شلمچه استقرار یافتند .

عکس‌العمل دشمن

دشمن پس از مرحله سوم عملیات در تاریخ ۱۳۶۱/۲/۲۴ ، به پاسگاه شهابی * - که شب قبل از آن به تصرف نیروهای خودی در آمده بود - حمله کرد . به نظر می‌رسید که دشمن قصد دارد که مانع جاگیر شدن رزمندگان در منطقه شمالی و گسترش آنها به سمت جنوب بشود . در هر صورت بلافاصله در شب بعد ، رزمندگان اسلام طی حمله‌ای به دشمن ، مجدداً پاسگاه شهابی را به تصرف خود درآوردند .

نتایج مرحله سوم عملیات

در این مرحله از عملیات ، علاوه بر خستگی نیروها ، تعجیل در عملیات نیز موجب ناقص ماندن شناسایی‌های لازم و به روز کشیده شدن درگیری‌ها شد . این عملیات در عین حال دو نتیجه مهم داشت :

۱ - انهدام دشمن : در محورهای مختلف بخشی از نیروهای دشمن که متعاقب تهاجم پی‌درپی رزمندگان اسلام دچار ضعف شدید روحی و جسمی شده بودند ، از ادامه مقاومت بازمانده و منهدم شدند . شهید حسین خرازی فرمانده لشکر ۱۴ امام حسین (ع) ، در این باره گفت :

« ما نیروی مقابل خود را ، بنابه گفته خود اسرا ، در حدود ۷۰ تا ۹۰ درصد

* با توجه به اینکه قرار بود شورای همکاری کشورهای خلیج فارس یک روز بعد ، یعنی در ۱۳۶۱/۲/۲۵ ، تشکیل جلسه دهند ، به نظر می‌رسید که تلاش‌های دشمن در تاریخ ۱۳۶۱/۲/۲۴ ، با مسئله سیاسی فوق مرتبط بوده است .

منهدم کرده و در حدود ۱۰۰ تانک و نفربر دشمن را از بین بردیم .»

۲ - پی بردن به نحوه آرایش دشمن : طی مرحله سوم عملیات ، تیپ ۳۱ عاشورا همراه با تیپ ۳ لشکر ۲۱ حمزه (س) که به صورت ادغامی عمل می کردند ، موفق شدند ضمن پیشروی به سمت جنوب ، در پشت سیل بند شمال خرمشهر پدافند نمایند . علی رغم اینکه زمین در این منطقه باتلاقی و پیشروی و پشتیبانی نیروها با مشکلاتی همراه بود ، نیروهای دشمن هیچ گونه عکس العملی برای عقب راندن نیروهای خودی نشان ندادند . بدین سبب ، این تجربه حاصل شده در مرحله سوم عملیات ، در طرح ریزی آزادسازی خرمشهر مؤثر واقع شد .

مرحله چهارم عملیات

بلافاصله پس از مرحله سوم عملیات و در پی تلاش هایی که برای دستیابی به جاده شلمچه صورت گرفت ، فرصت لازم در اختیار یگان ها گذارده شد تا به بازسازی و تجدید سازمان نیروهای خود بپردازند . در این حال ، قرارگاه فجر همراه با تیپ های ۳۳ المهدی و امام سجاد (ع) و تیپ ۳ از لشکر ۷۷ وارد منطقه شدند .

طی این مدت ، جلساتی برگزار گردید که در بخشی از آن به بررسی مشکلات و تصمیم گیری برای آینده پرداخته شد . تجارب به دست آمده حکایت از آن می کرد که سازمان رزم سپاه پاسداران می بایست به منظور گسترش ظرفیت جذب و به کارگیری نیروهای بسیجی گسترش یابد . همچنین لازمه عمق بخشیدن به عملیات برخورداری از پشتیبانی آتش توپخانه و به کارگیری نیروی زرهی بود ، چرا که تداوم درگیری و پیش بینی چندین مرحله عملیات ، صرفاً با اتکا به نیروی پیاده عملی نبود و با مشکلات عدیده ای روبه رو می گردید . همچنین آموزش کادر برای

جایگزینی افرادی از فرماندهان و دیگر نیروهای کادر که به شهادت نایل شده بودند و نیز جبران ضعف‌های موجود در امر مهندسی، آتش، زرهی، بهداری، شناسایی و غیره، طی همین جلسات مورد بحث و بررسی قرار گرفت. در بخش دیگری از این نشست‌ها، طرح مانور مرحله چهارم عملیات و تلاش‌های دشمن مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در این جلسات افراد غالباً بر این نظر بودند که مقاومت دشمن در خرمشهر اساساً بدین منظور صورت می‌گیرد که بتواند زمان لازم را برای تخلیه نیروهایش به دست آورد. ضمن اینکه مواضع دفاع در برابر بصره و حفظ جاده شلمچه، به عنوان عقبه نیروهای دشمن در خرمشهر و معبر وصولی بصره، بخش دیگری از تلاش‌های دشمن را تشکیل می‌داد. بر این اساس و با در نظر گرفتن سایر شرایط و عوامل، مرحله چهارم عملیات بیت‌المقدس با هدف آزادسازی خرمشهر، با سه قرارگاه به شرح زیر طراحی شد:

- قرارگاه فتح، به تیپ‌های ۱۴ امام‌حسین (ع) و ۸ نجف‌اشرف، در جناح چپ عملیات مأمور تأمین و پاکسازی شرق و غرب جاده آسفالته اهواز - خرمشهر و ورود به شهر خرمشهر و پاکسازی آن شد.

- قرارگاه فجر، به تیپ ۳ از لشکر ۷۷ خراسان و تیپ‌های امام‌سجاد (ع) و ۳۳ المهدی (ع) در بخش میانی منطقه عملیات، مأمور تأمین و پدافند غرب نهر عرایض، جلوگیری از فرار نیروهای دشمن از خرمشهر و تأمین پل‌نو شد.

- قرارگاه نصر، دو تیپ ادغام‌شده ارتش و سپاه تحت عنوان نصر ۲ و نصر ۳، در جناح راست منطقه عملیات، مأمور پاکسازی خاکریزهای شمال جاده آسفالته خرمشهر - شلمچه و تأمین مرز تا جاده و در صورت موفقیت، تأمین نهر خین -

اروندرو و قطع کامل راه ورودی دشمن در شلمچه شد .

مرحله چهارم عملیات ، با هدف محاصره و آزادسازی خرمشهر در ساعت ۲۲:۲۵ مورخ ۱۳۶۱/۳/۱ ، آغاز شد . یگانهای قرارگاه فتح پس از درگیری با دشمن و پیشروی موفق شدند که با روشن شدن هوا در پلیس راه خرمشهر ، دشمن را منهدم نمایند . همچنین نیروهای قرارگاه فجر با عملیات خود توانستند پل نو را تصرف کنند و به سمت شطالعرب * پیشروی نمایند . نیروهای قرارگاه نصر نیز در امتداد مرز پیشروی کردند و با پاکسازی و انهدام دشمن ، به سمت جنوب به حرکت درآمدند . بدین ترتیب ، محاصره خرمشهر کامل شد ، اما همچنان نیروهای دشمن در داخل شهر مقاومت می کردند . یکی از سندهای به دست آمده از سنگرهای دشمن در خرمشهر ، بیانگر اهمیت این شهر برای دشمن و علت مقاومت آنان است :

« دفاع از محمره [خرمشهر] نگرهبانی از پیروزی است ، دفاع از محمره ،

شرافت آزادگان عراقی را به همراه خواهد داشت ، دفاع از محمره ، نابودی

دشمن فارسی را تضمین می کند . »

دستور اکید فرماندهی قوای عراقی برای مقاومت در خرمشهر و وعده های فرمانده نیروهای دشمن در این شهر (سرهنگ احمد زیدان) مبنی بر ارسال کمک و پشتیبانی و همچنین تشویق آنها به مقاومت - که از طریق شنود رادیویی شنیده می شد - نقش زیادی در ایستادگی نیروهای عراقی داشت . در این وضعیت ، دشمن نیروهایش را از مثلث کارون - جاده خرمشهر فراخوانی کرد تا پس از سازمان دهی آنها اقدام به شکستن

* آبیهای دو رودخانه دجله و فرات ، تا قبل از تلاقی با آب رودخانه کارون ، به عنوان رودخانه شطالعرب

نامیده می شود .

محاصره خرمشهر کند ، لیکن ضعف روحی قوای دشمن بیش از آن بود که بتوانند به پاتک و شکستن محاصره اقدام نماید .

روز ۱۳۶۱/۳/۲ ، حلقه محاصره خرمشهر تنگ‌تر شد و بخشی از نیروهای دشمن به اسارت درآمدند . دشمن ناامید از شکستن محاصره ، مذبوحانه برای نجات نیروهایش تلاش می‌کرد . در این حال ، احمد زیدان فرمانده نیروهای مستقر در خرمشهر ، روی مین رفت و کشته شد . برخی از نیروهای دشمن با استفاده از هر وسیله ممکن نظیر (تیوپ چرخ ماشین و کلن آب) ، برای عبور از رودخانه اروند تلاش می‌کردند * برخی از آنها نیز در میان آب غرق شده و به هلاکت رسیدند ، برخی دیگر نیز همچنان در انتظار بودند . طولی نکشید که صدای رزمندگان اسلام از بلندگوها پخش شد و باقی‌مانده نیروهای دشمن - که از هرگونه ارسال کمک و یا عبور از رودخانه اروند ناامید شده بودند - را دعوت به تسلیم کرد . به دنبال آن ، از حدود ساعت ۱۰ صبح ۱۳۶۱/۳/۳ از گوشه و کنار شهر ، عراقی‌ها در حالی که دست‌ها را بر سر نهاده بودند و برخی هم قرآن و عکس امام خمینی در دست داشتند و الموت‌لصدام می‌گفتند ، فوج فوج خود را تسلیم کردند .

رزمندگان اسلام در تاریخ ۱۳۶۱/۳/۳ ، ** بر خلاف تصور دشمن که

* انبوه کلاه‌ها و پوتین‌ها به طرز حیرت‌آوری در بندر خرمشهر و کنار رودخانه اروند روی زمین ریخته بود و از فرار سربازان عراقی از رودخانه اروند حکایت می‌کرد .

** شایان ذکر است با تصمیم فرمانده عملیات ، رزمندگان از ساعت ۱۳ روز ۱۳۶۱/۳/۳ وارد خرمشهر شدند و (تیپ ۱۴ امام حسین (ع) از سمت پل نو و رزمندگان یگان خرمشهر از طرف آبادان) پاکسازی شهر را شروع کردند . ساعت ۱۶:۴۵ هلی‌کوپتر دشمن - که برای یاری نیروهای باقی‌مانده عراقی برفراز شهر پرواز می‌کرد - هدف گلوله رزمندگان قرار گرفت و سقوط کرد . با سرنگونی هلی‌کوپتر عراقی باقی‌مانده نیروهای دشمن در خرمشهر که عمدتاً بعی بودند ، خود را تسلیم کردند . سایر یگان‌ها نیز قبل از تاریکی شب وارد ->

از دروازه‌های شرقی و شمالی و جنوبی در کمین آنها بود ، از دروازه‌های غربی (از همانجایی که دشمن وارد خرمشهر شده بود) ، شهر را آزاد و نیروهای دشمن را منهدم کردند و بسیاری از آنان را به اسارت درآوردند . بدین ترتیب ، خرمشهر که پس از ۳۴ روز مقاومت در برابر دشمن سقوط کرده بود ، بعد از ۵۷۵ روز اشغال ، ظرف کمتر از ۴۸ ساعت آزاد و به طور کامل از لوث وجود اشغالگران پاکسازی شد . رزمندگان اسلام در اولین اقدام خود پس از آزادسازی شهر ، نماز شکر × را در مسجد جامع خرمشهر به جای آوردند .

اعلام خبر آزادسازی خرمشهر در ساعت ۱۴ از صدام جمهوری اسلامی ایران ، امت حزب‌الله را که مدت‌ها در آرزوی چنین لحظه‌ای بودند ، مسرور ساخت . شهرهای کشور غرق در شادی و سرور شدند . حضور مردم در خیابان‌ها ، پخش شیرینی و برقراری جشن و شادی به قدری وسیع بود که تنها با شادی مردم در روز فرار شاه قابل مقایسه بود .

← خرمشهر شدند و بدین ترتیب تا شامگاه سوم خرداد خرمشهر به طور کامل از وجود اشغالگران پاکسازی شد .

* این عکس‌العمل رزمندگان دلیر اسلام ناشی از همان صبغه الهی است که بر تمام زوایای روح و جان آن پاکبختگان حاکم بود و سراسر حیات شرافتمند آنها را به جلوه‌های خلوص و عرفان منور می‌نمود . مصداق اعلای این خضوع و خلوص در برابر خالق متعال را می‌توان در رفتار حضرت امام خمینی آنگاه که خبر سقوط خرمشهر در آغاز تهاجم رژیم بعثی به ایشان رسید و آن بزرگوار که آماده برای اقامه نماز و در آستانه تکبیره الاحرام بودند ، فرمودند : « جنگ است دیگر » و ادامه دادند « الله اکبر » به نظاره نشست و نیز زمانی که در آستانه آزادسازی خرمشهر به دست رزمندگان اسلام یکی از فرماندهان به محضر ایشان رفته بود ، امام فرموده بودند : « آیا خرمشهر را می‌توانید بگیرید ؟ » پاسخ داده شده بود : « بله » ، امام فرموده بودند : « الحمد لله » سپس دعا کرده و فرموده بودند : « ما باید به خدا توکل کنیم » .

آری « الله اکبر و الحمد لله » این است تمام حقیقت و مقصدی که همه انبیا و اولیای الهی به دنبال آن می‌شتافتند و سر از پا نمی‌شناختند .

در پایان آن روز ، امت شهیدپرور ایران با حضور در مساجد ، نماز شکر به جای آورده و با فرا رسیدن شب ، به یمن پیروزی رزمندگان اسلام و غلبه حق بر باطل ، بر پشت‌بام‌ها ندای الله‌اکبر سردادند .

نتایج و دستاوردهای عملیات

فتح خرمشهر به منزله بزرگ‌ترین پیروزی نظامی - سیاسی جمهوری اسلامی در جنگ تلقی شده و در مقابل دشمن و حامیانش (آمریکا ، شوروی ، اروپا و کشورهای مرتجع عرب) نیز بزرگ‌ترین ضربه سیاسی - نظامی را متحمل شدند . واحد اطلاعات قرارگاه مرکزی کربلا ، خسارات وارد به یگان‌های دشمن و میزان آن را به شرح زیر اعلام کرد :

الف (لشکرها

- لشکرهای ۳ زرهی ، ۱۱ و ۱۵ پیاده که در محور خرمشهر استقرار داشتند ، به میزان ۸۰٪ منهدم شدند .

- لشکرهای ۵ مکانیزه و ۶ زرهی که در برابر قرارگاه قدس ، در محور شمالی عملیات استقرار داشتند ، با فرار و عقب‌نشینی به میزان ۲۰٪ آسیب دیدند .

- لشکرهای ۹ و ۱۰ زرهی ، هر یک به میزان ۵۰٪ ، لشکر ۷ پیاده ۴۰٪ و لشکر ۱۲ زرهی به میزان ۲۰٪ منهدم شدند .

در واقع کلیه یگان‌های سازمانی دشمن که در تهاجم به خاک جمهوری اسلامی نقش داشته و طی عملیات‌های مختلف دچار صدمات قابل توجهی گردیده و مجدداً بازسازی شده بودند ، در عملیات فتح خرمشهر برای چندمین بار در معرض تهاجم رزمندگان اسلام قرار گرفته و دچار صدمات و خسارات اساسی شدند .

ب) تیپهای مستقل :

- تیپ ۱۰ زرهی به میزان ۴۰٪ منهدم و تیپهای ۳۱، ۳۲ و ۳۳ نیروی مخصوص که به هنگام تهاجم سراسری نقش اصلی را در اشغال خرمشهر داشتند، ضربات سنگینی را متحمل شدند.

- تیپهای ۹، ۱۰ و ۲۰ گارد مرزی و همچنین تیپهای ۲۳۸ و ۵۰۱ پیاده ۱۰۰٪ منهدم شده و نیروهای آنها همگی به اسارت درآمدند.

- تیپهای ۶۰۵ و ۴۱۷ پیاده به میزان ۱۰۰٪، تیپ ۱۰۹ پیاده ۶۰٪ و تیپهای ۶۰۱، ۶۰۲، ۴۱۶ و ۴۱۹ پیاده به میزان ۵۰٪ منهدم شدند. همچنین گردان شناسایی حطین و گردان شناسایی حنین نیز به طور کامل متلاشی شدند.

در مجموع طی چهار مرحله عملیات بیت المقدس، ۱۹۰۰۰ تن از نیروهای دشمن به اسارت درآمدند و بالغ بر ۱۶۰۰۰ نفر کشته و زخمی شدند.

<http://www.ciw8.net>

فصل سوم

بازتاب پیروزی

تغییر توازن سیاسی - نظامی به سود ایران

تغییر ماهیت جنگ

نگرانی‌ها و اقدامات آمریکا

اشاره

عملیات بیت‌المقدس که منجر به آزادسازی خرمشهر شد، در روند سلسله عملیات رزمندگان اسلام از جایگاه و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، چرا که ضربه اساسی و تعیین‌کننده‌ای بر پیکر دشمن وارد ساخت و تمامی معادلات، باورها و ذهنیت‌هایی را که در مورد توانایی و قابلیت‌های نظامی جمهوری اسلامی و عراق وجود داشت، تغییر داد.

بسیاری از کارشناسان نظامی و تحلیل‌گران رسانه‌های خارجی، همانند نیروهای عراقی، در برابر "سرعت عمل" و "ویژگی‌های عملیاتی" رزمندگان اسلام به هنگام فتح خرمشهر، غافلگیر، مبهوت و شگفت‌زده شدند. معضل اصلی اینان علاوه بر عدم باور به توانایی‌های رزمندگان اسلام، بیشتر ناشی از کراهت باطنی آنها از پذیرش موقعیت برتر سیاسی - نظامی جمهوری اسلامی ایران بود که فتح خرمشهر و نتایج ناشی از آن در سطح منطقه خلیج فارس و خاورمیانه حاصل می‌شد. چنانکه در پی شروع عملیات بیت‌المقدس، همگی، پیشروی رزمندگان اسلام و در هم شکستن استحکامات را همراه با تردید و ناباوری مطرح

می کردند . رادیو مونت کارلو ، بازپس گیری خرمشهر را به سبب موانع بسیاری که عراقی ها به وجود آورده اند ، برای ایران غیرممکن قلمداد نمود (۱) و رادیو بی بی سی ضمن تأکید بر دشواری بازپس گیری خرمشهر به خاطر تبدیل شهر به صورت سنگر دفاعی مستحکم توسط عراقی ها ، می گوید :

« چنانچه ایرانیان در صدد بازپس گرفتن خرمشهر بر آیند ، سخت ترین " گردو " را برای شکستن برگزیده اند . »

با آغاز عملیات بیت المقدس ، تایمز مالی نوشت :

« خرمشهر کلید پیروزی جنگ است ، این شهر تنها نشانه واقعی پیروزی عراق و مظهر مقاومت سرسختانه ایران به شمار می رود . » (۲)

روزنامه الشعب چاپ الجزایر نیز ، ضمن تأکید بر روند رو به گسترش پیروزی های نظامی ایران ، از آن به عنوان نقطه عطفی یاد می کند که " تعیین کننده آینده رژیم عراق " خواهد بود . (۳)

روزنامه دویچه سایتونگ چاپ آلمان نیز به نقل از " کارل بوچالا " ، خبرنگار خود ، با اشاره به تبعات فتح خرمشهر می نویسد :

« خطر پیروزی ایران و در نتیجه در هم ریختن عراق ، نظام های حاکم منطقه را پس از سقوط رژیم بعثی بغداد تهدید می کند و احتمال مداخله ابرقدرت ها را نیز به دنبال دارد . » (۴)

نظر به اهمیت نتایج و تبعات فتح خرمشهر ، به ویژه انعکاس و باتاب آن در رسانه های خارجی ، در این فصل بخشی از بازتاب های خارجی فتح خرمشهر ، در سه عنوان زیر مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرد :

- تغییر توازن سیاسی - نظامی به سود جمهوری اسلامی ایران

- تغییر ماهیت جنگ

- نگرانی ها و اقدامات آمریکا در منطقه

تغییر توازن سیاسی - نظامی به سود ایران

به دنبال سلسله عملیات رزمندگان اسلام و کسب پیروزی‌های بزرگ، از جمله فتح خرمشهر، تغییر توازن سیاسی - نظامی در جنگ و منطقه خلیج فارس به سود جمهوری اسلامی، مهمترین و برجسته‌ترین نتیجه‌ای بود که به دست آمده و بلافاصله علاوه بر بروز آثار آن در اظهارات مقامات رسمی کشورهای منطقه، آمریکا و اروپا، در رسانه‌های خارجی از سوی کارشناسان و تحلیل‌گران سیاسی - نظامی نیز مورد ارزیابی قرار گرفت.

گرچه با پیروزی انقلاب اسلامی و برهم خوردن توازن در منطقه به زیان آمریکا، تحولات برجسته‌ای در منطقه به وقوع پیوسته و تحمیل جنگ براساس این فرض طراحی و اجرا شد تا با مهار و تعدیل جمهوری اسلامی مجدداً توازن در منطقه به سود آمریکا برقرار شود، لیکن "فتح خرمشهر" که در نظر استکبار جهانی و وابستگان آن به منزله سقوط رژیم عراق و فروپاشی کشورهای منطقه مورد ارزیابی قرار می‌گرفت، × در واقع خط بطلانی بر نقشه‌های استکبار و ارتجاع کشید. در این مورد کیسینجر و تئوریسین‌های سیاسی آمریکا می‌گویند:

«اگر عراق جنگ را برده بود امروز نگرانی و وحشت در خلیج (فارس) نبود و منافع ما در منطقه، به آن اندازه که اینک در خطر قرار دارد، دچار مخاطره

* خبرگزاری جمهوری اسلامی به نقل از مجله استرالیایی بولیتن در تاریخ ۱۳۶۱/۲/۱۲ در این زمینه نوشت:

«قوت گرفتن این اعتقاد که ایران توانسته است جریان جنگ را به نفع خود تغییر دهد برای آمریکا و شوروی و همسایگان عرب ایران تحول شومی است. دولتهای عرب خلیج فارس نیز نگرانند که ایران با پیشروی به سوی عراق، با اعتماد به نفس بیشتری در تدارک سرنگونی آنها برخواند آمد.»

نمی‌شد. در هر حال، با توجه به اهمیتی که توازن قوا در این منطقه دارد، این به نفع ما است که هرچه زودتر آتش‌بس برقرار کرده و بتدریج به رژیم سازشکاری که در آینده احیاناً جایگزین رژیم ایران می‌شود، نزدیک شویم.» (۵)

به نظر می‌رسد که به دنبال برتری موقعیت ایران پس از فتح خرمشهر، در میان آمریکایی‌ها دو دیدگاه کلی در مورد برخورد با ایران و عراق و مسئله جنگ وجود داشت :

۱ - کیسینجر و برخی دیگر بر این نظر بودند که با توجه به تبعات ناشی از پیروزی‌های ایران و تأثیرات آن بر تغییر موازنه در منطقه، لزوماً می‌باید با دادن امتیاز به ایران، "هرچه زودتر در این منطقه آتش‌بس برقرار کنیم". این دیدگاه ناظر بر این بود که در موقعیت کنونی برای مهار و کنترل اوضاع، علاوه بر اینکه برقراری آتش‌بس یک امر ضروری و اجتناب‌ناپذیر است، در عین حال می‌تواند مقدمات تقویت جناح سازشکار در داخل ایران که تحت‌الشعاع تحولات جنگ، فاقد قدرت و منزوی شده است را فراهم کند.

۲ - برخی دیگر از صاحب‌نظران آمریکایی عقیده داشتند در حالی که ایران نسبت به عراق در موضع برتری قرار گرفته و نوعی اضطراب و نگرانی در سراسر منطقه مستولی شده است و همچنین با توجه به وضعیت نامطلوب روحی و روانی ارتش عراق، برقراری هرگونه آتش‌بس همراه با دادن امتیاز به ایران منجر به تشدید بی‌ثباتی در منطقه و عراق و به عبارتی گسترش انقلاب اسلامی خواهد شد و این مسئله چنانکه ژنرال هیگ (وزیر خارجه وقت آمریکا) اظهار می‌دارد، مسئله‌ای نیست که آمریکا نسبت به آن بی‌تفاوت باشد :

« آمریکا در برابر هرگونه تغییر اساسی در منطقه خلیج فارس که ناشی از

جنگ ایران و عراق باشد ، بی تفاوت نخواهد بود . » (۶)

یک دیپلمات آمریکایی نیز ضمن اشاره به سیاست آمریکامبنی بر مقابله با گسترش انقلاباسلامی و تأثیرات پیروزیهای ایران و عواقب سقوط رژیم عراق می گوید :

« تغییر رژیم عراق به یک کشور انقلابی از نوع ایران ، دارای عواقبی به مراتب وخیمتر از حفظ رژیم کنونی عراق برای منافع غرب است ... ما می خواهیم که جلوی صدورانقلاب آیتالله خمینی به کشورهای منطقه مثل شیخ نشین های خلیج فارس و پادشاهی سعودی را بگیریم . » (۷)

خبرگزاری رویتر نیز با اشاره به این که اگر ایران بتواند رژیم جدیدی را جایگزین رژیم بعث عراق نماید ، چه عواقب و نتایجی خواهد داشت ، می گوید :

« ایران اگر بتواند تأسیس رژیمی همچون ایران را در عراق تسریع و تسهیل نماید ، آن وقت در موضع حتی قوی تر از موضع فعلیش قرار خواهد گرفت تا جریان آینده و حوادث منطقه را دیکته کند . » (۸)

بنابراین احتمال " فروپاشی رژیم عراق " و تبعات ناشی از آن در سطح منطقه خلیج فارس ، چنان ابعاد گسترده ای به خود گرفت که جلوگیری از آن ، محور همه تلاش ها و اقدامات نظامی و دیپلماتیک کشورهای حامی عراق قرار گرفت . *

* خبرگزاری جمهوری اسلامی ، ۱۳۶۱/۲/۱۷ به نقل از روزنامه واشنگتن پست گزارش داد :

« مقامات آمریکایی ، از اینکه ایران توانسته به فاصله کمی از حمله ماه مارس (عملیات فتح المبین در فروردین ۶۱) چنین ضربه بزرگی بر عراق وارد آورد ، اظهار تعجب نمودند و افزودند که ایران تاکتیک حمله زمینی را به نحو احسن انجام داده است . بر طبق محاسبات پنتاگون ، تا به حال ایران چهار حمله عظیم داشته است ، لیکن این حمله اخیر (عملیات بیت المقدس) قاطع ترین آنهاست . »

برتری سیاسی و نظامی ایران

با توجه به اینکه ابتکار عمل در صحنه نبرد در اختیار رزمندگان اسلام قرار داشت و عراق نیز تحت تأثیر نتایج ناشی از حملات پیروزمندانه ایران در یک روند نزولی در فرسایش و اضمحلال روحی و فیزیکی قرار گرفته بود، تداوم عملیات، مطلوب عراق و حامیان این کشور به ویژه آمریکا نبود.

عکس العمل کشورها در برابر پیروزی رزمندگان اسلام، علاوه بر اینکه نشان دهنده غافلگیری آنها و همچنین عدم درک روشن آنها از ناتوانی عراق بود، بر این مهم نیز دلالت داشت که طی مراحل مختلف جنگ و عملیات، قابلیت ها و توانایی های غیرمنتظره ای از رزمندگان اسلام بروز کرده است و این چیزی نبود * که بتوان به سادگی از کنار آن گذشت.

رسانه های خارجی و تحلیل گران سیاسی و نظامی در این زمینه به چند عامل اساسی اشاره کرده و برتری سیاسی - نظامی ایران را با تکیه بر این عوامل مورد تأکید قرار دادند:

- ۱ - خاستگاه اجتماعی رزمندگان اسلام و تعهد و اعتقاد آنها به آرمان های انقلاب اسلامی و رهبری امام خمینی که نجات محرومین و مستضعفین را سرلوحه اهداف خود قرار داده بود.
- ۲ - روحیه شهادت طلبی رزمندگان اسلام و تأثیرات آن در کسب

* رادیو آمریکا به نقل از یک کارشناس و تحلیل گر نظامی در خاورمیانه که طی تحلیلی در روزنامه نیروهای مسلح آمریکا توان نظامی جمهوری اسلامی را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده، می گوید:

«با توجه به مشکلات تدارکاتی، ناآرامی های ناشی از انقلاب و کاهش تدریجی قدرت عملیات نیروی هوایی ایران، ماشین نظامی ایران به گونه ای اعجاب آور عمل کرد.»

(خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارش های ویژه، ۱۳۶۱/۳/۸)

پیروزی و غلبه بر مشکلات و موانع .

۳ - برخورداری ایران از اراده مصمم و عزم راسخ برای جنگیدن .

۴ - افزایش هماهنگی و همکاری بین نیروهای سپاه و ارتش و کسب تجربه و تخصص نظامی .

۵ - برتری استراتژیکی و تاکتیکی ایران بر عراق .

۶ - احیای مجدد توان نظامی ایران که پس از پیروزی انقلاب اسلامی رو به ضعف نهاده بود و تأثیرات پیروزی‌های نظامی بر تثبیت موقعیت جمهوری اسلامی در منطقه .

شکست سیاسی و نظامی عراق

نابسامانی و بی‌ثباتی در داخل ایران و تسلط عراق بر مناطق اشغالی و در مقابل فقدان انسجام و یکپارچگی در نیروهای نظامی ایران ، از جمله شاخص‌هایی بود که محافل سیاسی - نظامی جهان مبتنی بر آن سازش و تسلیم جمهوری اسلامی را در برابر شرایط عراق امری مسجل و قطعی می‌پنداشتند و پیش‌بینی تحول در روند موجود و رهایی جمهوری اسلامی از کمند حیل و توطئه دشمنان انقلاب اسلامی ، بسیار دور از انتظار می‌نمود .

خشنودی و رضایت آمریکا و غرب از پیدایش چنین وضعیتی و امیدواری آنها به تسلیم شدن جمهوری اسلامی موجب گردید که علاوه بر حمایت همه‌جانبه نظامی از عراق ، کلیه ابزارهایی که در سطح بین‌المللی دستاویز استکبار جهانی برای تحمیل منافعش (از جمله سازمان ملل) می‌باشد ، به کار گرفته شود تا شاید از این رهگذر مظلوم سیاسی غربی‌ها با اتکا به اهرم نظامی عراق حاصل شود . بنابراین ، تغییر این روند و استیصال عراق در برابر تهاجمات رزمندگان اسلام نه تنها غیرمنتظره ، بلکه به

هیچ‌وجه برای استکبار جهانی قابل قبول نبود، زیرا این مسئله به منزله تهدید منافع آمریکا در سطح منطقه خلیج فارس و خاورمیانه ارزیابی می‌شد. استکبار جهانی که در حمایت از عراق به هیچ‌وجه کوتاهی نکرده و از هرگونه حمایت مالی، سیاسی، تبلیغاتی و نظامی دریغ نورزیده بود، نمی‌توانست آثار و نتایج این سرمایه‌گذاری عظیم را در معرض نابودی و اضمحلال مشاهده کند، لذا کشورهای ذی‌نفع تلاش‌های وسیعی را برای حفظ عراق شروع کردند. به نظر می‌رسد که در میان تحولات نظامی جنگ، "فتح خرمشهر" و فرار دشمن تا پشت مرزها نقش تعیین‌کننده‌ای در ارزیابی و تحلیل صاحب‌نظران سیاسی و نظامی جهان در مورد توان عراق داشته است.

در بررسی آزادسازی خرمشهر، "تاکتیک نظامی ایران"، "طرح‌ریزی عملیات عبور از رودخانه کارون"، "سرعت عمل در تصرف خرمشهر" و مقایسه آن با زمان تهاجم عراق به خرمشهر و تأخیری که در اشغال شهر صورت گرفت، بیش از سایر مسائل مورد اشاره قرارگرفت و همه این شواهد و قرائن، دلالت بر ضعف و ناتوانی روحی و فیزیکی عراق می‌کرد. ضمن اینکه خرمشهر به عنوان آخرین برگ برنده عراق برای مذاکرات به اصطلاح صلح بود و دشمن نیز برای حفظ آن سرمایه‌گذاری وسیعی کرده بود. در نتیجه، وقتی که عراق نتوانست خرمشهر را حفظ کند و شهر با این سرعت آزاد شد، در واقع علائم آشکاری اضمحلال عراق نمایان شد. در این زمینه، روزنامه زود دویچه سایتونگ چاپ آلمان، نوشت:

«بدین ترتیب، بغداد آخرین تکیه‌گاش را برای مذاکره جهت حفظ

آبرویش از دست داده است و از نظر نظامی دیگر صدام نجات دادنی

نیست، حتی اگر ایرانی‌ها به عراق وارد نشوند.» (۹)

روزنامه گاردین در این باره می‌نویسد:

« سقوط خرمشهر یعنی سقوط آخرین و مهمترین افتخار جنگی عراق که

ایرانی‌ها با بازپس گرفتن آن، این برگ برنده که به وسیله آن عراق می‌کوشید

ایران را به پای میز مذاکره بکشاند را از دست بغداد ربودند. » (۱۰)

برخی دیگر از تحلیل‌گران، پیدایش وضعیت جدید را نشانه " بی‌کفایتی و محاسبات اشتباه صدام " ارزیابی کردند. روزنامه دیولت چاپ آلمان، با اشاره به شکست عراق و درک جدید کشورهای عربی از موقعیت جدید نوشت :

« عراق در جنگ خلیج (فارس) علیه ایران و انقلاب اسلامی آیت‌الله

خمینی، هم از نظر سیاسی و هم از نظر نظامی باخت‌ه است، این نظریاتی

است که در تمام پایتخت‌های عربی به دست آمده است. » (۱۱)

فرار نیروهای عراقی از ایران که عراقی‌ها آنرا " عقب‌نشینی تاکتیکی " نهادند، به منزله آخرین پیام که در بطن آن شکست قطعی عراق و فروپاشی نظام آن نهفته بود، از سوی حامیان این کشور دریافت شد. خبرنگار روزنامه وال‌استریت ژورنال در واشنگتن، در این زمینه می‌گوید :

« عقب‌نشینی تحقیرآمیز عراقی‌ها دوباره در مورد بقای سیاسی صدام

حسین، شک و تردید ایجاد کرده است. » (۱۲)

فرار نیروهای عراقی، فلسفه و علل تهاجم عراق به سرزمین جمهوری اسلامی و اهدافی را که این کشور دنبال می‌کرد، زیر سؤال برد، چنانکه روزنامه الاهرام چاپ قاهره، ضمن تأکید بر اینکه " هیچ‌کس انتظار نداشت خرمشهر با این سرعت به دست ایرانیان بیفتد "، می‌نویسد :

« اگر قرار بود نیروهای عراقی اکنون از خاک ایران عقب‌نشینی کنند، پس انگیزه حمله به ایران و

آغاز جنگ چه بود ؟ » (۱۳)

تحلیل‌گران، آثار و نتایج وضعیت جدید برای عراق و منطقه را بسیار

وسیع تر از آنچه مشهود بود ، پیش‌بینی می‌کردند . خبرگزاری فرانسه از بغداد در این زمینه می‌گوید :

« آگاهان نظامی در پایتخت عراق می‌گویند که احتمالاً عراق از نظر تاکتیکی در جنگ ، که بیست ماه پیش شروع کرد ، شکست خورده است و موقعیت نظامی ایرانی‌ها عواقبی را به بار خواهد آورد که از روابط دو کشور فراتر رفته و کشورهای منطقه را نیز در بر خواهد گرفت . » (۱۴)

به‌طور کلی آنچه که رسانه‌های خارجی و کارشناسان و تحلیل‌گران نظامی درباره وضعیت جدید عراق و ضعف و ناتوانی این کشور مورد توجه قرار دادند ، عمدتاً شامل محورهای زیر بود :

- ۱ - شکست سیاسی - نظامی عراق از نظر استراتژی و تاکتیک .
- ۲ - از دست دادن برگ برنده برای مذاکرات صلح .
- ۳ - ضعف روحی نیروهای عراقی و تحقیرهای ناشی از شکست‌ها و عقب‌نشینی‌های پی‌درپی .
- ۴ - فزونی یافتن مشکلات اقتصادی عراق ، به‌ویژه پس از مسدود شدن خط لوله صدور نفت از این کشور توسط سوریه .
- ۵ - تردید کشورهای عربی در مورد توانایی نظامی عراق ، علی‌رغم کمک‌های همه‌جانبه مالی (۲۵ میلیارد دلاری) ، سیاسی ، تبلیغاتی و نظامی .
- ۶ - ابهام حامیان عراق در مورد سرنوشت رژیم این کشور و حیات سیاسی صدام .

تغییر ماهیت جنگ

جمهوری اسلامی ایران در فاصله زمانی شهریور ۱۳۵۹ تا قبل از شکسته شدن محاصره آبادان (مهر ۱۳۶۰) ، در حالتی انفعالی و عمیقاً تحت تأثیر

ابعاد و اهداف تهاجم عراق قرار داشت. "بی‌ثباتی در جبهه داخلی" و "فقدان قابلیت نظامی" لازم برای بازپس‌گیری مناطق اشغالی دو مشخصه بارز وضعیت جمهوری اسلامی در این دوره بود. چنین وضعیتی امکان هرگونه تحرک و فعالیت گسترده را از نیروهای نظامی ایران سلب کرده بود و عوامل ذی‌نفع در تحمیل جنگ به ایران امیدوار بودند که جمهوری اسلامی سرانجام تحت فشار مشکلات یاد شده، صلح تحمیلی را نیز بپذیرد. با توجه به اهداف آمریکا و عراق* از تحمیل جنگ به جمهوری اسلامی ایران، جنگ در این دوره به منزله اهرم فشار سیاسی و نظامی به ایران، برای سقوط نظام جمهوری اسلامی و یا مهار و تعدیل این نظام، قلمداد می‌شد. ابزار لازم برای تحقق هدف یاد شده، علاوه بر حضور نیروهای نظامی عراق در مناطق اشغالی، اعمال فشارهای سیاسی - نظامی در داخل و نیز در سطح منطقه و بین‌الملل به ایران بود.

در پی تحولات در جبهه داخلی و سپس تأثیرات آشکار آن بر جبهه نظامی، روند تحولات با شکسته شدن محاصره آبادان به سود جمهوری اسلامی ایران تغییر کرد. به گونه‌ای که آزادسازی مناطق اشغالی در خوزستان و بخشی از استان ایلام (۱۰۰۰۰ کیلومتر مربع) و فتح خرمشهر، منجر به پیدایش موقعیت جدیدی شد که برتری سیاسی -

*سفير سابق آمریکا در عربستان طی مقاله‌ای که در مجله نیوزویک به چاپ رسید، در مورد هدف عراق از تهاجم به جمهوری اسلامی ایران، نوشت: «عراق می‌خواست که با هجوم به سرزمین‌های ایران، شاهد سقوط جمهوری اسلامی ایران باشد.»

تلویزیون آلمان نیز طی تفسیری در همین زمینه گفت:

«عراقی‌ها می‌خواستند ایران را که به زعم آنها با انقلاب اسلامی ضعیف شده بود، سریعاً تسخیر

کرده و جمهوری اسلامی را ساقط نمایند.»

(خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارش‌های ویژه، ۱۳۶۱/۳/۴)

نظامی ایران بر عراق را مسجل و قطعی کرد ضمن اینکه دورنمای مبهم و تاریکی فرا روی حامیان عراق قرار دارد ، و این به معنای گسترش نتایج ناشی از پیروزی‌های سیاسی - نظامی ایران در سطح منطقه خلیج فارس و خاورمیانه تلقی می‌شد . با تغییر توازن سیاسی - نظامی به سود ایران و پیدایش موقعیت جدید ، در واقع ماهیت جنگ تغییر کرد . بدین معنا که پیش از این ایران در برابر تهاجم نسبتاً غافلگیرانه عراق ، در موضع تدافعی قرار داشت و بخشی از سرزمین‌هایش نیز در اشغال دشمن قرار گرفته بود . در آن موقعیت ایران از یک سو فاقد توان لازم برای بازپس‌گیری مناطق اشغالی بود و از سوی دیگر نیز پذیرش صلح تحمیلی را مغایر با اهداف انقلاب و ضرورت‌های اساسی در حفظ موجودیت سیاسی - نظامی خود قلمداد می‌کرد . تداوم این وضعیت ، با توجه به حضور نیروهای نظامی عراق در مناطق اشغالی ، اساساً به زیان جمهوری اسلامی ایران بود .

در موقعیت جدید قوای اسلامی با به دست‌گیری ابتکار عمل در جبهه‌های نبرد و هجوم‌های پی‌درپی به نیروهای عراق ، اوضاع را عمیقاً به سود جمهوری اسلامی ایران تغییر دادند . در واقع عنصر اصلی و تعیین‌کننده در این مرحله که منجر به تغییر ماهیت جنگ نیز شد ، توانمندی رزمندگان اسلام برای حمله به نیروهای دشمن و آزادسازی مناطق اشغالی بود . این مهم با جذب و سازمان‌دهی نیروهای مردمی ، گسترش سازمان رزم سپاه پاسداران و تجدید قوای نیروهای ارتش و همکاری و هماهنگی این نیروها با یکدیگر حاصل شد . روزنامه لوموند طی تفسیری در این زمینه نوشت :

« جنگ به رژیم ایران اجازه داد که ضمن برقراری مجدد اتحاد مقدس ، از آن

نوع که به وی فرصت داد تا رژیم سلطنتی را سرنگون کند ، به پاسداران

بازوی نیرومند انقلاب اسلامی و عمده‌ترین نیروی نظامی کشور ، اهمیت

خاصی داده شده و جناح‌های مختلف " لیبرال " یا " چپی " تصفیه شوند و این خود نشانه یکی از عمده‌ترین پیروزی‌های جمهوری اسلامی در مقابل رژیم بعثی بغداد است . »

در وضعیت جدید با توجه به برتری موازنه سیاسی - نظامی به سود جمهوری اسلامی و نتایج ناشی از آن ، جنگ از این پس با اهداف مهاجمین و حامیان آنها هماهنگی و مطابقت نداشت ، زیرا روند تحولات و دورنمای آن نه تنها نشانه‌ای از بهبود اوضاع به نفع عراق نداشت ، بلکه با توجه به برتری سیاسی و نظامی ایران و وضع نامطلوب روحی و روانی ارتش عراق ، احتمال فروپاشی این کشور نیز وجود داشت و در نتیجه جنگ پس از فتح خرمشهر به منزله اهرم فشار جمهوری اسلامی ایران به عراق و کشورهای مرتجع منطقه و تهدید منافع آمریکا و غرب تلقی می شد .

از این پس ایران در موضعی قرار داشت که آمریکایی‌ها ارائه امتیاز به ایران را به زیان خود ارزیابی می کردند و توانایی نظامی ایران و برتری آن نسبت به عراق و پافشاری بر احقاق حقوق را نگران کننده می دانستند . بر همین اساس و مبتنی بر درکی که غرب و شرق از وضعیت جدید و تبعات ناشی از آن داشتند ، اقدامات گسترده‌ای به منظور تغییر مجدد اوضاع به سود عراق در دستور کار آنها قرار گرفت .

نگرانی‌ها و اقدامات آمریکا

آمریکایی‌ها بنا به اظهارات کارتر (رئیس جمهور وقت آمریکا) امیدوار بودند که جنگ ، ایران را بر سر عقل آورد و نیز پیش‌بینی آنها مبنی بر اینکه در روند فرسایشی جنگ و بی‌ثباتی داخل ایران ، سرانجام منجر به فرسایش و اضمحلال جمهوری اسلامی و پذیرش شرایط صلح تحمیلی خواهد شد ،

در برابر پیدایش وضعیت جدید کاملاً غافلگیر و به صورت فزاینده‌ای نگران شدند. روزنامه‌های پر تیراژ آمریکا مانند نیویورک تایمز، واشنگتن پست و شیگاگو تریبون، تماماً طی تجزیه و تحلیل‌های متعدد، وضعیت عراق را اسفبار توصیف کرده و نگرانی خود را نسبت به پیروزی‌های قریب‌الوقوع جمهوری اسلامی در سطح منطقه اظهار و به دست‌اندرکاران آمریکایی ضرورت برخورد فعال با روند تحولات منطقه را خاطرنشان کردند. در این زمینه لوس آنجلس تایمز نوشت:

«هرگونه تحولی در منطقه منافع آمریکا را به خطر می‌اندازد، بنابراین حمله ایران که روز جمعه آغاز شد برای آمریکا از اهمیت بسیاری برخوردار است. چنین به نظر می‌رسد که پیروزی ایران، آرامش دوستان آمریکا را در منطقه به هم خواهد زد.» (۱۵)

واینبرگر وزیر دفاع وقت آمریکا، ضمن ابراز نگرانی از پیروزی‌های نظامی ایران، نگرانی کشورهای منطقه را مورد اشاره قرار داد و گفت:

«پیروزی ایران در جنگ با عراق، به نفع آمریکا نخواهد بود... عربستان و عمان، دو متحد وفادار آمریکا در خاورمیانه نگرانی‌های موجهی درباره تعرض ایران دارند و از نتایج آشکار پیروزی ایران در جنگ با عراق نگران هستند... ما خواهان آن هستیم که این جنگ به طریقی پایان یابد که ثبات منطقه را بر هم نزند، چون پیروزی ایران یقیناً در جهت منافع ملی ما نخواهد بود.» (۱۶)

روزنامه کریستین ساینس مانیتور نیز با اشاره به نظریات تحلیل‌گران آمریکایی نوشت:

«تحلیل‌گران واشنگتن معتقدند پیروزی‌های نظامی ایران بر عراق می‌تواند عواقب مهمی از جمله سقوط صدام حسین را به دنبال داشته باشد.»

از طرف دیگر، علنی شدن حمایت آمریکا از عراق - که حاکی از رو در

رویی آمریکا با انقلاب اسلامی بود - با منافع آمریکا در منطقه مغایرت داشته و به همین سبب سعی می‌شد حتی المقدور آمریکا در اتخاذ مواضع رسمی در مورد جنگ ، بی‌طرف جلوه کند . با توجه به آنچه گفته شد ، روزنامه مزبور در ادامه مقاله خود اضافه کرد :

« ایالات متحده مایل نیست هیچ‌کدام از این دو کشور به موقعیت برتری در منطقه نفت‌خیز خلیج (فارس) برسند ، لیکن واشنگتن خصوصاً از این نگران است که ایران به برتری بر عراق نایل آمده و سپس به امر متزلزل ساختن عربستان سعودی و دیگر کشورهای خلیج فارس مبادرت ورزد . » (۱۷)

بنابراین ، از این پس نگرانی آمریکا اساساً به نتایج تغییر توازن در جنگ به سود ایران و تغییرات ناشی از آن ، یعنی سقوط رژیم عراق و متزلزل شدن کشورهای منطقه معطوف شد . به ویژه اینکه عراق و کشورهای منطقه برای مقابله با وضعیت جدید ، شدیداً امیدوار به کمک‌ها و مساعدت‌های آمریکا بوده و پیام‌هایی را آشکار و پنهان به واشنگتن ارسال می‌کردند .

آمریکا برای رویارویی با وضعیت جدید و مهار آن در جهت منافع خویش ، نیاز به تجدید نظر در استراتژی و سیاست منطقه‌ای خود داشت . زیرا عملاً با تغییر توازن در منطقه خلیج‌فارس و خاورمیانه مواجهه بوده و طبعاً حوادث منطقه تأثیرات متقابلی بر یکدیگر داشتند . رادیو آمریکا به نقل از روزنامه کریستین ساینس مانیتور ، در این زمینه گفت :

« خطر گسترش جنگ به خارج از مرزهای ایران ، ثبات منطقه را مورد

تهدید قرار داده و آمریکا به بررسی سیاست استراتژیکی‌اش در خلیج‌فارس

پرداخته است . » (۱۸)

همچنین اظهارات الکساندرهیگ وزیر خارجه اسبق آمریکا ، بخوبی بیانگر تلاش‌های همه‌جانبه آمریکا در منطقه خاورمیانه و خلیج‌فارس و ارتباط مسائل آن با یکدیگر می‌باشد . وی در این مورد گفت :

« آمریکا برای حفظ صلح خاورمیانه ، به سه ابتکار دیپلماتیک دست خواهد زد ، اگر بخواهیم به یک نظم مسالمت آمیز بین المللی امید داشته باشیم ، باید وقایع خاورمیانه را شکل دهیم و اکنون لحظه ورود آمریکا در خاورمیانه است . آمریکا برای پایان دادن به جنگ ایران و عراق ، فعال کردن مذاکرات خودمختاری فلسطین ، رفع تهدید از آغاز جنگ ، حدود مرزی لبنان و اسراییل اقدام خواهد کرد ... این ابتکارها به یکدیگر مربوط و با کشورهای دیگر نیز هماهنگ خواهد بود ... بیم آن می رود که این درگیری (جنگ ایران و عراق) به کشورهای همسایه گسترش پیدا کرده و موجب تغییرات گسترده و غیرقابل پیش بینی در توازن نیروهای منطقه بشود . » (۱۹)

تلاش ها و اقدامات بعدی آمریکا ، در پی درک و تحلیلی که از اوضاع بحرانی منطقه خلیج فارس و خاورمیانه داشت ، در اولویت اول " تشکیل جبهه میانه رو عرب " و ممانعت از بی ثباتی این کشورها و تقویت این جبهه در برابر جبهه پایداری عرب بود ، به علاوه ، تلاش برای حفظ صدام و کمک و تقویت همه جانبه این رژیم ، به منظور مهار و کنترل پیروزی های ایران و همچنین سازمان دهی تلاش های دیپلماتیک برای تحمیل صلح به ایران ، بخش دیگری از کوشش ها و اقدامات آمریکا را تشکیل می داد .

تشکیل جبهه میانه رو عرب

حمایت های جبهه پایداری عرب از مواضع و اقدامات جمهوری اسلامی پس از پیروزی انقلاب و در طول جنگ موجب گردید که پیروزی های نظامی ایران مواضع جبهه پایداری را تقویت نماید . این امر طبعاً نتایج را در زمینه توازن در منطقه خاورمیانه در پی داشت و شکاف موجود میان کشورهای محافظه کار و میانه رو عرب با جبهه رادیکال را تعمیق کرد .

آمریکا برای مقابله با تغییر توازن در منطقه خلیج فارس و خاورمیانه

مبادرت به تقویت جبهه میانه‌رو عرب کرد ، بدین ترتیب که با ایجاد جو روانی - تبلیغاتی ، بر نگرانی این کشورها افزود به گونه‌ای که منطقه را در آستانه یک تحول عظیم که نتایج آن عمدتاً به سود انقلاب اسلامی و یا شوروی‌ها خواهد بود ، برای افکار عمومی اعراب و سران وابسته این کشورها جلوه داد . وزیر دفاع کشور سعودی که به شدت متأثر از جو ناشی از تبلیغات آمریکا و غرب بود ، به منظور توجیه سیاست‌های آتی آمریکا در منطقه اظهار داشت :

« ۹۹ درصد جریان جنگ به نفع شوروی می‌باشد! ... به زودی شوروی حمایت مستقیم و علنی خود را از ایران در زمینه‌های معنوی و نظامی در جنگ آن کشور با عراق را اعلام خواهد کرد ... ایالات متحده نیز نمی‌تواند صحنه را برای دخالت شوروی تنها بگذارد! » (۲۰)

نگرانی و اضطراب کشورهای منطقه ، علاوه بر اینکه بخشی از آن متأثر از جو روانی - تبلیغاتی آمریکا محسوب می‌شد ، عمدتاً ناشی از عملکرد این کشورها در طول جنگ نیز بود که به نوعی سرنوشت آنها را با سرنوشت رژیم بعث و صدام پیوند زده بود ، ضمن اینکه ماهیت وابسته این رژیم‌ها و عدم اتکای آنان به نیروهای مردمی موجب می‌گردید تا حاکمیت این کشورها هرچه بیشتر در معرض تهدید و سقوط قرار گیرد . حضرت امام خمینی با توجه به این مطلب و اینکه آمریکا در پی ایجاد یک انسجام عمومی از کشورهای منطقه و حمایت جدی آنان از عراق است ، بلافاصله پس از شروع عملیات و در آستانه فتح خرمشهر ، به کشورهای منطقه خاطرنشان ساختند که اگر از عراق حمایت نکنند دلیلی برای اینکه بیم و هراسی به دل راه دهند ، وجود ندارد . امام خمینی همچنین به کشورهای منطقه هشدار دادند که سرنوشت خود را با صدام پیوند نزنند .

آمریکا به دنبال تشدید نگرانی کشورهای منطقه از نتایج پیروزی‌های

ایران و بهره‌برداری روس‌ها از وضعیت جدید تلاش کرد تا کشور مصر را - که پس از امضای قرارداد کمپ دیوید از سوی کشورهای عربی طرد و منزوی شده بود - به جرگه اعراب بازگرداند و بدین‌وسیله با بهره‌برداری از موقعیت سیاسی - نظامی مصر، علاوه بر تقویت جبهه میانه‌رو عرب در برابر جبهه پایداری، با اتکا به توازن نظامی این کشور، منطقه را در برابر حوادث غیرمترقبه حفظ نماید. رادیو بی‌بی‌سی به نقل از پاتریک سیر مفسر روزنامه آبرزور، در این زمینه گفت:

«به نظر بسیاری از اعراب، فقط دخالت نظامی مصر و یا دست‌کم تهدیدش به دخالت نظامی است که می‌تواند عراق را از شکست نجات دهد.» (۲۱)

بخش دیگر تلاش آمریکا، به شکل کشورهای حاشیه خلیج فارس که از مدت‌ها قبل شورایی تحت عنوان کشورهای همکاری خلیج (فارس) تشکیل داده بودند، معطوف شد. در این خصوص، قبل از فتح خرمشهر به درخواست کویت و در حمایت از صدام حسین، کنفرانس اضطراری وزرای امور خارجه کشورهای عربی به منظور بررسی آخرین تحولات جنگ ایران و عراق و امنیت خلیج فارس و مسائل مربوط به آن برگزار گردید. بخشی از نتایج این کنفرانس علاوه بر تسهیل در بازگشت مصر به جرگه کشورهای عربی، اساساً تأکید بر افزایش کمک‌های مالی و نظامی به عراق بود، چنانکه روزنامه النهار چاپ بیروت، در این زمینه نوشت:

«اعضای شورای همکاری خلیج (فارس) احساس می‌کنند که دیگر نقش آنها نمی‌تواند منحصر به پشتیبانی مالی از عراق باشد.»

تلاش برای حفظ صدام و تقویت عراق

بافت قومی مردم عراق و گرایش‌های مذهبی آنها از یک‌سو و موقعیت

جغرافیایی این کشور از سوی دیگر ، به گونه‌ای است که ثبات در این کشور ، تنها در صورت وجود یک مرکزیت قوی امکان‌پذیر است . بخشی از علل تداوم حیات سیاسی صدام و حزب بعث نیز برخاسته از همین وضعیت است . * بنابراین ، در موقعیتی که بر اثر پیروزی‌های نظامی ایران وضعیت به سود جمهوری اسلامی تغییر کرد و ضعف و ناتوانی عراق بر حامیان این کشور آشکار شد ، غربی‌ها و حامیان منطقه‌ای صدام در مورد ادامه بقای سیاسی او دچار ابهام و تردید شدند . زیرا صدام علی‌رغم حمایت‌های غرب و شرق و در حالی که جمهوری اسلامی ایران در اوضاع نابسامان پس از پیروزی انقلاب به سر می‌برد ، نه تنها اهداف مورد نظر آمریکا را تأمین نکرد ، بلکه با شکست‌های پی‌درپی وضعیتی را فراهم آورد که منافع آمریکا در سطح منطقه عمیقاً مورد تهدید قرار گرفت . در واقع ، قابلیت و توانایی صدام برای مقاومت در برابر موج‌های توفنده رزمندگان اسلام در هاله‌ای از ابهام قرار گرفته بود . در عین حال ، آمریکایی‌ها با توجه به عواقب سقوط و فروپاشی عراق در سطح منطقه خلیج فارس و خاورمیانه ، نمی‌توانستند در این مورد بی‌تفاوت باشند . بر همین اساس ، از این پس آمریکا جلوگیری از سقوط احتمالی صدام را به عنوان یکی از اصول محوری سیاست و اقدامات خود قرار داده ** و متعاقب آن ، کمک‌های همه‌جانبه و گسترده غرب و شرق به عراق سرازیر گردید که در

✗ علت حمایت آمریکا از صدام پس از جنگ عراق علیه کویت و تلاش آنها برای حفظ حزب بعث نیز اساساً برخاسته از همین مسئله می‌باشد .

✗✗ بعدها پس از جنگ خلیج فارس ، آمریکایی‌ها در توجیه کمک به عراق - طوری که در روزنامه نیویورک تایمز در تاریخ ۲۶ ژانویه ۱۹۹۲ (۶ بهمن ۱۳۷۰) منتشر شد - چنین استدلال کردند : « تصمیم آمریکا بر کمک حیاتی به بغداد آن‌هم در اوایل جنگ هشت ساله با ایران نتیجه اخطار آژانس‌های (متعدد) جاسوسی آمریکا درباره این مطلب بود که عراق در آستانه ساقط شدن توسط ایران است . »

زیر به برخی از موارد آن اشاره می‌شود :

- الف - خارج کردن عراق از فهرست کشورهای تروریست و لغو تحریم فروش تجهیزات به عراق × (وزارت بازرگانی آمریکا با فروش هواپیمای باربری به عراق موافقت کرد) .
- ب - افزایش حمایت آشکار سیاسی - تبلیغاتی از عراق در برابر ایران .
- ج - توافق برای برقراری روابط دیپلماتیک با عراق .
- د - ترغیب مصر به ارسال کمک‌های نظامی به عراق .
- ه - تلاش برای تجهیز عراق به تکنولوژی برتر نظامی ، به ویژه در زمینه هواپیما .
- و - ترغیب کشورهای عرب منطقه به افزایش کمک‌های همه‌جانبه به عراق ، به ویژه کمک‌های مالی .
- ز - کمک‌های اطلاعاتی به عراق ، چنانکه ویلیام کیسی رییس اسبق سیا ، طی سفرهای محرمانه به بغداد ، سطح کمک و نحوه آن را بررسی و سازمان‌دهی کرد .

تلاش برای تحمیل صلح به ایران

کلیه تلاش‌های صلح ، در مدت زمانی که نیروهای اشغالگر در بخشی از مناطق مرزی و شهرهای ایران اسلامی حضور داشتند ، اساساً به گونه‌ای طراحی و پیشنهاد می‌شد که جز تسلیم و نادیده گرفتن حقوق حقه

*** مشاور کمیته روابط خارجی سنای آمریکا در توضیح علت این اقدام آمریکا می‌گوید :**

« این عمل آمریکا به منظور تنبیه ایران و باز کردن راهی برای عراق از بن‌بست موجود می‌باشد و ایران در جنگ با عراق از برتری محسوسی برخوردار است و این واقعه ناخوشایند برای آمریکاست . »

جمهوری اسلامی، نتیجه دیگری به دنبال نداشت. در حالی که، حداقل خواسته ایران "تقدم عقب‌نشینی بر آتش‌بس" بود، لیکن در تمامی پیشنهادهای صلح "آتش‌بس بر عقب‌نشینی تقدم داشت". طبعاً پذیرش چنین پیشنهادی از سوی ایران، این نتیجه را همراه داشت که عراقی‌ها پس از حمله به جمهوری اسلامی و شکست در دستیابی به اهداف مورد نظر خود، در پی برقراری آتش‌بس، بدون اینکه از مناطق اشغالی عقب‌نشینی کنند در کمال آرامش در این مناطق استقرار می‌یافتند تا امتیازات لازم را از طریق مذاکره اخذ و سپس اقدام به عقب‌نشینی کنند. بر همین اساس بود که شهید رجایی رئیس‌جمهور وقت، پس از عملیات فرمانده کل قوا که در تاریخ ۱۳۶۰/۳/۳، در محور دارخوین واقع در جبهه جنوبی، انجام گرفت، اظهار داشت:

«ما سرنوشت جنگ را در میدان جنگ تعیین خواهیم کرد.»

با شکل‌گیری روند آزادسازی مناطق اشغالی، هیئت‌های صلح با استنباط و درکی که از شرایط و مواضع جمهوری اسلامی داشتند، تلاش‌های خود را به تدریج کم رنگ کردند، اما به دنبال فتح خرمشهر و پیدایش اوضاع جدید و احتمال سقوط صدام، یکی از راه‌حلهای فوری برای گریز از نتایج ناشی از پیروزی‌های نظامی ایران را توقف جنگ ارزیابی می‌کردند. * روزنامه لیبراسیون در این زمینه نوشت:

«پس از بازپس‌گیری خرمشهر توسط ایرانیان، آمریکا، اروپا و برخی از

کشورهای منطقه خلیج (فارس)، ابتکارات متعددی را برای پایان دادن به

جنگ به کارگرفته‌اند تا به این ترتیب از سقوط صدام جلوگیری کنند.» (۲۳)

* کیسینجر، در اظهارات خود، که در تاریخ ۱۳۶۱/۴/۳ در روزنامه واشنگتن پست منعکس شده،

می‌گوید: «این به نفع ماست که در منطقه، آتش‌بس برقرار کنیم.»

روزنامه نیویورک تایمز نیز به نقل از مقامات وزارت خارجه آمریکا ،
نوشت :

« ایالات متحده از کشورهای اسلامی خواسته است تا جمهوری اسلامی را

برای رسیدن به توافق با بغداد ، تحت فشار قرار دهند . » (۲۴)

درخواست آمریکا از کشورهای منطقه ، مبنی بر اعمال فشار به ایران
برای پذیرش آتش بس ، نشان دهنده نحوه نگرش آمریکایی ها به ماهیت
صلح می باشد . در واقع مفهوم صلح در نظر آمریکایی ها و کلیه
تلاش هایی که غرب و کشورهای منطقه دنبال می کردند ، اساساً معطوف به
" ممانعت از سقوط صدام " و اعمال فشار به ایران برای انصراف از حقوق
حقه اش بود . همچنین ، تداوم جنگ در این موقعیت نیز با توجه به اوضاع
نابسامان روحی و روانی ارتش عراق و برتری غیرقابل انکار رزمندگان
اسلام ، به زیان منافع غرب و آمریکا در منطقه می انجامید . اظهارات فهد ،
شاه عربستان مبنی بر تأثیرات جنگ بر گسترش بی ثباتی در منطقه ، نشان
دهنده اضطراب و نگرانی حامیان منطقه ای از تداوم جنگ می باشد ، وی
می گوید :

« ادامه جنگ و یا گسترش دامنه آن ، تنها به قیمت بی ثباتی و ناامنی در

منطقه امکان پذیر است ... به همین علت است که بایستی به هر طریق

ممکن ، بر تلاش های صلح آمیز تأکید شود . » (۲۵)

وزرای خارجه کشورهای خلیج فارس در پی برگزاری اجلاس فوری
سران کشورهای حاشیه خلیج فارس ، ضمن بررسی اوضاع منطقه و
وضعیت بی ثبات عراق اعلام کردند که پایان جنگ را برای حفظ ثبات و
امنیت این منطقه حیاتی می دانند . همان طور که گفته شد صلح و ثبات
بدان معنا که از آمریکا و کشورهای منطقه بیان می کردند ، تفاوت ماهوی با
معنای حقیقی این مفاهیم داشت . ثبات مورد نظر آمریکا یعنی مقابله با

هرگونه عاملی که در اندیشه یا عمل با منافع آمریکا در منطقه تضاد و مغایرت داشته باشد بر پایه این مفهوم امریکایی‌ها موقعیت جدید ایران را برای منافع این کشور تهدید آمیز ارزیابی می‌کردند و پیشنهاد صلح و برقراری آتش‌بس نیز بر همین اساس دنبال می‌شد.

سیاست‌های تبلیغاتی و روانی آمریکایی و اقدامات دیپلماتیک این کشور، به گونه‌ای جو و فضای کشورهای منطقه را مخدوش کرده بود که اگر آمریکا صلح به معنای واقعی را نیز دنبال می‌کرد، تحقق آن در چنین اوضاعی امکان‌پذیر نبود، حال آنکه آمریکا به دنبال اهداف دیگری بود.

در نظر گرفتن واقعیات و توجه به منافع و حقوق حقه جمهوری اسلامی در جنگ، لازمه برقراری صلح و ثبات به معنای واقعی در منطقه بود. سکوت آمریکا در برابر تجاوز عراق به جمهوری اسلامی که حاکی از هماهنگی‌های پنهانی با عراق بود، طبعاً عراقی‌ها را به ادامه تجاوز ترغیب می‌کرد.

درخواست عقب‌نشینی بدون قید و شرط و رفع اشغال فوری خاک میهن اسلامی و سپس برقراری آتش‌بس، کمترین و طبیعی‌ترین حق مسلم کشوری است که در موقعیتی کاملاً نامساعد، وحشیانه مورد تجاوز واقع شد و نیز درخواست تعیین متجاوز و پرداخت غرامت، لازمه برقراری ثبات در منطقه بود، لیکن آمریکا و حامیان عراق همواره از پذیرش شرایط جمهوری اسلامی طفره رفتند * و فقط سعی کردند که با تحمیل صلح به

* البته پس از اتمام جنگ، آمریکا که "مأموریت صدام" را تمام شده می‌دانست، به تدریج مسائلی را در مورد متجاوز بودن عراق مطرح کرد که به شدت مورد اعتراض عراق و ناخشنودی صدام واقع شد، لیکن بیان این حقایق تنها در هنگامی صورت گرفت که آمریکا علاوه بر اینکه دیگر به صدام نیازی نداشت از توانایی نظامی این کشور نیز نگران بود.

ایران ، آنچه را که عراق علی‌رغم حمایت‌های همه‌جانبه استکبار جهانی و اذنباب آن نتوانست در میدان نبرد کسب کند ، در پشت میز مذاکره به دست آورد .

از این پس ، از یک‌سو تلاش‌های آمریکا برای حمایت همه‌جانبه از عراق و تجهیز این کشور و نیز فشارهای وارده به جمهوری اسلامی برای پذیرش صلح تحمیلی و از سوی دیگر تجاوز رژیم اشغالگر به جنوب لبنان که از مدت‌ها قبل مقدمات آن فراهم شده بود ، جمهوری اسلامی را در موقعیتی بسیار دشوار قرار داد که در نتیجه می‌بایست علاوه بر مقابله با سیاست‌های آمریکا در منطقه خلیج فارس ، در برابر تجاوزات رژیم صهیونیستی به جنوب لبنان نیز تدابیر لازم را اتخاذ کند و به عبارت دیگر ، تهاجم‌های پنهان استکبار ، ارتجاع و رژیم صهیونیستی علیه جمهوری اسلامی را که تا این زمان توسط رژیم عراق اعمال می‌کرد ، اینک در موارد بسیاری ، نقاب از چهره افکنده و در جبهه‌های مختلف به طور آشکار شروع به مقابله با انقلاب اسلامی کردند .

فهرست مآخذ فصل سوم

- ۱ - خبرگزاری جمهوری اسلامی ، " گزارش‌های ویژه " ، ۱۳۶۱/۲/۱۰ .
- ۲ - پیشین .
- ۳ - خبرگزاری جمهوری اسلامی ، " گزارش‌های ویژه " ، ۱۳۶۱/۲/۱۱ .
- ۴ - خبرگزاری جمهوری اسلامی ، " گزارش‌های ویژه " ، ۱۳۶۱/۳/۱ .
- ۵ - دفتر سیاسی سپاه پاسداران ، دو سال جنگ ، ص ۲۳۵ ، به نقل از روزنامه واشنگتن پست ، ۱۳۶۱/۴/۳ .
- ۶ - خبرگزاری جمهوری اسلامی ، " گزارش‌های ویژه " ، ۱۳۶۱/۲/۲۹ ، خبرگزاری آلمان ، به نقل از روزنامه مصری الاهرام .
- ۷ - خبرگزاری جمهوری اسلامی ، " گزارش‌های ویژه " ، ۱۳۶۱/۳/۴ ، به نقل از خبرگزاری فرانسه .
- ۸ - خبرگزاری جمهوری اسلامی ، " گزارش‌های ویژه " ، ۱۳۶۱/۳/۵ .
- ۹ - پیشین .
- ۱۰ - روزنامه اطلاعات ، ۱۳۶۱/۳/۱۹ .
- ۱۱ - خبرگزاری جمهوری اسلامی ، " گزارش‌های ویژه " ، ۱۳۶۱/۲/۲۷ .
- ۱۲ - خبرگزاری جمهوری اسلامی ، " گزارش‌های ویژه " ، ۱۳۶۱/۲/۲۸ .
- ۱۳ - خبرگزاری جمهوری اسلامی ، " گزارش‌های ویژه " ، ۱۳۶۱/۳/۶ ، به نقل از خبرگزاری یونایتدپرس .
- ۱۴ - خبرگزاری جمهوری اسلامی ، " گزارش‌های ویژه " ، ۱۳۶۱/۲/۲۲ .
- ۱۵ - خبرگزاری جمهوری اسلامی ، " گزارش‌های ویژه " ، ۱۳۶۱/۲/۱۶ .
- ۱۶ - خبرگزاری جمهوری اسلامی ، " گزارش‌های ویژه " ، ۱۳۶۱/۳/۱ ، به نقل از خبرگزاری رویتر .
- ۱۷ - خبرگزاری جمهوری اسلامی ، " گزارش‌های ویژه " ، ۱۳۶۱/۲/۲۵ .
- ۱۸ - خبرگزاری جمهوری اسلامی ، " گزارش‌های ویژه " ، ۱۳۶۱/۳/۶ .
- ۱۹ - پیشین ، به نقل از خبرگزاری یونایتدپرس .
- ۲۰ - خبرگزاری جمهوری اسلامی ، " گزارش‌های ویژه " ، ۱۳۶۱/۲/۲۷ ، به نقل از روزنامه دیولت ، چاپ آلمان .
- ۲۱ - خبرگزاری جمهوری اسلامی ، " گزارش‌های ویژه " ، ۱۳۶۱/۲/۲۶ .
- ۲۲ - خبرگزاری جمهوری اسلامی ، " گزارش‌های ویژه " ، ۱۳۶۱/۲/۲۹ .
- ۲۳ - خبرگزاری جمهوری اسلامی ، " گزارش‌های ویژه " ، ۱۳۶۱/۳/۷ .
- ۲۴ - خبرگزاری جمهوری اسلامی ، " گزارش‌های ویژه " ، ۱۳۶۱/۳/۲ ، به نقل از رادیو آمریکا .
- ۲۵ - خبرگزاری جمهوری اسلامی ، " گزارش‌های ویژه " ، ۱۳۶۱/۳/۵ ، به نقل از آسوشیتدپرس .

فهرست راهنمای موضوعی

شامل : اشخاص ؛ مکان‌ها و مناطق عملیاتی ؛
کشورها (مناطق و سازمان‌های تابعه) ؛ قاره‌ها ، مناطق
جهانی و مجامع بین‌الملل ؛ عملیات‌ها ؛ نیروهای مسلح
جمهوری اسلامی ؛ نیروهای مسلح عراق ؛ تسلیحات و
تجهیزات نظامی ؛ اصطلاحات و مفاهیم نظامی ؛
اطلاعات و مفاهیم سیاسی ، تشکلهای سیاسی ؛
رسانه‌ها ؛ زمان‌ها و رویدادها

فهرست راهنمای موضوعی

حضرت علی (ع) : ۱۳۱	اشخاص	ابوغازله : ۸۹
حضرت موسی (ع) : ۱۳۱		اف . هیکمن ، ویلیام : ۵۵ ، ۸۱
حضرت مهدی (عج) : ۶۳ ، ۶۶		افنای ، الکس : ۴۶
حسین نژاد (شهید) : ۱۱۵		امام خمینی ، آیت الله خمینی : ۲۵ ، ۲۹
خامنه‌ای ، سیدعلی (آیت الله) : ۶۰		۵۰ ، ۵۹ ، ۶۰ ، ۶۶ ، ۶۷ ، ۷۱ ، ۱۵۲ ، ۱۵۳ ،
خرازی ، حسین (شهید) : ۱۳۳ ، ۱۴۸		۱۶۲ ، ۱۶۳ ، ۱۶۶ ، ۱۷۴
خیابانی ، موسی : ۸۲		امانی (شهید) : ۱۱۵ ، ۱۴۶
درودیان ، محمد : ۱۷		باقری ، حسن (شهید) : ۱۱۴
ربیعی ، اشرف : ۸۲		برژینسکی : ۲۱ ، ۲۳
رجایی ، محمدعلی (شهید) :		برون ، جمشید (شهید) : ۴۱
رجوی ، مسعود : ۸۲		بنی صدر ، ابوالحسن : ۲۲ ، ۵۵ ، ۵۸ ، ۵۹ ،
رشید ، غلامعلی : ۷۹ ، ۸۶ ، ۹۷ ، ۱۱۴		۶۱ ، ۶۵ ، ۶۷ ، ۷۱
رضایی : محسن : ۶۹ ، ۱۰۹ ، ۱۲۴ ، ۱۳۹		بوچالا ، کارل : ۱۵۹
زیدان : احمد : ۱۵۱ ، ۱۵۲		تابه النعیمی ، اسماعیل (سرلشکر) : ۳۹
سادات ، انور : ۹۰		جعفری ، فتح الله : ۱۱۴
سیر ، پاتریک : ۱۷۵		جعفرزاده (شهید) : ۱۱۵
شارون ، آریل : ۹۱		جهان آرا ، محمد (شهید) : ۶۸
شاه (محمدرضا) : ۲۳ ، ۱۵۳		چراغی (شهید) : ۱۱۵
شریعتمداری (آیت الله) : ۸۴		حرّی (شهید) : ۱۱۵
شطی ، حبیب : ۸۹		

شیخ الاسلامی، بهاءالدین: ۱۷

صدام حسینی: ۲۰، ۲۱، ۲۳، ۲۶، ۵۰،

۵۴، ۶۵، ۸۸، ۸۹، ۱۳۷، ۱۴۶، ۱۶۵،

۱۶۶، ۱۶۷، ۱۷۱، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶،

۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰

صدوقی محمد (شهید، آیت الله): ۱۳۱،

۱۳۲

صفری، رحیم: ۱۱۴، ۱۴۴

صیادشیرازی، علی: ۱۳۹

طارق عزیز: ۲۳

ظریفیان شفیعی، غلامرضا: ۱۷

عبدالواحد، عبدالرحمن: ۳۹، ۴۰

عرفات، یاسر: ۹۱

غرضی (شهید): ۱۱۵

غیوراصلی (شهید): ۲۹

فکوری (شهید): ۶۸

فلاحی (شهید): ۶۸

فهد (شاه سعودی): ۱۷۹

فیکس رابرت: ۸۷

کارتز، جیمی: ۲۰، ۲۱، ۲۳، ۱۷۰

کارش، افرایم: ۷۵، ۸۱

کلاهدوز: یوسف (شهید): ۶۷

کیسی، ویلیام: ۱۷۷

کیسینجر: هنری: ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۷۸

لاوی (شهید): ۱۱۵

مجیدی (شهید): ۱۱۵

مشکینی (آیت الله): ۱۳۱، ۱۳۲

معینیان (شهید): ۱۰۱، ۱۲۹، ۱۳۰

نامجو (شهید): ۶۷

نخعی، هادی: ۱۷

واینبرگر، کاسپار: ۱۷۱

وودلاک، ادوارد: ۲۵

هیگ، الکساندر: ۱۶۱، ۱۷۲

مکان‌ها و مناطق عملیاتی

آبادان: ۲۷، ۳۰، ۳۱، ۳۸، ۴۳، ۴۶، ۶۲،

۷۱، ۸۶، ۱۵۲، ۱۶۷، ۱۶۸

ارتفاعات ۱۸۱ و ۱۸۲ (منطقه عملیاتی

فتح‌المبین): ۱۲۷، ۱۴۱

العماره (عراق): ۲۸، ۶۲

امامزاده عباس (منطقه) دزفول: ۲۷

اهواز: ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۸، ۶۲، ۹۷،

۹۸، ۱۰۱، ۱۰۷، ۱۲۰، ۱۴۵

ایستگاه آهو: ۱۲۲

ایستگاه حسینی: ۱۴۱

ایستگاه حمید: ۱۲۹

ایستگاه سلمانیه: ۱۲۹

ایلام: ۱۶۸

بستان: ۲۸، ۲۹، ۷۴، ۷۶، ۷۹

بصره (عراق): ۱۰۰، ۱۰۳، ۱۴۳، ۱۴۵،

۱۴۶، ۱۵۰

بندر خرمشهر: ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۴۲، ۴۵،

۱۵۲

پادگان حمید: ۱۰۰، ۱۰۷، ۱۱۶، ۱۲۹،

۱۴۵

پادگان دژ: ۴۱، ۴۵، ۴۶

پاسگاه زید: ۱۴۱

پاسگاه شهابی: ۱۴۴، ۱۴۸

پاسگاه طلائی: ۳۰

پاسگاه کوشک: ۳۰

پل خرمشهر: ۴۲، ۴۶، ۴۷، ۴۸

پل سابل: ۲۸، ۷۶

پل نادری: ۲۷

پل نو: ۳۲، ۳۳، ۳۵، ۳۷، ۱۵۰،

۱۵۱، ۱۵۲

پلیس راه خرمشهر: ۴۱، ۴۲، ۴۴، ۴۵،

۱۵۱

تپه‌های اکبر : ۲۸	۱۳۷ ، ۱۳۹ ، ۱۴۰ ، ۱۴۱ ، ۱۴۳ ، ۱۴۵ ،
تنگه چزابه : ۷۹، ۸۰، ۱۰۵	۱۴۶ ، ۱۴۷ ، ۱۴۹ ، ۱۵۰ ، ۱۵۱ ، ۱۵۲ ،
جاده خرمشهر - شلمچه : ۱۵۰	۱۵۳ ، ۱۵۴ ، ۱۵۵ ، ۱۵۹ ، ۱۶۵ ، ۱۶۶ ،
جاده آسفالت فکه - چنانه : ۱۲۸	۱۷۸
جاده اصلی بستان : ۲۸	خوزســـــــــــــــتان : ۲۱، ۲۵، ۲۶، ۵۳، ۵۴، ۵۹،
جاده اصلی حمیدیه : ۲۸	۱۶۸، ۶۴
جاده اصلی سوسنگرد : ۲۸	خونین شهر : ۴۶
جاده اهواز - آبادان : ۳۱، ۴۲، ۱۰۸	خیابان فردوسی (خرمشهر) : ۴۵
جاده اهواز - اندیمشک : ۲۷، ۹۹	دارخوین : ۷۱، ۱۷۸
جـــــــــــــاده اهـــــــــواز - خرْمَشـــــــــهَر : ۲۹، ۳۰، ۴۱،	دروازه حمیدیه : ۲۸
۴۲ ، ۶۹ ، ۱۰۱ ، ۱۰۸ ، ۱۰۹ ، ۱۱۰ ، ۱۱۱ ،	دروازه خرمشهر : ۳۵
۱۱۷ ، ۱۱۸ ، ۱۱۹ ، ۱۲۰ ، ۱۲۱ ، ۱۲۲ ،	دوزفول : ۲۷، ۲۸، ۷۹، ۹۷، ۱۳۷
۱۲۳ ، ۱۲۴ ، ۱۲۹ ، ۱۳۳ ، ۱۳۴ ، ۱۳۶ ،	دژ مرزی : ۱۴۱، ۱۴۲
۱۳۷ ، ۱۳۸ ، ۱۳۹ ، ۱۴۰ ، ۱۴۲ ، ۱۴۴ ،	دوسلک : ۲۷
۱۴۵ ، ۱۴۷ ، ۱۵۰، ۱۵۱	دهلران : ۲۶
جاده حمیدیه - اهواز : ۲۹	راه آهن خرمشهر : ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۴۲
جاده شلمچه : ۳۴، ۴۴، ۱۴۷، ۱۴۹، ۱۵۰	رودخانه اروند (آبراه اروند) : ۲۵، ۹۹،
جـــــــــــــاده کمربــــــــــــــندی خرْمَشـــــــــهَر : ۴۱، ۴۴، ۴۵،	۱۰۱، ۱۰۵، ۱۱۱، ۱۵۱، ۱۵۲
۴۷	رودخانه دجله : ۱۵۱
جاده گرمداشت : ۱۴۰	رودخانه فرات : ۱۵۱
جاده ماهشهر - آبادان : ۶۲	رودخانه کــــــــــــــــارون : ۲۷، ۳۰، ۳۲، ۳۳، ۳۸،
جعفر : ۳۰، ۹۷، ۱۰۱، ۱۰۳، ۱۱۶	۴۱ ، ۴۳ ، ۴۸ ، ۶۹ ، ۷۱ ، ۷۲ ، ۷۶ ، ۹۷ ، ۹۹ ،
جنوب رودکرخه : ۱۰۷، ۱۳۶	۱۰۱ ، ۱۰۵ ، ۱۰۹ ، ۱۱۰ ، ۱۱۱ ، ۱۱۷ ،
چزابه ، تنگه چزابه : ۲۸، ۲۹، ۷۹	۱۱۸ ، ۱۱۹ ، ۱۲۰ ، ۱۲۱ ، ۱۲۲ ، ۱۲۳ ،
چنانه : ۹۷	۱۲۴ ، ۱۲۵ ، ۱۲۹ ، ۱۳۵ ، ۱۳۸ ، ۱۴۵ ،
حلیجه : ۱۴	۱۵۱، ۱۶۵
حمیدیه : ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۱۰۷، ۱۱۶	رودخانه کرخه : ۲۷، ۲۸، ۳۰، ۶۲، ۱۰۱،
خرمـــــــــــــــشـــــــــــــهَر : ۱۵، ۱۶، ۲۱، ۲۶، ۲۷، ۲۹،	۱۰۲، ۱۱۰، ۱۱۶، ۱۳۶
۳۰ ، ۳۱ ، ۳۲ ، ۳۳ ، ۳۴ ، ۳۵ ، ۳۶ ، ۳۷ ، ۳۸ ،	رودخانه کرخه کور (کرخه نور) : ۹۹،
۳۹ ، ۴۰ ، ۴۱ ، ۴۲ ، ۴۳ ، ۴۴ ، ۴۵ و ۴۶ ،	۱۰۰ ، ۱۰۱ ، ۱۰۵ ، ۱۱۵ ، ۱۱۶ ، ۱۲۹ ،
۴۸ ، ۵۰ ، ۵۲ ، ۶۲ ، ۶۹ ، ۸۶ ، ۹۸ ، ۱۰۰ ،	۱۳۳، ۱۳۵
۱۰۱ ، ۱۰۲ ، ۱۰۳ ، ۱۰۷ ، ۱۱۱ ، ۱۱۸ ،	رودخانه نیسان : ۲۹، ۷۸
۱۱۹ ، ۱۲۸ ، ۱۲۹ ، ۱۳۱ ، ۱۳۴ ، ۱۳۶ ،	رودخانه بهمن شیر : ۳۱، ۵۳

- روستای سیدعبود : ۱۰۲
- سریل جنوب رودکرخه : ۱۳۶ ، ۱۳۳ ، ۱۱۵
- سریل غرب رودکـارون : ۱۰۹ ، ۱۰۶ ، ۱۱۷ ، ۱۱۹ ، ۱۲۰ ، ۱۲۱ ، ۱۲۲ ، ۱۲۳ ، ۱۳۰
- سکوی نفتی الامیه (العمیه) : ۴۹
- سکوی نفتی البکر : ۴۹
- سوسنگرد : ۱۰۷ ، ۹۸ ، ۶۳ ، ۳۰ ، ۲۹ ، ۲۸
- سه جزیره (تنب بزرگ ، تنب کوچک ، ابوموسی) : ۲۳
- سیل بند خرمشهر : ۱۴۹ ، ۱۲۹ ، ۴۱ ، ۳۴
- شرق بصره : ۱۰۲
- شـرق رودخانه کـارون : ۹۸ ، ۹۷ ، ۷۹ ، ۷۲ ، ۱۰۲
- شـرمانی : ۲۷
- شـطـالـعرب : ۱۵۱ ، ۹۹ ، ۸۷ ، ۶۲ ، ۲۵ ، ۲۱ ، ۱۵
- شلمچه - تنومه : ۱۰۳
- شـملـچـه : ۱۴۲ ، ۱۴۰ ، ۱۳۹ ، ۱۳۶ ، ۹۹
- ۱۴۶ ، ۱۴۸ ، ۱۴۷ ، ۱۵۰
- شوش : ۱۵۰ ، ۲۸ ، ۲۷
- طبس : ۲۲
- طلائیـه : ۱۴۴ ، ۹۹ ، ۳۰
- عین خوش : ۲۷
- غرب اهواز : ۱۲۹ ، ۱۰۲ ، ۹۹ ، ۹۸
- غـرب کـارون : ۱۲۳ ، ۱۰۸ ، ۱۰۱ ، ۹۹ ، ۹۸
- ۱۳۸ ، ۱۳۵ ، ۱۳۴ ، ۱۳۳ ، ۱۲۹
- فرمانداری خرمشهر : ۴۷
- فکه : ۱۴۱ ، ۶۲ ، ۲۷
- فلکه راه آهن (خرمشهر) : ۳۷ ، ۳۶
- قیصریه (جنوب کرخه) : ۱۳۶
- کردستان : ۶۱ ، ۵۹
- کشتارگاه (خرمشهر) : ۴۴ ، ۴۲ ، ۳۷ ، ۳۶
- کوشک : ۱۴۴ ، ۹۹ ، ۳۰
- کوی ذوالفقاری آبادان : ۳۱
- کوی طالقانی (خرمشهر) : ۴۵ ، ۴۴ ، ۳۵
- گنبد : ۵۹
- محور شوش - دزفول : ۷۹
- محور نشوه - طلائیـه - جفیر : ۱۰۷ ، ۲۷
- مسجد جامع خرمشهر : ۱۵۳ ، ۴۷ ، ۴۵ ، ۴۲
- منـطـاق اشـغـالی : ۱۳۹ ، ۱۰۰ ، ۹۹ ، ۱۵
- ۱۷۸ ، ۱۶۹ ، ۱۶۸ ، ۱۶۴ ، ۱۴۵ ، ۱۴۳
- مناطق رملی : ۱۲۸
- منطقه چارزبر : ۱۱
- منطقه عملیاتی بیت المقدس : ۱۰۴ ، ۹۷
- ۱۲۷ ، ۱۲۵ ، ۱۰۵
- منطقه عملیاتی ثامن الائمه : ۸۶ ، ۷۴ ، ۶۸
- ۹۷
- منطقه عملیاتی طریق القدس : ۷۴
- منطقه عملیاتی فتح المبین : ۹۸ ، ۹۷ ، ۸۸
- ۱۲۷ ، ۱۰۵ ، ۱۰۴
- منطقه عمومی جنوب رودخانه کرخه : ۱۰۷
- منطقه عمومی شوش : ۹۹
- منطقه کوشک - طلائیـه : ۱۴۷
- منطقه نورد (اهواز) : ۳۰
- نهر خـین : ۱۵۰
- نهر عرایض : ۱۵۰ ، ۱۴۷ ، ۱۴۰ ، ۱۳۴
- هورالهویزه : ۱۰۵ ، ۱۰۰ ، ۹۹
- هویـزـه : ۱۰۷ ، ۱۰۲ ، ۱۰۰ ، ۹۸ ، ۶۳ ، ۳۰
- ۱۴۵ ، ۱۱۶
- کشورها (مناطق و سازمان های تابعه)
- آلمان : ۱۶۶ ، ۱۶۵ ، ۱۵۹ ، ۵۴
- آمریکا (آمریکایی ها) : ۲۳ ، ۲۲ ، ۲۱ ، ۲۰
- ۲۵ ، ۵۱ ، ۵۷ ، ۶۰ ، ۸۴ ، ۸۹ ، ۹۰ ، ۱۵۴
- ۱۵۹ ، ۱۶۰ ، ۱۶۱ ، ۱۶۲ ، ۱۶۳ ، ۱۶۴

- ۱۶۵ ، ۱۶۸ ، ۱۷۰ ، ۱۷۱ ، ۱۷۲ ، ۱۷۳ ،
 ۱۷۴ ، ۱۷۶ ، ۱۷۷ ، ۱۷۸ ، ۱۷۹ ، ۱۸۰
 – آژانس‌های جاسوسی آمریکا: ۱۷۶
 – پنتاگون: ۱۶۲
 – دانشگاه جرج تاون: ۲۵
 – حزب دمکرات: ۲۰
 – رئیس اسبق سیا (ویلیام کیسی): ۱۷۷
 – رئیس جمهوری آمریکا (کـارتـر): ۲۰ ،
 ۲۲ ، ۱۷۰
 – سازمان اطلاعات آمریکا: ۵۱
 – سنای آمریکا: ۱۷۷
 – کاخ سفید: ۲۱
 – گروگان‌های آمریکایی: ۲۰
 – نیروی دریایی آمریکا: ۵۵ ، ۸۱
 – واشنگتن: ۲۵ ، ۱۶۶ ، ۱۷۱ ، ۱۷۲
 – وزارت بازرگانی آمریکا: ۱۷۷
 – وزارت خارجه آمریکا: ۱۷۹
 – وزیر خارجه آمریکا (ژنرال هیگ): ۲۲ ،
 ۱۶۱ ، ۱۷۲
 – وزیر دفاع آمریکا (کاسپار واینبرگر): ۱۷۱
 – اردن: ۸۹
 – اسرائیل ، رژیم صهیونیستی: ۹۰ ، ۹۱ ، ۹۲ ،
 ۱۰۱ ، ۱۳۰ ، ۱۳۱ ، ۱۷۳ ، ۱۸۱
 – دانشگاه تل آویو: ۹۱
 – وزیر دفاع اسرائیل ، آریل شارون: ۹۱
 الجزایر: ۱۵۹
 انگلیس (بریتانیا): ۸۰
 ایران ، جمهوری اسلامی ایران: اکثر صفحات
 – بلوچستان: ۵۹
 – تهران: ۸۲
 – جزیره ابوموسی: ۲۰ ، ۲۱
 – جزیره تنب بزرگ: ۲۰ ، ۲۱
 – جزیره تنب کوچک: ۲۰ ، ۲۱
 – جهاد سازندگی: ۱۲۵
 – دانشگاه تهران: ۵۹
 – رئیس جمهور وقت (شهید رجایی): ۸۰ ، ۱۷۸
 – رژیم ایران: ۵۴ ، ۱۶۱ ، ۱۶۹
 – رژیم شاه (سلطنتی): ۲۵ ، ۹۱ ، ۱۶۹
 ریاست جمهوری (آیت الله خامنه‌ای): ۱۲۷
 – ریاست جمهوری (بنی صدر): ۵۷
 – شورای انقلاب: ۵۹
 مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: ۱۱ ،
 ۱۲ ، ۱۳ ، ۱۷ ، ۲۹ ، ۳۱ ، ۴۱ ، ۴۳ ، ۱۱۵
 – نظام جمهوری اسلامی: ۲۵
 چکسلواکی: ۳۶
 سوریه: ۹۲ ، ۱۶۷
 ارتش سوریه: ۹۲
 – پایگاه‌های موشکی سوریه: ۹۲
 شوروی (روسیه – روس‌ها): ۱۵۴ ، ۱۶۰ ،
 ۱۷۴ ، ۱۷۵
 عراق ، رژیم عراق: اکثر صفحات
 – العماره: ۲۸ ، ۶۲
 – بصره: ۱۰۰ ، ۱۰۳ ، ۱۴۳ ، ۱۴۵ ، ۱۴۶ ،
 ۱۵۰
 – بغداد: ۵۴ ، ۷۸ ، ۱۰۰ ، ۱۵۹ ، ۱۶۵ ،
 ۱۶۶ ، ۱۶۷ ، ۱۷۰ ، ۱۷۶ ، ۱۷۷ ، ۱۷۹
 – حاکمان عراق ، حاکمان بغداد ، دولت
 عراق: ۲۳ ، ۲۴ ، ۲۵ ، ۴۲ ، ۵۱ ، ۸۷ ، ۸۸
 – حزب بعث: ۱۷۶
 – دجله: ۱۵۱
 – رئیس جمهور عراق (صدام حسین): ۲۰ ، ۶۵
 – فرات: ۱۵۱

عربستان سعودی: ۱۷۱، ۱۶۸، ۱۶۲، ۵۱، ۱۷۱،

۱۷۲، ۱۷۴، ۱۷۹

- وزیر دفاع عربستان: ۱۷۴

- شاه عربستان (ملک فهد): ۱۷۹

عمان: ۱۷۱

فلسطین: ۹۰، ۱۳۰، ۱۷۳

بیت المقدس: ۱۲۶، ۱۳۰

- سازمان آزادی بخش فلسطین: ۹۱، ۹۲

کویت: ۱۷۵، ۱۷۶

لبنان: ۹۱، ۹۲، ۱۷۳

- بیروت: ۱۷۵

- جنوب لبنان: ۹۱، ۹۲، ۱۳۱، ۱۸۱

مصر: ۸۹، ۹۰، ۱۷۵، ۱۷۷

- صحرای سینا: ۹۰، ۹۱

- قاهره: ۱۶۶

- کانال سوئز: ۱۰۱

- وزیر دفاع مصر: ۸۹

قاره‌ها، مناطق جهانی

و مجامع بین الملل

اروپا: ۱۵۴، ۱۶۰، ۱۷۸

جبهه پایداری عرب: ۱۷۳، ۱۷۵

جبهه میانه‌رو عرب: ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵

جهان عرب: ۸۹

خاورمیانه: ۸۹، ۱۵۸، ۱۶۳، ۱۶۵، ۱۶۹

۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۶

خلیج فارس: ۲۳، ۲۵، ۲۶، ۴۹، ۹۰

۱۵۸، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۵، ۱۶۶

۱۶۹، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۸۱

دیوار شرقی اعراب: ۹۰

سازمان کنفرانس اسلامی: ۸۸، ۸۹

سازمان ملل: ۱۶۴

شورای همکاری خلیج فارس: ۱۷۵

کشورهای اسلامی: ۱۷۹

کشورهای تروریست: ۱۷۷

کشورهای خلیج فارس: ۴۸، ۱۷۲، ۱۷۵

۱۷۸، ۱۷۹

کشورهای عرب: ۹۰، ۱۶۰، ۱۶۷، ۱۷۵

۱۷۷

کشورهای غربی: ۵۸

کشورهای غیرمتعهد: ۸۸

کشورهای مرتجع عرب: ۱۵۴

کشورهای منطقه: ۲۲، ۲۴، ۱۶۰، ۱۶۲

۱۶۷، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۴، ۱۷۹، ۱۸۰

همسایگان عرب: ۱۶۰

عملیات‌ها

آزادسازی خرمشهر، فتح خرمشهر: ۱۵

۱۶، ۹۹، ۱۰۹، ۱۱۱، ۱۱۴، ۱۲۸، ۱۴۶

۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۸

۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۵، ۱۶۸، ۱۷۰

۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۸

آزادسازی مناطق اشغالی: ۵۴، ۵۶، ۵۷

۶۵، ۶۶، ۷۱، ۹۶، ۱۰۴، ۱۶۸، ۱۶۹

۱۷۸

عملیات امام مهدی (عج): ۶۳، ۶۹

عملیات توکل: ۶۲

عملیات رمضان: ۱۶

عملیات بیت المقدس: ۱۵، ۶۹، ۸۷

۱۰۲، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۸، ۱۱۲، ۱۱۴

۱۱۵، ۱۱۷، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۳۱، ۱۵۰

۱۵۵، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۲

عملیات ثامن الائمه (عملیات شکستن

حصر آبادان): ۶۷، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۴

۷۶، ۷۹، ۸۶، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۱۰۸، ۱۱۴

عملیات طبس: ۲۱

عملیات طریق القدس : ۷۵ ، ۷۶ ، ۷۹ ، ۸۷ ،

۹۸ ، ۱۰۵ ، ۱۱۴

عملیات فتح المبین : ۱۵ ، ۸۰ ، ۸۱ ، ۸۲ ،

۸۵ ، ۸۷ ، ۹۷ ، ۹۹ ، ۱۰۰ ، ۱۰۲ ، ۱۰۵ ،

۱۰۶ ، ۱۰۷ ، ۱۱۴ ، ۱۲۵ ، ۱۲۷ ، ۱۶۲

عملیات والفجر ۱۰ : ۱۱ ، ۱۴

عملیات ولایت فقیه : ۷۱

عملیات هوپزه : ۶۲

عملیات فرماندهی کل قوا : ۱۷۸

عملیات نصر : ۶۲

طرح های عملیاتی کربلای ۱ تا ۱۲ : ۷۲ ،

۱۰۸ ، ۱۲۶

نیروهای مسلح جمهوری اسلامی

× ارتش

– ارتش جمهوری اسلامی ، ارتش ایران ،

ارتش : ۱۲۷ ، ۱۳۲ ، ۲۲ ، ۴۱ ، ۵۱ ، ۵۸ ،

۵۹ ، ۶۰ ، ۶۱ ، ۶۲ ، ۶۳ ، ۶۷ ، ۶۸ ، ۷۱ ،

۷۲ ، ۸۱ ، ۹۷ ، ۱۰۸ ، ۱۰۹ ، ۱۱۱ ، ۱۱۲ ،

۱۱۳ ، ۱۲۰ ، ۱۲۱ ، ۱۲۵ ، ۱۲۶ ، ۱۶۴ ،

۱۶۹

– تیپ ۱ لشکر ۱۶ زرهی : ۱۱۲

– تیپ ۲ لشکر ۱۶ زرهی : ۱۱۲

– تیپ ۳ لشکر ۱۶ زرهی : ۱۱۲

– تیپ ۱ لشکر ۲۱ حمزه : ۱۱۳ ، ۱۳۴

– تیپ ۲ لشکر ۲۱ حمزه : ۱۱۳ ، ۱۳۵

– تیپ ۳ لشکر ۲۱ حمزه : ۱۱۳ ، ۱۴۸

– تیپ ۴ زرهی لشکر ۲۱ حمزه : ۱۱۳

– تیپ ۳ لشکر ۷۷ : ۱۱۴ ، ۱۴۹ ، ۱۵۰

– تیپ ۲۳ نوهده : ۱۱۴

– تیپ ۱ لشکر ۹۲ زرهی : ۳۰ ، ۱۱۳

– تیپ ۲ لشکر ۹۲ زرهی : ۲۷ ، ۱۱۳

– تیپ ۳ لشکر ۹۲ زرهی : ۱۱۳

– تیپ ۳۷ زرهی : ۲۷ ، ۱۱۳ ، ۱۳۲

– تیپ ۵۵ هواپیمایی : ۱۱۳ ، ۱۳۲ ، ۱۴۱ ،

۱۴۷

– تیپ مستقل ۵۸ ذوالفقار : ۱۱۳

– فرماندهان ارتش : ۶۸ ، ۹۶ ، ۹۸ ، ۱۰۶ ،

۱۳۲

– فرمانده نیروی زمینی ارتش : ۱۳۹

– قرارگاه مقدم نیروی زمینی ارتش : ۱۲۱

– قرارگاه های ارتش : ۱۰۶

– گروه ۲۲ توپخانه : ۱۲۶

– گروه ۲۳ توپخانه : ۱۲۶

– لشکر ۲۱ حمزه : ۱۴۷

– لشکر ۷۷ (خراسان) : ۱۲۷

– لشکر ۹۲ زرهی (اهواز) : ۲۷ ، ۳۰

– نیروهای تکاور : ۴۱

– نیروی دریایی ارتش : ۴۹

– نیروی زمینی ارتش : ۱۰۷ ، ۱۱۲ ، ۱۱۳ ،

۱۱۵ ، ۱۲۶ ، ۱۲۷

– نیروی هوایی ارتش : ۴۹ ، ۱۲۶ ،

۱۶۳

– هوانیروز : ۱۲۶

× سپاه پاسداران

– سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ،

سپاه پاسداران ، سپاه : اکثر صفحات

– تیپ ۷ ولی عصر (عج) : ۱۱۳ ، ۱۳۴ ،

۱۳۵ ، ۱۳۶ ، ۱۳۸ ، ۱۴۱ ، ۱۴۷

– تیپ ۸ نجف اشرف : ۱۱۳ ، ۱۳۴ ، ۱۳۸ ،

۱۴۱ ، ۱۴۷ ، ۱۵۰

– تیپ ۱۴ امام حسین (ع) : ۱۱۳ ، ۱۴۱ ،

۱۴۷ ، ۱۵۰ ، ۱۵۲

– تیپ ۱۷ علی بن ابی طالب (ع) : ۱۲۷ ،

۱۲۸

– تیپ ۲۱ امام رضا (ع) : ۱۱۲

۱۷۹، ۱۷۰	، ۱۵۰ ، ۱۴۷ ، ۱۴۶ ، ۱۴۱ ، ۱۴۰
تیپ ۶ زرهی: ۱۳۴، ۴۲، ۴۱، ۳۲	۱۵۱
تیپ ۹ گارد مرزی: ۱۵۵	قرارگاه فجر: ۱۵۱، ۱۴۹، ۱۴۱، ۱۵۰
تیپ ۸ مکانیزه: ۱۳۴	قرارگاه قس: ۱۱۵، ۱۱۲، ۱۱۱، ۱۱۰
تیپ ۱۰ زرهی: ۱۵۵، ۱۳۷، ۱۰۲	، ۱۳۳ ، ۱۲۸ ، ۱۲۷ ، ۱۲۵ ، ۱۱۷ ، ۱۱۶
تیپ ۱۰ گارد مرزی: ۱۵۵	، ۱۴۴ ، ۱۴۰ ، ۱۳۹ ، ۱۳۷ ، ۱۳۶ ، ۱۳۵
تیپ ۱۵ مکانیزه: ۴۹، ۳۷، ۳۵	۱۵۴، ۱۴۷
تیپ ۱۶ زرهی: ۱۳۶	قرارگاه مرکزی کربلا: ۱۰۷، ۱۰۶، ۱۰۲
تیپ ۱۹ پیاده: ۱۳۷	، ۱۴۶ ، ۱۳۹ ، ۱۳۲ ، ۱۳۱ ، ۱۱۴ ، ۱۱۲
تیپ ۲۰ گارد مرزی: ۱۵۵	۱۵۴
تیپ ۲۲ لشکر ۱۱: ۱۰۲	قرارگاه نصیر: ۱۱۵، ۱۱۳، ۱۱۲، ۱۱۱
تیپ ۲۳: ۴۹، ۴۰	، ۱۳۴ ، ۱۲۹ ، ۱۲۷ ، ۱۲۵ ، ۱۱۹ ، ۱۱۷
تیپ ۲۶ زرهی: ۸۷، ۴۸، ۴۲، ۴۱، ۴۰	، ۱۴۷ ، ۱۴۶ ، ۱۴۱ ، ۱۴۰ ، ۱۳۶ ، ۱۳۵
۱۳۶	۱۵۱، ۱۵۰
تیپ ۳۱ نیروی مخصوص: ۱۵۵	قوای جمهوری اسلامی ایران: ۴۳
تیپ ۳۲ نیروی مخصوص: ۱۵۵	قوای نظامی ایران: ۱۰۴
تیپ ۳۳ نیروی مخصوص: ۳۲، ۳۱، ۳۰	معاونت اطلاعات و عملیات ستادکل
۱۵۵، ۴۸، ۴۰، ۳۹، ۳۸، ۳۷، ۳۴، ۳۳	فرماندهی کل قوا (سردار غلامعلی رشید):
تیپ ۴۴ لشکر ۱۱: ۱۰۲	۶۴، ۱۷
تیپ ۴۸ لشکر ۱۱: ۱۰۲	معاونت فرهنگی ستاد کل نیروهای مسلح:
تیپ ۴۹ پیاده: ۱۳۶، ۳۵	۱۷
تیپ ۱۰۹ پیاده: ۱۵۵	نیروهای ایرانی: ۷۹، ۴۷، ۴۶، ۴۳، ۳۵
تیپ ۲۳۸ پیاده: ۱۵۵	نیروهای بومی: ۱۱۹، ۴۱
تیپ ۴۱۶ پیاده: ۱۵۵	نیروهای مردمی: ۶۴، ۶۲، ۶۱، ۶۰، ۵۶
تیپ ۴۱۷ پیاده: ۱۵۵	، ۱۱۴ ، ۱۱۰ ، ۸۱ ، ۷۶ ، ۷۵ ، ۶۹ ، ۶۷ ، ۶۶
تیپ ۴۱۹ پیاده: ۱۵۵	۱۷۴، ۱۶۹
تیپ ۴۲۹: ۴۹، ۳۷	نیروهای نظامی (مسلح) جمهوری
تیپ ۵۰۱ پیاده: ۱۵۵	اسلامی، نیروهای نظامی (مسلح): ۵۱،
تیپ ۶۰۱ پیاده: ۱۵۵	۱۲۰، ۱۰۷، ۸۹، ۸۱، ۶۸، ۶۱، ۵۵
تیپ ۶۰۲ پیاده: ۱۵۵	
تیپ ۶۰۵ پیاده: ۱۵۵	
جیش الشعبی: ۴۹، ۴۴، ۴۰	نیروهای مسلح عراق
سپاه سوم عراق: ۴۴، ۳۹، ۳۲، ۲۶	ارتش عراق: ۴۳، ۳۹، ۲۹، ۲۸، ۲۷
	، ۱۶۱ ، ۱۱۶ ، ۱۰۲ ، ۹۷ ، ۵۳ ، ۵۲ ، ۴۴

- سرفرماندهی کل ارتش عراق : ۴۶ ، ۷۲
فرمانده سپاه سوم (سرلشکر ستاد اسماعیل
تابه النعیمی) : ۳۹
فرماندهی قوای عراق : ۳۴ ، ۳۷ ، ۱۵۱
فرماندهی کل نیروهای مسلح عراق : ۷۹
قرارگاه تیپ ۳۳ : ۳۸
گردان یکم تیپ ۴۹ : ۴۰ ، ۴۹
گردان دوم تیپ دوم لشکر ۲ پیاده : ۳۸ ،
۴۰ ، ۴۹
گردان دوم نیروی مخصوص تیپ ۳۱ : ۳۸ ،
۴۰ ، ۴۹
گردان ۳ مکانیزه : ۳۵ ، ۳۶ ، ۳۷ ، ۴۹
گردان سوم نیروی مخصوص
گارد ریاست جمهوری : ۴۴ ، ۴۹
گردان شناسایی حنین : ۱۵۵
گردان شناسایی حطین : ۱۵۵
گردان هفتم تیپ ۳۳ نیروی مخصوص :
گردان هشتم نیروی مخصوص : ۳۲ ، ۳۴ ،
۳۹ ، ۴۰ ، ۴۸
گردان نهم نیروی مخصوص : ۳۲ ، ۳۴ ،
۳۹ ، ۴۸
گردان تانک الحسین : ۳۲ ، ۳۳ ، ۳۴ ، ۳۵ ،
۳۶ ، ۳۷ ، ۴۸
گردان کماندویی : ۳۷ ، ۴۹
لشکر ۱ مکانیزه : ۲۷ ، ۲۸ ، ۸۶ ، ۸۷ ، ۱۲۷
لشکر ۲ : ۳۷ ، ۴۹
لشکر ۳ زرهی : ۲۷ ، ۳۰ ، ۳۱ ، ۳۲ ، ۳۴ ،
۳۵ ، ۳۸ ، ۳۹ ، ۴۶ ، ۴۷ ، ۴۸ ، ۵۳ ، ۸۶ ،
۱۰۲ ، ۱۳۶ ، ۱۵۴
لشکر ۵ مکانیزه : ۲۸ ، ۲۹ ، ۳۰ ، ۳۲ ، ۴۸ ،
۱۰۲ ، ۱۱۶ ، ۱۱۷ ، ۱۲۱ ، ۱۳۶ ، ۱۳۷ ،
۱۴۳ ، ۱۴۴ ، ۱۴۵ ، ۱۵۴
لشکر ۶ زرهی : ۱۰۲ ، ۱۱۶ ، ۱۱۷ ، ۱۳۷ ،
- ۱۴۳ ، ۱۴۴ ، ۱۴۵ ، ۱۵۴
لشکر ۷ پیاده : ۱۵۴
لشکر ۹ زرهی : ۲۸ ، ۲۹ ، ۳۰ ، ۸۷ ، ۱۵۴
لشکر ۱۰ زرهی : ۲۷ ، ۸۶ ، ۸۷ ، ۱۲۷ ،
۱۵۴
لشکر ۱۱ پیاده : ۱۰۲ ، ۱۵۴
لشکر ۱۲ زرهی : ۱۵۴
لشکر ۱۵ پیاده : ۱۵۴
نیروهای عراقی ، عراقی ها : ۲۹ ، ۳۵ ، ۳۷ ،
۳۹ ، ۴۱ ، ۴۲ ، ۴۳ ، ۴۵ ، ۵۰ ، ۵۴ ، ۵۵ ، ۵۶ ،
۶۲ ، ۷۶ ، ۷۸ ، ۱۱۰ ، ۱۲۳ ، ۱۳۴ ، ۱۴۴ ،
۱۵۱ ، ۱۵۲ ، ۱۵۸ ، ۱۵۹ ، ۱۶۶ ، ۱۶۷ ،
۱۶۸ ، ۱۷۸ ، ۱۸۰
نیروهای کماندویی خالد : ۳۷ ، ۴۹
تسلیحات و تجهیزات نظامی
پایگاه موشکی زمین به هوا : ۱۲۶
پل های شناور : ۱۲۰ ، ۱۲۳
سیستم هاگ (ضد هوایی) : ۱۲۷
نفربر زرهی پی ام پی ۱ : ۱۱۴
هلی کوپتر ۲۰۶ : ۱۲۶
هلی کوپتر ۲۱۴ : ۱۲۶
هلی کوپتر شنوک : ۱۲۶
هلی کوپتر کبری : ۱۲۶
هواپیمای ۱۳۰ - c : ۱۲۶
هواپیمای ۱۴ - f : ۱۲۶
هواپیمای باربری : ۱۷۷
هواپیمای ۴ - f : ۱۲۶
اصطلاحات و مفاهیم نظامی
آتش بس : ۵۰ ، ۵۳ ، ۵۵ ، ۸۰ ، ۱۶۱ ، ۱۷۸ ،
۱۷۹ ، ۱۸۰
آزادسازی مناطق اشغالی : ۵۴ ، ۵۶ ، ۵۷ ،

- ۶۵ ، ۶۶ ، ۷۱ ، ۹۶ ، ۱۰۴ ، ۱۶۸ ، ۱۶۹ ،
۱۷۸
ابتکار عمل: ۹۸ ، ۱۳۵ ، ۱۴۲ ، ۱۴۳ ،
۱۶۳ ، ۱۶۹
استراتژی پرتحرک و محدود: ۵۰
استراتژی عملیاتی: ۶۷ ، ۷۲
استراتژی نظامی جمهوری اسلامی: ۸۵
استراتژی نظامی عراق: ۲۶ ، ۵۵
استراتژی هجوم: ۶۸ ، ۹۶
اصل تمرکز قوا: ۷۲
بسیج ملی: ۶۱
پتانسیل: ۶۲ ، ۷۶ ، ۸۶ ، ۱۰۳ ، ۱۰۴ ، ۱۱۸ ،
۱۳۱ ، ۱۳۶ ، ۱۳۷ ، ۱۳۸ ، ۱۴۳ ، ۱۴۴ ،
۱۵۲
تاکتیک امواج انسانی: ۷۶
تاکتیک عملیات: ۷۶ ، ۱۱۹ ، ۱۲۴ ، ۱۳۵
تاکتیک نظامی ایران: ۱۶۵
تاکتیک‌های رزمی نوین: ۶۷
تدابیر پدافندی ویژه: ۱۰۰
تفکر کلاسیک: ۶۹ ، ۱۱۰ ، ۱۰۹ ، ۱۲۰ ،
۱۲۴
تکنولوژی برتر نظامی: ۱۷۷
توان نظامی ایران: ۱۶۴ ، ۱۷۰
جنگ انفجارات: ۳۱
جنگ شهری: ۴۰
خیز بلند: ۲۸ ، ۳۶ ، ۳۸ ، ۱۰۱
سازماندهی: ۲۶ ، ۳۱ ، ۳۷ ، ۴۲ ، ۴۵ ، ۵۷ ،
۵۸ ، ۶۴ ، ۶۵ ، ۶۸ ، ۷۵ ، ۷۹ ، ۸۱ ، ۱۰۴ ،
۱۱۲ ، ۱۱۴ ، ۱۲۸ ، ۱۳۶ ، ۱۴۲ ، ۱۴۶ ،
۱۵۱ ، ۱۶۹ ، ۱۷۳ ، ۱۷۷
سرپل‌گیری: ۱۰۶ ، ۱۰۹ ، ۱۱۰ ، ۱۱۱
سرعت عمل: ۱۰۸ ، ۱۱۰ ، ۱۲۰ ، ۱۲۲ ،
۱۲۳ ، ۱۵۸ ، ۱۶۵
سیستم کلاسیک نظامی: ۶۱ ، ۶۹
شنود رادیویی: ۱۵۱
عقب‌نشینی تاکتیکی: ۱۶۶
عقب‌نشینی: ۱۳۶ ، ۱۳۷ ، ۱۳۸ ، ۱۴۲ ،
۱۴۳ ، ۱۴۴ ، ۱۴۵ ، ۱۴۶ ، ۱۵۴ ، ۱۶۶ ،
۱۷۸ ، ۱۸۰
عملیات کلاسیک: ۶۲
عملیات محدود: ۶۴
عملیات سریع ، برق‌آسا: ۲۶
غافلگیری: ۳۳ ، ۱۰۵ ، ۱۱۰ ، ۱۱۹ ، ۱۲۰ ،
۱۲۲ ، ۱۲۳ ، ۱۳۳ ، ۱۶۳
لاک دفاعی: ۵۳
ماشین نظامی (جنگی) عراق: ۲۴ ، ۵۳
ماشین نظامی ایران: ۱۶۳
ممانور عملیات: ۱۰۴ ، ۱۰۶ ، ۱۲۲ ، ۱۲۴ ،
۱۲۷ ، ۱۲۸
مقاومت مردمی: ۳۰ ، ۳۱ ، ۴۹ ، ۵۲
نیروی کلاسیک: ۶۰ ، ۶۱
هلی‌برد: ۷۵ ، ۱۰۲
اصطلاحات و مفاهیم سیاسی ،
تشکل‌های سیاسی
اپوزیسیون: ۸۴ ، ۸۵
اسـتـکـبار جـهانی: ۲۰ ، ۶۰ ، ۱۶۰ ، ۱۶۴ ،
۱۶۵ ، ۱۸۱
اعراب: ۵۴ ، ۹۰ ، ۱۷۴ ، ۱۷۵
بحران سیاسی و امنیتی: ۳۱
تروریست: ۸۴
تشکل عربی: ۸۹
تغییر توازن سیاسی – نظامی به سود ایران:
۱۵ ، ۶۵ ، ۶۸ ، ۸۷ ، ۱۵۹ ، ۱۶۰ ، ۱۶۹ ،
۱۷۰ ، ۱۷۲
توازن قوا: ۱۶۱

- جبهه میانه‌رو عرب: ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵
 جبههٔ رادیکال (اعراب): ۱۷۳
 جبهه متحد ضد انقلاب: ۶۵، ۷۰، ۷۸، ۸۴
 جهان اسلام: ۸۸
 جهان عرب: ۸۹
 حامیان عراق: ۸۹، ۱۶۷، ۱۶۹، ۱۸۰
 خط و مناطق مرزی: ۱۴۲، ۱۷۷
 خلق عرب (گروه - خرمشهر): ۳۱
 دیپلماتیک: ۸۹، ۱۶۲، ۱۷۳، ۱۷۷، ۱۸۰
 رژیم بعثی: ۲۵
 صدام: ۲۱، ۲۲، ۲۴، ۲۶، ۵۰، ۵۳، ۵۴، ۸۷، ۸۹، ۱۳۷، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۶، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰
 سازمان آزادی‌بخش فلسطین: ۹۱، ۹۲
 شرق: ۲۲، ۱۷۰، ۱۷۶
 صلح: ۵۸، ۶۱، ۶۳، ۸۰، ۸۷، ۱۷۳، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰
 صلح تحمیلی: ۵۶، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۸۱
 ضد انقلاب: ۱۵، ۵۵، ۵۹، ۶۵، ۷۸، ۸۲، ۸۴
 غرب: ۲۲، ۵۱، ۸۴، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۱۶۲، ۱۶۴، ۱۷۰، ۱۷۴، ۱۷۶، ۱۷۹
 قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر: ۲۴، ۲۵، ۵۳، ۵۴
 قرارداد کمپ دیوید: ۹۰، ۱۷۵
 قطع‌نامه ۵۹۸: ۱۱
 کشورهای مرتجع منطقه: ۵۱، ۱۷۰
 کودتا: ۲۲، ۲۳، ۸۴
 کوتای نوزه: ۲۲، ۶۰
 گروگان‌گیری: ۲۰
 گروه‌های مارکسیست: ۸۴
 لانه جاسوسی آمریکا: ۵۷، ۵۸
 لیبرال‌ها: ۶۶، ۱۶۹
 مبارزات ضد اسرائیلی: ۱۳۰
 مجاهدین خلق (منافقین): ۸۴
 مذاکرات صلح: ۱۰۰، ۱۶۵، ۱۶۷
 مذاکرهٔ سیاسی: ۵۸
 مـررز بین‌المللی: ۷۴، ۱۰۱، ۱۰۷، ۱۰۸
 ۱۴۱، ۱۴۳، ۱۴۵، ۱۴۷
 مسئله فلسطین: ۱۳۰
 مناسبات بین‌المللی و جهانی: ۲۴، ۵۵
 نظم مسالمت‌آمیز بین‌المللی: ۱۷۳
 نیروهای اشغالگر: ۶۳، ۶۴، ۱۷۷
 نیروهای انقلابی: ۵۷، ۵۸، ۶۰، ۶۱، ۶۸
 ۷۲، ۱۱۰
 هیئت‌های صلح: ۸۰، ۸۱، ۱۷۸
 رسانه‌ها
 خبرگزاری آسوشیندپرس: ۴۶
 خبرگزاری جمهوری اسلامی: ۲۵، ۴۶
 ۱۶۰، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۸
 خبرگزاری رویتر: ۸۷، ۱۶۲
 خبرگزاری عراق: ۸۷
 خبرگزاری فرانسه: ۱۶۷
 رادیو آلمان: ۵۰
 رادیو آمریکا: ۲۵، ۱۶۳، ۱۷۲
 رادیو بغداد: ۱۴۶
 رادیو بی. بی. سی: ۴۳، ۸۸، ۸۹، ۱۵۹، ۱۷۵
 رادیو لندن: ۵۰، ۵۲
 رادیو مونت کارلو: ۱۵۹
 روزنامه آبرزور: ۱۷۵
 روزنامه الاهرام: ۱۶۶
 روزنامه الشعب: ۱۵۹
 روزنامه المعاریف: ۹۱
 روزنامه النهار: ۱۷۵
 روزنامه انقلاب اسلامی: ۵۰

زمان‌ها و رویدادها

۱۳۵۸/۲/۱۶ (تصویب رسمیت سپاه
توسط شورای انقلاب) : ۵۹
۱۳۵۹/۱/۱۸ (اعلام صدام مبنی بر لزوم
خروج ایران از جزایر سه‌گانه) : ۲۰، ۲۱
۱۳۵۹/۱/۱۹ (اعلام قطع رابطه آمریکا
با ایران) : ۲۰
۱۳۵۹/۲/۵ (عملیات طیس) : ۲۱
۱۳۵۹/۶/۲۶ (سپتامبر ۱۹۸۰ - لغو
قرارداد الجزایر توسط صدام) : ۲۴
۱۳۵۹/۶/۳۱ (تهاجم همه‌جانبه دشمن به
مرزها: ۲۲، ۳۲، ۶۱
۱۳۵۹/۷/۶ (درخواست آتش‌بس از
طرف صدام) : ۵۳
۱۳۵۹/۷/۷ (رسیدن نیروهای عراقی به
۵۰۰۰ متری پل نو) : ۳۲
۱۳۵۹/۷/۱۰ (جنگ نفر با تانک و
عقب‌نشینی عراقی‌ها در خرمشهر) : ۳۶
۱۳۵۹/۷/۱۳ (تهاجم سنگین به
خرمشهر) : ۳۸
۱۴ الی ۱۳۵۹/۷/۱۶ (نفوذ دشمن به
خرمشهر) : ۴۲
۱۳۵۹/۷/۱۹ (عبور نیروهای عراقی از
کارون) : ۳۰، ۴۳
۱۳۵۹/۷/۲۱ (تصرف ساختمان‌های
کوی طالقانی خرمشهر توسط نیروهای
دشمن) : ۴۴
۱۳۵۹/۷/۲۲ (روز سرنوشت) :
خرمشهر) : ۴۳، ۴۵
۱۳۵۹/۷/۲۳ (سقوط پادگان دژ
خرمشهر) : ۴۵
۱۳۵۹/۷/۲۳ (عملیات ارتش در محور
دزفول) : ۶۲

روزنامه دویچه ساتونگ : ۱۵۹، ۱۶۵

روزنامه دیولت : ۱۶۶

روزنامه شیکاگو تریبون : ۱۷۱

روزنامه کریستین ساینس مانیتور :

۱۷۱، ۱۷۲، ۲۵

روزنامه کیهان : ۲۳

روزنامه گاردین : ۵۰، ۱۶۵

روزنامه لوموند : ۱۶۹

روزنامه لیبراسیون : ۱۷۸

روزنامه نیروهای مسلح آمریکا : ۱۶۳

روزنامه نیویورک تایمز :

۶۵، ۸۷، ۱۷۱، ۱۷۶، ۱۷۹

روزنامه واشینگتن پست :

۴۳، ۸۰، ۱۷۱، ۱۷۸

روزنامه وال استریت ژورنال : ۱۶۶

کتاب آغاز تا پایان : ۱۱

کتاب حلبچه تا مرصاد : ۱۱

کتاب خرمشهر تا فاجعه :

۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۶، ۱۷

کتاب خونین شهر تا خرمشهر : ۱۱، ۱۶، ۱۷

کتاب خرمشهر در جنگ طولانی : ۳۱

کتاب شلمچه تا حلبچه : ۱۱

کتاب فاو تا حلبچه : ۱۴

کتاب فاو تا شلمچه : ۱۱

کتاب گذری بر دو سال جنگ : ۲۶

مجله اشپیگل : ۲۱، ۵۴

مجله الوطن : ۲۳

مجله بولیتن : ۱۶۰

مجله نیوزویک : ۱۶۸

نشریه تایمز مالی : ۵۲، ۵۳، ۱۵۹

نشریه لوس آنجلس تایمز : ۱۷۱

نشریه لویل : ۸۰

نشریه هراالد تریبون : ۲۱

- ۱۳۵۹/۷/۲۴ (تغییر نام خرمشهر به
خونین شهر) : ۴۶
- ۱۳۵۹/۷/۲۹ (پیشروی دشمن به سمت
پل خرمشهر) : ۴۷
- ۱۳۵۹/۸/۲ (سقوط کامل خرمشهر) : ۴۸
- ۱۳۵۹/۱۰/۱۵ (عملیات ارتش در محور
هویزه، عملیات نصر) : ۶۲
- ۱۳۵۹/۱۰/۲۰ (عملیات توکل روی
جاده ماهشهر - آبادان) : ۶۲
- ۱۳۵۹/۱۲/۲۶ (عملیات امام
مهدی (عج) : ۶۴، ۶۹
- ۱۳۶۰/۳/۲۳ (عملیات ولایت فقیه) :
۷۱
- ۱۳۶۰/۷/۵ (عملیات ثامن الائمه -
شکسته شدن محاصره آبادان) :
۶۴، ۷۱، ۱۶۷
- ۱۳۶۰/۷/۸ (شهادت فلاحی، فکوری،
نامجو، کلاهدوز، جهان آرا) : ۶۸
- ۱۳۶۰/۹/۸ (عملیات طریق القدس) : ۷۴
- ۱۳۶۰/۱۱/۱۳ (تهاجم دشمن به تنگه
جزایه) : ۱۰۵
- اسفند ۱۳۶۰ و فروردین ۱۳۶۱ (کشف)
خانه‌های تیمی منافقین) : ۸۲
- ۱۳۶۱/۱/۲ (عملیات فتح‌المبین) : ۸۱
- ۱۳۶۱/۲/۵ (۲۵ آوریل ۱۹۸۲ - زمان
اجرای مرحله سوم خروج نیروهای رژیم
صهیونیستی از صحرای سینا) : ۹۰
- ۱۳۶۱/۲/۱۰ (آغاز عملیات
بیت‌المقدس) : ۸۵، ۱۳۲
- ۱۳۶۱/۲/۱۶ (مرحله دوم عملیات
بیت‌المقدس) : ۱۴۱
- ۱۳۶۱/۲/۱۹ (مرحله سوم عملیات
بیت‌المقدس و عقب‌نشینی دشمن تا
جفیر) : ۱۴۴، ۱۴۷
- ۱۳۶۱/۳/۲ (مرحله چهارم عملیات
بیت‌المقدس) : ۱۵۲
- ۱۳۶۱/۳/۳ (آزادسازی خرمشهر) : ۱۵۲
- ۱۳۶۱/۳/۴ (پاکسازی خرمشهر) : ۱۵۳

مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ منتشر کرده است

روزشمار جنگ ایران و عراق - کتاب اول - جلد ۱ : پیدایش نظام جدید
روز شمار جنگ ایران و عراق - کتاب اول - جلد ۲ : بحران خوزستان
روزشمار جنگ ایران و عراق - کتاب چهارم : هجوم سراسری
روزشمار جنگ ایران و عراق - کتاب پنجم : هویزه آخرین گامهای اشغالگر

سیری در جنگ ایران و عراق ، جلد اول : خونین شهر تا خرمشهر
سیری در جنگ ایران و عراق ، جلد دوم : خرمشهر تا فاو
سیری در جنگ ایران و عراق ، جلد سوم : فاو تا شلمچه
سیری در جنگ ایران و عراق ، جلد چهارم : شلمچه تا حلبچه
سیری در جنگ ایران و عراق ، جلد ششم : آغاز تا پایان

مجموعه " گزارش عملیات " - ۸ : نبرد فاو
مجموعه " گزارش عملیات " - ۱۰ : نبرد العمیه
مجموعه " گزارش عملیات " - ۱۱ : نبرد شرق بصره

خرمشهر در جنگ طولانی
راهنمای عملیات
جنگ در سال ۶۵
گذری بر دو سال جنگ

منتشر می شود

روزشمار جنگ ایران و عراق - کتاب شانزدهم - جلد اول
روزشمار جنگ ایران و عراق - کتاب هجدهم - جلد اول
روزشمار جنگ ایران و عراق - جلد پنجم - پایان جنگ

برای اطلاع بیشتر و تهیه کتب مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ با شماره تلفن

۶۴۹۵۵۷۲ تماس گرفته یا با صندوق پستی ۵۱۸ - ۱۳۱۴۵ تهران مکاتبه نمایید .